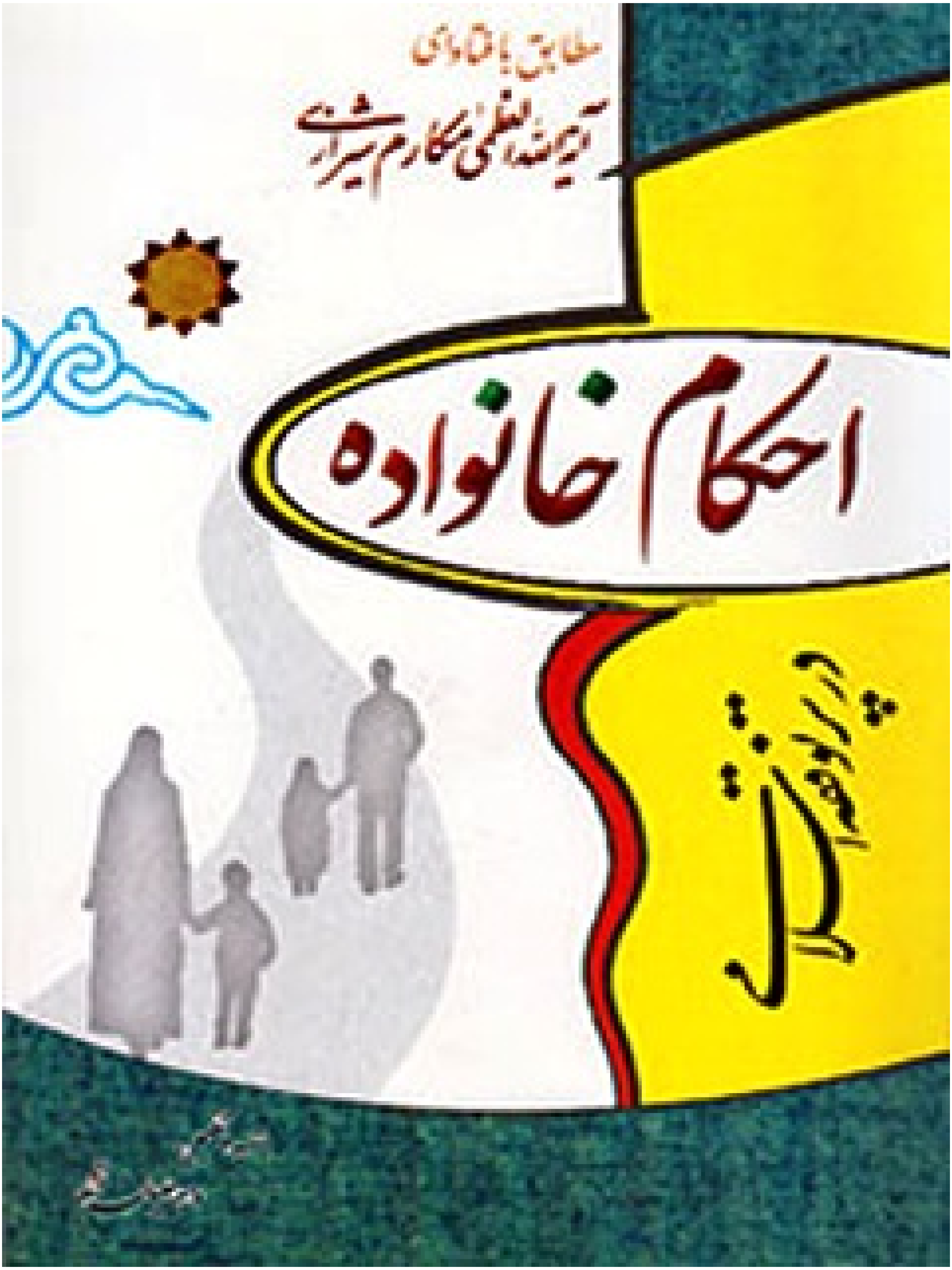

مطابق با فتاوای
آیت الله العظمی مکارم شیرازی
احکام خانواده

بسم الله الرحمن الرحیم

احکام خانواده در پرتو فقه اسلامی مطابق با فتاوای آیه الله العظمی مکارم شیرازی

نویسنده:

ناصرمکارم شیرازی

ناشر چاپی:

علی بن ابی طالب (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

احکام خانواده در پرتو فقه اسلامی مطابق با فتاوای آیه‌الله‌العظمی مکارم شیرازی

مشخصات کتاب

سرشناسه : مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ –

عنوان و نام پدیدآور : احکام خانواده در پرتو فقه اسلامی مطابق با فتاوای آیه‌الله‌العظمی مکارم شیرازی / تهیه و تنظیم وحید علیان‌نژاد.

مشخصات نشر : قم: انتشارات امام علی‌بن ابی‌طالب(ع)، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۵۱۱ ص.

شابک : ۴۰۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۱۰۵-۲

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی:Family rules based on islamic feqh...

موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه

موضوع : فتواهای شیعه -- قرن ۱۴

موضوع : اسلام و خانواده

شناسه افزوده : علیان نژاد، وحید ، گردآورنده

رده بندی کنگره : BP۱۸۳/۹/م۷الف۳ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۴۲۲

شماره کتابشناسی ملی : ۲۱۰۸۷۳۳

پیشگفتار

بسم‌اللّه الرحمّن الرّحیم

سپاس خداوندی که انسان را نهاد و فطرتی پاک عطا فرمود تا همواره در جستجوی حق باشد و هیچ‌گاه از توفیق هدایت محروم نساخت و بعضی از بندگان پاکش را یکی پس از دیگری مُرشد آدمیان ساخت و بهترین آنان محمد امین صلی الله علیه و آله را بزرگ‌ترین معلّم اخلاق و خاتم رسولان قرار داد، رسول رحمت که دو امانت به یادگار گذاشت، اوّل قرآن مجید و دوم تمام کننده نعمت الهی یعنی ولایت مولی الموحدین، امیرمؤمنان، اسداللّه الغالب، علی ابن ابی‌طالب علیه السلام و دو سیّد جوانان اهل بهشت حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام و نه تن از اولاد امام حسین علیهم السلام؛ آنان که پاکترین پاکان و از نسل زهرای اطهر علیها السلام هستند.

خدایی که هیچ‌گاه انسان را تنها نگذارد و از آغاز غیبت مهدی فاطمه علیه السلام با اشاره حضرتش هدایت بشر را بر عهده فقها گذاشت، همان فقهای وارسته‌ای که عمر خود را وقف راه خدا کردند.

بشریّت همیشه مُحتاج تعالیم حَقّه الهی بوده، تا بتواند به آرامش برسد و مسیر تکامل را طی نماید و امروز پیمودن این راه فقط در پرتو فقه شیعی ممکن است و آنان که از پرتو فقاهت دور شدند، در ظلمت دنیا اسیر شیطان و شیطان‌صفتان گشته، دنیا و آخرت خود را تباه شده دیدند.

احکام خانواده، ص: ۱۶

مردان الهی همانند خورشید تابناک هستند؛ همان‌گونه که اگر کسی خانه خود را رو به خورشید بسازد و پنجره‌اش را به‌سوی

خورشید بگشاید، خانه‌ای روشن از انوار، گرم از حرارت و به‌دور از آلودگی به برکت پرتو خورشید خواهد داشت؛ آنان که پنجره دل را به سوی انوار فقاهت بگشایند، معنای کامل حَرَمُ اللّه را درک می‌کنند زیرا نور فقاهت قلبشان را روشن، حرارت عشق الهی، دلشان را گرم و تعالیم اسلامی آنان را از آلودگی‌ها پاک می‌کند و آنگاه انسان می‌شود خلیفهٔ‌اللّه و قلبش هم می‌شود حَرَمُ اللّه و این همان لقاءاللّه است که محقّق نمی‌شود مگر با زندگی در پرتو فقه شیعی.

در طول تاریخ بعضی انسان‌ها گاه با تکیه بر علم، ادراک و آگاهی زندگی خود را بنا نهاده و در راه مستقیمی که خداوند فرموده حرکت کرده‌اند، ولی بعضی دیگر به دنبال امیال، غرایز و شهوات رفته و گمراه شده‌اند امّا همواره فقه اسلامی با ضمانت‌های اجرایی قوی مثل اخلاق، انسان‌ها را به راه حق و حقیقت دعوت نموده و تا مقصد همراهی کرده است.

مجموعه حاضر نظرات فقیه عالیقدر جهان تشیّع

حضرت آیت اللّه العظمی مکارم شیرازی

(مدّ ظلّه العالی) است، پیرامون روابط مرد و زن، مقدّمات و مراسم عروسی، ازدواج دائم و موقت، مسائل زناشویی، احکام فرزند، طلاق و ارث زن و شوهر و بعضی مسائل مرتبط با این موضوعات، به انضمام بخشی دیگر که شامل ۲۴۰ واژه و اصطلاح فقهی همراه با معانی آنها بیان شده است.

یکی از مهم‌ترین دلایل گردآوری این مجموعه روشن نمودن افکار عمومی نسبت به برخی رسوم بی‌اساس و دست و پا گیر در امر ازدواج و به تعبیری دیگر تولّد دوم که تولّدی است ارادی و اختیاری و پا نهادن به دنیایی جدید که اگر در پرتو فقه و با بصیرت و تعقّل همراه شود، سبب آرامش و تکامل و اگر بر اساس معیارهای اشتباه انجام شود سبب طوفان در زندگی و ایجاد مشکلات فراوان

احکام خانواده، ص: ۱۷

می‌شود؛ طوفانی که گاه منتهی می‌شود به هلاکت، و مشکلاتی که نمی‌توان برای آنها راه حل مناسبی پیدا کرد. در کنار این بحث نیز به بیان بعضی احکام برای پیشگیری از ورودِ برخی انحرافات در ساختار روابط اجتماعی و خانوادگی در جامعه اسلامی پرداخته‌ایم؛ البته با توجه به این که این مجموعه مختص به بیان احکام است بیشتر به مسائل فقهی و احکام عملی پرداخته شده و إن‌شاءاللّه اگر عمر باقی و توفیق رفیق بود در مجال دیگر به واکاوی ساختارهای اجتماعی و مسائل خانوادگی خواهیم پرداخت.

جا دارد از تمام عزیزانی که در تهیّه این مجموعه یاریم نموده‌اند و با نظرات خود راهگشایم بوده‌اند به‌ویژه جناب حجت‌الاسلام والمسلمین ابوالقاسم علیان‌نژادی که از ابتدا تا انتهای کتاب را با دقت مطالعه نموده، و نکاتی ظریف و دقیق را برای پربارتر شدن کتاب یادآور شده‌اند، تقدیر و تشکر نمایم؛ مشتاقانه منتظر راهنمایی‌ها، انتقادات و پیشنهادات خوانندگان محترم خصوصاً جوانان پویا و حقیقت‌جو هستم.

در آخر عرض می‌کنم، پروردگارا! هر چند عمل و کردار ما بندگان تو، ناچیز است، امّا کَرَم تو بی‌حدّ است، از ذات پاکت می‌خواهم این اثر ناقابل را از این بنده ناچیز بپذیری و پدر و مادر، خانواده، اساتید و دوستان و تمام کسانی که به گردنم حقّی دارند و تمام آنهایی که در طول تاریخ خالصانه- در حدّ فهم خود- برای خدا زیستند، را در ثوابش شریک گردانی و مهدی فاطمه علیه السلام را از ما راضی و خشنود سازی.

وحید علیان‌نژاد

میلاد مسعود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام جعفر صادق علیه السلام

۱۷ ربیع الاول ۱۴۳۰ ق

برابر با ۲۵ اسفند ۱۳۸۷ ش

احکام خانواده، ص: ۲۰

بخش اوّل: روابط مرد و زن

اشاره

احکام خانواده، ص: ۲۱

۱

اشاره

احکام نگاه

۱. نگاه به محارم

سؤال ۱. محارم تا چه مقدار مجاز هستند به بدن یکدیگر نگاه کنند؟
جواب: مرد و زنی که باهم محرمند (مانند خواهر و برادر) می‌توانند به بدن یکدیگر به آن مقدار که در میان محارم معمول است نگاه کنند و در غیر آن احتیاط آن است که نگاه نکنند.
سؤال ۲. نگاه به بدن همجنس با قصد لذت چه حکمی دارد؟
جواب: نگاه کردن به بدن همجنس با قصد لذّت حرام است.
سؤال ۳. آیا خواهر و برادر، یا پسر و مادر، یا دختر و پدر، یا عمو و دختر برادر، و مانند آن، می‌توانند با همدیگر به حمام بروند (با توجّه به این که در حمام معمولًا تمام بدن به جز عورتین برهنه است). مخصوصاً در مواردی که افراد مسنّ نیاز به همراه و مراقبت دارند؟
جواب: تا ضرورتی نباشد اقدام به این کار نکنند.

۲. نگاه به نامحرم

سؤال ۴. نگاه به نامحرم چه حکمی دارد؟
جواب: نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم، خواه با قصد لذّت باشد یا بدون آن
احکام خانواده، ص: ۲۲
حرام است و همچنین نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم، ولی نگاه کردن به صورت و دست‌های زن نامحرم تا مچ اگر به قصد

لذّت نباشد و مایه فساد و گناه نگردد اشکال ندارد، همچنین نگاه کردن به بدن مرد نامحرم به آن مقدار که معمولًا آن را نمی‌پوشانند مانند سر و صورت و گردن و مقداری از پا و دست.

سؤال ۵. نگاه به دختر نابالغ چه حکمی دارد؟

جواب: نگاه کردن به دختر نابالغ اگر به قصد لذّت نباشد و به واسطه نگاه کردن ترس از افتادن در حرام نداشته باشد جایز است، ولی بنابر احتیاط واجب باید به جاهایی مثل ران و شکم که معمولًا می‌پوشانند نگاه نکند.

سؤال ۶. نگاه کردن به زن نامحرم برای شناختن او به منظور شهادت دادن در دادگاه چه حکمی دارد؟

جواب: نگاه کردن به زن نامحرم برای شناختن او به منظور شهادت دادن در دادگاه و امور مهم و لازمی از این قبیل جایز است.

سؤال ۷. در مسأله ۲۰۹۳ توضیح‌المسائل جنابعالی، چاپ بیست و هشتم (که در سؤال بالا هم آمده)، چنین می‌خوانیم: «نگاه کردن به زن نامحرم برای شناختن او به منظور شهادت دادن در دادگاه و امور مهم و لازمی از این قبیل جایز است». آیا حکم فوق اختصاص به مردان دارد؟

جواب: در این‌گونه مسائل فرقی میان زنان و مردان نیست.

سؤال ۸. نگریستن به مرد نامحرم چه حکمی دارد؟ آیا می‌توان به مردانی که پیراهن آستین کوتاه می‌پوشند، نگاه کرد؟

جواب: هر گاه نظر از روی شهوت نباشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۹. نگاه کردن به صورت زنان چادرنشین که معمولًا قسمتی از موی سر آنها نیز دیده می شود برای مرد نامحرم چه حکمی دارد؟ توضیح این که آنان

احکام خانواده، ص: ۲۳

به این نوع پوشش عادت کرده‌اند و اگر تذکر داده شود نمی پذیرند.

جواب: اگر قصد تلذّذ و ریبه نباشد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰. بیرون بودن مقداری از موی سر، امروزه در شهرهای بزرگ امری عادی شده است، آیا می‌توان از این جهت که این مقدار از موی سر بیرون است به آن نگاه کرد؟ (همانند برخی قبایل که معمولًا مقداری از موی سر آنها در معرض دید است).

جواب: اگر با نهی از منکر رعایت نمی کنند مصداق

«اذا نُهِینَ لا ینْتَهِینْ»[۱]

هستند و نگاه کردن بدون تلذّذ و ریبه اشکالی ندارد.

سؤال ۱۱. اگر انسان بداند وقتی به خیابان و بازار می‌رود نگاهش به نامحرم می‌افتد، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: نظر و نگاه اتّفاقی حرام نیست؛ لکن عمداً نگاه نکند.

سؤال ۱۲. نگاه کردن به زن‌هایی که رعایت حجاب شرعی نکرده و بی مبالات هستند، در گذرها، یا به هنگام گفتگو، یا در وسایل نقلیه، که طبعاً نگاه انسان به آنها می‌افتد، چه حکمی دارد؟

جواب: نگاه قهری و بدون قصد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳. نگاه کردن به اعضای جدا شده از بدن نامحرم چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴. اگر انسان همان‌طور که از دیدن یک باغ و گلستان لذّت می‌برد از نگاه کردن به صورت انسان دیگر (مرد یا زن) لذّت ببرد، آیا این کار حرام است و مصداق قصد ریبه و لذّت به حساب می‌آید؟

جواب: غالباً این گونه نگاه‌ها جنبه لذّت جنسی دارد لذا اشکال دارد.

احکام خانواده، ص: ۲۴

۳. نگاه به عورت

سؤال ۱۵. نگاه به عورت دیگران چه حکمی دارد؟

جواب: نگـاه کردن به عورت دیگری حرام است هر چنـد در آیینه یـا آب صاف و ماننـد آن باشـد خواه محرم باشـد یا نامحرم، مرد باشـد یـا زن و احتیاط واجب آن است که به عورت بچّه ممیز نیز نگاه نکنـد، ولی زن و شوهر می‌تواننـد به تمام بـدن یکـدیگر نگاه کنند.

سؤال ۱۶. هنگامی که با مادرم به حمام می‌رویم هیچ کدام شورت نمی‌پوشیم، آیا این کار برای ما اشکال دارد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۷. زنان تا چنـد سالگی می‌توانند به بدن پسـر بچّه‌ها نگاه کنند؟ نگاه به عورت بچه‌های کوچک تا چند سالگی برای مادران آنها، مخصوصاً در موارد ناچاری، مثلًا هنگامی که می‌خواهند آنها را شستشو بدهند یا تطهیر کنند جایز است؟

جواب: آنها می‌توانند به قسمت‌هایی از بدن بچّه‌های غیر بالغ که معمولًا پوشانیده نمی‌شود نگاه کنند. و نگاه به عورت بچّه غیر ممیز اشکالی ندارد، و مادران در موارد ضرورت می‌توانند آن را جهت شستشو یا غیر آن لمس کنند.

سؤال ۱۸. در سازمان‌هـای نظـامی کشور، اعمّ از ارتش، سـپاه پاسـداران، نیروی انتظـامی و برخی دیگر از سازمان‌هـای دولتی از این قبیل، برای استخدام نیروی جدید، ابتدا بایستی شخص را از هر جهت معاینه کامل بدنی نمایند، تا از سلامت جسمی شخص اطمینان حاصل گردد. در این آزمایشات تمامی اعضای بدن، از جمله دسـتگاه تناسلی، مورد معاینه قرار می‌گیرد. آیا پزشک همجنس اجازه دیدن و لمس آن قسمت از بدن را جهت معاینه و احراز سلامتی دارد؟

جواب: در مواردی که ضرورت دارد مجاز است. و منظور از ضرورت این

احکام خانواده، ص: ۲۵

است که معاینه بدنی برای آن کار لازم است، و بدون معاینه بدنی استخدام نمی‌کنند، و شخص هم نیاز به استخدام دارد.

سؤال ۱۹. در بعضـی از حمّام‌های داخل شـهر یک نفر کیسه می‌کشد، و موهای زائد بدن را زایل می‌کند. با توجّه به این که نگاه به عورت جایز نیست، آیا این کار جایز است؟

جواب: نگـاه به عورت دیگری، خواه برای زائـل کردن مو باشـد، یا چیز دیگر، جایز نیست. ولی زایل کردن موهای زیر بغل و مانند آن، به وسیله همجنس مانعی ندارد.

سؤال ۲۰. گذرانـدن واحدهای زنان و زایمان برای دانشـجویان پزشـکی و پرسـتاری الزامی است آیا این الزام، نگاه کردن به عورت زن را برای آموزش تجویز می‌کند؟

جواب: تنها در صورت ضرورت چنین آموزشی، جایز است.

۴. نگاه و مشاغل خاص

سؤال ۲۱. نگاه کردن طبیب به زن نامحرم جهت معالجه چه حکمی دارد؟

جواب: نگاه کردن طبیب مرد به زن نامحرم برای معالجه در صورتی که ضرورت داشته باشد جایز است.

سؤال ۲۲. بـا توجه به اینکه به هنگـام تـدریس معلم و شاگرد به یکـدیگر نگاه میکننـد، تـدریس معلمان، دبیران و اساتیـد مرد برای دختران و بالعکس چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه تمام موازین شرعی مراعات شود و مفاسدی بر آن مترتّب نشود اشکالی ندارد، ولی به یقین استفاده از دبیران همجنس به احتیاط نزدیک‌تر است.

احکام خانواده، ص: ۲۶

۵. نگاه در دانشگاه

سؤال ۲۳. در کلاسهای دانشگاه، هم اساتید مرد و هم اساتید زن، تدریس می‌کنند، نگاه کردن دانشجویان مرد به استاد زن و بالعکس چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که نگاه هوس آلود نباشد، در مورد وجه و کفّین اشکالی ندارد.

سؤال ۲۴. حکم مشاهده دست‌ها و موهای سر و صورت زن، بیش از مقدار شرعی که در هنگام نوشتن روی تخته سیاه ظاهر می‌گردد چگونه است؟ (البتّه به منظور تفهیم استاد و دریافت و درک دانشجویان).

جواب: باید حجاب را طوری مراعات کنند که زاید بر وجه کفّین ظاهر نشود.

سؤال ۲۵. آیا خواهران دانشجو می‌توانند در مورد امور کلاس یا مسائل علمی در میان برادران دانشجو کنفرانس ارائه نمایند؟

جواب: هرگاه موازین شرعی در آن رعایت گردد و مفسده خاصّی نداشته باشد مانعی ندارد.

۶. نگاه به چهره آرایش شده

سؤال ۲۶. اخیراً برخی از بانوان نسبت به ابرو یا دور لب، عملیات تاتو انجام می‌دهند، (پررنگ کردن دور ابرو و لب با خال کوبی) که طبعاً زینت تلقّی می‌شود. و گاه پوشاندن آن نیز مقدور نمی‌باشد. لطفاً بفرمایید که این عمل مشمول آیه شریفه «وَلَا یبْدِینَ زِینَتَهُنَّ»[۲] می‌باشد، یا نه؟ نگاه به صورت چنین زنانی چه حکمی دارد؟

جواب: آیه «وَلَا یبْدِینَ زِینَتَهُنَّ» با توجه به جمله «الَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»[۳] زینت‌های

احکام خانواده، ص: ۲۷

موجود در صورت و دست‌ها تا مچ را شامل نمی‌شود. ولی اگر این زینت تند و زننده باشد، و منشأ مفاسدی شود، جایز نیست.

سؤال ۲۷. در کتاب تفسیر نمونه در شرح آیه ۳۱ سوره نور آورده‌اید که: «از آیه استفاده می‌شود زینت‌هایی که در صورت و دست باشد تابع صورت و دست می‌باشد و پوشاندن آنها لازم نیست» آیا فتوای اجتهادی شما نیز چنین است؟ آیا اصلاح صورت و ابرو زینت است؟

جواب: فتوای اجتهادی ما هم همین است و اصلاح صورت و ابرو اشکالی ندارد.

سؤال ۲۸. امروزه زن‌های آرایش کرده در جامعه زیاد ظاهر می‌شوند، آیا نگاه کردن به آنها بدون قصد شهوت جایز است؟ و اگر جایز نیست حکم نگاه غیر عمدی چیست؟

جواب: نگاه غیر عمدی اشکال ندارد و رفت و آمد چنین زن‌هایی در کوچه و خیابان نمی‌تواند مانع رفت و آمد مردان مسلمان گردد اگر چه بدانند بدون قصد، نگاهشان به آنها می‌افتد.

سؤال ۲۹. معمولًا خانم‌ها در مجالس جشن و عروسی لباس‌های زیبا پوشیده، و خود را آرایش می‌کنند، گاه آرایش آنها بقدری غلیظ است که ما زن‌ها هم از نگاه به آنان لذّت می‌بریم، آیا نگاه کردن در این صورت جایز است؟

جواب: در صورتی که نگاه هوس آلود بوده باشد جایز نیست.

۷. نگاه به فیلم و عکس

سؤال ۳۰. در صورتی که زنی مقید به حفظ حجاب شرعی است نگاه کردن به عکس بدون حجاب او اشکال دارد؟

جواب: اشکال دارد؛ مگر این‌که او را نشناسد و مفسده دیگری از نگاه کردن حاصل نشود.

احکام خانواده، ص: ۲۸

سؤال ۳۱. زن و شوهری که حجاب کامل و کافی نداشته اند با هم عکس گرفته، سپس از هم جدا شده، یا یکی از آنها فوت کرده است، آیا بعد از طلاق یا فوت یکی از آنها، یا دیگری می‌تواند به آن عکسها نگاه کند؟

جواب: در صورت وفات اشکال ندارد؛ ولی در صورت جدایی نگاه نکنند.

سؤال ۳۲. آیا دیدن عکس‌ها، یا فیلم‌های مبتذل برای متأهّلین که جهت تحریک برای آمیزش به آن نگاه می کنند، اشکال دارد؟ اگر اشکال دارد، برای کسانی که جهت تحریک جنسی ناچار از نگاه کردن آن فیلم‌ها هستند، چه حکمی دارد؟

جواب: استفاده از این فیلم‌ها جایز نیست، مگر در حال ضرورت. ضمناً توجّه داشته باشید مشاهده این فیلم‌ها تدریجاً نیروی جنسی را ضعیف می کند.

سؤال ۳۳. دیدن فیلم‌های ویدئویی که در آن زن‌ها در برابر زن‌ها، و مردان در برابر مردان می‌رقصند چه حکمی دارد؟

جواب: مشاهده این فیلم‌ها موجب فساد است، و جایز نیست.

سؤال ۳۴. با توجّه به این که زنان و مردان به همدیگر نامحرم می‌باشند، آیا جایز است از مجلس مردان فیلمبرداری شود و در پشت پرده برای خواهران به صورت مستقیم و به وسیله تلویزیون مدار بسته نمایش دهند؟

جواب: در صورتی که مردان برهنه نباشند، اشکالی ندارد.

سؤال ۳۵. آیا صحیح است در کشور ما که مسلمان هستیم نامحرمها در فیلم‌ها بازی کنند؟

جواب: اگر شئون اسلامی در آن رعایت شود اشکالی ندارد.

سؤال ۳۶. حکم نگاه کردن بدون ریبه به تصویرها و فیلم‌هایی که مواضعی از بدن را نمایش می‌دهند که معمولًا پوشانده می‌شود، چیست؟ همچنین نگاه به تصویر و فیلم عورتین بدون ریبه چه حکمی دارد؟ آیا شناختن صاحب تصویر

احکام خانواده، ص: ۲۹

و فیلم، دخالت در حکم دارد؟ شناختن از نظر شرعی به چه معنا است؟ آیا صرف دانستن اسم و رسم کافی است؟

جواب: در مورد فیلم‌هایی که اعضای بدن را نشان می‌دهد چنانچه به قصد شهوت نگاه نکنند، و خوف مفسده‌ای نباشد، اشکال ندارد؛ ولی نسبت به عورتین مطلقاً جایز نیست. و اگر زنانی باشند که معمولًا خود را مستور می‌دارند، نگاه کردن به عکس‌های برهنه آنان مجاز نمی‌باشد. و منظور از شناخت، تنها شناخت اسمی نیست، بلکه مشخّصات بیشتری لازم است.

سؤال ۳۷. نگاه کردن به عکسهای عریان موجود در کتب پزشکی که آموزش آن برای دانشجویان ضروری است و گاهی ریبه آور است، چه حکمی دارد؟

جواب: بدون قصد لذّت و ریبه اشکالی ندارد و هرگاه چنین حالتی خود به خود حاصل شود تنها در موارد ضرورت و به مقدار ضرورت نگاه کنند.

۸. نگاه به برنامه‌های تلویزیون

سؤال ۳۸. آیا تصویر تلویزیون در حکم عکس متحرّک است؟

جواب: آری مناظری که در تلویزیون دیده می‌شود حکم عکس متحرّک را دارد.

سؤال ۳۹. آیا دیدن سریال‌ها و فیلم‌های خارجی که بعضاً بطور نامناسبی از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود، و خانم‌های بی‌حجاب در آن بازی می‌کنند، جایز است؟

جواب: نگاه کردن به فیلم‌های مبتذل، که موجب فساد خود انسان یا خانواده‌اش می‌شود، جایز نیست، و باید از نگاه کردن به آن خودداری کرد؛ ولی برنامه‌هایی که موجب فساد نمی‌باشد، جایز است.

سؤال ۴۰. آیا دیدن فیلم‌های ایرانی که خانم‌های ایرانی با روسری در آن بازی می‌کنند جایز است؟

احکام خانواده، ص: ۳۰

جواب: هرگاه موجب مفاسد خاصّ و انحرافات اخلاقی نشود اشکال ندارد.

سؤال ۴۱. نگاه کردن به فیلم‌هایی که زن‌های بی‌حجاب و آرایش کرده در آن بازی می‌کنند و بعضاً از تلویزیون پخش می‌شود چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که منشأ مفاسد خاصی بشود حرام است.

سؤال ۴۲. مشاهده فیلم‌های ایرانی در خارج و خارجی از سیمای جمهوری اسلامی ایران چه حکمی دارد؟

جواب: مشاهده فیلم‌های ایرانی در صورتی که صحنه و آهنگ‌های نامشروعی در آن نباشد جایز است چه برای کسانی که در داخل هستند یا در خارج و در غیر این صورت جایز نیست و در مورد فیلم‌های خارجی چنانچه صحنه‌های نامشروع سانسور می‌شود مانعی ندارد.

سؤال ۴۳. آیا نشان دادن زنان بدحجاب یا بی‌حجاب، به عنوان مظهر فساد رژیم سابق، حتّی با استفاده از موی مصنوعی و کلاه گیس و استفاده از چهره‌پرداز زن، در فیلم‌های سینمایی تلویزیون و نمایش‌های روی صحنه مجاز است؟

جواب: برای نشان دادن مفاسد بدحجابی و بی‌حجابی راه‌های بی‌اشکال‌تر پیدا می‌شود.

سؤال ۴۴. دیده می‌شود که گاهی تلویزیون شناگران را با بدن‌های عریان و یا فیلم‌های خارجی، زنان را نیمه‌عریان نشان می‌دهد، دیدن این مناظر چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه دیدن آنها منشأ فساد گردد جایز نیست.

سؤال ۴۵. نگاه کردن به بدن نیمه عریان زنان در فیلم‌های غربی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟ حدّ مجاز نگاه کردن به آن چقدر است؟ آیا بین زنان مسلمان و غیر مسلمان و اهل کتاب تفاوتی وجود دارد؟ نگاه کردن زنان به بدن نیمه‌عریان مردان در مسابقات ورزشی از قبیل شنا، وزنه‌برداری و کشتی چه حکمی دارد؟

احکام خانواده، ص: ۳۱

جواب: با توجّه به این که نگاه به فیلم‌ها مشاهده مستقیم نیست، نگاه کردن به آنها مصداق نگاه به نامحرم نمی‌باشد، مگر این که منشأ فسادی گردد، که در این صورت نگاه کردن به آنها در هر دو صورت حرام است.

۹. نگاه به برنامه‌های ماهواره

سؤال ۴۶. استفاده افراد از برنامه‌های ماهواره‌ای چگونه است، با این‌که بعضی برنامه‌های خوب نیز دارد؟

جواب: استفاده از این برنامه‌ها جایز نیست و برنامه‌های ظاهراً خوب یا بی‌ضرر آن وسیله‌ای است برای سوق دادن به برنامه‌های فاسد، بنابراین نباید مسلمانان از حیله‌های دشمنان اسلام برای نشر فساد در میان مسلمین غافل باشند.

سؤال ۴۷. آیا استفاده کودکان از برنامه‌های ماهواره‌ای مجوّز تهیه و نصب آنتن و استفاده از آن می‌باشد؟

جواب: فرقی در میان کودکان و بزرگسالان نیست و خطر آن برای هر دو مسلّم است.

۱۰. نگاه به زنان غیر مسلمان

سؤال ۴۸. دیدن عکس زنان بدون حجاب غیرمسلمان، بدون قصد لذّت چه حکمی دارد؟
جواب: چنانچه بدون قصد لذّت باشد و منشأ مفاسدی نگردد، اشکال ندارد.
سؤال ۴۹. نگاه کردن به موی سر زنان اهل کتاب بدون قصد لذّت چه حکمی دارد؟
جواب: اگربه قصد لذّت نباشد اشکال ندارد.
احکام خانواده، ص: ۳۲
سؤال ۵۰. نگاه کردن به عکس برهنه زنان اهل کتاب و مشرکین، بدون لذّت و شهوت و بدون آن که مقدّمه گناه شود، چه حکمی دارد؟
جواب: اگر منظور از برهنه این است که موهای سر خود را نپوشانده باشند در فرض مسأله بالا که فسادی بر آن مترتّب نمی‌شود، اشکالی ندارد؛ امّا اگر منظور، برهنه مادرزاد و یا نیمه عریان است، جایز نیست.
سؤال ۵۱. نگاه کردن به اعضای بدن زن کافر غیر ذمّی چه حکمی دارد؟
جواب: نگاه کردن به اعضایی که معمولًا در عرف آنها مکشوف است، بدون قصد لذّت اشکالی ندارد.

۱۱. نگاه به جسد میت

سؤال ۵۲. نگاه به جسد همجنس و غیر همجنس، مسلمان و غیر مسلمان در مقام آموزش پزشکی برای معاینه و کالبد شکافی و تشریح یا پیوند زدن و قطع اعضا چه حکمی دارد؟
جواب: تنها در صورت ضرورت چنین آموزشی، جایز است.
احکام خانواده، ص: ۳۳

۲

اشاره

احکام پوشش

۱. تعریف، جایگاه و فلسفه حجاب

سؤال ۵۳. فلسفه حجاب بانوان چیست؟ آیا حجاب با آزادی زنان در جامعه منافات ندارد؟
جواب: حجاب برای حفظ شخصیت زن، و جلوگیری از انحراف جوانان، و (ممانعت از) گسترش فساد در جامعه اسلامی است. و همان‌گونه که اصل پوشیدن لباس برای زنان و مردان منافات با آزادی آنها ندارد، حجاب نیز چنین است.
سؤال ۵۴. آیا حجاب از ضروریات دین است؟ منکر حجاب چه حکمی دارد؟ لطفاً توضیح دهید که منظور از «ضروری دین» چیست؟
جواب: آری حجاب از ضروریات دین و برگرفته از قرآن مجید است، و همه مذاهب اسلامی آن را قبول دارند. و منظور از ضروری دین چیزی است که هر کس با مسلمین مقداری معاشرت داشته باشد، می‌فهمد مسلمانان به آن پایبند هستند.

سؤال ۵۵. حجاب از نظر اسلام چیست؟ و چه نوع پوششی برای زن حجاب است؟ آیا موهای مصنوعی، که بعضی از زن‌ها بر سر می‌گذارند، حجاب موهای طبیعی محسوب می‌شود؟

احکام خانواده، ص: ۳۴

جواب: حجاب شرعی در مورد زنان پوشیدن تمام بدن به جز صورت و دست‌ها تا مچ می‌باشد، امّا بعضی از انواع پوشش که زینت ظاهری محسوب می‌شود، مثل موهای مصنوعی کافی نیست. و همچنین لباسهایی که لباس زینت محسوب می‌شود، کافی نیست.

سؤال ۵۶. نظر حضرتعالی در مورد اصل مسأله حجاب چیست؟ رعایت آن، مخصوصاً در شهرهای مذهبی، و بالاخص در اماکن مقدّسه دینی، چه حکمی دارد؟

جواب: بدون شک حجاب از مسلّمات اسلام است، و تمام فقهای اسلام در آن اتّفاق نظر دارند، و هرگونه بد حجابی و بی حجابی بر خلاف شریعت مقدّسه است. خصوصاً در شهرهای مذهبی، و از آن بالاتر در أماکن مقدّسه دینی، باید بیشتر مراعات شود، و گناه بد حجابی و بی حجابی در این اماکن بیشتر است.

و بدون شک پوشیدن چادر همه جا، مخصوصاً در این أماکن، اولی است.

۲. محدوده پوشش

سؤال ۵۷. محدوده‌ای که بر زنان واجب است بپوشانند چه مقدار است و آیا لباس خاصی شرط است؟

جواب: کافی است که زن بدن خود را جز صورت و دست ها تا مچ به هر وسیله‌ای که می‌تواند بپوشاند و لباس خاصّی شرط نیست ولی پوشیدن لباسهای تنگ و چسبان و همچنین لباسهای زینتی اشکال دارد.

سؤال ۵۸. حدود حجاب اسلامی برای بانوان چیست؟ برای این منظور، آیا پوشیدن لباس بلند و آزاد و شلوار و روسری کفایت می‌کند؟ اصولًا چه کیفیتی در لباس و پوشش زن در برابر افراد نامحرم باید رعایت شود؟

جواب: برای حجاب اسلامی کافی است تمام بدن را با لباس مناسب (به‌جز

احکام خانواده، ص: ۳۵

گردی صورت و دست‌ها تا مچ) بپوشانند؛ ولی بی‌شک پوشیدن چادر به عنوان حجاب برتر خصوصاً در اماکن مذهبی مطلوبتر است.

سؤال ۵۹. آیا بر زنان و دختران لازم است پاهایشان تا مچ را نیز بپوشانند؟ یا آنچه اکنون در جامعه رواج پیدا کرده، که با پای بدون پوشش ظاهر می‌شوند، اشکالی ندارد؟

جواب: پوشیدن روی پا و کف پا بهتر است.

سؤال ۶۰. آیا پوشیدن جوراب‌های نازک، در صورتی که پا در آن پیدا باشد، برای زنان جایز است؟

جواب: اگر پا در آن پیدا باشد جایز نیست؛ ولی معلوم بودن حجم پاها ضرری ندارد.

سؤال ۶۱. آیا پوشیدن جوراب ضخیم بدون شلوار، با این که حجم بدن مشخّص و در بعضی موارد مهیج است، یا پوشیدن کفش‌هایی که در هنگام راه رفتن صدای مهیج دارد، جایز است؟

جواب: در صورتی که منشأ مفسده‌ای باشد، اشکال دارد.

سؤال ۶۲. چنانچه نپوشاندن صورت و دست‌ها تا مچ، برای برخی از زنان در جامعه فسادی را به دنبال داشته باشد، آیا پوشاندن آن واجب است؟

جواب: در این صورت واجب می‌شود؛ ولی تا یقین به چنین چیزی نداشته باشد پوشانیدن وجه و کفّین لازم نیست.

سؤال ۶۳. آیا شوهر، یا پدر و مادر، می‌توانند همسر و یا دختران خود را مجبور کنند تا دست‌ها و صورتشان را نیز به هنگام خروج از منزل بپوشانند؟

جواب: اجبار در این امر جایز نیست؛ ولی هر گاه پدر و مادر یا شوهر حسّاسیت خاصّی داشته باشند رعایت آن خوب است.

سؤال ۶۴. پوشانیدن چهره برای زنان خوش سیما، که می‌دانند در صورتی که

احکام خانواده، ص: ۳۶

صورتشان پوشیده نباشد باعث گناه و انحراف جوانان می‌شوند، چه حکمی دارد؟

جواب: پوشانیدن صورت بر آنان واجب نیست؛ جوانان وظیفه دارند نگاه نکنند.

سؤال ۶۵. اگر خانمی به خاطر این که مبادا نپوشانیدن وجه و کفّین موجب فسادی شود آن را بپوشاند، آیا کار مستحبّی را انجام داده است؟

جواب: عمل به احتیاط کرده است.

سؤال ۶۶. آیا پوشاندن صورت واجب است با توجّه به این که در محیط درسی کار مشکلی است؟

جواب: وجه و کفّین از حجاب مستثنا هستند و پوشاندن آنها واجب نیست.

سؤال ۶۷. آیا حکومت می‌تواند، یا بر او لازم است، از بدحجابی یا بی‌حجابی بعضی از خانم‌هایی که در این امر مهم کوتاهی می‌کنند، جلوگیری نماید؟

توضیح این که: بنده دانشجو هستم. چندی قبل استاد در کلاس این شُبهه را مطرح کرد، و مدّعی شد که هیچ دلیل فقهی وجود ندارد که حکومت را ملزم کند تا مواظب حجاب خانم‌ها باشد، همان طور که وظیفه ندارد مواظب نماز صبح افراد باشد. علاوه بر این گفتند: حضرت امیر (علیه السلام) دستور داد حجاب را از سر کنیزانی که خود را شبیه زنان آزاد کرده بودند، بردارند. نظر شما چیست؟

جواب: حکومت اسلامی و مسلمانان نسبت به گناهان پنهانی افراد وظیفه‌ای ندارند، ولی بدون شک نسبت به گناهانی که به طور علنی و آشکار، در سطح جامعه انجام می‌شود وظیفه نهی از منکر دارند، و الّا جایی برای انجام این وظیفه مهم باقی نمی‌ماند. البتّه با این تفاوت که مردم باید به نهی از منکر زبانی اکتفا کنند. و ازهرگونه برخورد فیزیکی اجتناب ورزند، ولی حکومت می‌تواند وارد این مرحله نیز شود؛ و در مورد کنیزها اساساً میزان پوشش آنها نسبت به زنان آزاد از نظر اسلام متفاوت بوده است.

احکام خانواده، ص: ۳۷

سؤال ۶۸. برخی از مادران، دختران نابالغ خود را، با سر و پای برهنه در خیابان‌ها و مجالس در حضور نامحرمان ظاهر می‌کنند، وظیفه چنین مادرانی چیست؟

جواب: بر پدر و مادر لازم است فرزندان خود را از زمان طفولیت به مسائل اسلامی آشنا کنند.

سؤال ۶۹. محدوده پوشش در مقابل پسر نا بالغ چه میزان است؟

جواب: واجب است زن بدن و موی خود را از نامحرم بپوشاند و احتیاط مستحب آن است که از پسر نابالغ که خوب و بد را می‌فهمد و به حدّی رسیده که مورد نظر شهوانی است مستور دارد، ولی پوشانیدن صورت و دست‌ها تا مچ واجب نیست.

سؤال ۷۰. گفته می‌شود که زن باید خود را از پسر بچّه ممیز بپوشاند، بفرمایید ممیز بودن پسر بچّه از چه راهی شناخته می‌شود؟

جواب: مستحبّ است خود را از چنین پسری بپوشاند، و منظور از ممیز این است که از مسائل جنسی آگاه باشد.

سؤال ۷۱. مقدار پوشش زنان مسلمان، در برابر زنان غیر مسلمان چیست؟

جواب: بهتر آن است که بدن خود را در برابر زنان غیر مسلمان برهنه نکنند؛ هر چند با پوشاندن عورت، ظاهر کردن بقیه حرام

نیست.

سؤال ۷۲. وظیفه خواهران مسلمان دانشجوی ترکیه را نسبت به «رعایت حجاب» در فرض‌های ذیل بیان فرمایید:

الف) شرط طیّ کردن تمام ترم‌های دانشجویی در دانشگاه‌های تحت مدیریت لاییک‌ها، رعایت نکردن حجاب شرعی است.

ب) شرط اتمام چند ترم باقی مانده از رشته خاصّی در دانشگاه، رعایت نکردن حجاب است.

احکام خانواده، ص: ۳۸

جواب: با توجّه به این که اگر دختران مسلمان و متدین دروس عالی را نخوانند تنها افراد بی‌بند و بار و لامذهب پست‌های مهم را اشغال می‌کنند، به افراد متدین اجازه داده می‌شود که مسأله حجاب را در خصوص مواردی که ضرورت دارد رعایت نکنند، ولی در غیر آن موارد حتماً رعایت نمایند.

۳. استثنائات حجاب

سؤال ۷۳. شنیده شده که حجاب بر زنان بزرگسال، که امید ازدواج آنها نمی‌رود، لازم نیست، لطفاً در این مورد به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) چنین زنانی چه مقدار از بدنشان را می‌توانند در مقابل نامحرم نپوشانند؟

جواب: می‌توانند سر و گردن و مقداری از دست‌ها را نپوشانند؛ ولی پوشانیدن برای آنها نیز بهتر است.

ب) آیا این حکم اختصاص به زنان بیوه دارد، یا شامل زنان شوهردار، که در این سنّ و سال هستند، نیز می‌شود؟

جواب: این حکم شامل همه زنان در این سنّ و سال می‌شود.

ج) حکم مذکور مختصّ پوشش و نظر است، یا شامل لمس هم می‌شود؟

جواب: این حکم شامل لمس نمی‌شود.

۴. حجاب زن غیر مسلمان

سؤال ۷۴. همانطور که می‌دانیم خداوند متعال در سوره نور، حجاب را مختصّ مؤمنان، زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و زنان مؤمن دانسته است. حال سؤال این است که:

الف) آیا حجاب برای غیر مسلمانان در کشورهای اسلامی واجب است؟

ب) اگر واجب است، همانطور که در فرانسه و ترکیه بر اعتقادات اسلامی ما

احکام خانواده، ص: ۳۹

می‌تازند، و ما آنها را ظالم و ضدّ اسلام می‌دانیم، آیا ما هم با پوشاندن زنان خارجی که به ایران می‌آیند، یا پیروان سایر مذاهب داخل کشور، به آنها اجحاف ننموده‌ایم؟

ج) اگر حجاب اختیاری بود بهتر نبود، و معضلات اجتماعی حلّ نمی‌شود؟

جواب: یک اصل مسلّم در اسلام داریم که هر حکمی برای مؤمنین و مسلمانان ثابت است، دیگران نیز مکلّف به آن هستند (الکفار مکلّفون بالفروع کما انّهم مکلّفون بالاصول)، بنابراین آنها هم موظّف به حکم حجاب و ترک شرابخواری (حدّاقلّ آشکارا) و گناهان دیگر هستند، و نسبت به حجاب که ما می‌توانیم اعمال کنیم کار صحیح و عادلانه‌ای است، و ما دوران قبل از انقلاب را فراموش نکرده‌ایم که وقتی اختیار و آزادی داده شد چه زنانی با چه وضعی بیرون آمدند، و اکثر جوانان را به فساد کشیدند؛ و نوشته‌اید که اگر ما به کشورهای آنها برویم و ما را

اجبـار بـه بی‌حجـابی کننـد، چه می‌شـود؟ فرامـوش نکنیـد که آنهـا بی‌حجـابی را واجب نمی‌داننـددرحالی که مـا حجـاب را واجب می‌دانیم.

۵. نوع پوشش

سؤال ۷۵. در مورد پوشش لباس خاصی شرط است؟

جواب: لباس خاصّی شرط نیست ولی پوشیدن لباسهای تنگ و چسبان و همچنین لباسهای زینتی اشکال دارد.

سؤال ۷۶. گفته می‌شود که «اسـتفاده از چادر مشکی مناسب نیست، بلکه کراهت دارد. و خانم‌ها باید از پوشاک روشن و رنگ‌های متنوّع استفاده نمایند.

و دلیلی ندارد که توصیه شود خانم‌ها کفش و مانتوی تیره بپوشند». نظر شما در این مورد چیست؟

جواب: انتخاب چادر مشکی برای زنان مکروه نیست. و استفاده از رنگ‌های

احکام خانواده، ص: ۴۰

ساده دیگر، مادام که منشأ مفاسدی نشود، جایز است؛ البتّه رنگ‌های سنگین بهتر است.

سؤال ۷۷. آیا پوشـیدن مانتو برای زنان، در صورتی که حجاب اسـلامی حفظ نشود و برجسـتگی‌های انـدام مشـخّص باشـد، اشـکال دارد؟

جواب: در صورتی که لباس چسبان باشد حرام است؛ ولی اگر گشاد باشد اشکال ندارد.

سؤال ۷۸. پوشـیدن لباسـهایی که فقط تنه را می‌پوشاند برای بانوان در مقابل بانوان دیگر در مکان‌های ورزشی مخصوص بانوان که هیچ مردی حضور ندارد چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض مسأله مانعی نیست، مگر در مواری که مفاسد خاصّی ظاهر گردد.

سؤال ۷۹. اگر مدرسه‌ای ابلاغ کند که دختران به هنگام ورزش باید لباس مخصوص ورزش بپوشند، چه حکمی دارد؟

جواب: پوشیدن لباس ورزشی برای دختران، در صورتی که در محیط مخصوص خودشان باشند، مانعی ندارد.

۶. پوشاندن زینت و آرایش

سؤال ۸۰. لطفاً در مورد تزیین زنان به انگشتر و حلقه نامزدی به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) در دست کردن حلقه نامزدی طلا در جلوی مرد نامحرم چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال ندارد.

ب) اگر در مورد سؤال اسـتعمال آن بی اشکال باشد، ولی همین عمل از نظر مرجع تقلید بنده (شوهر) جایز نباشد، آیا استفاده از آن برای همسرم منعی دارد؟

احکام خانواده، ص: ۴۱

آیا لازم است از او بخواهم که استفاده نکند؟

جواب: هرکس باید به فتوای مرجع تقلید خود عمل کند، و شما نمی‌توانید او را از این کار نهی کنید.

ج) زن از چه انگشتری می‌تواند در جلوی نامحرم استفاده کند؟

جواب: هر نوع انگشتری که منشأ مفسده خاصّی نگردد اشکالی ندارد.

سؤال ۸۱. چنانچه زن با خود زینت داشـته باشد (مانند حلقه ازدواج، یا انگشتر، یا آراسـتن چهره) آیا واجب است صورت و دست‌ها

را هم بپوشاند؟
جواب: در مورد حلقه و انگشتر مانعی ندارد؛ ولی در مورد آرایش‌های تند اشکال دارد.
سؤال ۸۲. در عرف مرسوم است که بانوان بعد از ازدواج، خود را به اموری از قبیل برداشتن زیر ابرو و زائل کردن موهای صورت و مانند آن زینت می‌کنند، آیا پوشیدن صورت در این حالت لازم است؟
جواب: اگر تنها کم کردن موهای صورت و ابرو و مانند آن باشد اشکالی ندارد.
سؤال ۸۳. آیا سرمه کشیدن، ابرو چیدن، استفاده از انگشتر عقیق، ساعت، عینک طبّی زیبا، برای زنان زینت به حساب می‌آید، که پوشش آن لازم باشد؟
جواب: ظاهراً جزء زینت ممنوع نیست.
سؤال ۸۴. آیا برای زن جایز است که با آرایش و زینتی که جلب نظر می‌کند بدون نیت سوء از منزل خارج شود؟
جواب: جایز نیست.

۷. لباس زینتی و مبتذل

سؤال ۸۵. منظور از لباس زینتی، که پوشیدن آن اشکال دارد، چیست؟
احکام خانواده، ص: ۴۲
جواب: منظور لباسهایی است که در عرف مردم آن را لباس زینت می‌خوانند.
سؤال ۸۶. آیا لباس زینتی صرفاً شامل زیورآلات می‌شود، یا آنچه عرفاً لباس محسوب می‌شود نیز می‌تواند مصداق آن باشد؟
جواب: لباس زینتی چیزی است که زن‌ها برای زیبایی آن را می‌پوشند، و شبیه آرایشی است که در صورت خود انجام می‌دهند.
سؤال ۸۷. پوشیدن لباسهای مبتذل، یا لباسهای تنگ و مهیج، یا مدل‌هایی که موجب ترویج فرهنگ غرب است، بویژه برای زنان، چه حکمی دارد؟
جواب: این گونه لباسها اشکال دارد، و بر پسران و دختران و مردان و زنان مسلمان لازم است رعایت موازین عفّت اسلامی را، که مایه سعادت دنیا و آخرت آنهاست، بنمایند.

۸. پوشش مردان

سؤال ۸۸. پوشیدن لباس آستین کوتاه برای مردان چه حکمی دارد؟ اگر حرام است آیا علّت تحریم احتمال معاونت بر اثم است؟ در این صورت، چگونه حکم قطعی می‌آورد و دوم این که با توجّه به کیفیت لباس احرام که به مراتب بازتر از پیراهن آستین کوتاه است و استفاده از آن هنگام طواف برای مردان که دوش به دوش زنان طواف می‌کنند الزامی است آیا احتمال معاونت براثم در آن جا بیشتر نیست؟
جواب: استفاده از لباس آستین کوتاه برای مردان اشکالی ندارد مگر در مواردی که بدانیم مفاسد خاصّی بر آن مترتّب می‌شود.
سؤال ۸۹. حجاب مرد را در برخورد با زن نامحرم بیان فرمایید.
جواب: نگاه کردن به بدن مرد نامحرم به آن مقدار که معمولًا آن را نمی‌پوشانند مانند سر و صورت و گردن و مقداری از پاها و دست‌ها اشکال ندارد.
احکام خانواده، ص: ۴۳
سؤال ۹۰. حکم استفاده مرد از شال گردن ابریشم (یک طرف ابریشم، یک طرف پشم) چیست؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۹۱. استفاده از کراوات چه حکمی دارد؟

جواب: با توجّه به این که در حال حاضر و در کشور ما، این امر به عنوان شعار بیگانگان و همبستگی با آنها محسوب می‌شود، از آن اجتناب کنید. ولی در کشورهایی که جزیی از لباس مردم محسوب می گردد، پوشیدن آن اشکالی ندارد.

سؤال ۹۲. در برخی از مراکز علمی مسائلی به وجود آمده که سبب ایجاد ذهنیت ناخوشایند، و بدبینی به دین، و موجبات دوری جوانان از دین و مذهب را فراهم آورده است؛ مسائلی که هیچ گونه ممانعتی برای انجام آن، نه از سوی دین و نه از سوی مراجع عالیقدر تقلید، ذکر نشده است. در دانشگاه «ع ک» پوشیدن لباسهای آستین کوتاه برای مردان ممنوع است، و این مسأله بحث و گفتگوهایی را در پی داشته است. از آن جا که طرح تمام گفتگوهای مطرح شده بین دانشجویان و مسئولین دانشگاه قدری مشکل است، سعی کرده‌ایم خلاصه آن را در این استفتا بگنجانیم:

دانشگاه: پوشیدن لباسهای آستین کوتاه ممنوع است.

دانشجویان: در کجای دین پوشیدن لباسهای آستین کوتاه برای مردان حرام شمرده شده است؟

دانشگاه: بعضی از مراجع تقلید حرام دانسته‌اند.

دانشجویان: کدام مرجع تقلید حرام شمرده است؟ شاید ما مقلّد ایشان نباشیم.

دانشگاه جوابی ندارد و فقط می گوید: شما باید مقلّد همان کسی باشید که ما هستیم.

احکام خانواده، ص: ۴۴

چندی بعد یکی از روحانیون سرشناس به دانشگاه ما تشریف آوردند، موضوع را با ایشان در میان گذاشتیم، ایشان فرمودند: هیچ مرجع تقلیدی آن را حرام نشمرده است. نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟

جواب: پوشیدن لباسهای آستین کوتاه برای مردان شرعاً حرام نیست؛ ولی مسئولین دانشگاه حق دارند مقرّراتی را طبق مصالحی که در نظر دارند برای محدوده دانشگاه‌ها وضع کنند، مثلًا بگویند شرط ورود به دانشگاه استفاده از فلان نوع و رنگ لباس است. همان گونه که در محیطهای نظامی و انتظامی لباسهای خاصّی را شرط می کنند، بنابراین خوب است دانشجویان عزیز با مسئولین دانشگاه‌ها در این گونه مسائل بطور منطقی و بدون جرّ و بحث کنار بیایند تا مشکل شرعی برای هیچ یک از دو طرف پیدا نشود.

***

احکام خانواده، ص: ۴۵

۳

اشاره

احکام زینت و آرایش

۱. آرایش بانوان

سؤال ۹۳. آیا برای زن جایز است که عطر بزند و از منزل بیرون رود؟

جواب: در روایات متعدّدی ۴] از این معنا نهی شده و ظاهر بعضی از آنها حرمت است.

سؤال ۹۴. کوتاه کردن مو برای دختران چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که مثل پسران و مردان نباشد مانعی ندارد.

سؤال ۹۵. آیا زنان می‌توانند موهای سر خود را بتراشند یا کوتاه کنند؟

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۹۶. می‌خواستم نظر حضرتعالی را در مورد کوتاه نمودن موهای زائد بدن دختران قبل از ازدواج جویا شوم؛ زیرا مادرم مرا از این کار منع می‌کند، ولی دبیران دینی و قرآن در مدرسه همواره نسبت به کوتاه نمودن موهای زائد سفارش می‌کنند و می گویند: «بلند بودن این موها باعث باطل شدن غسل می‌گردد» حال وظیفه من چیست؟

جواب: کوتاه کردن موهای زائد بدن نه تنها اشکالی ندارد، بلکه کار خوبی است؛ ولی بودن و نبودن آن ضرری برای غسل ندارد، امّا در مواردی که متعارف

احکام خانواده، ص: ۴۶

است دوشیزه ها موهای زائد را از بین نمی برند (مانند اصلاح ابرو و صورت) بهتر است مراعات عرف و عادت را بکنند.

سؤال ۹۷. حکم برداشتن ابرو در دختران از نظر شرعی و عرفی چه حکمی دارد؟

جواب: شرعاً اشکالی ندارد، ولی اگر در عرف محل کار خلافی محسوب می‌شود بهتر اجتناب از آن است.

سؤال ۹۸. آیا دختری که ازدواج نکرده و قصد دارد ازدواج کند می‌تواند کمی آرایش داشته باشد و خود را آراسته کند؟

جواب: آرایش برای این‌گونه دختران سزاوار نیست.

سؤال ۹۹. آیا اصلاح کردن در ماه محرم و صفر برای خانم‌ها از نظر اسلام و فقه اشکال دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۰. آیا بلند بودن ناخن برای خانم‌ها زینت است و اشکال دارد؟

جواب: اشکالی ندارد، ولی باید آن را برای وضو و غسل تمیز نگه دارند.

سؤال ۱۰۱. حکم چیدن و برداشتن قسمتی از موهای ابروی خانم‌ها و خالکوبی چیست؟

جواب: اشکال ندارد.

۲. زینت و آرایش آقایان

سؤال ۱۰۲. استفاده از عینکی که دسته آن مخلوط به طلا، یا طلای آن ظاهر است، برای مردان چه حکمی دارد؟

جواب: اگر مخلوط به طلا باشد، اشکالی ندارد؛ امّا اگر قسمت طلا به صورت روکش باشد، جایز نیست.

احکام خانواده، ص: ۴۷

سؤال ۱۰۳. آیا دندان پزشك مجاز به نصب دندان طلا برای مردان می‌باشد؟

جواب: جز در موارد ضرورت و یا در جایی از دهان که در موقع سخن گفتن نمایان نمی‌شود مجاز نیست.

سؤال ۱۰۴. آیا بلند نگاه داشتن مو جزء سیره پیامبر یا امامان آمده است؟ من شنیده‌ام که پیامبر زمانی که در شعب ابوطالب بودند مویشان به شانه‌های مبارکشان می‌رسید. آیا این صحت دارد؟

جواب: بلند بودن موی پیامبر یا ائمه هدی علیهم السلام بعید نیست؛ زیرا در آن زمان معمول بوده است.

سؤال ۱۰۵. اخیراً در میان برخی از جوانان مدل مو و لباسهایی (مانند رپ و غیره) رسم شده که از کشورهای اروپایی و بلاد بیگانه

اخذ می‌گردد نظر به این‌که پوشیدن این لباسها و انجام این گونه آرایش ها عرفاً از مصادیق تشبه به کفّار است چه حکمی دارد؟
جواب: با توجّه به این که این امور بخشی از فرهنگ منحطّ بیگانگان است، مسلمانان باید از آن پرهیز کرده، و فرهنگ خود را زنده کنند.

سؤال ۱۰۶. تراشیدن ریش چه حکمی دارد؟
جواب: احتیاط در ترک آن است، ولی چنانچه قسمت چانه باقی بماند، که گاه به آن ریش پروفسوری گفته می‌شود، کافی است. و جوانانی که محاسن آنها به صورت نامنظم روئیده می‌توانند آن را بتراشند تا به صورت کامل درآید.

سؤال ۱۰۷. عدّه‌ای از جوانان که از نظر علمی نیز در حدّ بالا-یی هستند به طرز خاصّ-ی لباس می‌پوشند و بیش از اندازه محاسن می‌گذارند، داشتن محاسن به حدّی که مایه تمسخر شود، چه حکمی دارد؟
جواب: از پوشیدن لباس، یا گذاردن محاسن بیش از اندازه که موجب تمسخر و توهین به شخص باشد باید اجتناب کرد و شخص مؤمن همیشه باید عزّت

احکام خانواده، ص: ۴۸

خود را حفظ کند.

سؤال ۱۰۸. آرایش و اصلاح زنانه برای مردان چه حکمی دارد؟
جواب: جایز نیست مردان خود را شبیه زنان کنند، ولی اصلاح جزیی و مرتّب کردن بعضی از قسمت‌ها که منظره خوشایندی ندارد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۹. بسیاری از خانواده‌ها براساس یک سنّت غلط به داماد خود انگشتری یا ساعت یا گردنبند یا حلقه طلا هدیه می‌دهند و آنها نیز از آن استفاده می‌کنند و در نتیجه زشتی این کار از بین می‌رود. نظر مبارک در مورد استفاده مردها از انگشتر و دیگر زیورآلات و همچنین هدیه دادن آن به دامادها و جوانان و همچنین ساختن و خرید و فروش آن که مقدّمه و زمینه‌ساز این منکر است، چه می‌باشد؟
جواب: زینت طلا- برای مردان مطلقاً حرام است و مسلمانان و پیروان مکتب اهل‌بیت علیهم السلام باید به پیروی از دستورات آن بزرگواران از این امر اجتناب ورزند و فرقی میان هدیه و غیر هدیه و داماد و غیر داماد نیست. ساختن و خرید و فروش آنها نیز اگر استفاده‌اش مخصوص مردان باشد اشکال دارد و اگر زینت طلا به صورت صلیب باشد پوشیدن و ساختن و خرید و فروش آن گناه مضاعف دارد.

۳. جرّاحی زیبایی

سؤال ۱۱۰. عمل‌های جراحی که برای زیبایی است مانند عمل بینی چه حکمی دارد؟
جواب: اشکالی ندارد، ولی باید از طریق هم جنس بوده باشد مگر این که لمس صورت نگیرد.

سؤال ۱۱۱. نظر شما در مورد عمل جرّاحی زیبایی که بعضی انجام می‌دهند

احکام خانواده، ص: ۴۹

چیست؟ قابل توجّه این که این عملیات گاه برای از بین بردن زشتی مادرزادی است و گاه برای از بین بردن زشتی غیر مادرزادی است مثل زخم‌ها و جراحاتی که بعداً عارض می‌شود و گاه برای از بین بردن زشتی نیست، بلکه برای زیباتر شدن است؟
جواب: در صورتی که آمیخته با حرام دیگری نباشد در هیچ صورت اشکال ندارد؛ و در صورتی که مستلزم حرامی باشد (مانند نظر و لمس نامحرم) تنها در صورت ضرورت، جایز است.

***

احکام خانواده، ص: ۵۱

۴

اشاره

احکام لمس

۱. لمس و بوسیدن همجنس

سؤال ۱۱۲. بوسیدن و لمس کردن همجنس (مثل این که زنی، زن دیگری را ببوسد) اگر موجب لذّت شود، یا مصداق ریبه باشد، چه حکمی دارد؟
جواب: جایز نیست.

۲. لمس در اماکن عمومی

سؤال ۱۱۳. تماس زن با مرد نامحرم در موقع پول دادن، یا مبادله شیء، و یا تماس بدنی در معابر، یا نشستن کنار مرد نامحرم در وسیله نقلیه، چه حکمی دارد؟
جواب: اگر دست‌ها در موقع پول دادن و مبادله اشیاء، با هم تماس پیدا کند حرام است؛ ولی تماس بدنها از روی لباس در وسایل نقلیه یا مکان‌های پر ازدحام اشکالی ندارد؛ مگر این که مفسده خاصّی بر آن مترتّب شود.

۳. لمس بیمار توسط پزشک و پرستار

سؤال ۱۱۴. افعال و مشاغلی برای زن و مرد هست که مستلزم نظر و لمس بدن دیگری است مثل دندان پزشکی، زایمان، جراحی و ... در این گونه موارد تکلیف
احکام خانواده، ص: ۵۲
چیست؟ و آیا فرقی بین حال ضرورت و غیر آن هست و ملاک ضرورت چیست؟
جواب: این گونه امور فقط در صورت ضرورت جایز است و معیار ضرورت تشخیص عرف عام و صالح است.
سؤال ۱۱۵. آمپول زدن زن توسط مرد نامحرم چگونه است؟
جواب: در غیر ضرورت جایز نیست.
سؤال ۱۱۶. آیا می‌توان بیماری که امکان طهارت عورتین توسّط خودش وجود ندارد، را تطهیر نمود؟
جواب: چنانچه مستلزم نگاه و لمس نباشد، یا این که به وسیله همسر انجام شود، اشکالی ندارد؛ در غیر این صورت تنها در موارد ضرورت می‌توان انجام داد.
سؤال ۱۱۷. لمس عورت و بدن بیمار توسط پرستار و طبیب چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه پرستار یا طبیب ناچار باشد به عورت بیمار دست بزند باید دستکش یا مانند آن در دست داشته باشد، همچنین اگر طبیب و پرستار مرد ناچار باشد دست به بدن زن بزند یا طبیب و پرستار زن دست به بدن مرد بزند، ولی در صورت ضرورت و ناچاری اشکالی ندارد.

۴. لمس جهت آموزش

سؤال ۱۱۸. لمس و تماس دست دانشجوی پسر با دست زن موقع گرفتن نبض و معاینه و معالجه در مقام آموزش علمی که از نظر استاد الزامی است در صورت ضرورت و غیر ضرورت چه حکمی دارد؟

جواب: تنها در مورد ضرورت جایز است و اگر امکان داشته باشد که از روی لباس بگیرد مقدّم است.

احکام خانواده، ص: ۵۳

سؤال ۱۱۹. آیا معاینه و لمس افراد غیر بیمار در مقام آموزش پزشکی جهت کنترل سلامتی واستخدام و سربازی و ... درصورتی که همجنس نباشند جایز است؟

جواب: در اموری که برای جامعه ضرورت دارد جایز است.

۵. لمس غیر مسلمان

سؤال ۱۲۰. آیا در حکم تماس بدن مرد و زن نامحرم، فرقی بین مسلمان و غیر مسلمان می‌باشد؟

جواب: فرقی نیست، هر دو حرام است.

سؤال ۱۲۱. دست دادن با غیر مسلمان چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که جنس مخالف نباشد اشکالی ندارد، و اگر رطوبت سرایت کننده‌ای در دست باشد، احتیاطاً بعداً دست‌ها را بشوید؛ ولی با جنس مخالف جایز نیست.

۶. دست دادن با نامحرم

سؤال ۱۲۲. دست دادن زن با مرد نامحرم با دستکش چه حکمی دارد؟

جواب: بهتر ترک این کار است؛ مگر در موارد ضرورت.

سؤال ۱۲۳. آیا دست دادن با نامحرم از روی لباس اشکال دارد؟

جواب: تماس از روی لباس بدون قصد تلذّذ و ریبه اشکالی ندارد.

سؤال ۱۲۴. در منطقه ما رسم بر این است که گاه زن عمو دست پسر برادر شوهر خود را می‌گیرد و او را می‌بوسد، یا زن برادر و خواهر زن نیز خود را با برادر شوهر و شوهر خواهر محرم حساب می‌کنند، و یا دست دادن، خصوصاً بوسیدن سر و دست به هنگام بازگشت از سفر و ایام عید شدیداً رایج و مرسوم

احکام خانواده، ص: ۵۴

گردیده، و هر چه تذکر داده می‌شود نمی‌پذیرند، بلکه گاه ناراحت می‌شوند، تکلیف ما چیست؟ اگر موجب قطع صله رحم شود چه حکمی دارد؟

جواب: این‌گونه کارها حرام و خلاف شرع است، و نتیجه ناآگاهی بعضی از مردم می‌باشد. وظیفه شما آن است که با زبان خوش امر به معروف و نهی از منکر کنید، و اگر صله رحم بدون آن میسّر نیست، صله رحم را ترک کنید.

سؤال ۱۲۵. در محیطهای دانشگاهی فرانسه، هنگام برخورد با اساتید مرد، یا دانشجویان پسر، ناگزیر به مصافحه هستیم، و گرنه حمل بر اسائه ادب دانشجویان مسلمان می‌شود، در این صورت مصافحه با مردان غیر مسلمان چه صورت دارد؟

جواب: وظیفه شرعی شما دست ندادن است، و باید این فرهنگ اسلامی را به آنها فهماند تا حمل بر اسائه ادب نشود.

***

احکام خانواده، ص: ۵۵

۵

احکام صدای نامحرم

سؤال ۱۲۶. شنیدن صدای زن نامحرم چه حکمی دارد؟

جواب: شـنیدن صدای زن نامحرم در صورتی که به قصد لذّت نباشد و سبب افتادن در گناه نشود اشکالی ندارد، ولی زن نباید لحن صدای خود را طوری کند که هوس انگیز باشد.

سؤال ۱۲۷. گوش دادن به آواز زن نـامحرم برای مرد در صورتی که اشـعار مـذهبی بخوانـد و موجب مفسـده هم نباشـد چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۱۲۸. شـغل بعضـی از خانم‌ها ذکر توسّل به اهل بیت علیهم السلام در مجالس زنانه است، گاهی از اوقات هنگامی که مشغول روضه‌خوانی هسـتند مرد و یـا بچه‌هایی که خوب و بـد را می‌فهمنـد وارد حیاط آن خانه می‌شونـد و صـدای این خانم را می‌شـنوند، حکم این قبیل روضه خوانی‌ها چیست؟

جواب: در این مورد که نوشته‌اید، صدای خود را آهسته‌تر کند و یا بدون تکیه به صوت بخواند.

سؤال ۱۲۹. اگر زن با صوت قرآن بخواند، آیا مرد می‌تواند به آن گوش بدهد؟

آیا تفاوتی بین نوار و غیر آن هست؟

جواب: در صورتی که زن به طور ساده قرآن بخواند مانعی ندارد، ولی اگر با

احکام خانواده، ص: ۵۶

آهنگ یا صدای زیبا بخواند گوش دادن مرد اجنبی جایز نیست و نوار و غیر نوار فرقی نمی‌کند.

سؤال ۱۳۰. هنگامی که در مراسم صـبحگاهی مـدرسه یکی از خواهران قرآن را با صوت تلاوت می‌کنـد دبیران مرد صـدای وی را می‌شنوند، آیا به طور کلّی تلاوت قرآن در صورت شنیدن نامحرم توسط خواهران گناه است؟

جواب: اگر با آهنگ باشد اشکال دارد و اگر به طور ساده باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۳۱. گـوش دادن به خنـده زن نـامحرم اگر موجب مفسـده نباشـد چه حکمی دارد و در صورتی که مفسـده داشـته باشـد چه حکمی دارد؟

جواب: در مواردی که مفاسد خاصّی بر آن مترتب نشود مانعی ندارد.

***

احکام خانواده، ص: ۵۷

۶

اشاره

احکام مراوده و معاشرت با نامحرم

۱. خلوت با نامحرم

سؤال ۱۳۲. خلوت با نامحرم چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که مرد و زن نامحرم در محلّ خلوتی که کسی در آنجا نیست و دیگری هم نمی‌تواند وارد شود، نمانند؛ حتّی اگر در آنجا نماز بخوانند نماز آنها اشکال دارد.

سؤال ۱۳۳. محدوده خلوت با اجنبیه چیست؟ اگر شخصی مطمئن باشد که در خلوت با اجنبیه به گناه نمی‌افتد، باز هم این کار اشکال دارد؟

جواب: اگر در مکانی هستند که معمولًا هیچ کس رفت و آمد نمی‌کند، خلوت با اجنبیه محسوب می‌شود. و خلوت با اجنبیه، حتّی اگر فکر می‌کنند به حرام نمی‌افتند، اشکال دارد.

سؤال ۱۳۴. آیا خلوت با زن نامحرم اگر چه مطمئن باشد مرتکب حرام نمی‌شود جایز است؟ محدوده خلوت اجنبیه چیست؟

جواب: اگر در مکانی هستند که معمولًا هیچ کس رفت و آمد نمی‌کند، خلوت با زن نامحرم محسوب می‌شود و خلوت با اجنبیه اشکال دارد حتّی اگر فکر می‌کنند به حرام نمی‌افتند.

احکام خانواده، ص: ۵۸

۲. مراجعه به پزشک نامحرم

سؤال ۱۳۵. مراجعه زن به دکتر مرد اگر دکتر حاذق زن نباشد چه حکمی دارد؟

جواب: در مورد ضرورت مانعی ندارد.

سؤال ۱۳۶. آیا مراجعه زن به پزشک مرد در صورتی که بتواند پزشک زن در آن رشته بیابد جایز است؟

جواب: در صورتی که مستلزم نگاه به غیر وجه و کفّین یا مستلزم لمس کردن باشد فقط در صورت ضرورت جایز است و با وجود پزشک زن جایز نیست.

۳. گفتگو و مواجهه با نامحرم

سؤال ۱۳۷. آیا بطور کلّی گفتگو با زن نامحرم جایز است؟

جواب: در صورتی که بطور عادی باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۳۸. گفتگو با مردان نامحرم با چه شرائطی جایز است؟

جواب: در حدود سخنان عادی، مشروط به این که منشأ فسادی نباشد، جایز است.

سؤال ۱۳۹. آیا سلام کردن مرد بر زن نامحرم کراهت دارد؟

جواب: کراهت ندارد؛ ولی از بعضی از اخبار استفاده می‌شود که سلام کردن به زن جوان مکروه است.

سؤال ۱۴۰. گفتگو با همکاران نامحرم چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که جهات شرعیه مراعات شود، و به جز آن دو نفر شخص ثالثی نیز وجود داشته باشد، یا امکان ورود دیگری بدون اجازه آنها باشد، و سخنان عادی و معمولی باشد، اشکال ندارد.

سؤال ۱۴۱. چت کردن با نامحرم چه حکمی دارد؟

جواب: این کار با جنس مخالف اشکال دارد، و غالباً پیامدهای منفی به همراه

احکام خانواده، ص: ۵۹

دارد، مگر این که مقدّمه ازدواج باشد. که در این صورت به مقداری که جهت ازدواج لازم است، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۲. دوختن لباس زنانه توسط خیاط مرد، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که مستلزم تماس بدنی و محرّمات دیگری نشود اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۳. جوان مجرّدی در برخورد با نامحرم دچار مشکل است. این برخوردها و نگاه‌های غیر مستقیم و گاه مستقیم (که بنا به ضرورت و از روی ناچاری انجام می‌شود)، و حتّی در برخی موارد شنیدن صدای نامحرم و صدای پای او، برایش نوعی لذّت به همراه دارد. لازم به ذکر است محدود کردن خود و خانه‌نشینی برای فرار از مشکل مطرح شده، تنها برای مدّتی او را از این صحنه‌ها دور می‌کند، امّا در برخوردهای بعدی، که به ناچار هر انسانی ناگزیر از آن است، اوّلًا: این حالت‌ها در او تشدید می‌شود، به طوری که گاه حتّی در برخورد با محارم نیز مشکل مطرح شده، بروز می‌کند، ثانیاً: در دراز مدّت به علّت قطع ارتباط با دیگران، و بیرون نرفتن از منزل، و حتّی ترک درس و تحصیل در دانشگاه، و چشم پوشیدن از تلویزیون و تصاویر و عکس‌ها، و در یک کلام به انزوا نشستن، باعث بروز ناراحتی‌های مختلف جسمی و روحی از جمله افسردگی و ناراحتی‌های عصبی او خواهد شد. وظیفه شرعی چنین شخصی چیست؟

جواب: به هیچ وجه لازم نیست با مردم قطع رابطه کند، و خانه نشین شود.

همین اندازه که عمداً نگاه نکند مشکلی ندارد، حتّی اگر قهراً و بدون اختیار برای او لذّتی حاصل شود.

۴. دوستی با نامحرم

سؤال ۱۴۴. متأسّفانه روابط بین پسر و دختر در جامعه ما بسیار بد جا افتاده،

احکام خانواده، ص: ۶۰

و پدر و مادرها از آن به عنوان یک کار زشت یاد می‌کنند. من به عنوان یک پسر جوان موارد زیادی از این روابط را دیده‌ام. اگر پسر و دختر در روابط خود، حدود را رعایت کنند، و بدون اطّلاع پدر و مادرشان رابطه‌ای برقرار نمایند، و بین خود دوستی پایداری را برنامه‌ریزی کرده باشند، که به احتمال قریب به یقین به ازدواج آنها منتهی شود، آیا شرعاً مشکلی دارد؟

جواب: تجربه‌های مکرّر در مکرّر نشان داده که رابطه‌های دختران و پسران دام‌های شیطان است، و منجر به خلاف شرع می‌شود. بنابراین تنها در صورتی که قصد ازدواج داشته باشند، آن هم به مقداری که برای شناخت یکدیگر لازم است، می‌توانند تماس بگیرند.

سؤال ۱۴۵. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا ارتباط نوشتاری و نامه‌نگاری دختر و پسر بالغ نامحرم از طریق کامپیوتر و شبکه اینترنت جایز است؟

ب) پس از آشنایی طرفین از طریق بالا، آیا ملاقات عمومی تعدادی دختر و پسر بالغ و نامحرم، در مکان عمومی جایز است؟

ج) آیا مصاحبه و نگاه به چشم‌ها و صورت همدیگر جایز است؟

د) اگر موارد بالا جایز باشد، در چه مرحله‌ای اجازه پدر برای ادامه ارتباط دختر یا پسر بالغ و نامحرم، حضوری یا نوشتاری، واجب است؟

جواب: با توجّه به این که این‌گونه ارتباطها غالباً منشأ مفاسدی می‌شود، جایز نیست.

سؤال ۱۴۶. مکالمه تلفنی پسر و دختر و مراوده طرفین جهت دوستی چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

احکام خانواده، ص: ۶۱

۷

اشاره

احکام اختلاط زن و مرد

۱. اختلاط در مجالس خانوادگی

سؤال ۱۴۷. مقدار و نوع پوشش زن در میهمانی‌های خانوادگی چه میزان است؟

جواب: زن بایـد در مقابـل نـامحرم بـدن خود را جز صورت و دست‌ها تا مـچ بپوشانـد؛ و تفاوتی میان میهمانی خانوادگی و غیر آن نیست.

سؤال ۱۴۸. آیا عرف در نوع پوشش زنان در میهمانی‌های خانوادگی مؤثر است؟

جواب: اگر منظور این است که تمام بـدن به غیر از گردی صورت و دست‌ها تا مـچ پوشـیده باشـد تفاوت عرفها تاثیری ندارد، و در مقابل نامحرم در مجالس خانوادگی یا غیر آن باید پوشش اسلامی رعایت شود.

سؤال ۱۴۹. بوسیدن سر و دست زنان و مردان سالخورده فامیل که نامحرم هستند به جهت احترام چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۱۵۰. شوخی و صحبت با اقوام نامحرم در مجالس چه حکمی دارد؟

جواب: صحبت‌های عادی مانعی ندارد ولی شوخی اشکال دارد.

سؤال ۱۵۱. در برخی مناطق اقوام نامحرم نزدیک را جزء محارم می‌دانند

احکام خانواده، ص: ۶۲

و حجاب را در مقابل آنها رعایت نکرده و گاه با آنها دست می‌دهند و امثال آن، حکم این امور چیست؟

جواب: باید تمام این امور که خلاف شرع است ترک شود و آنان را با زبان خوب امر به معروف و نهی از منکر نمود.

سؤال ۱۵۲. نشستن افراد نامحرم فامیل بر سر یک سفره چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که جهات شرعی را رعایت کنند مانعی ندارد.

۲. اختلاط در محیطهای آموزشی

سؤال ۱۵۳. نظر حضـر تعالی در مورد مدارس مختلط پسر و دختر، که در برخی مناطق بخاطر کمبود محلّ درس ناچار از آن هستند، چیست؟

جواب: در موارد ضـرورت، با رعایت حجاب اسـلامی و موازین شـرعی مانعی ندارد؛ ولی کوشش برای جدا سازی این مدارس باید ادامه یابد.

سؤال ۱۵۴. خـانمی می‌خواهـد به تحصـیل خود ادامه دهـد، تا در آینـده شـغل مناسب و مشـروعی انتخاب کنـد، ولی ادامه تحصـیل مستلزم این است که با نامحرمان روبه رو شود؛ مثل این که نزد نامحرم درس بخواند، یا با دانشجویان پسر در یک کلاس بنشیند، آیا ادامه تحصیل در چنین شرایطی جایز است؟

جواب: هر گاه توأم با امر حرامی- مانندِ خلوت با اجنبیه یا مفاسد دیگر- نگردد، مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۵. گاه دانشـجوی پسری در بین عدّه‌ای دانشجوی دختر، و یا بالعکس درس می‌خواند، با توجّه با این که اگر با این شرایط تحصیل را ادامه ندهد متضرّر می‌شود، آیا درس خواندن در فرض مسأله جایز است؟

جواب: اگر موجب کار حرامی نمی‌شود اشـکالی نـدارد؛ ولی سـزاوار است مسؤولین کشورهای اسـلامی برنامه‌ای برای جدا ساختن مراکز تحصیلی پسران

احکام خانواده، ص: ۶۳

و دختران تنظیم کنند.

سؤال ۱۵۶. آیا خواهران دانشجو می‌توانند در مورد امور کلاس، یا مسائل علمی در بین برادران دانشجو، کنفراس دهند؟

جواب: هر گاه موازین شرعی در آن رعایت گردد، و مفسده خاصّی نداشته باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۷. خنـده و شوخی اسـتاد خانم در کلاس درس دانشـجویان دختر و پسـر به منظور رفع کسالت و خسـتگی و تجدید روحیه دانشجویان چه حکمی دارد؟

جواب: رعایت آداب عفّت در کلاس درس واجب است.

سؤال ۱۵۸. تبعیّت از دسـتور اسـتادی که مقید به فرایض شـرعی نیست و با وجود دانشـجویان دختر به دانشـجویان پسر دستور معاینه زنان بیمار را می‌دهد چه حکمی دارد؟ البتّه تمرّد از دستور استاد ممکن است در نمره قبولی یا رد او دخالت داشته باشد؟

جواب: دراین مورد که ضـرورت نیست بایـد به صورت معقولی تمرّد کند مگر این که معاینه زنان برای تکمیل تحصـیلات پزشـکی لازم باشد (تحصیلاتی که سبب نجات جان زنان می‌شود) که در این صورت جایز است.

۳. اختلاط در محیط کار

سؤال ۱۵۹. آیا اشتغال زنان در اداراتی که محلّ مراجعه مردان است جایز است؟

جواب: با رعایت شؤون اسلامی اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۰. آیـا شـرکت دختران و بانوان همراه با مردان و پسـران در ارگان‌های انقلابی،ماننـد جهاد سازنـدگی، بنیاد شـهید، سپاه پاسداران و مانند آن، و انجام

احکام خانواده، ص: ۶۴

امور محوّله و نشست با هم، که ناچار از تماس و برخورد با هم می‌باشند، مشروع است؟

جواب: در صورتی که جهات شرعی رعایت شود، و منشأ فسادی نگردد، جایز است.

۴. اختلاط در بازیگری

سؤال ۱۶۱. آیا برای نمایش صحنه‌های تاریخی، اختلاط زن و مرد مسلمان که در نقش کفّار بازی می‌کنند و همراه با مکالمات مهیج شهوت و عاشقانه است، جایز است؟

جواب: بازی کردن در نقش کفّار به منظور اهداف آموزنده مانعی ندارد؛ ولی مکالمات محرّک و شهوت‌انگیز جایز نیست.

سؤال ۱۶۲. هنر پیشگی دختران و زنان در فیلم های تلویزیونی و سینمایی در کنار مردان نامحرم و به عنوان همسر صوری آنان چه حکمی دارد؟ آیا در هنگام اجرای نقش، مجاز به خنده و گفتگوی صمیمانه با یکدیگر هستند؟

جواب: صحبت‌های معمولی و ایفاء این نقش‌ها، اگر مفسده‌خاصّی بر آن مترتّب نشود و حجاب اسلامی رعایت گردد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۳. فیلم‌هایی ساخته می‌شود که زن و مرد نامحرم در آن بازی می‌کنند، و به مقتضای نقش محوّله، با هم شوخی کرده، و به یکدیگر نگاه‌های عاشقانه دارند. بازی کردن آنها در چنین فیلم‌هایی چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که آداب عفّت اسلامی را رعایت کنند مانعی ندارد.

***

احکام خانواده، ص: ۶۵

بخش دوم:

اشاره

مقدّمات زندگی مشترک

احکام خانواده، ص: ۶۷

۱

اشاره

ازدواج

۱. حکم ازدواج

سؤال ۱۶۴. آیا ازدواج واجب است؟

جواب: ازدواج از مستحبّات مؤکد است؛ مگر در مواردی که انسان بترسد که اگر آن را ترک کند به گناه می‌افتد، که در این صورت واجب می‌شود.

سؤال ۱۶۵. در توضیح المسائل حضرت عالی آمده: «کسی که به خاطر ازدواج نکردن به گناه می افتد، واجب است ازدواج نماید.» لطفاً بفرمایید:

الف) آیا منظور از گناه فقط زناست، یا چشم چرانی، خود نمایی زن، عشوه و ناز زن برای مرد نامحرم، و مانند آن را نیز شامل می‌شود؟

جواب: شامل تمام این گناهان می‌شود.

ب) منظور از عبارت «به خاطر ازدواج نکردن به گناه می‌افتد» کدام یک از این دو حالت زیر است؟

اوّل: اگر به خاطر ازدواج نکردن مرتکب گناه شد، بعد از آن ازدواج بر او واجب می‌شود.

دوم: وقتی به خاطر ازدواج نکردن میل شدیدی به گناه پیدا کرد، قبل از ارتکاب گناه ازدواج بر او واجب می‌شود.

جواب: منظور احتمال دوم است.

احکام خانواده، ص: ۶۸

ج) آیا حکم مذکور اعم از دائم و موقّت است، یا فقط منظور ازدواج دائم است؟

جواب: فرق نمی کند.

سؤال ۱۶۶. همان‌گونه که می‌دانید روز به روز فاصله بین بلوغ جنسی و سنّ ازدواج، رو به افزایش است و اکنون به حدود ۱۲ الی ۱۳ سال رسیده است (چه در مورد دختران و چه در مورد پسران)؛ این مسأله باعث شده که روابط پنهانی و نامشروع دختران و پسران از اصلی‌ترین مشکلات جوانان به حساب آید. در این رابطه‌ها حرمت شرعی ۱۰۰٪ است و گاهی آثار و تبعات اجتماعی و روانی نیز به دنبال دارد. حال سؤال این است که با توجّه به خودداری جوانان از ازدواج (به دلیل مشکلاتی مانند تحصیل، شغل و مسکن) و سود نبخشیدن تفریحاتی مانند ورزش، و غیره و همچنین نپذیرفتن ریاضت و رهبانیت در طیّ این دوران (و بلکه ناممکن بودن آن در بعضی اوقات) و از همه مهمتر روا نبودن سکوت در مقابل این همه خلاف شرع و اثراتی که از بُعد معنوی و عبودی بر روح و جان جوانان می گذارد لطفاً بفرمایید: آیا دعوت عمومی دختران و پسرانی که دارای روابط نامشروع هستند و به ادامه آن اصرار می‌ورزند، با حفظ همان میزان رابطه، به ازدواج غیر دائم، با اذن ولی یا بدون اذن ولیّ، صحیح است؟ آیا این عمل اخراج از حرام به حلال نیست، که در برخی روایات ابواب متعه به آن اشاره شده است؟

جواب: دعوت به سوی این رابطه ظاهراً مشروع، مفاسد زیادی در بر دارد و تجربه نشان داده که غریزه سرکش جنسی هرگز آنها را در یک مرحله محدود نمی کند؛ بلکه غالباً به مراحل دیگر می کشاند که سبب مشکلات عظیم برای جامعه می گردد. به‌علاوه چون این گونه ارتباطها مسئولیت و تقید خاصّی همراه ندارد، در یک نفر محدود نمی‌شود و ممکن است یک فرد با چند نفر نیز رابطه

احکام خانواده، ص: ۶۹

برقرار کند که مفاسد آن بر کسی مخفی نیست. بنابراین، از چنین روشی در شرایط فعلی جامعه ما باید صرف‌نظر کرد و به طرق دیگر، از جمله تشویق به ازدواجهای ساده، ازدواجهایی در حدّ عقد بدون عروسی و همچنین مبارزه با عوامل تحریک کننده اقدام شود، که اگر این عوامل کم شود مسأله بسیار محدودتر خواهد شد. تشویق به سرگرمی‌های سالم مانند ورزش و غیر آن نیز سهمی در کنترل این امر دارد، منتها باید جوانان را تشویق کرد در ورزش از لباسهای مناسب استفاده کنند، تا نتیجه معکوس ندهد.

۲. سنّ ازدواج

سؤال ۱۶۷. آیا در شرع مقدّس اسلام تغییر سنّ شرعی و قانونی ازدواج دختران از ۹ سال به ۱۵ سال مجاز است؟

جواب: سنّ نُه سالگی سنّ تکلیف است، و الزاماً سنّ ازدواج نیست. توضیح این که: ازدواج در صورتی جایز است که دختر رشد

جسمانی کافی برای ازدواج داشته باشد، و در صورتی که کارشناسان بطور خاص یا بطور عام تأیید کنند که فلان دختر یا عموم دختران در محیط ما، در فلان سن، رشد جسمانی کافی برای ازدواج ندارند، ازدواج در چنان سنّی حرام است. به تعبیر دیگر، بلوغ به حسب ادّله شرع، چهار مرحله دارد:

الف) بلوغ به معنای سنّ تکلیف و رعایت واجب و حرام و انجام نماز و مانند آن.

ب) بلوغ به معنای آمادگی برای روزه، بطوری که مایه ضرر و زیان و بیماری پسران و دختران نشود.

ج) بلوغ برای ازدواج، بطوری که دختران از نظر جسمی آمادگی کافی داشته باشند، و خطر إفضاء و نقائص دیگری در کار نباشد.

احکام خانواده، ص: ۷۰

د) بلوغ و رشد برای مسائل اقتصادی و مالی، بطوری که در معاملات مغبون نشوند. از آنچه در بالا گفته شد، جواب سؤال روشن شد.

سؤال ۱۶۸. چهل وهفت سال سن دارم از نظر شرع اختلاف سن ازدواج چقدر باید باشد؟

جواب: اختلاف سن در ازدواج حدّ معینی ندارد ولی بهتر این است که فاصله زیادی نباشد تا پیوند آنها دوام بیشتری داشته باشد.

سؤال ۱۶۹. آیا دستوری در مورد تسریع در امر ازدواج داریم؟

جواب: مستحبّ است در شوهر دادن دختری که به حدّ بلوغ رسیده تعجیل کنند، همچنین در مورد زن دادن به پسرانی که نیاز به همسر دارند.

۳. انتخاب همسر

سؤال ۱۷۰. به نظر حضرتعالی در ازدواج دو جوان بهتر است چه چیزهایی معیار باشد؟

جواب: بالاترین معیار ایمان و تقوا و اطاعت فرمان خدا و صفاتی است که موجب محبّت و سازش با یکدیگر است.

سؤال ۱۷۱. ازدواج مرد غیر سید با دختر سیده و بالعکس چه حکمی دارد؟ در صورتی که این کار باعث اختلافاتی شود وظیفه چیست؟

جواب: مسلّماً از نظر شرع اسلامی اشکال ندارد ولی اگر در مناطقی بر اثر تعصّب یا ناآگاهی مردم منشأ اختلافاتی می‌شود از آن پرهیز نمایید.

سؤال ۱۷۲. آیا ازدواج با بستگان نزدیك مکروه است؟

جواب: طبق روایتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به این مضمون رسیده است که: «با نزدیکان ازدواج نکنید به علّت این که فرزند ضعیف و لاغر به دنیا می‌آید» ازدواج با نزدیکان مکروه است.

احکام خانواده، ص: ۷۱

سؤال ۱۷۳. آیا پسر مجبور است با دختری که مادرش پسندیده، امّا مورد پسند خود نیست، ازدواج کند؟

جواب: پسر مجبور نیست با آن دختر ازدواج کند ولی در احترام مادر کوتاهی نکند.

۴. نذر ازدواج

سؤال ۱۷۴. بعضی از دختران که در سنّ بالا (۳۰ تا ۳۵ سال) هستند، خود را از نظر ازدواج در محدودیت‌هایی قرار می‌دهند، مثلًا می‌گویند: «فقط با سادات ازدواج می‌کنیم». آیا این کار در این شرایط سنّی جایز است؟

جواب: این گونه محدودیت‌ها به مصلحت دختران نیست؛ حتّی اگر نذر کنند و آن نذر سبب مشکلاتی در زندگی آنها شود، آن

نذر هم اعتباری ندارد.

سؤال ۱۷۵. بعضی از مؤمنین نذر می‌کنند که دختران خود را فقط به سادات بدهند، بدین جهت گاه برخی از این دختران تا سنّ سی سالگی، بلکه بالاتر، موفّق به ازدواج نمی‌شوند، آیا چنین نذری ظلم به دختران و خلاف شرع محسوب نمی‌شود؟ آیا از نظر شرعی پدر و مادر حق دارند چنین محدودیتی برای دختر خود ایجاد کنند؟

جواب: پدر و مادر حق ندارند درباره دختر یا پسر خود نذر کنند، یا محدودیّتی از این نظر قائل شوند؛ حتّی اگر خود دختران هم نذر کنند و سبب بروز مشکلاتی شوند، نذرشان اعتباری ندارد.

۵. ازدواج دوقلوهای به هم چسبیده

سؤال ۱۷۶. ازدواج دو قلوهای به هم چسبیده چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که بتوانند ترک ازدواج و عمل به احتیاط کنند و به عسر

احکام خانواده، ص: ۷۲

و حرج شدید گرفتار نشوند، احتیاط آن است که از ازدواج صرفِ‌نظر نمایند و اگر ناچار از ازدواجند، آن دو دختر می‌توانند به نوبت به ازدواج مرد واحدی در آیند. به این ترتیب که یکی را به عقد خود در آورد و بعد از طلاق و گذشتن عدّه دیگری را عقد کند (البتّه برای این که گرفتار مشکلات طلاق‌های متعدّد نشوند می‌توانند از عقد موقّت استفاده کنند). در مورد دو پسر نیز احتیاط آن است که اگر ممکن است ازدواج نکنند و در صورت ضرورت انتخاب یک همسر در زمان واحد جایز نیست، ولی می‌توانند به طریق بالا با یک زن ازدواج کنند و به هر حال با توجّه به این‌که وجود چنین افرادی بسیار کم است ذکر این احکام شرعی نیز اگر عجیب به نظر برسد، جای بحث و گفتگو نیست.

سؤال ۱۷۷. طبق جواب حضرتعالی، در خصوص ازدواج دو قلوهای به هم چسبیده، مسأله سه صورت خواهد داشت، که شما حکم دو صورت آن را ذکر فرمودید. به این نحو که دو قلوها یا هر دو پسر هستند، یا هر دو دختر، که حکم این دو صورت در جلد اوّل استفتائات جدید، پاسخ سؤال ۸۷۴ ذکر گردیده است. حال اگر یکی از دو قلوها پسر و دیگری دختر باشد، و نیاز شدید به ازدواج داشته باشند، ازدواج آنها به چه شکل خواهد بود؟

جواب: در صورتی که ضرورتی نباشد باید از ازدواج صرفِ نظر کنند، و اگر ضرورت قطعی و غیر قابل اجتناب باشد، هر کدام می‌توانند همسری انتخاب کنند. ولی تا آن جا که ممکن است باید جهات مربوط به محرم و نامحرم را رعایت نمایند، و از آن جا که این گونه مسائل بسیار نادر است، طبعاً احکام آن هم عجیب به نظر می‌رسد.

۶. دیگر مسائل ازدواج

سؤال ۱۷۸. با توجّه به این که در حال حاضر تعداد دختران و زنان آماده ازدواج

احکام خانواده، ص: ۷۳

به مراتب بیشتر از پسران و مردان آماده ازدواج است و عدم توجّه به این مسأله اساسی مشکلات عدیده اخلاقی در جامعه اسلامی ایجاد می‌نماید، آیا مردانی که شرایط لازم ازدواج مجدّد را دارند، این ازدواج بر آنها واجب می‌شود؟

جواب: ارقامی که ذکر کردید چندان مطابق واقع نیست و ازدواج مجدّد بر افرادی که گفتید واجب نمی‌باشد و اگر شرایط ازدواج برای افراد مجرّد آسان بشود ظاهراً مشکل حل می‌شود.

سؤال ۱۷۹. اگر زانی و زانیه با یکدیگر ازدواج کنند فساد کمتری در محلّ آنها به وجود می‌آید و اصلاح می‌شوند در این صورت

آیا می‌توان آن دو را مجبور به ازدواج کرد؟

احکام خانواده ؛ ص۷۳

جواب: کسی را نمی‌توان مجبور به ازدواج کرد ولی توصیه و ارشاد آنها بلامانع است، همچنین در مواردی که قاضی می‌تواند عفو کند و از اجرای حدّ صرفِ‌نظر کند حق دارد عفو کردن را مشروط به ازدواج آنها نماید.

سؤال ۱۸۰. بین دو طایفه، در محلّی درگیری واقع شده و چشم پسر بچه‌ای نابینا می‌شود، به عنوان وجه‌المصالحه دختر ده ساله‌ای را با اجازه ولیش برای برادر بچه ۸ ساله‌ای که چشمش از بین رفته عقد می‌کنند. خود دختر ادّعا می‌کند من راضی نبوده و نیستم. در قانون سنّ پسر و دختری که بتوانند مستقلًا در کارهای خود مداخله کنند ۱۸ سال است و کمتر از ۱۸ سال باید به دادگاه مراجعه و دادگاه به پزشک متخصص ارجاع می‌دهد که بالغ و رشیده باشند، چنانچه پزشک متخصص قانونی بر بلوغ و رشد گواهی کند، دادگاه قبل از سن ۱۸ سالگی حکم رشد صادر می‌کند. در این مورد چنین اقدامی نشده لیکن در سن ۱۸ سالگی صورت جلسه‌ای بین زوجین به این کیفیت که تا پایان تحصیلات متوسطه زوجین به تحصیل خود ادامه دهند، تنظیم شده است. در مورد همین صورت جلسه نیز دختر ادعا می‌کند پدر و مادرم تهدیدم کردند من امضا کردم.

احکام خانواده، ص: ۷۴

این ازدواج در بعضی از روستاها مرسوم بوده و هست. در ضمن در مسأله ۴ تحریرالوسیله در فصل اولیای عقد آمده است که «یشترط فی ... صحه تزویج الاب و الجد و نفوذه عدم المفسده» و در آخر مسأله ذکر شده «بل الاحوط مراعات المصلحهٔ» آیا این عدم مفسده و رعایت مصلحت مربوط به دختر می‌باشد یا به پدر و فامیل دختر؟ آیا چنین عملی صحیح است؟

جواب: رعایت مصلحت و مفسده مربوط به دختر است یعنی مصالح دختر باید در نظر گرفته شود و ارتباطی به پدر و مادر ندارد و ملاحظات فامیلی و جبران خسارت‌ها، نمی‌تواند مجوز باشد که صغیر مال‌المصالحه شود و امّا در مورد کبیر شرعی واضح است که بدون رضای او عقد صحیح نیست.

سؤال ۱۸۱. اگر مردی به هیچ وجه قادر به ازدواج نباشد یعنی همیشه در امور زندگیش با شکست مواجه بوده و حتّی قادر به سبک‌ترین نوع ازدواج هم نیست و ازدواج نکردن هم موجب اختلالاتی در بدنش می‌شود، آیا می‌تواند به وسیله خوردن دارو و یا عمل جراحی، مردی خود را از بین ببرد؟

جواب: جایز نیست و باید صبر کند تا خداوند فرجی برای او فراهم سازد.

سؤال ۱۸۲. استمنا کردن برای شخص جوانی که ۲۵ سال سن دارد و نمی تواند ازدواج کند، چه حکمی دارد؟

جواب: حرام است؛ باید به فکر راه‌های مشروع باشد و چنانچه از عوامل تحریک نظیر فیلم‌ها و کتاب ها و نشریات فاسد و مجالس آلوده، دوستان ناباب و حتّی مناظر تحریک کننده اجتناب کرده و اوقات فراغت را با مطالعه و کار و مانند آن پر کنید و بر خداوند توکل نمایید و هر روز مقداری ورزش کنید، ان‌شاءاللَّه بر هوای نفس و وسوسه‌های شیطان غالب می‌شوید. ما هم برای موفقیت شما دعا می‌کنیم.

احکام خانواده، ص: ۷۵

۲

اشاره

خواستگاری

۱. نگاه

سؤال ۱۸۳. نگاه کردن مرد به زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند به منظور آگاه شدن از حسن و عیب او جایز است؟

جواب: آری جایز است.

سؤال ۱۸۴. اگر با یک بار نگاه کردن به زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند به منظور آگاه شدن از حسن و عیب این منظور حاصل نشود می‌تواند چند بار در چند مجلس نگاه کند؟

جواب: آری جایز است.

سؤال ۱۸۵. در سؤالات بالا و مسأله ۲۰۹۱ رساله حضرتعالی آمده است که:

«نگاه کردن مرد به زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند، به منظور آگاه شدن از حُسن و عیب او جایز است». آیا برای زن نیز جایز است که به همین منظور به بدن مردی که به خواستگاری او آمده نگاه کند؟ محدوده این نگاه و شرایط آن چیست؟

جواب: آری برای زن هم جایز است، و محدوده آن قسمت‌هایی از بدن است که مشاهده آن در انتخاب همسر تأثیر دارد. و این امور باید در مواردی باشد که بطور جدّی تصمیم بر ازدواج در فرض پسندیدن وجود دارد.

احکام خانواده، ص: ۷۶

سؤال ۱۸۶. نگاه کردن به دختری که قصد ازدواج با او را دارد و برای آگاهی بیشتر باید به اندام و صورت او نگاه کند و نیز حرف زدن با او چطور است؟

جواب: به مقدار لازم برای شناخت او مانعی ندارد.

سؤال ۱۸۷. شخصی در جستجوی ازدواج موقّت است و می‌داند که در فلان مکان با عدّه‌ای از زنانی که برای این امر آماده‌اند رو به رو می‌شود، آیا می‌تواند به آن مکان رفته و به آنها نگاه کند و یکی از آنها را انتخاب کند؟

جواب: در صورتی که به قصد ازدواج باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۸۸. امام خمینی قدس سره فرموده‌اند: «کسی که می‌خواهد با زن یا دختری ازدواج کند جایز است به صورت و مو و دست و مواضع زینت او نگاه کند» منظور از مواضع زینت چیست؟

جواب: به سر و صورت و گردن و مقداری از دست و بازو و مقداری از پاها می‌توان نگاه کرد.

۲. استخاره

سؤال ۱۸۹. با عنایت به این که گروه زیادی از متدینین در خصوص امر ازدواج قبل از هرگونه مشورت و معارفه‌ای متوسّل به استخاره می‌شوند و سنّت نبوی ازدواج را به بهانه استخاره ردّ و یا به تعویق می‌اندازند و سدّی در جهت تشکیل کانون گرم، صمیمی و عاطفی زوجین جوان ایجاد می‌کنند، آیا این کار چه حکمی دارد؟

جواب: استخاره همیشه باید بعد از مطالعه جوانب مسأله و مشورت باشد، اگر فکر انسان بجایی رسید جای استخاره نیست و اگر فکر به جایی نرسید جای استخاره است.

سؤال ۱۹۰. آیا در صورت انجام استخاره، عمل به آن واجب است؟

احکام خانواده، ص: ۷۷

جواب: عمل به استخاره واجب نیست ولی حتّی الامکان مخالفت نشود؛ مگر این که مدّت قابل ملاحظه‌ای تأخیر بیندازد و بعد اقدام کند.

سؤال ۱۹۱. آیا در مورد ازدواج، تجدید استخاره جایز است؟ به چه روش؟

جواب: در هیچ مورد تجدید استخاره درست نیست؛ مگر این که مدّت قابل ملاحظه‌ای بگذرد یا شرایط مورد استخاره تغییر کند.

۳. دیگر مسائل مربوط به خواستگاری

سؤال ۱۹۲. این جانب مدّت سه سال است که خواستگار دارم؛ ولی به علّت این که خواهر بزرگ‌ترم ازدواج نکرده، خانواده‌ام به خواستگارانم جواب ردّ می‌دهند. در حال حاضر ۲۷ سال سن دارم. آیا جایز است که بنده برای حفظ حرمت خواهرم ازدواج نکنم؟ اگر ازدواج کنم آیا در حقّ خواهرم خیانت کرده و دچار معصیت شده‌ام؟

جواب: شما شرعاً و اخلاقاً می‌توانید ازدواج کنید و خیانت و بی‌احترامی نسبت به خواهرتان نخواهد بود.

سؤال ۱۹۳. آیا تحقیق کردن در مورد دختران یا پسران، یا فکر کردن در مورد آنها، و یا عاشق آنها بودن، اشکال دارد؟

جواب: عشقی که آمیخته به گناه نشود، و مقدّمه ازدواج باشد مانعی ندارد؛ ولی در جایی که انسان قصد ازدواج ندارد نباید تحقیق کند.

سؤال ۱۹۴. اگر دختر یا پسر به هنگام خواستگاری دارای مشکلی از نظر جسمی باشد، و آن مشکل آشکار نباشد، آیا واجب است آن را به طرف مقابل بگوید؟

جواب: واجب نیست؛ ولی خلاف آن را نگوید. امّا اگر مشکل مهمّی باشد، گفتنش بهتر است.

احکام خانواده، ص: ۷۸

سؤال ۱۹۵. سختگیری‌های بیش از حدّ برخی والدین در مورد مسائل مقدّماتی ازدواج (مهریه و مانند آن) موجب محروم شدن جوانان از ازدواج می‌شود، خواهشمند است بفرمایید عمل مذکور چه صورت دارد؟

جواب: سخت‌گیری‌های بی مورد در امر مقدّس ازدواج جایز نیست؛ و چنانچه بر اثر این سخت‌گیری‌ها برخی از ازدواج محروم شوند، و خدای ناکرده مرتکب گناهی شوند، کسانی که سخت‌گیری کرده‌اند نیز در این مورد مسؤولند.

سؤال ۱۹۶. نظرخواهی جوانی از دختری، بدون اجازه ولی، به وسیله نامه چه حکمی دارد؟ چنانچه در ابراز علاقه و به کارگیری الفاظ در این جهت اغراقهایی صورت بگیرد تا در تصمیم دختر مؤثّر افتد چگونه است؟

جواب: خواستگاری اشکالی ندارد و مشروط به اجازه ولی نیست؛ مگر این که منشأ مفاسدی گردد، که در این صورت جایز نیست.

سؤال ۱۹۷. چنانچه شخصی از دختری برای خودش خواستگاری کند و از طرف پدر دختر جواب مثبت بگیرد و پس از تحمّل مخارجی از قبیل مخارج جلسه خواستگاری، لباسهای نامزدیی، جواهرات، سوغات و هدایا، جریان ازدواج به هم بخورد، چنانچه انصراف از طرف پدر دختر یا بالعکس از طرف داماد باشد، هر کدام چه حکمی دارد؟ آیا خواستگار می‌تواند مخارج خود را مطالبه نماید؟

جواب: هدایایی که موجود است بازپس گرفته می‌شود؛ ولی خرجهایی که شده است قابل بازپس گیری نیست؛ مگر این که قول قطعی داده باشد و بدون دلیل موجّهی اعلان انصراف کند.

***

احکام خانواده، ص: ۷۹

۳

نامزدی

سؤال ۱۹۸. گروهی از خانواده‌ها مقیدند قبل از ثبت رسمی ازدواج، جهت محرمیت و ارتباطات دختر باکره و پسر، عقد شرعی جاری شود. با عنایت به این که طبق قانونِ ثبت ازدواج، قبل از ثبت رسمی، عقد ممنوع است و از طرفی ثبت بدون ارتباطات و شناخت، متضمّن مشکلاتی، از جمله طلاق زودرس خواهد بود که گاه حتّی در هفته‌های اوّلیه ازدواج رخ می‌دهد، و از سوی دیگر عقد شرعی بدون ثبت رسمی هم مشکلات دیگری به وجودآورد که قانونگذار نیز این معنا را مراعات و به این خاطر آن را ممنوع نموده، بنابراین خواهشمندم بفرمایید که حدود شرعی ارتباط دختر و پسری که حقیقتاً قصد ازدواج دارند تا چه میزانی است؟ اگر دیده شود بعضی از پسرها و دخترهایی که به رسم سنّتی نامزد هستند و در شهر تردّد دارند، از سوی مسئولین امر تحت تعقیب قرار می گیرند، حکم چیست؟

جواب: مرد و زنی که می‌خواهند با یکدیگر ازدواج کنند، می‌توانند به مقدار لازم در جلسه‌ای بنشینند و یکدیگر را ببینند و با یکدیگر صحبت کنند و اگر در یک جلسه مقصود حاصل نشد، می توانند در چند جلسه با هم بنشینند و صحبت کنند، سپس تصمیم بگیرند.

سؤال ۱۹۹. با توجّه به این که قرار نامزدی تا قبل از وقوع عقد طبق قانون مدنی

احکام خانواده، ص: ۸۰

موجب علقه زوجیت نمی باشد، لطفاً بفرمایید: رفتن دو نامزد پسر و دختر باکره، یا دو نامزد مرد و زن بیوه به تنهایی به خیابان یا خارج از شهر و یا به شهر بمنظور تفریح و گردش جایز است؟

جواب: مادام که عقد شرعی خوانده نشده جایز نیست.

سؤال ۲۰۰. شیرینی دختر و پسری را می‌خورند، پسر و بزرگان او هدایایی را برای عروس و خانواده‌اش می‌برند، در صورتی که نامزدی به هم بخورد و یا یکی از پسر و دختر بمیرند، حکم این هدایا چیست؟

جواب: آنچه مصرف نشده باید برگردانند، ولی نسبت به آنچه مصرف شده مدیون نیستند.

سؤال ۲۰۱. حکم هدایای قبل از عقد در صورت تحقّق عقد یا به هم خوردن آن چیست؟

جواب: چنانچه عقد به هم نخورد این اشیا جنبه هدیه از طرفین دارد و تصرّف در آن جایز است ولی هرگاه ازدواج به هم بخورد باید آن هدایا را برگردانند زیرا مرسوم این است که هدایا را مشروط به انجام عقد می‌دانند مگر هدایای جزیی از قبیل موادّ خوراکی که از این حکم خارج است.

***

احکام خانواده، ص: ۸۱

۴

شیربها

سؤال ۲۰۲. شیربها چیست؟ چه حکمی دارد؟ متعلق به کیست؟

جواب: شیربها معمولًا مبلغی است که در ضمن عقد شرط می‌شود، که به پدر یا مادر عروس بدهند؛ و به این صورت اشکالی ندارد.

سؤال ۲۰۳. آیا مادر دختر می‌تواند شیربها بگیرد؟

جواب: مادر در صورتی می‌تواند شیربها بگیرد که به صورت شرط ضمن‌العقد به هنگام خواندن عقد نکاح قید شود.

سؤال ۲۰۴. در بین مردم و شیعیان افغانستان مرسوم است که در ازدواج علاوه بر مهریه، پدر دختر مبلغی پول از داماد می‌گیرد آیا این پول حلال است و اگر سال بر آن بگذرد خمس دارد؟

جواب: اگر پول مزبور را به صورت شرط ضمن عقد جهت پدر قرار دهند حلال است و با گذشتن سال، خمس آن واجب می‌شود.

سؤال ۲۰۵. آیا در ازدواج، اخذ پول گزاف اضافه بر مهریه از داماد جایز است؟

به گونه‌ای که اگر تهیه نشود عروسی معطّل می‌ماند، در حالی که افراد پولداری که کفو دختر نیستند بدون در نظر گرفتن رضایت دختر، با پدر و مادر او سازش کرده، پول می‌دهند و دختر را می‌گیرند؛ امّا جوان بی‌پول، هر چند کفو و مناسب دختر باشد، محروم می‌ماند. آیا در چنین مواردی اخذ پول جایز است؟

احکام خانواده، ص: ۸۲

جواب: در ازدواج تنها پرداختن مهریه و آنچه در عقد شرط شده لازم است و در همه حال رضایت دختر شرط است، و مهریه و شرایط، منوط به رضایت زوج و زوجه است و زاید بر آن مشروع نیست. و سزاوار است مسلمانان در تمام این موارد از سختگیری و هزینه‌های گزاف پرهیز نمایند.

***

احکام خانواده، ص: ۸۳

۵

مهریّه

سؤال ۲۰۶. شایستگی زنان مسلمان را به چه مهریّه‌ای می‌دانید؟ و برای دختران و پسران جوان و پدر و مادرهای آنان در این زمینه چه توصیه‌ای دارید؟

جواب: اخلاق اسلامی ایجاب می‌کند که مهریّه‌ها سبک باشد، و اصولًا ازدواج با هزینه کم انجام گیرد، که مایه سعادت زوجین خواهد شد، و سنگین کردن بار ازدواج شرعاً مذموم و عواقب ناگوار و مسؤولیت شدید دارد.

سؤال ۲۰۷. مرسوم است که عقد را به انضمام یک جلد کلام اللّه مجید جاری می‌کنند، آیا این کار به معنی تعلیم قرآن به زوجه است، تا بر مرد واجب باشد قرآن را به همسرش تعلیم بدهد، یا معنای دیگری دارد؟

جواب: قرار دادن قرآن جزء مهریه کار خوبی است، و مفهومش تهیه یک جلد کلام اللّه مجید برای زوجه است، نه آموزش قرآن؛ ولی لازم است قیمت آن در موقع عقد تعیین شود، تا مبهم نباشد.

سؤال ۲۰۸. حدّ و میزان مهریّه چقدر است؟ حدّاقلّ و حدّاکثر آن را بیان کنید.

جواب: مهر حدّ ثابتی نـدارد، ولی شایسـته است از مهریّه های سـنگین پرهیز شود، طبق برخی از روایات ۵] زنانی که مهریّه سنگین دارند شوم هستند.

سؤال ۲۰۹. اگر مردی مهریّه همسرش را به قدری سنگین کرده باشد که معادل

احکام خانواده، ص: ۸۴

حقوق ماهیانه تمام عمرش هم کفاف آن را نکند، چنین مهریّه و عقدی چه حکمی دارد؟

جواب: کار خوبی نکرده، ولی عقد و مهر باطل نیست؛ مگر این که در حدّی باشد که آن مهریه را سفیهانه بدانند.

سؤال ۲۱۰. با توجّه به این که مورّخین مهریه بزرگ بانوی اسلام، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را مختلف نقل کرده‌اند:

الف) برخی آن را یک زره جنگی به مبلغ ۴۸۰ درهم، به اضافه یک دست لباس کتان و یک قطعه پوست گوسفند گفته‌اند.

ب) بعضی آن را چهارصد درهم شمرده‌اند.

ج) و برخی دیگر چهارصد مثقال نقره بیان کرده‌اند.

و از طرف دیگر در روایتی مهریه آن حضـرت «شـفاعت گنهکاران از امّت پـدرش»[۶] آمده است، آیا صـرف تعیین مهریه حضرت زهرا علیها السلام (مهرالسّنه) برای عروسان، بدون تعیین ارزش فعلی آن، صحیح است؟

جواب: معروف است که مهرالسّـنه معادل پانصـد درهم می‌باشـد[۷] هر گـاه در محیط زوجین این شـهرت وجود داشـته باشـد کافی است، و الّا باید تعیین کنند.

سؤال ۲۱۱. اگر مرد از اوّل قصدش این باشد که مهر زن را نپردازد عقد صحیح است؟

جواب: آری عقد صحیح است و پرداختن مهر بر او واجب است.

سؤال ۲۱۲. آیا زوج می‌توانـد مهریه همسـر خود را آموزش تلاوت قرآن قرار دهـد؟ در صورت مثبت بودن، اگر مرد تلاش خود را انجام دهد، ولی زن به جهت کند ذهن بودن نتواند یاد بگیرد، وظیفه زوج چیست؟

احکام خانواده، ص: ۸۵

جواب: آموزش قرآن می‌تواند مهریه بوده باشد و مرد باید وظیفه خود را انجام دهد، اگر زوجه اسـتعداد نداشت و مرد کوشش لازم را کرد، دَین خود را ادا کرده است.

***

احکام خانواده، ص: ۸۷

۶

آزمایش

سؤال ۲۱۳. اگر از باب احتیاط، عروس برای بررسی بکارت به دکتر همجنس و در صورت نبودن همجنس به دکتر مرد مراجعه کند با توجّه به لزوم لمس، آیا این کار جایز است؟

جواب: هرگاه ترک این کار مظّنه مفاسـد و اختلافات مهمّی بوده باشـد جایز است. و در این صورت باید حتّی الامکان از طبیب زن

اگر ممکن است از غیر طریق رؤیت مثلًا بااستفاده از لمس غیرمستقیم به وسیله دستکش و مانند آن انجام گیرد.

سؤال ۲۱۴. آیا شرعاً لازم است قبل از خواندن صیغه عقد دائم دختر و پسر آزمایش خون بدهند؟

جواب: واجب نیست ولی احتیاط ترک نشود.

سؤال ۲۱۵. جوانی جهت ازدواج برای آزمایش به پزشک مراجعه می کند.

پزشک وی را دچار بیماری مسری می‌یابد، و یا متوجّه می‌شود که معتاد است.

در اینجا، اگر واقعیت را برای دیگران، که منتظر نتیجه آزمایش هستند بگوید، پرده از روی راز پنهان بیمار برداشته می‌شود، که قطعاً برای بیمار تبعات سویی به دنبال خواهد داشت. و اگر نگوید همسر آینده وی دچار بیماری مسری شده، و گرفتاری‌هایی پیدا می کند، و ممکن است برای طبیب هم مشکل ساز شود.

احکام خانواده، ص: ۸۸

تکلیف طبیب چیست؟

جواب: با توجّه به اینکه این گونه آزمایش‌ها نوعی مشورت با طبیب است، کتمان کردن واقعیت، خیانت در مشورت محسوب می‌شود، و باید واقعیت را بگوید.

***

احکام خانواده، ص: ۸۹

۷

دوران عقد

سؤال ۲۱۶. اگر کسی دختری را عقد نماید، آیا پدر و مادر دختر مجاز هستند زن و شوهر قانونی را از هم دور نگه دارند و نگذارند آن دو با هم به تفریح رفته و در کنار هم باشند؟

جواب: در صورتی که بر اساس عرف و عادت محل عقد انجام شده و مردم در آن محل برای فرستادن دختر همراه شوهر مادام که عروسی نکرده‌اند رسوم و عاداتی دارند، باید طبق آن عمل شود.

سؤال ۲۱۷. در محلّی رسم است که از طرف داماد در ایام عید گوسفندی به عنوان عیدی به منزل عروس می‌برند، این گوسفند ملک کیست؟ عروس یا پدرش یا برادرانش؟

جواب: اگر قبل از آمدن عروس به خانه شوهر هدایایی ببرند، مال عروس است.

سؤال ۲۱۸. من در دوران عقد هستم در بعضی مواقع به دلیل خجالت کشیدن تا ۲۴ ساعت نمی توانم غسل کنم؛ آیا با تیمم بدل از غسل می‌توانم نماز بخوانم؟

جواب: در صورتی که این کار واقعاً برای شما عسر و حرج شدید دارد تیمم صحیح بوده والّا باید نمازها را قضا کنید.

سؤال ۲۱۹. مردی عقد کرده و ما می‌دانیم همسر او معتاد است؛ باید به او اطلاع دهیم؟

احکام خانواده، ص: ۹۰

جواب: لازم است به او اطلاع دهید.

سؤال ۲۲۰. آیا در دوران عقد اطاعت از شوهر بر زن لازم و پرداخت نفقه بر شوهر لازم است؟

جواب: مطابق آنچه در عرف معمول امروز است، تا زمانی که زن به خانه شوهر نیامده نه نفقه دارد و نه برای خروج از منزل از شوهر اجازه می گیرد، و این در واقع نوعی شرط ضمن عقد است.

سؤال ۲۲۱. بعضی از دختران در دوران عقد حامله می‌شوند و برای حفظ آبرو که این کار را قبل از عروسی ناپسند می‌شمرند اقدام به سقط جنین می کنند. این کار چه حکمی دارد؟ راه جبران آن چیست؟

جواب: سقط جنین حتی در این صورت جایز نیست، و اگر سقط کنند دیه دارد.

سؤال ۲۲۲. عقدنامه باید نزد چه کسی باشد؟ خانواده عروس یا نزد خود داماد؟

جواب: چنانچه قرار و شرط خاصّی قبل از عقد درباره عقدنامه نگذاشته باشند باید آن را به خانواده زن داد و زوج می تواند در صورت نیاز گواهی از دفتر بگیرد.

***

احکام خانواده، ص: ۹۱

۸

خرید حلقه نامزدی و امثال آن

سؤال ۲۲۳. شوهرم قصد دارد برای ازدواج حلقه طلا بخرد، ایشان می گوید «من فقط شب عروسی حلقه را دست می کنم» این کار چه حکمی دارد؟

جواب: زینت طلا- بر مرد حرام است. و خرید و فروش طلای مخصوص مردان اشکال دارد. ولی می‌توانید از پلاتین که فلز گران‌بهایی است استفاده کنید.

سؤال ۲۲۴. بسیاری از خانواده‌ها براساس یک سنّت غلط به داماد خود انگشتری یا ساعت یا گردنبند یا حلقه طلا هدیه می‌دهند و آنها نیز از آن استفاده می کنند و در نتیجه زشتی این کار از بین می‌رود. مستدعی است نظر مبارك را در مورد استفاده مردها از انگشتر و دیگر زیور آلات و همچنین هدیه دادن آن به دامادها و جوانان و همچنین ساختن و خرید و فروش آن که مقدّمه و زمینه ساز این منکر است صریحاً مرقوم فرمایید تا جوانان و دیگر طبقات جامعه وظیفه شرعی خود را بدانند.

جواب: زینت طلا- برای مردان مطلقاً حرام است و مسلمانان و پیروان مکتب اهل‌بیت علیهم السلام باید به پیروی از دستورات آن بزرگواران از این امر اجتناب ورزند و فرقی در میان هدیه وغیرهدیه و داماد و غیرداماد نیست. ساختن‌و خرید و فروش آنها نیز اگر استفاده اش مخصوص مردان باشد اشکال دارد و اگر زینت طلا به صورت صلیب باشد پوشیدن و ساختن و خرید و فروش آن گناه مضاعف دارد.

احکام خانواده، ص: ۹۲

سؤال ۲۲۵. اینکه استفاده از طلا برای مردان به طور موقت اشکالی ندارد منظور چه مدت است؟ لطفاً توضیح دهید.

جواب: هر گاه برای امتحان مثلًا جهت خرید برای همسرش باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۲۲۶. اگر در خرید عروسی برای ما شال گردن ابریشم (یک طرف ابریشم، یک طرف پشم) بگیرند می توانیم استفاده کنیم؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۲۲۷. اگر در خرید عروسی برای ما کراوات بگیرند می‌توانیم استفاده کنیم؟

جواب: با توجّه به این که در حال حاضر و در کشور ما، این امر به عنوان شعار بیگانگان و همبستگی با آنها محسوب می‌شود، از آن اجتناب کنید. ولی در کشورهایی که جزیی از لباس مردم محسوب می گردد، پوشیدن آن اشکالی ندارد.

سؤال ۲۲۸. با توجه به اینکه امروزه بسیاری از لوازم آرایش مورد مصرف بانوان مسلمان از جفت جنین تهیه می گردد استفاده و مصرف آن چه حکمی دارد ضمناً بفرمایید جفت نجس است یا متنجّس؟

جواب: دلیلی بر نجاست جفت نیست (همانطور که در تعلیقه عروه نیز نوشته‌ایم) بنابراین اگر آلوده به خون نباشد یا شک داشته باشیم پاک است.

سؤال ۲۲۹. اینجانب تازه عقد نموده‌ام و در خرید حلقه، (حلقه طلای سفید) خریدند به گفته طلا فروشان فرق این طلا با طلای زرد این است که با طلای سفید می‌شود نماز خواند ولی با طلای زرد نمی‌شود. در رساله آقا آمده است که اگر پلاتین باشد حلقه برای مردان مشکلی ندارد و به گفته عده‌ای این طلای سفید همان پلاتین است. و بعضی ها می گویند همان طلاست. و آیا استفاده از

احکام خانواده، ص: ۹۳

طلای سفید (حلقه) برای مردان حرام است یا خیر؟ و اگر استفاده کرد نماز با آن چه حکمی دارد؟

جواب: زینت به هر طلایی (زرد- سرخ- سفید) برای مردان جایز نیست و نماز با آن باطل است ولی پلاتین که فلز دیگری است مانعی ندارد.

***

احکام خانواده، ص: ۹۵

۹

جهیزیّه

سؤال ۲۳۰. پولی را که پدر دختر از داماد جهت جهیزیه دخترش می گیرد در صورتی که از جهیزیه زیاد بیاید آیا برای پدر دختر حلال است؟

جواب: اگر به صورت شرط ضمن العقد پول مزبور را جهت پدر قرار دهند مبلغ اضافی برای او حلال است و اگر آن پول را به نام دختر قرار داده باشند و جزء مهریه باشد متعلّق به دختر است.

سؤال ۲۳۱. اگر پدر دختر همان پولی را که از داماد می گیرد مهریه دخترش قرار دهد، به این معنا که دختر مبلغ را کاملًا از شوهرش به عنوان مهریه خود اخذ کند، هر مقدار که خواست برای خودش جهیزیه تهیه کند و اضافه آن را به پدر یا مادر و یا برادر خود هبه کند، آیا برای آنها حلال است؟

جواب: در صورتی که مهریه و شیربها را دختر به صورت مهریه از شوهر بگیرد و مقداری از آن را صرف تهیه جهیزیه نماید و اضافی آن را به هر کس بدهد جایز است.

سؤال ۲۳۲. اگر یکی از فرزندان خانواده‌ای طلاق بگیرد، و در این هنگام برای فرزند دیگرشان خواستگاری بیاید، و پدر و مادر

مجبور شوند از مهریه فرزند بزرگ‌تر برای مخارج ازدواج فرزند دیگر هزینه کنند، چه حکمی دارد؟

جواب: بدون رضایت آن دختر از مهریه او نمی توان استفاده کرد. و اگر این

احکام خانواده، ص: ۹۶

کار را کرده‌اند، باید به شکلی رضایت او را جلب کنند.

سؤال ۲۳۳. آیا بطور کلّی و در هر صورت پس از فوت زوجه، جهیزیه او جزء ماترک است؟

جواب: جهیزیه، جزء ماترک زوجه است.

سؤال ۲۳۴. در بعضی از مناطق طبق عرف محل، در حین عقد زوجه قید می گردد که اجناسی به عنوان جهیزیه از سوی زوج تهیه و تحویل خانواده زوجه گردد و پس از تحویل به عنوان مال پدری صورت جلسه و همراه زوجه به خانه شوهر فرستاده می‌شود، بعداً در مالکیت آن اختلاف می‌شود، با توجّه به این که از نیت زوج در حین تهیه و تحویل اجناس اطّلاعی نیست، آیا اجناس قید شده ملک زوجه می‌باشد یا زوج؟

جواب: در فرض مسأله مالک تمام آنها زوجه است.

سؤال ۲۳۵. آیا مرد ضامن جهیزیه همسرش می‌باشد؟ اگر شوهر فوت کرد و جهیزیه همراه دیگر ماترکش در اختیار ورثه قرار گرفت، آیا ورّاث ضامن هستند؟ اگر در حین مطالبه، کلّ جهیزیه یا بعضی از آن وجود نداشت و ورثه هم اظهار بی اطّلاعی نمودند آیا ورثه ضامن هستند؟

جواب: اگر ثابت شود شوهر در حفظ آن کوتاهی کرده مسئول است در غیر این صورت مسئولیت ندارد؛ و جهیزیه زن جزء ترکه شوهر نمی شود و اگر ورثه بدون اجازه زوجه در آن تصرّف کنند ضامن هستند.

***

احکام خانواده، ص: ۹۷

۱۰

اشاره

مراسم عروسی

۱. برگزاری مجلس

سؤال ۲۳۶. به نظر حضرتعالی جشن عروسی یک مسلمان باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟ به تعبیر دیگر، زوجین جوان مسلمان که قصد دارند به گونه‌ای جشن عروسی برپا کنند، که از یک سو مورد رضایت خداوند باشد و قدم اوّل زندگی مشترک را با معصیت آغاز نکنند، و از سوی دیگر همراه با شادی و شور و شعف باشد و رضایت دعوت شدگان هم فراهم شود، باید چه کنند؟

جواب: باید از برنامه‌هایی استفاده کنند که آمیخته با خلاف شرع نباشد و این، امر ممکنی است، و بسیاری از مؤمنین انجام می‌دهند.

سؤال ۲۳۷. خانم‌ها در مجالس عروسی نسبت به سرو وضع و رخت و لباس خود حسّاسیت خاصّی دارند، به گونه‌ای که اگر خانمی لباس گرانقیمتی را در یک جشن عروسی بپوشد، آن را در مجلس جشن دیگر نمی پوشد! حتّی برخی از خانم‌ها به این مقدار نیز

قناعت نکرده، و در یک مجلس عروسی چند بار لباس عوض می‌کنند! این گونه کارها چه حکمی دارد؟

جواب: این گونه کارها در شأن زنان با شخصیت و با ایمان نیست.

سؤال ۲۳۸. شرکت در عروسی، یا مجالس دیگر، که انسان می‌داند در آن رعایت شؤونات اسلامی نمی شود (از قبیل اختلاط زن و مرد، رقص و پایکوبی،

احکام خانواده، ص: ۹۸

استفاده از نوارهای موسیقی و مانند آن) چه حکمی دارد؟

جواب: شرکت در مجالس گناه حرام است.

سؤال ۲۳۹. متأسّفانه غالب مجالس عروسی در زمان ما برای مؤمنین مشکل‌ساز شده است، به گونه‌ای که رفتن به مجلس عزا برای آنها، خوشایندتر از شرکت در چنان مجالس شادی است! حال اگر شخصی مجبور باشد در مجلس عروسی، که آلوده به گناهانی همچون موسیقی حرام و رقص و مانند آن است شرکت کند، و در اطاقی که این گناهان انجام می‌شود نرود، بلکه در اطاق مجاور که صدای ساز و آواز می‌آید باشد، آیا مرتکب گناه شده است؟ همچنین اگر در تالاری باشند که در یک قسمت موسیقی و رقص هست و او در قسمت دیگری است، ولی صدای موسیقی را می‌شنود، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر در محلّ جداگانه‌ای باشد که دو مجلس محسوب شود اشکالی ندارد؛ ولی عمداً به موسیقی حرام گوش ندهد، هر چند بی اختیار به گوشش برسد.

سؤال ۲۴۰. حکم کاروان‌های عروسی که با بوق زدن و دست زدن عروس را از خیابان‌ها عبور میدهند چیست؟

جواب: این کارها مناسب اهل دین نیست.

۲. موسیقی

سؤال ۲۴۱. موسیقی حرام چیست؟

جواب: کلیه صداها و آهنگ هایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام، و غیر آن حلال است. و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف، یعنی افراد فهمیده متدین، خواهد بود.

سؤال ۲۴۲. طبق نظر برخی از مراجع تقلید، موسیقی در مجالس عروسی

احکام خانواده، ص: ۹۹

استثناء شده است، نظر حضر تعالی در این زمینه چیست؟ آیا مقلّدین شما (در صورتی که جواب منفی باشد) می‌توانند در این مسأله از آن مراجع تقلید کنند؟

جواب: بنابر احتیاط واجب فرقی میان مجالس عروسی و غیر عروسی نیست.

و با توجّه به این که ما در این مسأله احتیاط واجب داریم، مقلّدین ما می‌توانند به مرجع دیگری مراجعه کنند.

سؤال ۲۴۳. برخی از خانم‌ها معتقدند که نواختن آهنگ با سازهای بدون حلقه، و نیز با ظروفی مانند قابلمه و سطل و مانند آن اشکال ندارد، آیا نواختن آهنگ با این وسائل در مجالس عروسی زنانه جایز است؟

جواب: هرگاه با این وسائل آهنگ‌هایی مانند وسایل موسیقی نواخته شود جایز نیست؛ امّا اگر مانند آن آهنگ‌ها نباشد مانعی ندارد.

سؤال ۲۴۴. عروس و داماد مخالف موسیقی و رقص هستند اگر بقیه انجام می‌دهند چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتیکه آنها موافق نبوده و با زبان خوش نهی از منکر کنند مسئولیتی ندارند.

۳. آواز

سؤال ۲۴۵. آوازخوانی زنان و دختران بصورت انفرادی یا دسته جمعی، در محفل خصوصی زنان، مخصوصاً مجالس عروسی، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر منظور از آواز، خوانندگی‌های مناسب مجالس لهو و فساد باشد، جایز نیست.

سؤال ۲۴۶. زنان در کشمیر در مراسم ازدواج برای استقبال از داماد و عروس در خیابان‌ها و در جمع نامحرمان ترانه‌های محلّی می‌خوانند، این عمل چه حکمی دارد؟ آیا شرکت در این مجالس جایز است؟

احکام خانواده، ص: ۱۰۰

جواب: خواندن این ترانه‌ها جایز نیست، و شرکت در این‌گونه مجالس اشکال دارد.

۴. رقص و شاباش

سؤال ۲۴۷. تعریف رقص از نظر شرعی چیست؟ و حکم آن به نظر حضرتعالی چه می‌باشد؟

جواب: تنها رقص زن برای شوهرش جایز است، و بقیه اشکال دارد، و رقص یک امر عرفی است، و آن حرکات موزونی است که افراد مطّلع تصدیق کنند مصداق رقص است، و اگر مصادیق مشکوکی پیدا کرد حرام نیست.

سؤال ۲۴۸. با توجّه به این که به جز رقص همسر برای همسر، بقیه رقص‌ها اشکال دارد، لطفاً بفرمایید: پولی که به عنوان شاباش در مجالس رقص، به ویژه عروسی‌ها، به کسی که می‌رقصد می‌دهند، برای دهنده و گیرنده آن، از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: دادن و گرفتن این پول‌ها جایز نیست.

سؤال ۲۴۹. آیا برای عروس جایز است که در مجلس عروسی زنانه، که هیچ مردی جز داماد حضور ندارد، فقط برای شوهرش برقصد؛ هر چند زنان دیگر هم تماشا کنند؟

جواب: رقص زن فقط برای شوهرش جایز است، نه در حضور زنان دیگر.

سؤال ۲۵۰. آیا رقص در مجالس عروسی، مخصوصاً مجالس زنانه، جایز است؟

جواب: رقص منشأ فساد است و اشکال دارد، خواه رقص زن برای زن، یا مرد برای مرد، و یا زنان برای مردان باشد؛ ولی رقص زن برای همسرش اشکال ندارد.

احکام خانواده، ص: ۱۰۱

سؤال ۲۵۱. آیا جایز است زن در میان زنان برقصد؟ اگر جایز نیست، حکم نشستن زنان در تالارها و چنین مجالسی چگونه است؟

جواب: همان‌گونه که گفته شد تنها رقص زن برای شوهرش جایز است، و بقیه اشکال دارد، و نباید در مجالس معصیت شرکت کرد.

۵. کف زدن

سؤال ۲۵۲. حکم کف زدن و دست‌افشانی و چوب بازی در مجالس عروسی چیست؟

جواب: کف زدن اشکالی ندارد، و چوب بازی نیز اشکالی ندارد، مگر این که مفسده خاصّی بر آن مترتب شود؛ ولی رقص برای غیر شوهر اشکال دارد.

سؤال ۲۵۳. حکم کف زدنِ هماهنگ و مرتّب یا نامرتّب به صورت مطلق، و در هر مجلسی (عروسی، میهمانی، مولودی و مانند آن)

و در هر مکانی (اعمّ از مسجد، حسینیه، منزل و مانند آن)، جهت اظهار شادی و سرور، یا تشویق، چیست؟

جواب: از جواب سابق معلوم شد؛ ولی توجّه داشته باشید که افراط در هیچ کاری شایسته نیست.

۶. فیلمبرداری و عکاسی

سؤال ۲۵۴. آیا خواهران مذهبی می‌توانند در عروسی‌ها و عقدها که نوعاً بدحجاب و آرایش کرده هستند، جلو دوربین قرار بگیرند توسط خواهران عکاس عکس آنها گرفته بشود؟ ناگفته نماند ظاهر کردن چنین عکسهایی به دست مردان نامحرم می‌باشد.

جواب: عکس گرفتن از زنان به وسیله زنان اشکالی ندارد، مگر این که به

احکام خانواده، ص: ۱۰۲

دست مردان بیگانه بیفتد و آنها را بشناسند و یا منشأ فساد شود.

سؤال ۲۵۵. عکس برداشتن مرد از زن نامحرم چه حکمی دارد؟

جواب: عکس برداشتن مرد از زن نامحرم حرام نیست، مگر این‌که ناچار باشد که به بدن او غیر از صورت و دست‌ها نگاه کند.

سؤال ۲۵۶. آیا جایز است عکسی که بدون حجاب اسلامی گرفته شده را برای ظاهر کردن به عکاس نامحرم داد؟

جواب: در صورتی که عکاس صاحب آن عکس را نشناسد، و منشأ مفاسد خاصّی نگردد، مانعی ندارد.

سؤال ۲۵۷. آیا برای عکاس مسلمان جایز است از چیزهای غیر اسلامی، مانند رقص، عکسبردای کند؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۲۵۸. عکس گرفتن زن نزد عکاس نامحرم، یا ظاهر کردن عکس توسّط نامحرم چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که او را نمی شناسد، ظاهر کردن عکس اشکالی ندارد و عکس گرفتن در صورتی جایز است که با حجاب شرعی باشد.

سؤال ۲۵۹. فیلمبرداری و عکاسی در بعضی از مجالس عروسی، که به علّت لاابالی گری مسائل محرم و نامحرم احیاناً رعایت نمی شود، توسّط عکاس زن که شغلش این کار است چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

۷. کادو

سؤال ۲۶۰. آیا کادو و هدایایی را که بستگان عروس، (که نسبتی با داماد ندارند) می‌آورند متعلّق به عروس (زوجه) است؟

احکام خانواده، ص: ۱۰۳

جواب: آری متعلّق به زوجه است؛ مگر این که بگویند متعلّق به داماد است، و یا قرائن قطعی حکایت از آن کند.

سؤال ۲۶۱. اگر عروس و دامادی با هم فامیل باشند، آیا کادو و هدایایی که ضمن عروسی برای آنها می‌آورند، متعلّق به کیست؟

جواب: آنچه زنانه است متعلّق به عروس و آنچه مردانه است متعلّق به داماد و بقیه مشترک است.

***

احکام خانواده، ص: ۱۰۵

بخش سوم:

اشاره

محارم و گروهی از زنان که‌ازدواج با آنها حرام است

احکام خانواده، ص: ۱۰۷

۱

محارم

۱. محارم نسبی

سؤال ۲۶۲. آیا عمّه و خاله مادر و پدر و عمّه و خاله پدر بزرگ و مادر بزرگ جزء محارم هستند؟

جواب: عمّه و خاله پدر و عمّه و خاله پدر پدر و عمّه و خاله مادر و عمّه و خاله مادر مادر، هر چه بالا روند به انسان محرمند.

سؤال ۲۶۳. چه مدرکی برای محرمیت دایی جز شهرت فتوایی وجود دارد؟

جواب: این مسأله صریحاً در آیه ۲۳ سوره نساء آمده است، آن جا که می‌فرماید: «وَ بَنَاتُ الاخِ وَ بَنَاتُ الْاُخْتِ» مسلّماً هنگامی که دختر خواهر به شخصی محرم باشد دایی هم با او محرم می‌شود زیرا از یک طرف دختر خواهر است و از یک طرف دایی.

سؤال ۲۶۴. اگر از نظر طبّی این امکان فراهم گردد که همانند سایر اعضا بتوان تخمدان یک زن را به زن دیگر پیوند زده، در این صورت اگر زن دوم (دریافت کننده پیوند) در اثر ازدواج صاحب فرزند شود، با توجّه به این که نطفه، حاصلِ لقاح سلول‌های زایای مرد (اسپرم) با سلول‌های زایای موجود در تخمدان (تخمک) زن اوّل است و طبیعتاً از نظر وراثت و خصوصیات فردی و ژنتیکی، پنجاه درصد متعلّق به زن اوّل است. حال از نظر شرعی، مسأله محارم شوهر

احکام خانواده، ص: ۱۰۸

و زن اوّل و دوم و محارم فرزند چگونه است؟

جواب: در صورتی که تخمدان زنی را به دیگری پیوند بزنند و جزء بدن او شود، یعنی پیوند کاملًا بگیرد، در این صورت هرچه از آن متولّد شود متعلّق به زن دوم است، و رابطه‌ای با زن اوّل ندارد.

سؤال ۲۶۵. آیا زن یا مرد مسلمان، با مرتد شدن به محارم خود نامحرم می‌شود؟

جواب: نامحرم نمی‌شود؛ جز زن و شوهر که باید از هم جدا شوند.

سؤال ۲۶۶. می‌گویند زنازاده نه ارث می‌برد، و نه محرمیت برایش حاصل می‌گردد. آیا این مطلب صحّت دارد؟

جواب: زنازاده ارث نمی‌برد، ولی محرمیت و سایر آثار را دارد.

سؤال ۲۶۷. آیا در بهشت محرم و نامحرم وجود دارد؟ اگر دارد به چه صورت است؟ و اگر ندارد، آیا محارم می‌توانند با هم ازدواج کنند؟

جواب: در بهشت کسی هوس ازدواج با محارم و سایر کارهای ناپسند را نمی‌کند.

۲. محارم سببی

سؤال ۲۶۸. پس از ازدواج چه کسانی به مرد محرم می‌شوند؟

جواب: هرگاه کسی زنی را برای خود عقد نماید، هر چند با او نزدیکی نکرده باشد، مادر و مادر مادر آن زن و مادر پدر او هر چه بالا روند به آن مرد محرم می‌شوند، ولی دختر زن و نوه دختری و پسری آن زن در صورتی به آن مرد حرام می‌شوند که با آن زن نزدیکی کرده باشد.

سؤال ۲۶۹. پس از ازدواج چه کسانی به زن محرم می‌شوند؟

جواب: پدر شوهر و جدّ او هر چه بالا روند و پسر و نوه پسری و دختری شوهر، هرچه پایین آیند به زن او محرمند، چه قبل از عقد متولد شده باشند یا بعد از عقد.

احکام خانواده، ص: ۱۰۹

سؤال ۲۷۰. آیا عروس زوجه انسان (یعنی زوجه فرزندی که آن زن از شوهر دیگر دارد) بر او محرم است؟

جواب: تنها عروس خود انسان یعنی همسر پسرش بر او محرم است نه عروس همسرش.

سؤال ۲۷۱. اگر مردی همسرش را طلاق دهد و آن زن بعد از طلاق و عدّه، با فردی دیگر ازدواج کند و از ازدواج دوم دختری متولّد شود، آیا شوهر اوّل می‌تواند بعد از رسیدن آن دختر به سنّ ازدواج با او ازدواج کند؟

جواب: دختر زن انسان از شوهر دیگر با او محرم است (به شرط دخول با آن زن) و فرقی میان دخترانی که قبل از نکاح و بعد از طلاق متولّد شده‌اند نیست.

سؤال ۲۷۲. مردی زنی را برای مدّت کوتاهی صیغه کرده، بعد از انقضای مدّت، محرمیت بین مرد با دختر زنی که صیغه شده باقی است چه زن زنده باشد یا فوت کرده باشد آیا نسبت به دختر دختر این زن و همچنین هر چه پایین رود، نیز محرمیت باقی است؟

جواب: چنانچه با آن زن نزدیکی کرده باشد دختران آن زن مطلقاً براو حرامند.

سؤال ۲۷۳. اگر زنی که شوهر او مرده است و از او پسران و دخترانی دارد با مرد دوّمی ازدواج کند آیا شوهر دوم به دختران این خانم محرم است؟

جواب: شوهر دوم پس از عروسی با آن زن نسبت به دختران آن زن از شوهر اوّل محرم است.

سؤال ۲۷۴. شخصی با همسر شهیدی که دارای یک دختر است، ازدواج کرده، آیا این دختر بر پدر این آقا (پدربزرگ) محرم است، اگر نیست راه محرم شدن چیست؟

جواب: نامحرم است، ولی هرگاه آن پدر فرزند دیگری داشته باشد و صیغه شرعی این دختر را با آن فرزند بخوانند، حکم عروس او را پیدا می‌کند و بر او محرم می‌شود.

احکام خانواده، ص: ۱۱۰

سؤال ۲۷۵. مردی دارای دو زن است و از هر دو دارای اولاد است و می‌دانیم که اولاد پسر و اولاد اولاد پسر این زن با آن زن محرمند، اینک سؤال این است که آیا اولاد دخترآن زن (نوه دختری‌زن اوّل) نیز به زن دیگر محرمند؟

جواب: نوه‌های پسری و دختری همه با آن زن محرمند، زیرا زن پدر و زن جد جزء محارمند.

سؤال ۲۷۶. چون قرار است در آینده نزدیک فرزندی را از طریق اداره بهزیستی به عنوان فرزند خوانده (پسر یا دختر) جهت سرپرستی قبول نمایم، لذا خواهشمند است نظرات خود را پیرامون سؤالات ذیل مرقوم فرمایید.

الف) با توجّه به آیه ۵ سوره احزاب، نامگذاری فرزند به نام شخصی که فرزند را جهت سرپرستی قبول می‌نماید چه حکمی دارد؟

جواب: نباید چیزی بر خلاف واقع بگوید و او را فرزند خود بنامد؛ مگر این که ضرورتی ایجاب کند.

ب) از نظر شرعی رابطه مادر و پدر با فرزند خوانده (پسر یا دختر) با توجّه به قضیه محرمیت چگونه می‌باشد؟ آیا خواندن صیغه

محرمیت کفایت می کند؟

جواب: صیغه محرمیت در این جا معنا ندارد؛ مگر آن فرزند مثلًا دختر باشد و او را با اجازه حاکم شرع به عقد موقّت پدر آن مرد درآورند تا نسبت به آن مرد به عنوان زن پدر محرم شود، یا در صورت پسر بودن آن فرزند، شیر خواهر یا مادرزن را بخورد.

ج) اگر در آینده به خواست خداوند فرزندی از پدر و مادر متولّد گردید (پسر یا دختر)، رابطه آنها از نظر محرمیت با فرزند خوانده چگونه خواهد بود؟

جواب: اگر طبق مسأله قبل عمل کنند و زن پدر او شود به همه فرزندان او محرم می‌شود.

د) از نظر مشروع و نامشروع بودن فرزند، آیا گفته نماینده بهزیستی کفایت می‌نماید؟

احکام خانواده، ص: ۱۱۱

جواب: آری؛ برای مشروعیت کافی است.

سؤال ۲۷۷. شخصی پس از فوت همسرش دوباره ازدواج کرده و مادرزن اوّل او نیز دوباره ازدواج کرده است، آیا هنوز با مادر زن اوّل محرم است؟ در صورت طلاق چطور؟ اگر پسر کسی بمیرد و عروس او شوهر دیگری کند یا عروسش طلاق بگیرد و با دیگری ازدواج کند، آیا باز هم به پدر شوهر اوّل محرم است؟

جواب: مادر زن در هر حال محرم است و عروس هم در هر حال به پدر شوهر محرم است.

سؤال ۲۷۸. مردی دارای دو زن است و از هر زنی چنددختر دارد همه دخترها را شوهر داده، آیا شوهران این دختران به زن دیگر آن مرد محرمند؟ و آیا فرزندان و نوه‌ها چه از این دختران و چه از آن دختران، نسبت به زن‌های دیگر آن مرد محرمند؟

جواب: بچه‌ها و نوه‌ها به مرد و زن محرمند ولی داماد یک زن به زن دیگر محرم نیست.

سؤال ۲۷۹. آیا مادر زن دوم به پسر زن اوّل محرم است؟

جواب: محرم نیست.

سؤال ۲۸۰. در صورتی که زن اوّل از شوهر اوّلی خود (غیر از شوهر فعلی) پسری داشته باشد، تکلیف این پسری که از شوهر قبل بوده است با زن و مادر زن شوهر دوم چیست؟

جواب: محرم نیستند.

سؤال ۲۸۱. همسر حقیر هفت سال پیش فوت نمود. پس از سر و سامان دادن فرزندانم و سپری شدن هفت سال از فقدان وی، در مشهد مقدّس تجدید فراش کردم و با خانم مؤمنه و صالحه‌ای ازدواج نمودم. مستدعی است بفرمایید آیا بنده نسبت به دختران و عروسی که دارند محرم هستم؟ و فرزندان من نسبت به ایشان چطور؟

احکام خانواده، ص: ۱۱۲

جواب: شما نسبت به دختران همسرتان محرم هستید (البتّه بعد از عروسی و دخول با همسرتان) و امّا نسبت به عروسهای او محرم نیستید، فرزندان شما نیز نسبت به همسر جدیدتان محرم هستند.

سؤال ۲۸۲. آیا زن پدر نسبت به فرزندان دختر و پسر شوهر خود که از زن دیگری می‌باشند محرم است؟

جواب: همه با هم محرمند.

سؤال ۲۸۳. زن و شوهری بچه دار نمی‌شوند، اگر بخواهند بچّه‌ای از شیرخوارگاه اختیار کنند برای محرم شدن با مرد و زن چه راه شرعی وجود دارد؟

جواب: اگر دختر باشد و پدر مرد در حیات است میتوان عقد موقّت دختر را با اجازه حاکم شرع، برای پدر خواند و حکم زن پدر را پیدا کند و محرم شود و اگر خواهر، یا مادر، یا زن برادر، یا برادرزاده ها، یا خواهرزاده های مرد شیر داشته باشند و بچّه شیرخوار

باشد و از شیر آنها (با شرایط لازم) بخورد، حکم خواهرزاده، یا خواهر یا برادرزاده رضاعی پیدا کرده محرم می‌شود. و در صورتی که پسر باشد راه محرمیت آن است که از شیر خواهر، یا مادر، یا زنِ برادر، یا خواهرزاده‌ها، یا برادرزاده‌های آن زنِ فاقد فرزند بخورد تا آن زن، خاله یا خواهر و یا عمه رضایی آن پسر شود و محرم گردد. و اگر دوران شیرخوارگی پسربچّه گذشته باشد راهی برای محرمیت او نیست.

سؤال ۲۸۴. شخصی همسر برادرش را به خاطر دین، ایمان، تقوا، حیا، حجاب و عفّتش دوست دارد اگر نگاهش به او مانند خواهرش باشد. لطفاً بفرمایید:

الف) آیا راهی برای محرم شدن با او وجود دارد؟ حکمش چیست؟

جواب: با حسن نیّتی که آن شخص دارد باید توجّه داشته باشد که این‌گونه مسائل دام شیطان است و گرفتاری دنیا و آخرت دارد و در انتظار محرم شدن نباشد، و رابطه‌اش در حدود عادی باشد.

احکام خانواده، ص: ۱۱۳

ب) دست دادن (مصافحه) با زن برادر مذکور چه حکمی دارد؟

جواب: حرام است، و این نخستین گام به سوی افتادن در دام شیطان است.

سؤال ۲۸۵. زنی دو شوهر کرده و از هرکدام یک دختر دارد، آیا پدرِ پدر (جدّ پدری) هر یک از این دخترها به دختر دیگر محرم است؟ به عبارت دیگر، آیا مرد با ربیبه فرزندش محرم است؟

جواب: محرم نیست.

سؤال ۲۸۶. اگر مردی دو زن به نام‌های فاطمه و زهرا داشته باشد، و از هر کدام دختری داشته باشد، و دختران آن مرد شوهر کنند، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا داماد آن مرد با هر دو زن او محرم هستند؟ مثلًا حسن داماد فاطمه، با زهرا هم محرم است؟

جواب: تنها به مادر زن خود محرم می‌شود.

ب) اگر شیر یکدیگر را خورده باشند، چطور؟ مثلًا لیلا، که دختر فاطمه است، شیر زهرا را هم خورده باشد. آیا حسن که با فاطمه، مادر خانمش، محرم است، با زهرا که همسرش را شیر داده نیز محرم می‌شود؟

جواب: مادر زن رضاعی، محرم است.

ج) اگر داماد دومی پیدا شود؛ مثلًا حسین با سکینه ازدواج کند و سکینه فقط شیر مادرش را (که زهرا است) خورده باشد و شیر فاطمه را نخورده باشد، آیا حسین با فاطمه محرم می‌شود؟

جواب: محرم نمی‌شود.

سؤال ۲۸۷. مردی نعوذ باللّه با زنی زنا می‌کند، و زن حامله می‌شود. قبل از این که بچّه به دنیا بیاید، زن با مرد دیگری ازدواج می‌نماید، پس از ازدواج پسر بچّه‌ای به دنیا می‌آید، سپس همان زن از مردی که با او ازدواج کرده، صاحب دختری می‌شود. آیا آن پسر و این دختر بر یکدیگر محرمند؟ اگر پسر دیگری که

احکام خانواده، ص: ۱۱۴

بالغ است، با آن پسر لواط کند، آیا دختر مذکور بر او حرام می‌شود؟

جواب: آن دختر و پسر، که از یک مادر متولّد شده‌اند، با هم محرمند؛ هر چند یکی از آن دو فرزند، نامشروع است، و آن خواهر بر واطی حرام می‌شود، مشروط بر این که یقین به دخول داشته باشد.

***

احکام خانواده، ص: ۱۱۵

۲

اشاره

گروهی از زنان که ازدواج با آنها حرام است و یااینکه تصور می‌شود که حرام باشد

۱. ازدواج با فرق و ادیان مختلف

سؤال ۲۸۸. ازدواج با کافر چه حکمی دارد؟

جواب: زن مسلمان نمی‌تواند به عقد کافر درآید، همچنین مرد مسلمان نمی‌تواند بنابر احتیاط با زن کافر ازدواج دائم کند ولی ازدواج موقت با زنان اهل کتاب مانند یهود و نصاری مانعی ندارد.

سؤال ۲۸۹. آیا ازدواج با پسر یا دختری که بظاهر مسلمان است، ولی اهل نماز نیست، حکم ازدواج با کافر را دارد؟

جواب: چنین ازدواجی جایز است، ولی باید تدریجاً او را دعوت به انجام واجبات نمود.

سؤال ۲۹۰. چنانچه مرتد فطری توبه کند حق ازدواج با زن مسلمان را دارد؟

جواب: بعد از توبه مانعی ندارد.

سؤال ۲۹۱. ازدواج زن مسلمان با مرد بهایی چه حکم دارد؟ و آیا طلاقش عدّه دارد؟

جواب: ازدواج او باطل است و احتیاج به طلاق ندارد و اگر حکم شرعی را نمی‌دانسته باید عده نگهدارد.

احکام خانواده، ص: ۱۱۶

سؤال ۲۹۲. ازدواج زنان و دختران شیعه، با جوانان و مردان اهل سنّت، چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه خوف انحراف نباشد مانعی ندارد؛ ولی در صورتی که احتمال انحراف عقیدتی باشد جایز نیست.

سؤال ۲۹۳. آیا ازدواج مردان شیعه، با زنان اهل سنّت، جایز است؟

جواب: ازدواج مردان شیعه با دختران و زنان اهل سنّت اشکالی ندارد.

سؤال ۲۹۴. آیا پسر شیعه با دختر اسماعیلی می‌تواند ازدواج کند؟

جواب: اگر منکر ضروریات اسلام نباشد مانعی ندارد.

سؤال ۲۹۵. آیا ازدواج با صوفیه جایز است؟

جواب: صوفیه فرقه‌های مختلفی دارند و عقاید آنها مختلف است، بعضی از نظر عقیده منحرفند و بعضی منکر ضروریات دین هستند در حالی که بعضی دیگر چنین نیستند و فقط انحرافات جزیی دارند. بنابراین، هرکدام را جداگانه باید سؤال کرد تا جواب داده شود.

سؤال ۲۹۶. آیا ازدواج مرد شیعه با دختر یهودی و نصرانی و ارمنی و سایر اهل کتاب جایز است؟

جواب: تنها ازدواج موقّت جایز است.

سؤال ۲۹۷. آیا ازدواج موقّت زن مسلمان با غیر مسلمان، مخصوصاً اهل کتاب، نیز حرام است؟

جواب: آری حرام است.

۲. ازدواج با محارم

سؤال ۲۹۸. ازدواج با محارم چه حکمی دارد؟
جواب: ازدواج بـا زنـانی که بـا انسان محرم هسـتند حرام است، ماننـد مادر، دختر، خواهر، عمّه، خاله، دختر برادر، دختر خواهر، زن پدر، دختر زن و مادر زن.
احکام خانواده، ص: ۱۱۷

۳. ازدواج با خواهر مفعول

سؤال ۲۹۹. آیا لواط کننده می‌تواند با خواهر مفعول ازدواج کند؟
جواب: «مـادر» و «خواهر» و «دختر» پسـری که لواط داده بر لواط کننـده حرام است، خواه لواط دهنـده بـالغ باشـد یا نابالغ، ولی اگر لواط کننده نابالغ باشد حرام نمی‌شود، همچنین اگر شک داشته باشد که دخول حاصل شده یا نه.
سؤال ۳۰۰. اگر (نعوذ باللّه) لواط بعد از ازدواج انجام شود، باعث حرمت خواهر مفعول بر او می‌شود؟
جواب: اگر با «مادر» یا «خواهر» یا «دختر» کسی ازدواج نماید و بعد از ازدواج با آن شخص لواط کند آنها بر او حرام نمی‌شوند.
سؤال ۳۰۱. شخصی با پسری لواط کرده است ولی شک دارد که در زمان این عمل بالغ بوده یا نه، آیا ازدواج او با خواهر یا دختر یا مادر آن پسر جایز است؟
جواب: در صورتی که فاعل، مشکوک البلوغ باشد، خواهر و مادر و دختر آن پسر بر او حرام نمی‌شود.
سؤال ۳۰۲. آیا خواهر، مادر و دختر لواط کننده بر لواط دهنده حرام می‌باشند؟
در صورت نابالغ بودن طرفین، یا شک در دخول چه حکمی دارد؟
جواب: مادر، خواهر و دختر لواط کننـده بر لواط دهنده حرام نیست؛ ولی عکس آن، یعنی مادر، خواهر و دختر لواط دهنده بر لواط کننده حرام است، به شرط آن که یقین به دخول حاصل شده باشد و لواط کننده بالغ باشد.

۴. ازدواج با خواهر زن

سؤال ۳۰۳. ازدواج با خواهر زن چه حکمی دارد؟
جواب: هرگاه زنی را برای خود عقد کنـد تا وقتی آن زن در عقـد اوست نمی‌توانـد با خواهر آن زن ازدواج کنـد، خواه عقـد دائم باشد یا موقّت، حتّی بعد از
احکام خانواده، ص: ۱۱۸
طلاق مادام که در عـدّه است، در صورتی که عـدّه رجعی باشـد (که شـرح آن در کتاب طلاق خواهـد آمد)، نمی‌تواند خواهر او را بگیرد و احتیاط مسـتحب آن است که در عـدّه طلاق بائن که شـرح آن خواهـد آمـد با او ازدواج نکند، همچنین در عدّه متعه، خواه بعد از تمام شدن مدّت باشد و یا بخشیدن مدّت.
سؤال ۳۰۴. آیا مرد می‌تواند با خواهر زن خود ازدواج کند؟ اگر همسرش بیماری داشته باشد و اجازه این ازدواج را بدهد چطور؟
جواب: مادام که آن خواهر در زوجیت اوست ازدواج با خواهر دیگر حرام است؛ خواه اجازه بدهد یا ندهد.
سؤال ۳۰۵. در قضیـه جمع بین اختین در نکاح، در صورت حیات یکی، حرمت عقد و ازدواج با خواهر دیگر روشن است. حال اگر

مردی به شکل صوری موقّتاً یکی را طلاق بدهـد و در منزل نگهـدارد و با خواهرش ازدواج نمایـد، آیا این کار در شـرع انور جایز است؟ ضمناً بعد از طلاق سوم در ازدواج که محلّل لازم است، آیا بین عقد دائم و موقّت تفاوتی هست؟
جواب: اگر جدّاً نیت طلاق کند بعد از عدّه می‌تواند با خواهرش ازدواج کند و بعد از طلاق سوم احتیاج به محلّل است؛ ولی اگر به صورت عقد موقّت باشد هرچند بار تکرار شود، محلّل لازم نیست.

۵. ازدواج با خواهر زاده و برادر زاده همسر

سؤال ۳۰۶. ازدواج با خواهر زاده و برادر زاده زن چه حکمی دارد؟
جواب: مرد نمی‌توانـد بـدون اجازه زن خود، با خواهرزاده یا برادرزاده او ازدواج کنـد، ولی اگر بـدون اجازه آنها را عقد نماید بعد اجازه دهد عقد صحیح است.
سؤال ۳۰۷. آیا جایز است خواهرزاده زن مطلقه‌ای را که در عدّه طلاق رجعی
احکام خانواده، ص: ۱۱۹
است بدون اجازه خاله مطلقه‌اش صیغه کرد؟
جواب: بدون اذن او جایز نیست، مگر بعد از گذشتن عدّه.

۶. ازدواج با دختر خوانده و عروس همسر

سؤال ۳۰۸. آیا با دختر خوانده می‌توان ازدواج کرد؟
جواب: در صورتی که رابطه نسبی و سببی نداشته باشد اشکالی ندارد.
سؤال ۳۰۹. می‌توان بعد از فوت پسر همسر، با عروس همسر ازدواج نمود؟
جواب: اشکالی ندارد.

۷. ازدواج با زن شوهردار

سؤال ۳۱۰. ازدواج با زنی که شوهر دارد چه حکمی دارد؟
جواب: هرگاه کسـی بداند زنی شوهر دارد و او را برای خود عقد کند، باید از او جدا شود، بعداً هم بنابر احتیاط واجب نمی‌تواند با او ازدواج کند هر چند با او نزدیکی نکرده باشد.
سؤال ۳۱۱. در بین عشـایر عرب مرسوم است که چنـانچه مردی با دختر، یا زن شوهرداری، دوست شود و بعـد از محل فرار کرده، و رابطه نامشـروع برقرار نماینـد، زمانی که به آنها دسترسـی پیدا کنند، بعضاً آن زن یا دختر را به زانی می‌دهند. این مسأله چه حکمی دارد؟
جواب: در مورد دختر هرگاه طرفین راضـی باشـند اشـکالی نـدارد. و در مورد زن شوهردار اگر بـا مرد بیگانه آمیزش جنسـی کرده باشد، و بعد شوهرش او را طلاق دهد، ازدواج او با زانی پس از عده جایز است، هر چند احتیاط در ترك آن است.
سؤال ۳۱۲. دختری در ایام عقد با یك نفر زنا کرده است، شوهرش که فعلًا
احکام خانواده، ص: ۱۲۰
صورت عقدش معلوم نیست، او را طلاق داده و بعد از طلاق، زانی این دختر را عقد کرده است آیا این عقد شرعاً درست است؟
جواب: در صورتی که عقـد قبلی با رضایت انجام شـده و صـحیح بوده و زنا با زن شوهردار واقع شـده، آن دختر بر زانی حرام ابدی

است (بنابر احتیاط واجب).

۸. ازدواج در عدّه

سؤال ۳۱۳. عقد کردن زنی که در عدّه دیگری است چه حکمی دارد؟
جواب: هرگاه زنی را که در عـدّه دیگری است برای خود عقـد کنـد چنانچه مرد و زن یا یکی از آنان بدانـد زن در عدّه است و نیز بدانـد عقـد کردن زن در عـدّه حرام است آن زن بر او حرام ابـدی می‌شود، خواه با او نزدیکی کرده باشد یا نه، ولی اگر هیچ کدام نمی‌دانسـته‌اند زن در عـدّه است، یا نمی‌دانسـته‌اند عقـد کردن زن در عدّه حرام است، اگر باهم نزدیکی کرده باشـند زن بر او حرام می‌شود و اگر نزدیکی نکرده باشند حرام نمی‌شود.
سؤال ۳۱۴. اگر مردی بـا زنی که در عـدّه است از روی جهـل به مسأله، عقـد دائم یـا مـوقّت بخوانـد، آیـا این زن بر او حرام ابـدی می‌شود؟ حکم صورت عمد چیست؟
جواب: در دو صورت حرام ابـدی می‌شود یکی آن‌که ازدواج و دخول کنـد هرچنـد از روی جهل باشد دوم آن‌که آگاهانه ازدواج کند، هر چند دخول ننماید.

۹. ازدواج با زانیه

سؤال ۳۱۵. اگر مرد با زنی که در عدّه دیگری است زنا کند، بعداً می‌تواند با او ازدواج کند؟
جواب: اگر با زنی که در عدّه دیگری است زنا کند آن زن بر او حرام می‌شود،
احکام خانواده، ص: ۱۲۱
خواه طلاق رجعی باشد یا غیر رجعی بنابر احتیاط واجب.
سؤال ۳۱۶. اگر مرد با زن شوهرداری (نعوذ باللّه) زنا کند، بعداً می‌تواند با او ازدواج کند؟
جـواب: اگر بـا زن شـوهرداری (نعـوذ بـاللّه) زنـا کنــد آن زن برای همیشـه بر او حرام می‌شـود، یعنی اگر از شـوهرش طلاـق بگیرد نمی‌تواند با او ازدواج نماید (بنابر احتیاط).
سؤال ۳۱۷. اگر با زن بی‌شوهری که در عدّه نیست زنا کند، بعداً می‌تواند با او ازدواج نماید؟
جواب: اگر با زن بی‌شوهری که در عدّه نیست زنا کند بعداً می‌تواند با او ازدواج نماید، ولی احتیاط مستحب آن است که صبر کند تا آن زن حیض ببیند بعد او را به عقد خود درآورد.
سؤال ۳۱۸. ازدواج کردن با زنانی که اشتهار به زنا دارند، حرام است یا مکروه؟
اگر حرام نیست، آیا این‌گونه زنان مرتد هستند؟ آیا واجب است قبل از ازدواج از اعتقادات آنها تحقیق شود؟
جواب: این‌گونه زنان مرتد نیسـتند؛ بلکه مسلمان معصیت‌کارند و پرسش از اعتقادات قبل از ازدواج لازم نیست و امّا ازدواج با زنان مشهوره به زنا، احتیاط لازم در ترک است؛ مگر این‌که واقعاً توبه کنند و راه سابق را ترک نمایند.

۱۰. ازدواج کودک

سؤال ۳۱۹. آیا برای نزدیکی با زن سن خاصی شرط است؟
جواب: هرگاه کسـی دختر نابالغی را با اجازه ولیّ او برای خود عقـد کنـد پیش از آن‌که نه سال دختر تمام شود نزدیکی کردن با او حرام است و بعد از نه سال نیز اگر استعداد جسمانی ندارد اشکال دارد، ولی در هر حال اگر نزدیکی کند و او را

احکام خانواده، ص: ۱۲۲

افضـا نمایـد آن زن بر او حرام نمی‌شود مخصوصـاً اگر از طریق جراحی یـا درمـان خوب شود و به حال اصـلی بازگردد، بنابراین در مسأله نزدیکی با زن علاوه بر تمام شدن سنّ نه سال، لازم است رشد جسـمانی برای نزدیکی نیز داشـته باشد و اگر بیم افضا و ناقص شدن زن باشد نزدیکی با او اشکال دارد هرچند به سنّ بلوغ رسیده باشد.

سؤال ۳۲۰. با توجّه به این که طبق مادّه ۱۶ بند ۳ کنوانسیون محو اشکال تبعیض علیه زنان، ازدواج کودك غیر قانونی اعلام شده، و کودك در عرف بین المللی به کمتر از ۱۸ سال اطلاق می‌شود، ازدواج دختران کمتر از ۱۸ سال چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که بالغ شـرعی باشـند و نیز رشـد جسـمانی، و رشد کافی عقلی برای تصـمیم‌گیری در امر ازدواج داشـته باشـند، مانعی ندارد.

۱۱. ازدواج در حال احرام

سؤال ۳۲۱. ازدواج در حال احرام چه حکمی دارد؟

جواب: هرگـاه کسـی در حـال احرام که یکی از اعمـال «حـج» یـا «عمره» است بـا زنی ازدواج نمایـد عقـد او باطـل است و چنـانچه می‌دانسته زن گرفتن در این حال حرام است دیگر نمی‌تواند آن زن را عقد کند خواه نزدیکی کرده باشد یا نه.

۱۲. ازدواج بعد از سه طلاق

سؤال ۳۲۲. اگر زوجین سه بار طلاق بگیرند، به یکدیگر حرام می‌شوند؟

جواب: زنی را که سه مرتبه طلاق داده‌انـد بر شوهرش حرام می‌شود، ولی اگر با شـرایطی که در بخش بیست‌وشـشم (احکام محلّل) آمده با مرد دیگری (محلّل) ازدواج کند و سپس طلاق بگیرد می‌تواند با شوهر اوّل دوباره ازدواج کند.

احکام خانواده، ص: ۱۲۳

۱۳. ازدواج با سادات

سؤال ۳۲۳. با توجّه به این که در ازدواج کفو بودن شرط است و بعضی معتقدند مرد غیر سیّد کفو و مناسب زن سیّد نیست، ازدواج آنها چه حکمی دارد؟ اگر احتمال درگیری باشد حکم چیست؟

جـواب: ازدواج آنـان جـایز می‌باشـد و در زمـان ائمّه معصـومین علیهم السـلام فراوان بوده است ولی اگر خطر درگیری باشـد از آن صرف نظر کنید.

سؤال ۳۲۴. حضرتعالی در استفتائات جدید جلد اوّل، سؤال ۷۰۶ فرموده‌اید که عقد هاشمیه با غیر هاشمی در صدر اسلام و در زمان ائمّه طاهرین علیهم السلام فراوان بوده است. لطفاً چند مورد آن را با ذکر مدرك مورد قبول مرقوم فرمایید.

جواب: یک نمونه روشن آن ازدواج زینب دختر عمّه پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله با زید بن حارثه می‌باشد، که در قرآن مجید صریحاً آمـده است. نمونه دیگر، ازدواج ضـباعه نوه عبـدالمطلب با مقداد است که در روایات آمده است. مخصوصاً در ذیل روایت تصـریح شده که پیامبر فرمود: «من این کار را کردم تا مسأله ازدواج در میان مردم توسـعه یابد، و قید و بندها بر چیده شود.» بسیاری از مراجع عصـر مـا ماننـد آیت اللّه خویی و آیت اللّه گلپایگـانی که از سـادات بنی‌الزهرا هسـتند، نیز دخـتران خود را به غیر سـادات داده‌اند.

سؤال ۳۲۵. سادات در کشـور پاکسـتان از احترام فوق‌العاده برخوردارنـد؛ حتّی سادات ناصالـح؛ چون بزرگـان سادات بوده‌اند که غیر

سادات را با اسلام آشنا نمودند. لهذا غیر سادات به خود اجازه نمی‌دهند دختران سادات را به عقد خود در آورند، و سادات هم بر این باورند که این عمل اهانت به خانواده پیامبر صلوات اللّه علیهم می‌باشد، و این مطلب در نزد آنها به قدری مهم است که اگر کسی از آن تخلّف کند، بعضی جوانان، حتّی بزرگان، احساساتی شده و در چنین مواردی شوهر آن دختر را به قتل می‌رسانند! همانطور که چند ماه قبل، این اقدام

احکام خانواده، ص: ۱۲۴

در لاهور انجام شد! و این حادثه در روزنامه‌های پاکستان با تیتر بزرگ چاپ شد، و عموم مردم این عمل را ستایش کردند. و شکی نیست که اگر سیده با غیر سید ازدواج کند، مفاسدی بر آن مترتّب شده، و سبب بدنام نمودن مذهب شیعه و علمای مذهب هم می‌شود. چون برادران اهل سنّت پاکستان در این مسأله متّفق القولند، که عقد سیده با غیر سید جایز نیست. لطفاً بفرمایید:

الف) اگر در ازدواج سیده با غیر سید، مفسده‌ای باشد، و موجب اختلافات خانوادگی و بدنامی مذهب و مکتب اهل بیت علیهم السلام شود، آیا در چنین موردی این اقدام جایز است؟

ب) در صورتی که برای دختر سید، در فامیل خودش، یا دیگر خانواده‌های سادات کفوی موجود باشد، آیا آن دختر می‌تواند با غیر سید ازدواج کند، با این که جدّش راضی نیست، و پدرش فوت کرده است؟

جواب: ازدواج دختران سادات محترم با غیر سادات ذاتاً اشکالی ندارد. و در زمان پیغمبر و ائمّه معصومین علیهم السلام زیاد اتّفاق افتاده که دختران سادات با غیر سادات ازدواج کرده، و معصومین هم از آن نهی نکرده‌اند. ولی اگر واقعاً مفسده اجتماعی بر آن مترتّب شود، باید از آن پرهیز نمود، و تدریجاً مردم را با این حکم اسلامی آشنا کرد. و قتل نفس مسلمان از گناهان بسیار بزرگ است، و قصاص دارد.

۱۴. ازدواج با دختر عمو

سؤال ۳۲۶. چند سالی است که در محافل و رسانه‌ها، از سوی اهل فنّ و علم اعلام می‌گردد که از ازدواجهای فامیلی، بخصوص ازدواج پسر عمو با دختر عمو و امثال آن، خودداری شود، با توجه به این مطلب لطفاً بفرمایید:

الف) ازدواج حضرت علی علیه السلام، با دختر پسر عموی خویش، حضرت فاطمه

احکام خانواده، ص: ۱۲۵

زهرا علیها السلام که به سفارش و با موافقت پیامبر صلی الله علیه و آله واقع شده، چگونه توجیه می‌گردد؟

آیا صرف نظر از تمامی مسائل، این خود یک امر تبلیغی برای این‌گونه ازدواجها نیست؟

ب) دین اسلام که کاملترین دینهاست و درباره تمامی آداب و رفتار و اعمال انسان‌ها حکم لازم را منظور و تبیین کرده، آیا در خصوص موضوع مورد سؤال، حکمی دارد؟

جواب: در بعضی از روایات اسلامی از ازدواج فامیل‌های نزدیک نهی شده و در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که فرمود: «این کار را نکنید که مایه ناتوانی فرزند می‌شود» ولی هر قاعده کلّی استثنایی دارد و گاه دیده‌ایم که حاصل ازدواج فامیلی فرزندان بسیار باهوش و سالم بوده است و ازدواج آن دو بزرگوار نیز از این استثناهاست.

سؤال ۳۲۷. در بین عشایر عرب خوزستان رسمی به نام «نهوه» وجود دارد (اجبار دختر عمو به ازدواج با پسر عمو یا دیگر نزدیکان، و منع از ازدواج با دیگران) چنین رسمی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: چنین رسمی برخلاف شرع است، و باید از آن پرهیز کرد، مگر این که زوج و زوجه هر دو بدون اجبار رضایت دهند.

۱۵. دیگر مسائل مربوط به حرمت و جواز ازدواج

سؤال ۳۲۸. زنا در عدّه عقد موقّت چه حکمی دارد؟ آیا موجب حرمت ابدی می‌شود؟ فتوای امام قدس سره در این مورد چیست؟

جواب: زنا در عدّه متعه مسلّماً حرام است، ولی موجب حرمت ابدی آن زن نمی‌شود بنابراین اجرای صیغه عقد پس از گذشت عدّه اشکال ندارد و فتوای امام قدس سره در تحریرالوسیله و توضیح المسائل نیز همین است.

احکام خانواده، ص: ۱۲۶

سؤال ۳۲۹. اگر زنی زنا کند به شوهرش حرام می‌شود؟

جواب: زن شوهردار اگر زنا دهد بر شوهر خود حرام نمی‌شود، ولی چنانچه توبه نکند و بر عمل خود باقی باشد بهتر است شوهر او را طلاق دهد، امّا مهرش را باید بدهد و اگر مشهور به زنا شود احتیاط واجب طلاق دادن اوست.

سؤال ۳۳۰. اگر کسی با زن شوهرداری (نعوذ باللّه) زنا کند، آیا باید به شوهر زن بگوید؟

جواب: هرگاه کسی با زن شوهرداری (نعوذ باللّه) زنا کند برای توبه کردن لازم نیست به آن مرد بگوید، بلکه باید در پیشگاه خدا توبه حقیقی کند.

سؤال ۳۳۱. اگر مرد یا زن طواف نساء (یکی از اعمال حجّ) را به جا نیاورد، آیا همسرش بر او حرام می‌شود؟

جواب: اگر مرد طواف نساء را که یکی از اعمال حجّ است به جا نیاورد، زن که به واسطه احرام بستن بر او حرام شده بود حلال نمی‌شود، این حکم درباره زن نیز ثابت است، ولی اگر بعداً طواف نساء را به جا آورند به یکدیگر حلال می‌شوند.

سؤال ۳۳۲. در بین عرب‌های خوزستان مرسوم است که خانواده قاتل در عوض خون‌بها، به خانواده مقتول دختر می‌دهند. چنین رسمی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که ارباب دم بجای گرفتن دیه به این کار رضایت بدهند، و دختر و ولیّ دختر راضی به این امر باشند اشکالی ندارد.

سؤال ۳۳۳. مردی با زنی ازدواج موقت می‌کند پس از دخول زن اظهار می‌کند که در عده ازدواج موقت شخص دیگری بوده است که پس از آن ارتباط آنان قطع می‌گردد. حال پسر آن مرد می‌تواند این زن را صیغه کند؟

جواب: بهتر است اجتناب کند.

احکام خانواده، ص: ۱۲۷

سؤال ۳۳۴. با توجّه به این که در مبحث لعان، پس از انجام تشریفات ملاعنه، رابطه نسبی بین پدر و ارحام پدری با فرزند قطع می‌شود، آیا ازدواج فرزند با عمّه سابق خود که با لعان رابطه نسبی‌اش با این فرزند قطع شده صحیح است؟

جواب: ظاهراً اشکالی ندارد؛ هرچند احتیاط ترک آن است.

سؤال ۳۳۵. اخیراً از چند تن از علما پرسیده‌اند که آیا ازدواج پدر، با مادر زن فرزند خویش شرعاً جایز است؟ ایشان گویا فرموده‌اند: جایز نیست، نظر حضرت‌عالی چیست؟

جواب: جایز است و کسی قائل به حرمت نیست.

سؤال ۳۳۶. چنانچه شخصی با خنثای مشکل عمل شنیع از قُبل یا دُبر انجام دهد، یا خنثای مشکل با شخصی این کار را بکند، وضعیت حرمت نزدیکان آنها بر دیگری چگونه خواهد بود؟

جواب: در مواردی که حرمت مشکوک شود؛ بنابر حلّیت می گذارند.

سؤال ۳۳۷. هرگاه کسی دختری را برای پسر خود عقد کند، خودش می‌تواند با مادر آن دختر ازدواج نماید؟

جواب: ازدواج با مادر آن دختر مانعی ندارد.

سؤال ۳۳۸. اگر کسی اوّل با مادر آن دختر ازدواج کرده می‌تواند آن دختر را برای پسر خود بگیرد.

جواب: اوّل خودش با مادر آن دختر ازدواج کرده می‌تواند آن دختر را برای پسر خود بگیرد.

***

احکام خانواده، ص: ۱۲۹

بخش چهارم:

اشاره

دستور خواندن صیغه عقد

احکام خانواده، ص: ۱۳۱

۱

کلیات مربوط به صیغه عقد

سؤال ۳۳۹. عقد ازدواج چیست؟

جواب: عقـدی که به واسط آن زن و مرد به هم حلال می‌شوند و آن بر دو قسم است: ازدواج دائم که همیشـگی است و زنی را که به این عقـد در می‌آیـد «دائمه» گوینـد و ازدواج موقّت که برای مـدّت معینی عقـد زناشویی می‌بندند، خواه این مدّت کوتاه باشد یا طولانی و آن را «متعه «و «صیغه» نیز می‌نامند.

سؤال ۳۴۰. آیا وکالت مرد یا زن از طرف دیگری برای خواندن عقد صحیح است؟

جواب: وکالت مرد از طرف زن، یا زن از طرف مرد، برای خواندن صیغه مانعی ندارد.

سؤال ۳۴۱. آیا زوجین باید یقین داشته باشند که وکیل عقد را خوانده است؟

جواب: هرگاه زن و مردی به کسـی وکالت داده‌انـد صـیغه عقـد آنها را بخواند تا یقین نکنند که وکیل صـیغه را خوانده بر یکدیگر حلال نمی‌شوند، ولی اگر وکیل مورد اعتماد باشد و بگوید خوانده‌ام کافی‌است.

سؤال ۳۴۲. اگر زن به کسی وکالت دهد برای مدتی او را به عقد مردی در آورد ولی ابتدای آن را معیّن نکند، شروع عقد چه زمان می‌شود؟

جواب: هرگاه زن، کسی را وکیل کند که او را مثلًا برای ده روز یا دو ماه به عقد

احکام خانواده، ص: ۱۳۲

مردی درآورد و ابتدای آن را معین نکند باید آغاز آن را از روز و ساعتی که عقد می‌کند قرار دهد.

سؤال ۳۴۳. آیا برای خواندن عقد، یک نفر می‌تواند از طرف زوجین وکیل شود؟

جواب: احتیاط مستحب آن است که یک نفر از سوی دو همسر صیغه عقد را نخواند، یعنی دو طرف عقد دو نفر باشند و نیز احتیاط مستحب این است که انسان نمی‌تواند از طرف زن وکیل شود تا او را برای خود بطور دائم و یا موقّت عقد کند.

سؤال ۳۴۴. اگر عاقد سنّی باشد و عروس و داماد هر دو شیعه، آیا جنین عقدی صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد و عقد صحیح است.

***

احکام خانواده، ص: ۱۳۳

۲

صیغه عقد دائم

سؤال ۳۴۵. برای خواندن صیغه عقد دائم چه عباراتی باید گفته شود؟

جواب: برای خواندن صیغه عقد دائم کافی است که زن بگوید:

«زَوَّجْتُکَ نَفْسِی عَلَی الصَّداقِ الْمَعْلُوم

» (یعنی خود را به همسری تو درآوردم به مهری که معین شده) و مرد هم بعد از آن بگوید:

«قَبِلْتُ التَّزْویجَ

» (یعنی قبول کردم این ازدواج را) و اگر دیگری را برای این کار وکیل کنند کافی است که وکیل زن بگوید:

«زَوَّجْتُ مُوَکلَتی مُوَکلَکَ عَلَی الصَّداقِ الْمَعْلُومِ

» (موکله خودم را به همسری موّکل تو با مهر معلوم درآوردم) وکیل مرد نیز بگوید:

«قَبِلْتُ لِمُوَکلی هَکذا

» (من نیز همین‌گونه از طرف موکل خودم قبول کردم).

***

احکام خانواده، ص: ۱۳۵

۳

صیغه عقد موقّت

سؤال ۳۴۶. برای خواندن صیغه عقد موقّت چه عباراتی باید گفته شود؟

جواب: برای خواندن صیغه عقد موقّت کافی است بعد از آن‌که مدّت و مهر معین شد، زن بگوید:

«زَوَّجْتُکَ نَفْسِی فِی الْمُدَّه الْمَعْلُومَه عَلَی الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ

» (من خودم را به همسری تو در مدّت معین با مهر معین درآوردم) مرد نیز بگوید:

«قَبِلْتُ

» (قبول کردم) یا این‌که وکیل زن بگوید:

«مَتَّعْتُ مُوَکلَتِی مُوَکلَکَ فِی الْمُدَّه الْمَعْلُومَه عَلَی الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ

» (موکله خودم را به ازدواج موکل تو در مدّت معین با مهر معین درآوردم) وکیل مرد نیز بگوید:

«قَبِلْتُ لِمُوَکلِی هَکذا

» (قبول کردم برای موکل خودم همین طور).

***

احکام خانواده، ص: ۱۳۷

۴

عقد معاطاتی

سؤال ۳۴۷. آیا در ازدواج رضایت طرفین به تنهایی کافی است، یا اینکه باید صیغه عقد خوانده شود؟

جواب: در عقد ازدواج خواه دائم باشد یا موقّت، خواندن صیغه لازم است و رضایت طرفین به تنهایی کافی نیست و صیغه عقد را طرفین یا وکیل آنها می‌توانند بخوانند.

سؤال ۳۴۸. حکم ازدواج معاطاتی چیست و چه شرایطی دارد؟ اگر یکی از مقلّدین شما در این مسأله (به فرض عدم صحّت ازدواج معاطاتی به نظر شما) به مرجع دیگری رجوع نماید حکم چیست؟ اگر فردی به علّت عدم آشنایی به حکم (در صورت عدم صحّت ازدواج معاطاتی) با فردی به این طریق ازدواج کند و بعد حکم را بفهمد وظیفه‌اش چیست؟

جواب: چیزی به نام ازدواج معاطاتی نداریم، چنین ازدواجی باطل است.

سؤال ۳۴۹. دختر و پسری به هم علاقمند بودند، ولی خانواده دختر با ازدواج آنان مخالف بود. آن دو برای این که خانواده دختر را مجبور کنند تا با ازدواج آنان موافقت کنند، به طور نامشروع مجامعت کرده، و دختر حامله شده، و طفلی به دنیا آورده است اکنون اظهار می‌دارند که چون روستایی بوده، نمی‌دانسته، و یا نمی‌توانسته‌اند صیغه ازدواج را جاری کنند، و به رضایت طرفینی اکتفا کرده، و آن

احکام خانواده، ص: ۱۳۸

را کافی دانسته‌اند:

الف) آیا توافق طرفین به عنوان صیغه عقد قابل قبول است؟

جواب: توافق طرفین کافی نیست.

ب) همین که طرفین ادّعای اجرای صیغه عقد نمایند برای ایجاد شبهه کافی است، یا باید صحّت آن بررسی و اثبات شود؟

جواب: چنانچه احتمال دهیم ادّعای آنها راست باشد، باید حمل بر صحّت کرد.

ج) آیا در مسأله فوق حدوث شبهه، فقط موجب برائت از حدّ است، یا تعزیر را نیز منتفی می‌سازد؟

جواب: در فرض بالا حدّ و تعزیر هر دو ساقط می‌شود.

د) بر فرض احصان مرد، حکم چیست؟

جواب: احصان مرد تفاوتی ایجاد نمی‌کند.

ه) آیا ازدواج آن دو با یکدیگر بلامانع است؟

جواب: آنها می‌توانند با هم ازدواج کنند.

و) آیا در فرض بکارت و عدم آن، حکم متفاوت است؟

جواب: تفاوتی نمی‌کند.

***

احکام خانواده، ص: ۱۳۹

بخش پنجم:

اشاره

شرایط مجازو غیر مجاز عقد ازدواج

احکام خانواده، ص: ۱۴۱

۱

کلیات و شرایط لازم در عقد ازدواج

سؤال ۳۵۰. شرایط عقد ازدواج کدام است؟

جواب: عقد ازدواج شرایطی دارد از جمله:

الف) احتیاط آن است که صیغه آن به عربی صحیح خوانده شود، ولی در صورتی که مرد و زن نتوانند صیغه را به عربی بخوانند می‌توانند به زبان خود بخوانند و گرفتن وکیل برای خواندن صیغه به زبان عربی واجب نیست، ولی باید لفظی بگویند که معنی همان صیغه عربی را بفهماند.

ب) کسی که صیغه را می‌خواند باید قصد انشاء داشته باشد یعنی قصدش این باشد که با گفتن این الفاظ همسری در میان آن دو برقرار گردد، زن خود را همسر مرد قرار دهد و مرد این معنی را قبول کند، وکیل نیز باید چنین قصدی را داشته باشد.

ج) کسی که صیغه عقد را می‌خواند باید عاقل و احتیاطاً بالغ باشد هر چند از طرف دیگری وکیل باشد.

د) ولی یا وکیل در اجرای صیغه عقد باید زن و شوهر را معین کند، بنابراین اگر کسی چند دختر دارد نمی‌تواند به مردی بگوید: «زَوَّجْتُکَ احْدی بَناتی

» (یکی از دخترانم را به همسری تو درآوردم).

ه) زن و مرد باید از روی اختیار به ازدواج راضی باشند ولی اگر یکی از آن دو

احکام خانواده، ص: ۱۴۲

ظاهراً با کراهت اجازه می‌دهد، امّا می‌دانیم قلباً راضی است عقد صحیح است.

و) صیغه عقد باید صحیح خوانده شود و اگر طوری غلط بخوانند که معنی آن را عوض کند عقد باطل است، امّا اگر معنی عوض نشود اشکالی ندارد.

سؤال ۳۵۱. آیا صیغه عقد فضولی صحیح است؟

جواب: اگر عقد زنی را برای مردی بدون اجازه آنها بخوانند و بعداً آنها راضی شوند و اجازه دهند عقد صحیح است.

سؤال ۳۵۲. زن و مردی یا یکی از آن دو را مجبور به ازدواج نمایند ولی بعد از خواندن عقد راضی شوند، عقد صحیح است؟

جواب: اگر زن و مردی یا یکی از آن دو را مجبور به ازدواج نمایند ولی بعد از خواندن عقد راضی شوند و اجازه دهند احتیاط واجب آن است که صیغه عقد را از نو بخوانند.

سؤال ۳۵۳. آیا پدر و جدّ پدری می‌توانند برای فرزند نابالغ یا دیوانه خود ازدواج کنند؟

جواب: پدر و جدّ پدری می‌توانند (در صورت ضرورت) برای فرزند نابالغ یا دیوانه خود ازدواج کنند و بعد از آن‌که طفل بالغ شد یا دیوانه عاقل گردید بنابر احتیاط واجب نباید آن را به هم زد.

سؤال ۳۵۴. آیا دختری که به حدّ بلوغ رسیده و رشیده است، می‌تواند بدون اجازه خانواده ازدواج نماید؟

جواب: دختری که به حدّ بلوغ رسیده و رشیده است، یعنی مصلحت خود را تشخیص می‌دهد چنانچه باکره باشد باید با اجازه پدر یا جدّ پدری ازدواج نماید ولی اگر همسر مناسبی برای دختر پیدا شود و به تایید بزرگان فامیل پدر بدون دلیل مخالفت کند اجازه او شرط نیست، همچنین اگر به پدر یا جدّ پدری دسترسی نباشد و دختر هم احتیاج به شوهر کردن داشته باشد و همسر مناسبی

احکام خانواده، ص: ۱۴۳

برای دختر پیدا شود می‌تواند با اطلاع بزرگان فامیل ازدواج کند، یا این‌که دختر قبلًا شوهر کرده باشد که در این صورت اجازه پدر و جد در ازدواج جدید لازم نیست.

سؤال ۳۵۵. مرد مقلّد مرجعی است که مثلًا تعدد موجب و قابل را شرط می‌داند و زن از مجتهدی تقلید می‌کند که اتّحاد موجب و قابل را کافی می‌داند، در این جا طبق نظر کدام یک از این دو مرجع باید عمل کرد؟

جواب: در چنین مواردی احتیاط آن است که مطابق فتوای مرجعی که تعدد را شرط می‌داند عمل کنند.

سؤال ۳۵۶. به دختری گفتند مهریه شما ۱۵ هزار روپیه هندی است و او به این مهریه راضی شد ولی در عقد نامه ۱۰ هزار نوشته شد، وکیل بعد از خواندن عقدنامه، بر مهریه نوشته شده صیغه جاری کرد، آیا این صیغه (ازدواج دائمی) صحیح است؟

جواب: احتیاط آن است که صیغه عقد را مجدّداً با مهریه مورد توافق جاری کنند.

سؤال ۳۵۷. اگر زن، مرد را وکیل در اجرای عقد دائم کند و مرد مدعی اجرای عقد موقّت باشد (آن هم بعد از چند سال) حکم عقد، مهر و توارث بین زن و شوهر و فرزندان چیست؟

جواب: چنانچه یقین داشته باشد که مرد راست می‌گوید و عقد موقّت خوانده است، عقد باطل است و زن و مرد از هم ارث نمی‌برند ولی فرزندان آنها از آنها ارث می‌برند مگر این‌که مرد عالم بوده به بطلان عقد بوده باشد، که در این صورت فرزندان، تنها از زن ارث می‌برند نه از مرد و حدّ زنا بر مرد جاری می‌شود و در هر حال باید مهرالمثل زن را بپردازد.

سؤال ۳۵۸. آیا یک نفر می‌تواند عقد را به فارسی یا عربی اصالتاً از طرف خود

احکام خانواده، ص: ۱۴۴

و وکالتاً از سوی طرف مقابل اجرا کند؟

جواب: مرد می‌تواند از طرف زن وکیل شود و عقد را بخواند و از طرف خودش قبول کند مثل این که بگوید: موکله خودم فلان کس را به عقد موقّت خودم در فلان مدّت به فلان مبلغ مهر در آوردم سپس بگوید قبول کردم، در صورتی که عربی بتواند، به‌عربی بخواند و اگر نتواند به فارسی بخواند و زن هم می‌تواند از طرف مرد وکیل شود.

سؤال ۳۵۹. کسی که بدون انقضای عقد موقّت، عقد دائم اجرا کند و بعداً متوجّه شود، آیا عقد دائم او باطل است؟

جواب: احتیاط واجب آن است که مجدّداً عقد را بخواند ولی اگر قبلًا فرزندانی به وجود آمده باشند، حلال زاده‌اند.

سؤال ۳۶۰. آیا تعدّد وکیل از سوی مرد و زن در اجرای عقد لازم است؟

احکام خانواده ؛ ص۱۴۴

جواب: تعدّد وکیل در اجرای عقد احتیاط مستحب است.

سؤال ۳۶۱. همان‌گونه که مستحضرید در احکام عقود از قبیل بیع و اجاره و نکاح و ... طرفین عقد (یا وکیل آنها) به منظور ایجاب و قبول باید صیغه بخوانند مخصوصاً در عقد ازدواج و منظور از صیغه کلمات و جملات به هر لفظ و زبانی که باشد، البتّه مقصود و مطلوب بالذّات، معانی و مفاهیم و مفاد کلمات و جملات می‌باشد، بنابراین عقل و منطق حکم می‌کند که صیغه به زبانی باشد که طرفین ازدواج و شاهدان قضیه و حضّار مجلس با آن زبان آشنایی داشته باشند؛ سؤال این است که برای غیر عرب چه لزومی دارد که این صیغه به عربی باشد در حالی که هر شخصی با زبان مادری و رسمی خودش بهتر می‌تواند مطلبی را بیان و تفهیم و یا تفهّم نماید؟

جواب: اجرای صیغه به هر زبانی که برای طرفین مفهوم باشد جایز است، فقط در نکاح و طلاق احتیاط اجرای صیغه به زبان عربی است مشروط بر این که

احکام خانواده، ص: ۱۴۵

معنای آن را بدانند بنابراین اگر مجری صیغه آشنا به عربی نباشد می‌تواند آن را هم به زبان خودش اجرا نماید.

سؤال ۳۶۲. اگر صیغه به زبان غیر عربی خوانده شود، آیا عبارتی که خوانده می‌شود، باید حتماً مطابق عبارت عربی باشد؟

جواب: همین مقدار که زن به مرد برای خواندن عقد وکالت دهد، و مرد بگوید: «این زن را برای همیشه، یا برای فلان مدّت، به فلان مبلغ مهریه به عقد خود درآوردم» و بعد بگوید: «از سوی خودم قبول کردم»، کافی است.

سؤال ۳۶۳. آیا اجرای صیغه عقد دائم، یا غیر دائم از طریق مکالمه تلفنی و امثال آن، توسّط مرد و زن، یا وکیل آن دو صحیح است؟

جواب: هرگاه شرایط رعایت شود، اشکالی ندارد.

سؤال ۳۶۴. نظر شریفتان راجع به عقد معاطاتی نکاح چیست؟ منظور این است که معیار حلّیت در نکاح، آیا صرفاً لفظ «انکحت» و مانند آن می‌باشد، یا این که فقط نیت و قصد انشا و رضایت قلبی طرفین کفایت می‌کند؟ اگر ملاک روح توافق و قصد انشای طرفین است، در این فرض چه لزومی به ادای الفاظ مخصوص است؟ بویژه آن که به جای آن الفاظ مخصوص، می‌توان به وسیله حرکات نیز از قصد و رضایت طرفین مطّلع شد.

جواب: اوّل این که درست است که عقد نکاح از نظر قرارداد مانند سایر عقود است؛ ولی اجماع علمای اسلام بر این است که در نکاح باید صیغه عقد خوانده شود و روایات نیز شاهد بر اعتبار صیغه است؛ بلکه در میان عقلای اهل عرف نیز همیشه در عقد نکاح

نوعی قرارداد لفظی یا کتبی وجود داشته و دارد و این نشان می‌دهد که نکاح وضعی مخصوص به خود دارد.

دوم این که معروف در میان فقها این است که نکاح به عبادات شبیه‌تر است تا به معاملات؛ منظور این است که نکاح در شرع مقدّس قیود تعبّدی زیادی دارد

احکام خانواده، ص: ۱۴۶

که آن را شبیه به عبادات می کند که جنبه توقیفی دارد.

سؤال ۳۶۵. بعضی از سردفتران ازدواج به گمان این که چون لفظ «انکحت و زوّجت» گاهی بنفسه وگاهی به حروف «مِن» و «باء» متعدّی می‌شود، در جواب «أنکحت موکلتی فلانه من موکلك فلان» این طور می‌خوانند «قبلت النکاح من موکلی، و یا قبلت التزویج بموکلی» با این که به آنها تذکر داده می‌شود که این عبارت غلط است و باید گفته شود «قبلت النکاح یا قبلت التزویج لموکلی» باز به اشتباه خود ادامه می‌دهند. خواهشمند است مرقوم فرمایید در صورت غلط بودن چنین صیغه‌ای، آیا عقد صحیح است؟

جواب: اجرای عقد با صیغه مزبور اشکالی ندارد؛ هرچند بهتر است که صیغه بطور صحیح‌تر، طبق موازین ادبیات عرب خوانده شود.

سؤال ۳۶۶. آیا عقد نکاح دائم، الفاظ معینی دارد، یا با هر لفظی که معنا و مفهوم آن را برساند جاری می‌شود؟

جواب: عقد را با هر عبارتی که مفهوم آن را به وضوح برساند می‌توان جاری نمود؛ ولی اگر انسان به عربی آشنا باشد، احتیاط آن است که صیغه را عربی بخواند.

سؤال ۳۶۷. در اجرای صیغه عقد دائم، زوج باید مقدّم شود، یا زوجه؟

جواب: تفاوتی نمی کند؛ ولی تقدّم زوجه بهتر است.

سؤال ۳۶۸. «نَکحَ» در لغت چندین معنا دارد، و از الفاظ مشترکه است. هنگام قصد انشاء، کدام معنا را باید قصد کنیم؟ در حالی که «به زنیِ دائمی دادم ...» از معانی لغویه آن نیست؟

جواب: معنای مشهور نکاح همان عقد ازدواج است؛ و اگر زمان خاصّی در آن قید نشود، ظهور در عقد دائم دارد.

سؤال ۳۶۹. نکاح دائم چند رکن دارد؟ آیا صداق نیز از ارکان آن است؟

احکام خانواده، ص: ۱۴۷

جواب: صداق از ارکان عقد دائم نیست؛ و اگر ذکر نشود باید مهرالمثل پرداخت شود.

سؤال ۳۷۰. آیا در عقد نکاح، تقدّم ایجاب بر قبول لازم است؟

جواب: لازم نیست؛ ولی بهتر است ایجاب مقدّم شود.

سؤال ۳۷۱. اگر روحانی سُنّی عقد نکاح پسر یا دختر شیعه را بخواند، حکمش چیست؟

جواب: در صورتی که شرایط معتبر نزد شیعه در آن رعایت شود اشکالی ندارد.

سؤال ۳۷۲. صیغه محرمیت بین زن و مرد نامحرم (صیغه برادری و خواهری) چگونه است؟

جواب: چیزی به نام صیغه برادری و خواهری نداریم. و صیغه محرمیت یا به وسیله ازدواج دائم، و یا ازدواج موقّت حاصل می‌شود؛ (البتّه با شرایطش) و غیر آن ممنوع است.

سؤال ۳۷۳. اگر دختر باکره بدون اجازه پدر و یا جدّ پدری شوهر کند شرعاً تکلیف چیست؟

جواب: احتیاط آن است که دختر اجازه پدر را به دست آورد.

سؤال ۳۷۴. طبق فتوای علما در صورتی که پدر و یا جدّ پدری غایب باشد و دختر باکره احتیاج به شوهر داشته باشد، اجازه ساقط می‌شود، معنای احتیاج داشتن به شوهر چیست؟

جواب: منظور این است که به سنّی رسیده باشد که اگر شوهر نکند به زحمت یا به خطر می‌افتد.

سؤال ۳۷۵. آیا برای ازدواج با دختر باکره، اذن پدر یا ولی لازم است؟ آیا در این مسأله، ازدواج موقّت با دائم فرق دارد؟

احکام خانواده، ص: ۱۴۸

جواب: واجب است که اجازه بگیرند و تفاوتی میان ازدواج موقّت و دائم نیست.

سؤال ۳۷۶. دختر جوانی بدون اذن پدر و مادر خود به خانه کسی می‌رود و به درخواست پسر و دختر عقد نکاح بدون رضایت پدر خوانده می‌شود و اعمال مترتّب بر نکاح انجام می‌گیرد، در حالی که اگر دختر با پدر مشورت می‌کرد مانعی هم وجود نداشت، در این دو صورت (تحصیل رضایت پدر بعد از عقد و عدم تحصیل رضایت)، حکم عقد چیست؟

جواب: بهتر این است که بعداً رضایت پدر را جلب نماید.

سؤال ۳۷۷. دختری قبل از نه سالگی به عقد شخصی در آمده است در حالی که دختر از موضوع خبر نداشته و عقد را پدر دختر جاری کرده است و در ضمن، فاصله سنّی بین این دختر و آن مرد حدود ۲۵ سال است و آن مرد زن دیگری نیز دارد و حتی دخترش با این زن دوم هم سن است. وقتی دختر بالغ می‌شود عدم رضایت خود را از این عقد اعلام داشته و اصرار می‌کند که این ازدواج به مصلحت من نیست و من طلاق می‌خواهم ولی مرد حاضر به طلاق نمی‌شود، آیا این عقد درست است و باید به این عقد ملتزم باشد یا می‌تواند با کسی دیگر ازدواج کند با توجّه به این‌که دختر به حدّی رسیده که احتیاج به شوهر کردن دارد؟

جواب: چنانچه این عقد به مصلحت دختر نبوده، باطل است و دختر می‌تواند بدون طلاق شوهر کند ولی اگر دختر بعد از بلوغ رضایت داده نمی‌تواند آن را به هم بزند.

سؤال ۳۷۸. اگر دختری با پسر هم شأن شرعی و عرفی خود قصد ازدواج داشته باشد، آیا اذن پدر ساقط است؟

جواب: در فرض مسأله اگر به تایید بزرگان فامیل پدر بدون دلیل مخالفت کند اذن او ساقط می‌شود.

احکام خانواده، ص: ۱۴۹

سؤال ۳۷۹. برای خاله بنده خواستگارهای زیادی آمده که بیشتر آنها افرادی متدین بوده‌اند ولی پدر ایشان آنها را رد کرده، و می‌گوید فقط با فامیل من باید ازدواج کند تکلیف او با چنین پدری چیست؟

جواب: هرگاه خواستگاران با او تناسب داشته‌اند و کفو شرعی و عرفی بوده‌اند، او حق نداشته آنها را رد کند همچنین حق ندارد اصرار بر ازدواج با فامیل کند و اجازه و اذن او در این صورت‌ها ساقط است، در عین حال اگر بتواند رضایت پدر را به دست آورد کار خوبی کرده است.

سؤال ۳۸۰. اگر مرد، مقلّد مرجعی باشد که معتقد است ازدواج موقّت دختر باکره بدون اجازه پدرش جایز است ولی دختر مقلّد کسی است که می‌گوید اجازه پدر لازم است، آیا آن مرد می‌تواند این دختر را بدون اجازه پدرش عقد کند؟

جواب: دختر نمی‌تواند بدون اجازه پدر ازدواج کند.

سؤال ۳۸۱. آیا شرایط نکاح باید در متن عقد ذکر شود، یا در خارج عقد؟

جواب: شرایط باید در متن عقد باشد؛ مگر این که قبلًا بر آن توافق شود و عقد را مبنی بر آن شرایط بخوانند.

سؤال ۳۸۲. با توجّه به این که طبق بند ۳ مادّه ۱۵ کنوانسیون محو اشکال تبعیض علیه زنان، کلّیه قراردادها و اسناد خصوصی که در جهت محدود کردن اختیارات و اهلیت قانونی زنان است ملغی اعلام می‌شود، آیا زن و مرد هنگام ازدواج می‌توانند شروطی را در ضمن عقد بگنجانند که مفاد آن محدود کردن اختیارات همسر باشد؟

جواب: در بعضی از موارد می‌توان از طریق شرطی حقّ همسر را محدود کرد، مانند حقّ سکنی و امثال آن؛ امّا در مواردی که شرط بر خلاف کتاب و سنّت یا مقتضای عقد باشد جایز نیست، خلاصه موارد مختلف است.

احکام خانواده، ص: ۱۵۰

سؤال ۳۸۳. اگر مردی قبل از جاری شدن صیغه عقد، و به هنگام گفتگوهای مقدّماتی ازدواج، توافقنامه‌های شروط ضمن عقد کتبی با دختر امضا کنـد، که متضـمّن شـروط رفتاری و فعلی باشـد. یعنی در زندگی این کار را بکند یا نکند، و مخالف مقتضای عقد هم نباشـد. از جمله «بـا دار و نـدار شوهر بسـازد» و «تـا قبل از بچّه‌دار شـدن و سـر و سامان گرفتن زنـدگی، ما بقی مهریه را از او مطالبه نکنـد» و دختر پس از گفتگو و مطالعه آنها، کتباً بنویسـد: «من با تمام آنها موافقم» و امضا کند. ولی این شـرط در ذیل قباله رسـمی نوشـته نشود. آیا این شـروط اعتبار و سندیت دارد؟ اگر زن جهت فریب و جلب رضایت مرد آنها را قبول کرده، ولی پس از ازدواج تخلّف و عهـد شـکنی کنـد، و آنها را به تمسخر بگیرد، و سه ماه بعد از عروسـی مهریه خود را به اجرا بگذارد، با توجّه به این که با عـدم قبول شـروط، عقد واقع نمی‌شد، وضـعیت این عقد چگونه است؟ آیا زوجه تدلیس کرده است؟ آیا وی می‌تواند علی رغم این که سه دانـگ از منزل مسـکونی به نـام وی شـده، و مبالغ هنگفتی طلاجات و جواهرات و بقیه اقلام مهریه خود را گرفته، بقیه آن را طلب کند؟ آیا منزل مسکونی و محلّ کسب شوهر از مستثنیات دین و مهر زوجه محسوب می‌شود؟

جواب: هرگاه قبلًا توافق بر شـروطی شـده و طرفین آن را امضا کرده‌انـد، سـپس عقـد خوانـده شده، این شـروط لازم الاجراست و به اصطلاح فقهی از قبیل شروط مبنیّ علیها العقد است.

سؤال ۳۸۴. آیا کسی که دستور زبان عربی را نمیداند میتواند عقد را بخواند؟

جواب: کسـی که دسـتور زبان عربی را نمی‌دانـد ولی کلمات عقـد را صـحیح ادا می‌کنـد و معنی آن را نیز می‌دانـد عقد او صـحیح است.

***

احکام خانواده، ص: ۱۵۱

۲

شرایط مجاز عقد ازدواج

سؤال ۳۸۵. اگر زنی خواسته باشد با مردی با این شرط ازدواج کند که مرد او را در طلاق دادن از طرف خود وکیل کند، آیا چنین شرطی صحیح است؟ آیا این شرط در ضمنِ عقد ازدواج هم تحقّق می‌یابد؟ یا باید در ضمن یک معامله لازم دیگری تحقّق یابد؟

جواب: این شرط می‌تواند در ضمن عقد ازدواج، یا عقد لازم دیگری باشد.

سؤال ۳۸۶. آیا زن می‌توانـد حقّ وکالت در طلاق دادن از طرف مرد را نه برای خود، بلکه برای یک فرد ثالث، مثلًا برای پـدر خود، به عنوان شـرط عقـد ازدواج قرار بدهد؟ آیا در این صورت نیز چنین شـرطی در ضـمن عقد ازدواج تحقّق می‌یابد، یا باید در ضـمن معامله مسـتقلّ دیگری تحقّق یابـد؟ و آیا زن بعـد از عقد ازدواج می‌تواند حقّ وکالت در طلاق را برای خود، یا فرد ثالثی در ضـمن معامله‌ای، یا مستقلًّا از شوهرش بگیرد؟

جواب: قرار دادن وکالت برای فرد ثالث در عقد ازدواج اشکال ندارد، و بعداً نیز می‌توان آن را در ضمن معامله دیگری، هرچند بعد از ازدواج باشد، قرار داد.

سؤال ۳۸۷. چنانچه زوج در سـند ازدواج شـرط کند که ازدواج مجدّد ننماید و این شرط مطلق باشد، پس از آن برای یک روز زنی را به عقد موقّت خود درآورد، آیا در این فرض با شرط مذکور مخالفت شده است؟

احکام خانواده، ص: ۱۵۲

جواب: اگر منظور شرط وکالت طلاق است که در عقد نامه‌های کنونی در این‌گونه موارد به زوجه داده می‌شود، ظاهراً شامل چنین ازدواج کوتاه مدّتی نمی‌شود.

سؤال ۳۸۸. اگر زن مهریّه خود را به مردش ببخشد و بگوید: «به شرط آن که تا وقتی که من زنده هستم زن دوّمی نگیری»؛ در این صورت:

الف) آیا این شرط از نظر شرعی صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد.

ب) آیا در طول عمل کردن مرد به این شرط مهریه از گردن او ساقط می‌شود؟

و اگر مرد خلاف شرط عمل کند، زن اوّل و زن دوم نسبت به مرد چه حکمی پیدا می‌کنند؟ آیا زن دوم حرام می‌شود؟

جواب: چنانچه مرد از این شرط تخلّف کند و ازدواج نماید ازدواجش صحیح است؛ ولی زن می‌تواند مهریه‌اش را بازپس بگیرد، بنابراین زن دوم حرام نیست.

سؤال ۳۸۹. شخصی جهت ازدواج از دختری خواستگاری می‌کند، خانواده عروس از اوّل با داماد شرط می‌کند که مثلًا مقدار چند من برنج، چند عدد روغن بزرگ و فلان مقدار چیزهای دیگر جهت خرج مطبخ، یا یکصد هزار تومان پول باید بدهد، در صورتی که داماد شرایط فوق را بپذیرد آیا عمل به آن لازم است؟

جواب: هرگاه در ضمن عقد یا قبل از آن شرط کرده باشند صحیح و لازم الاجراست و باید بپذیرد.

سؤال ۳۹۰. با توجّه به این که در قانون مدنی، نکاح اعمّ از دائم و منقطع می‌باشد، در صورتی که زوج شروط مندرج در عقد نامه را پذیرفته باشد، و ازدواج مجدّد (اعم از دائم یا منقطع) نماید، آیا زوجه می‌تواند تقاضای طلاق کند؟ آیا همسر دیگر، شامل نکاح موقّت هم می‌شود؟ آیا در صورت اثبات و تحقّق تخلّف، دادگاه می‌تواند حکم فسخ نکاح را صادر نماید؟

احکام خانواده، ص: ۱۵۳

جواب: شرط مزبور منصرف به ازدواج دائم است، و شامل عقد موقّت کوتاه مدّت نمی‌شود. ولی اگر عقد موقّت برای مدّت طولانی، مثلًا چند سال باشد، زن (طبق شرایط عقد نامه) وکیل در طلاق خواهد بود.

سؤال ۳۹۱. شخصی به شرط آن که همسرش بچّه دار شود با وی ازدواج نموده، و تصریح می‌کند که در صورت تخلّف او را طلاق خواهد داد. آیا چنین شرطی صحیح است؟

جواب: با توجّه به این که جلوگیری از بچّه دار شدن امر حرامی نیست، این شرط هم شرط حرامی نمی‌باشد. ولی سزاوار است در غیر موارد ضرورت چنین شرطهایی نکنند.

سؤال ۳۹۲. آیا شرط عدم آمیزش و اکتفاء به سایر تمتّعات از سوی زن، مخصوصاً در عقد موقّت، مشروع است؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۳۹۳. اگر زن دائمی شرط کند که هفته‌ای فقط یکی دوبار تمکین کند، آیا این شرط صحیح است؟

جواب: چنانچه طرفین به این شرط راضی‌شده باشند این شرط صحیح است.

سؤال ۳۹۴. شخصی قبل از ازدواج با دختری صحبت می‌کند و می‌گوید با شما ازدواج می‌کنم به شرط این که به مادر پیری که دارم رسیدگی کنی و او قبول می‌کند ولی آن دختر پس از ازدواج به مادر شوهرش رسیدگی نمی‌کند آیا چنین شرطی قبل از ازدواج الزام آور است؟

جواب: این شرط الزام آور است.

سؤال ۳۹۵. آیا زن می‌توانـد در موقع اجرای عقـد نکاح با شوهر شـرط کند که امر تدریس یا درس خواندن را همچنان ادامه دهد و در جلسات مختلف شرکت کند؟

جواب: مانعی ندارد.

احکام خانواده، ص: ۱۵۵

۳

شرایط غیر مجاز عقد ازدواج

سؤال ۳۹۶. زوجین توافق می‌نمایند که اختیار طلاق مطلقاً با زوجه باشد؛ آیا چنین شرطی منافات با مقتضای عقد دائم ندارد؟

جواب: تنها در صورت شرط وکالت زن از طرف مرد این کار صحیح است، نه شرط واگذاری طلاق به زن.

سؤال ۳۹۷. آیا مرد می‌تواند در ضـمن عقد نکاح، حقّ ازدواج مجدّد را از خود سـلب نماید، یا تعهّد نماید که ازدواج مجدّد نکند؟ آیا این شرط از شروط مخالف کتاب خدا می‌باشد؟

جواب: این شرط صحیح نیست؛ ولی می‌توان شرط کرد که در صورت ازدواج مجدّد، زن وکالت در طلاق خود داشته باشد.

سؤال ۳۹۸. آیا مرد در ازدواج دائم می‌تواند شرط کند که تأمین مخارج زن بطور دائم یا تا مدّتی بر عهده او نباشد؟

جواب: این شرط اشکال دارد؛ ولی زن می‌تواند نفقه خود را به او ببخشد.

سؤال ۳۹۹. دوشیزه‌ای بطور رسمی به عقد مردی در آمد. زوج علاوه بر شروط ضمن عقد نکاح، شرط زیر را نیز متعهّد گردید: «در ضمن عقد خارج لازم شـرط شد که هر زمان زوج خانه ملکی تهیه نمود، دو دانگ آن را به طور رسـمی به زوجه انتقال دهد.» علی رغم مرسوم بودن چنین شرطی در محاضر، وکیل زوج

احکام خانواده، ص: ۱۵۶

ادّعـای باطـل بودن آن را می‌نمایـد. لطفاً در این رابطه بفرماییـد: با توجّه به این که مشـروط در عقـد فوق ملک به عنوان عام نبوده، بلکه به صورت خانه بوده، و آن هم به صورت دو دانگ از شـش دانگ تعیین شده است. آیا باز هم شرط مورد نظر مجهول و باطل است؟

جواب: با توجّه به این که مشـخّصات خانه از نظر متراژ و قیمت و مانند آن تعیین نشده، شـرط مجهول بوده و خالی از اشکال نیست. بهتر آن است طرفین در مورد خانه با هم مصالحه کنند.

سؤال ۴۰۰. همـان طور که امروز در ازدواجهـا معمول است ازدواج دوم مرد بایـد بـا اذن و رضایت همسـر اوّل باشـد، آیا این شـرط واجب‌العمل است؟ هرچند زن نتواند مرد خود را تأمین کند، یا از خواسته او سر باز زند، یا از او دوری گزینند؟

جواب: ازدواج دوم مشـروط به اجـازه همسـر اوّل نیست؛ ولی دادگاه‌هـا معمولًا به خاطر مسایلی که بر اثر ازدواج دوم بـدون قیـد و شرط حاصل می‌شود، محدودیت‌هایی برای آن قائل هستند.

***

احکام خانواده، ص: ۱۵۷

بخش ششم:

اشاره

اولیای عقد

احکام خانواده، ص: ۱۵۹

۱

ولایت پدر بر دختر باکره

سؤال ۴۰۱. دختر باکره‌ای که عقل و شعور کافی دارد و به سنّ بلوغ رسیده، آیا می‌تواند بدون اذن پدر، خود را به عقد دائم و یا موقّت مردی درآورد؟

جواب: جایز نیست، باید با اجازه پدر باشد، و تفاوتی بین ازدواج موقّت و دائم نیست.

سؤال ۴۰۲. اگر در نکاح منقطع باکره بالغه رشیده، بنا بر دخول نداشته باشد، یا زن شرط عدم دخول نماید، اذن ولی شرط است؟

جواب: اذن ولیّ در تمام موارد شرط است.

سؤال ۴۰۳. می‌خواهیم دختری را به عقد موقّت درآوریم؛ ولی نمی‌دانیم پدر او راضی است یا نه؟ اگر دختر بگوید: «پدرم راضی است» حرف او قابل قبول است؟

جواب: باید خودتان از پدر دختر اجازه بگیرید.

سؤال ۴۰۴. اجازه پدر در ازدواج دختر تا چه حدّی لازم است؟ اگر پدر مانع ازدواج دختر شود، در حالی که دختر در اثر ترک ازدواج به گناه می‌افتد، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که به تایید بزرگان فامیل همسر مناسب شرعی و عرفی پیدا شود و پدر بی جهت مخالفت کند رضایت او شرط نیست.

احکام خانواده، ص: ۱۶۰

سؤال ۴۰۵. در یک حادثه رانندگی بکارت دختری زایل شده، و با مراجعه به پزشک جرّاح ترمیم گردیده است. آیا چنین فردی حکم باکره را دارد، و برای ازدواج اذن پدر شرط می‌باشد؟ اگر بر اثر تجاوز ازاله بکارت شود چطور؟

جواب: در هر دو صورت اجازه پدر شرط است.

سؤال ۴۰۶. آیا دختر باکره‌ای که پدر و جدّ پدری ندارد، به هنگام ازدواج باید از برادر، یا عمو، یا دایی، یا مادرش اجازه بگیرد، یا اصلًا نیازی به اجازه ندارد؟

جواب: احتیاط این است که از بعضی بزرگ‌ترهای فامیل اجازه بگیرد؛ مخصوصاً برادر بزرگ‌تر.

سؤال ۴۰۷. آیا پدر می‌تواند حقّ ولایت خود را بر دختر در مقابل وجهی به داماد منتقل کند؟

جواب: حقّ ولایت پدر قابل انتقال نیست نه در برابر پول و نه بدون آن.

***

احکام خانواده، ص: ۱۶۱

۲

استثنائات

سؤال ۴۰۸. دختری ۲۳ ساله و دارای مدرک تحصیلی لیسانس هستم، مدّت یک سال است فارغ‌التّحصیل شده‌ام و به علّت نیافتن شغل مناسب در خانه به سر می‌برم. از زمانی که به خاطر دارم مادرم به دلایلی، که برای هیچ فرد عاقلی قابل قبول نیست، خواستگارانم را جواب می‌کند، حتّی بدون این که من یا پدرم اطّلاع داشته باشیم. در آن زمان چون مشغول به تحصیل بودم و خود نیز تمایلی به ازدواج نداشتم، این امر چندان برایم مهم نبود، ولی حالا که تصمیم به ازدواج با شخص مؤمن و متعهّدی، که پسر عمّه‌ام نیز می‌باشد، گرفته‌ام مخالفت غیر منطقی و اخلاق ناسازگار مادرم برایم مشکل‌ساز شده است. جوان مورد نظر که به همراه خانواده‌اش از من خواستگاری کرده، از هر جهت مورد اطمینان و قابل قبول تمامی کسانی است که او را می‌شناسند، و از آن جا که پدرم تحت نفوذ مادرم می‌باشد با حرف ایشان مخالفت نمی‌کند، آیا در چنین صورتی اجازه والدین شرط است؟

جواب: در صورتی که خواستگار، از نظر دینی و جهات اجتماعی، کفو و هم‌شأن بوده باشد، مخالفت پدر ضرری ندارد و رضایت مادر نیز شرط نمی‌باشد.

سؤال ۴۰۹. در رساله جنابعالی آمده: «اگر دختر عاقله بالغه رشیده نیاز به شوهر

احکام خانواده، ص: ۱۶۲

داشته باشد، و پدر او را از ازدواج با مردی که شرعاً و عرفاً کفو او است منع کند، اجازه پدر در این جا شرط نیست.» آیا منظور، ازدواج دائم است یا شامل موقّت هم می‌شود؟ اگر شامل ازدواج موقّت می‌شود، هم کفو بودن در آن به چه معنایی است؟

جواب: اگر به تأیید بزرگان فامیل شرعاً و عرفاً کفو و مناسب او باشد تفاوتی نمی‌کند؛ ولی معمولًا ازدواج موقّت به مصلحت دختران باکره نیست، و مخالفت پدر بجاست.

سؤال ۴۱۰. طبق فتوای مراجع عظام در صورتی که پدر یا جدّ پدری غایب باشد، و دختر باکره احتیاج به شوهر داشته باشد، اجازه ولی ساقط می‌شود.

معنای «احتیاج داشتن به شوهر» چیست؟

جواب: منظور این است که به سنّی (بیش از سی سالگی) رسیده که هرگاه شوهر نکند به زحمت یا خطر می‌افتد.

سؤال ۴۱۱. اگر دختر باکره‌ای با پسر هم شأن شرعی و عرفی خود قصد ازدواج داشته باشد، آیا اذن پدر ساقط است؟

جواب: اگر به تأیید بزرگان فامیل شرعاً و عرفاً کفو و مناسب او باشد و پدر بدون دلیل مخالفت کند، اذن او ساقط می‌شود.

سؤال ۴۱۲. به نظر حضرتعالی آیا کفو شرعی کافی است، یا کفو عرفی هم لازم است؟ منظور از کفو شرعی و عرفی چیست؟

جواب: منظور از کفو شرعی آن است که مسلمان باشد، و منظور از کفو عرفی آن است که از نظر شؤون اجتماعی با هم متناسب باشند. و مراعات کفو عرفی لازم نیست؛ مگر در جایی که دختر رشد فکری کافی ندارد، و ولیّ برای او شوهر انتخاب می‌کند.

سؤال ۴۱۳. آیا در سقوطِ اذنِ ولیِّ دخترِ باکره در صورت وجود کفو شرعی

احکام خانواده، ص: ۱۶۳

و عرفی برای دختر، انحصار کفو شرط است، مثل این که مانند این پسر که به خواستگاری او آمده دیگر نخواهد آمد؟ یا انحصار شرط نیست، یعنی هر چند مانند این خواستگار، که ولیّ دختر با او مخالف است، افراد دیگری هم باشند، و همه آنها کفو شرعی و عرفی دختر باشند، اذن ولی ساقط است؟

جواب: در صورتی که به تایید بزرگان فامیل ولی با کفو شرعی و عرفی مخالفت کند، اجازه او ساقط است؛ خواه کسان دیگر باشند یا نباشند.

سؤال ۴۱۴. اگر پرده بکارت دختری بر اثر ورزش و مانند آن زایل شود، یا دختری به عقد مردی درآید و قبل از عروسی طلاق بگیرد، و یا در حین عقد از طریق غیر متعارف آمیزش کنند، ولی بکارت او محفوظ باشد. آیا در این موارد سه گانه اذن پدر ساقط می‌شود؟ بطور کلّی دختر باکره که در ازدواج نیاز به اجازه ولی دارد، به چه دختری گفته می‌شود؟

جواب: در صورتی که دختر با اجازه پدر شوهر کند و سپس طلاق بگیرد در مرتبه بعد بدون اذن ولی می‌تواند ازدواج کند.

سؤال ۴۱۵. اگر پدر دختر اجازه ازدواج ندهد، در حالی که دختر بر اثر ترک ازدواج به گناه می‌افتد، آیا در این صورت هم اجازه او لازم است؟

جواب: در صورتی که به تایید بزرگان فامیل همسر مناسب شرعی و عرفی پیدا شود و پدر مخالفت کند، رضایت او شرط نیست.

سؤال ۴۱۶. دختر و پسری روابط نامشروع داشته‌اند، که در نتیجه منجر به حامله شدن دختر می‌شود و در هفت‌ماهگی به وسیله پسر سقط جنین انجام می‌شود، آیا ازدواج ایشان از نظر شرعی، با توجّه به این که پدر دختر موافق نیست، جایز است؟

جواب: در این جا اجازه پدر شرط نیست؛ ولی بهتر است با موافقت او اقدام کنند.

احکام خانواده، ص: ۱۶۴

سؤال ۴۱۷. در بعضی مواقع پسران و دختران مجرّد، که رشید می‌باشند، به اتّفاق هم به حقیر مراجعه و اعلام می‌نمایند که چندین بار خانواده پسر به خانواده دختر جهت امر مقدّس ازدواج مراجعه کرده‌اند، امّا پدر دختر بدون جهت با ازدواج نامبردگان مخالفت می‌نماید، که این امر باعث افسردگی روحی دختر و پسر، که اغلب بالای سنین ۲۰ سال می‌باشند، شده و طرفین اصرار شدید جهت اجرای صیغه عقد بدون اذن ولیّ زوجه دارند و اعلام می‌کنند که در عسر و حرج خاصّی به سر می‌برند، آیا در این جا اذن پدر ساقط است؟

جواب: اگر شوهری که برای دختر پیدا شده که به تایید بزرگان فامیل شرعاً و عرفاً کفو و مناسب او باشد، پدر حقّ مخالفت ندارد؛ ولی باید تحقیق کرد که آیا پدر دلیلی برای مخالفت خود دارد یا نه؟

***

احکام خانواده، ص: ۱۶۵

۳

ولایت بر صغیره

سؤال ۴۱۸. اگر پدری دختر دو ساله خود را به عقد پسری درآورد و دختر پس از بلوغ بگوید: «به این ازدواج راضی نیستم» حکم

شرعی چنین ازدواجی چیست؟

جواب: در صورتی که ازدواج مذکور در آن زمان که صورت گرفته به مصلحت دختر بوده باید آن را بپذیرد؛ ولی اگر مصلحت او نبوده، ازدواج مزبور از اصل باطل است، و غالباً در عصر و زمان ما ازدواج دختران کوچک توسّط پدرها به مصلحت آنان نیست.

سؤال ۴۱۹. آیا پدر در امر ازدواج بر فرزند صغیر ولایت دارد؟

جواب: بـا توجّه به این که ولا‌یت پـدر منوط به مصـلحت صـغیر است و در عصـر و زمـان ما غالباً غبطه و مصالـح صـغیر در ازدواج نمی‌باشد، بنابراین پدران جز در موارد استثنایی حق ندارند صغیر یا صغیره را به عقد کسی درآورند.

سؤال ۴۲۰. آیا در صورت لزوم، حکومت اسـلامی می‌توانـد مانع از تزویـج افراد غیر بالغ (کودکان ممیز یا غیر ممیز) توسّط اولیا، یا قیم آنها گردد؟

جواب: ما معتقـدیم در عصـر و زمان ما تزویـج صـغیر و صـغیره به وسـیله اولیا مطلقاً اشـکال دارد؛ زیرا مطابق غبطه و مصـلحت آنها نیست.

سؤال ۴۲۱. پدری دختر صغیره خود را، که کمتر از ۹ سال دارد، بدون اطّلاع او

احکام خانواده، ص: ۱۶۶

به عقد مردی، که ۲۵ سال از او بزرگ‌تر است و همسـر دیگری هم دارد، در آورده است. دختر پس از بلوغ نارضایتی خود را اعلام و اصرار بر طلاق می‌نماید، ولی شوهر حاضر به طلاق نمی‌شود، آیا عقد فوق صحیح است؟

جواب: چنـانچه این عقـد به مصـلحت دختر نبوده باطـل است و دختر می‌توانـد بـدون طلاق شوهر کنـد؛ ولی اگر دختر بعـد از بلوغ رضایت داده نمی‌تواند آن را بر هم زند.

سؤال ۴۲۲. آیا پدر و جدّ پدری در امر ازدواج بر فرزند صغیر خود ولایت دارند؟

جواب: با توجّه به این که ولایت پدر و جدّ پدری منوط به مصـلحت صغیر است، و در عصر و زمان ما غالباً غبطه و مصالح صغیر در ازدواج نمی‌باشد، بنابراین پدران، جز در موارد استثنایی، حق ندارند صغیر یا صغیره را به عقد کسی در آورند.

***

احکام خانواده، ص: ۱۶۷

۴

ازدواج پسر

سؤال ۴۲۳. شخصـی مایل به ازدواج با دختری است که خودش او را پسـندیده است، امّا والدین او فرد دیگری را در نظر دارند، اگر با او ازدواج نکند شاید و یا حتماً باعث ناراحتی پدر و مادر می‌گردد. در این صورت آیا اطاعت از آنها لازم و واجب است؟

جواب: رعایت نظر پدر و مادر در این‌گونه مسائل واجب نیست؛ ولی اگر بتواند موافقت آنها را جلب کند بهتر است.

سؤال ۴۲۴. برادر بزرگ‌تر از خودم عاشق دختری است، ولی پـدر و مادرم مانع از عشق او هسـتند. و دلیل آنها این است که پدر آن دختر جزء اقوام یکی از قاتلین پسر عمّه‌ام می‌باشد. آیا مطلب مذکور مانع ازدواج برادرم و آن دختر می‌شود؟

جواب: اگر در فـامیلی یک نفر مرتکب خطایی شود، تمام آن فامیل بـد نمی‌شونـد. اگر واقعاً خانواده آن دختر خانواده خوبی است،

ازدواج با او مانعی ندارد.

***

احکام خانواده، ص: ۱۶۹

بخش هفتم:

اشاره

عیوب فسخ نکاح

احکام خانواده، ص: ۱۷۱

۱

کلیات

سؤال ۴۲۵. آیا در صورت فسخ عقد، احتیاجی به طلاق است؟

جواب: هرگاه مرد یا زن به واسطه یکی از عیوبی که موجب فسخ می‌شود که آن عیوب عبارتند از:

۱. عیوب مرد

الف) دیوانه بودن شوهر.

ب) نداشتن آلت مردی.

ج) ناتوانی از نزدیکی جنسی.

د) بیضه‌های او را کشیده باشند.

۲. عیوب زن

الف) دیوانگی.

ب) بیماری خوره.

ج) بیماری برص (پیسی).

د) کور بودن.

ه) شل بودن بطوری که آشکار باشد.

و) افضا شدن.

ز) گوشت یا استخوان یا غدّه‌ای در او باشد که مانع نزدیکی شود.

احکام خانواده، ص: ۱۷۲

در این موارد اگر عقد را به هم زنند احتیاجی به طلاق نیست، و همان فسخ کافی است.

سؤال ۴۲۶. در صورت فسخ عقد آیا پرداخت مهریه لازم است؟

جواب: هرگاه به خاطر ناتوانی مرد از نزدیکی، زن عقد را به هم زند، شوهر باید نصف مهر او را بپردازد، ولی اگر به خاطر یکی دیگر از عیبهایی که گفته شد، مرد یا زن عقد را به هم بزند اگر باهم نزدیکی نکرده باشند چیزی بر مرد نیست و اگر کرده باشند بنابر احتیاط واجب باید تمام مهر را بپردازد

سؤال ۴۲۷. آیا عیوبی که موجب فسخ عقد ازدواج دائم است، شامل عقد موقّت نیز می‌شود؟

جواب: ظاهراً شامل عقد موقّت هم می‌شود.

سؤال ۴۲۸. با توجه به این که کشور ما، در حال حاضر، در مرحله حذف بیماری جذام است، آیا می‌توان جایگزین‌های دیگری، مثل بیماری ایدز، یا سایر بیماری‌های پوستی که مُخلّ روابط زناشویی است، برای آن در نظر گرفت؟

جواب: در صورتی که واقعاً مُخلّ رابطه زناشویی باشد، حقّ فسخ ثابت است.

سؤال ۴۲۹. مواردی که مرد حقّ فسخ دارد، مانند بیماری برص (ویتیلیگو)، نقص مادر زادی، افضاء، موانع مقاربت (مانع استخوانی، یا پرده پوستی و مانند آن) همگی امروزه با درمان قابل رفع می‌باشد. حال چنانچه مردی پس از ازدواج متوجّه موارد مذکور گردد، آیا باز هم اختیار بر هم زدن عقد را دارد؟ چنانچه نیاز به درمان باشد، آیا درمان و هزینه آن، بر عهده زن و خانواده اوست، یا بر عهده شوهر می‌باشد؟

جواب: هر گاه به سهولت قابل معالجه باشد، و زن با هزینه خود اقدام به درمان نماید، خیار فسخ جاری نیست.

احکام خانواده، ص: ۱۷۳

۲

عیوب مرد

سؤال ۴۳۰. زن در چه صورت می‌تواند عقد را فسخ کند؟

جواب: زن نیز می‌تواند در چند صورت عقد را به هم زند:

الف) دیوانه بودن شوهر.

ب) نداشتن آلت مردی.

ج) ناتوانی از نزدیکی جنسی.

د) بیضه‌های او را کشیده باشند (تفصیل این مسأله و مسأله سابق در کتاب‌های مفصّل فقهی آمده است).

سؤال ۴۳۱. تعریف «خصا» را بیان فرمایید؟

جواب: خصا به معنای بیرون کشیدن و بیرون آوردن بیضه‌هاست و اگر بیضه‌ها را بطوری بکوبند که از کار بیفتد آن هم در حکم خصاست.

سؤال ۴۳۲. تعریف «جَبّ» چیست؟

جواب: جبّ آن است که آلت قطع شده باشد؛ بطوری که قادر بر دخول نباشد.

سؤال ۴۳۳. شوهرم پزشک محترمی بود؛ ولی متأسّفانه پس از چند سال زندگی مشترک، مبتلا به جنون شد. اختلال حواسّ او را به

دادگاه اعلام کردم و پزشک قانونی نیز آن را تأیید کرده است. در صورتی که محجور شود نکاح خود به خود فسخ می‌شود، یا جهت فسخ نکاح باید به حاکم شرع مراجعه کنم؟

احکام خانواده، ص: ۱۷۴

جواب: زن می‌تواند صیغه فسخ را جاری کند، و احتیاط آن است که آن را به اطّلاع حاکم شرع برساند.

سؤال ۴۳۴. اگر در ضمن عقد لازمی (همچون نکاح) به زوجه وکالت دهیم که هرگاه عارضه‌ای پیش آمد، خود را مطلّقه سازد. سپس زوج مجنون شود، آیا زن می‌تواند با استفاده از این وکالت، خود را مطلّقه سازد، در حالی که علما می‌فرمایند: «وکالت، عقدی جایز است، و با جنون باطل می‌شود»؟

جواب: درست است که وکالت با جنون باطل می‌شود؛ ولی یکی از مجوّزات فسخ نکاح جنون است، هر چند بعد از ازدواج عارض شده باشد.

سؤال ۴۳۵. اگر مردی قبل از ازدواج از نزدیکی عاجز باشد، و زن بعد از مراسم عروسی بفهمد و فوراً عقد را بر هم نزند و از شوهر جدا نشود؛ ولی راضی به عقد نباشد، آیا در این صورت زن می‌تواند بدون طلاق شوهر کند؟

جواب: در این موارد، زن باید به حاکم شرع مراجعه کند و حاکم یک سال به مرد مهلت می‌دهد، اگر درمان شد ازدواج باقی است، در غیر این صورت زن می‌تواند نکاح را فسخ کند و احتیاج به طلاق نیست، و به فرض که مرد بعد از آن هم خوب شود قابل بازگشت نیست؛ مگر به ازدواج جدید.

سؤال ۴۳۶. اینجانبه مدّت دو سال و نیم است که به عقد دائم فردی درآمده‌ام که به علّت ناتوانی جسمی قادر به تصاحب بنده نبوده، و هنوز هم باکره می‌باشم.

لطفاً در این خصوص به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا این مورد، از موارد فسخ است؟

ب) آیا شرعاً مستحقّ نفقه می‌باشم؟

ج) سایر حقوقی که به بنده تعلّق می‌گیرد چیست؟

جواب: در صورتی که به عیب او رضایت نداده باشید، حقّ فسخ دارید.

و چنانچه حکم را نمی‌دانسته‌اید و فسخ نکرده‌اید و آماده تمکین بوده‌اید، حقّ

احکام خانواده، ص: ۱۷۵

نفقه دارید. و در صورت جدا شدن با فسخ، هرگاه عروسی نشده باشد، حقّ نصف مهر را دارید.

سؤال ۴۳۷. اگر در مدّت یک سال مهلت به فرد عنین، زوجه از تمکین خودداری کند، آیا بعد از اتمام مدّت، زوجه حقّ فسخ دارد؟

جواب: چنانچه درمان او نیاز به همبستر شدن با زوجه دارد، در صورت عدم تمکین زوجه، باید مدّت تمکین تجدید شود.

سؤال ۴۳۸. زوجه مدّعی ناتوانی جنسی زوج است، ولی زوج برای نفی ادّعای زوجه حاضر نیست اعمالی از قبیل معاینه توسط اطبای موثّق، و مجامعت با زوجه را انجام دهد، و نفقه زوجه را نیز نمی‌پردازد، حکم شرعی این زوجین چیست؟

جواب: اگر زوج نسبت به ترک انفاق، اصرار داشته باشد و حاضر به انجام وظیفه شرعی نشود، حاکم شرع می‌تواند زوجه را مطلّقه سازد و یا حقّ او را از زوج بگیرد. و نسبت به اتّهام عنین بودن، اگر این امر از ابتدای زوجیت بوده و زوج حاضر به آزمایش نشود و بر آن اصرار ورزد، باز حاکم شرع می‌تواند زوجه را مطلّقه سازد. ضمناً توجّه داشته باشید هر گاه ثابت شود زوج عنین است، باید یک سال مهلت داد، اگر بیماری او خوب نشد زوجه حقّ فسخ دارد، و می‌تواند نصف مهر خود را بگیرد.

سؤال ۴۳۹. اگر فردی در بعضی مواقع، به علّت وضعیت خاصّ جسمانی‌اش، قادر بر نزدیکی نباشد، ولی در بعضی مواقع، که کلیه

شرایط فردی و محیطی مهیا باشـد، و طرف مقابل نیز همکاری لازم را بنمایـد، موفّق بر این عمل شود، آیا این مشکل عنن محسوب شده، و موجب فسخ نکاح می‌شود؟

جواب: در صورتی که فراهم شدن این شرایط میسّر باشد، عنن محسوب نمی‌شود.

احکام خانواده، ص: ۱۷۶

سؤال ۴۴۰. اگر فردی از لحاظ جنسـی در حالت عادی موفّق به عمل نزدیکی نباشـد، ولی با اسـتفاده از داروهای موجود، که توسّـط پزشکان مورد تأیید و تجویز است، قادر به این کار باشد. آیا بیماری مذکور عنن محسوب، و موجب فسخ نکاح می‌شود؟

جواب: بیماری مزبور عنن محسوب نمی‌شود.

سؤال ۴۴۱. بـا توجّه به پیشـرفت علوم پزشـکی، در صورتی که با آزمایشات متعـدّد اطمینان حاصل شود که زوج عنین است، آیا باز هم یک سال مهلت دادن لازم است؟

جواب: آری لازم است و باید به او فرصت معالجه داد.

سؤال ۴۴۲. زنی پس از سال‌هـا ازدواج بچّه دار نشـده اسـت، دکـتر تشـخیص داده که عیب از مرد می‌باشـد، اکنـون زن می گویـد: «شوهرم فاقد بیضه است». و بدین جهت بچّه دار نشده است، آیا زن می‌تواند عقد را فسخ کند؟

جواب: در صورتی که آگاهی بر این امر نداشته، می‌تواند فسخ کند؛ مگر این که بعد از آگاه شدن راضی شده و با او زندگی کرده باشد.

سؤال ۴۴۳. آیا بیماری ایدز را در هر یک از زن و مرد، از عیوبی که بتوان عقد نکاح را بدون طلاق فسخ کرد می‌دانید؟

جواب: اگر به گواهی اهـل اطّلاع این بیماری در مرحله‌ای باشـد که موجب سـرایت و خطر گردد و شوهر حاضـر به طلاق دادن زن نباشد، زن می‌تواند طلاق خود را به وسیله حاکم شرع بگیرد و مرد نیز در این‌گونه موارد می‌تواند زن را طلاق بدهد.

سؤال ۴۴۴. زوجه‌ای به علّت بیماری پیسی زوج (بیماری برص که در هر دو پا و هر دو دست اوست) از غذا خوردن با زوج و نیز در انجام وظایف زناشویی با او کراهت دارد. حال با توجّه به این که بیماری زوج مسلّم و مبتنی بر گواهی

احکام خانواده، ص: ۱۷۷

پزشـکی قانونی است و با عنایت به این که اقوام و خویشاوندان زوجه به لحاظ بیماری زوج محدودیت شدیدی در رفت و آمد خود قائل شده و تقریباً قطع رابطه نموده‌اند، و حتّی مردان آنها حاضر به دست دادن با زوج نیستند، آیا چنین وضعیتی برای زوجه «عسر و حرج» محسوب می‌شود؟

جواب: اگر ترس آنها از سـرایت بیماری مزبور از نظر پزشـکی بجاست و پزشـکان آن را تأییـد می‌کننـد، عسـر و حرج در فرض بالا مسلّم است.

سؤال ۴۴۵. این جانب، سعیده، یک سال قبل به عقد دائمی آقای «ح» درآمدم.

مدّت ۶ ماه در منزل شوهرم زنـدگی کردم؛ ولی او توان عمل زناشویی نـدارد، بنده بعد از ۶ ماه به منزل پدرم برگشـتم و فعلًا باکره هستم و پزشک قانونی هم به عدم توانایی آمیزش جنسی شوهرم نظر داده است، لطفاً بفرمایید:

الف) در این صورت آیا بنده می‌توانم عقد را فسخ نمایم، یا نیاز به طلاق دارم؟

جواب: شما باید از این تاریخ تا یک سال مهلت بدهید، اگر همسرتان معالجه شد و توانایی بر آمیزش جنسی و دخول پیدا کرد عقد به قوّت خود باقی است.

در غیر این صورت می‌توانید فسخ کنید.

ب) در صورت فسخ، مهریه و جهیزیه‌ام، که فعلًا در دست شوهرم می‌باشد، متعلّق به کیست؟

جواب: جهیزیه متعلق به شماست و حق نصف مهریه را دارید.

سؤال ۴۴۶. آیا شخص مسلمانی که مبتلا به ایدز می‌باشد، می‌تواند دختر مسلمانی را به عقد خود در آورد؟

جواب: در صورتی که تولید خطر کند جایز نیست.

***

احکام خانواده، ص: ۱۷۹

۳

عیوب زن

سؤال ۴۴۷. کدام عیوب زن به مرد این اجازه را میدهد عقد را فسخ کند؟

جواب: هرگاه مرد بعد از عقد بفهمد که زن او یکی از هفت عیب زیر را دارد می‌تواند عقد را فسخ کند:

الف) دیوانگی.

ب) بیماری خوره.

ج) بیماری برص (پیسی).

د) کور بودن.

ه) شل بودن بطوری که آشکار باشد.

و) افضا شدن (یعنی راه بول و حیض او، یا راه حیض و غائط او، یکی شده باشد و بطور کلّی پارگی طوری باشد که قابل استفاده برای آمیزش جنسی نباشد).

ز) گوشت یا استخوان یا غدّه‌ای در او باشد که مانع نزدیکی شود.

سؤال ۴۴۸. تعریف «برص» که سبب جواز فسخ نکاح می‌شود چیست؟

جواب: برص به معنای پیسی است و آن یک نوع بیماری پوستی است که رنگ قسمتی از پوست بدن بر اثر آن سفید می‌شود.

سؤال ۴۴۹. لطفاً «کوری» را تعریف کنید.

احکام خانواده، ص: ۱۸۰

جواب: کوری آن است که مطلقاً چیزی را نبیند، یا بینایی به‌قدری کم باشد که به حساب نیاید؛ خواه چشم ظاهراً سالم باشد یا غیر سالم.

سؤال ۴۵۰. اگر زن و شوهری قبل از ازدواج و نزدیکی، یا بعد از ازدواج و دخول، به مرض جنون ادواری مبتلا شوند، آیا حقّ فسخ نکاح را دارند؟

جواب: آری، حق فسخ دارند.

سؤال ۴۵۱. دختر خانمی ازدواج نموده، و پس از آن طبق نظر متخصّصان و اقرار خانواده و خود دختر، معلوم شده که قبل از ازدواج دارای مرتبه‌ای از جنون بوده، و اکنون ادامه زندگی با ایشان غیر ممکن است. آیا شوهر حقّ فسخ دارد؟ و در صورت فسخ، آیا زوجه مستحقّ مهرالمثل است یا مهر المسمّی؟

جواب: شوهر حقّ فسخ دارد؛ ولی اگر دخول واقع شده باید مهر المسمّی را بپردازد.

سؤال ۴۵۲. زنی به صورت مزمن مبتلا به جنون دائم یا ادواری بوده، و سوابق جنون و بستری شدن در بیمارستان روانی را از شوهر مخفی نگاه داشته، و حتی پس از طرح دعوا از طرف مرد، نیز موضوع را انکار نموده است. مرد پس از ازدواج و دخول و گذشت چند سال، از نوع بیماری و سوابق بستری شدن قبلی زوجه در بیمارستان آگاهی نسبی یافته، و بلافاصله پس از اطّلاع، ضمن مشورت با حقوقدانها، اقدام به فسخ نکاح می‌نماید. حال اگر بیماری فوق توسّط کمیسیون پزشکی قانونی به صورت زیر تأیید گردد: «زوجه دارای سابقه اختلال روانی و واجد علائم جنون حدّاقلّ از سال ۱۳۶۷ (شش سال قبل از ازدواج) بوده، و در حال حاضر نیز دچار عوارض مزمن بیماری است». در فرض مسأله آیا مرد حقّ فسخ دارد، و به زن مهریه‌ای تعلّق می گیرد؟

جواب: سابقه بیماری روانی به تنهایی برای فسخ کافی نیست. و با توجّه به این که چند سال با او زندگی کرده، و آثار محسوسی در این مدّت نبوده، نشان

احکام خانواده، ص: ۱۸۱

می‌دهد که بهبودی نسبی یافته است. و وجود عوارض غیر محسوس، یا ضعیف گذشته، به تنهایی برای فسخ نکاح کافی نیست.

سؤال ۴۵۳. آیا نبودن بکارت در دختر، باعث جواز فسخ عقد می‌شود؟ معنی فسخ چیست؟

جواب: در صورتی که شرط بکارت کرده باشد حقّ فسخ دارد. و معمولًا در محیطهای ما، شرط بکارت به عنوان یک شرط ضمنی و از پیش توافق شده می‌باشد. و معنی فسخ این است که بگوید: «من عقد را فسخ کردم، یا به هم زدم».

و به هر زبانی کافی است.

***

احکام خانواده، ص: ۱۸۳

۴

اشاره

تدلیس

۱. تدلیس مرد

سؤال ۴۵۴. شخصی، از دختری، که در افغانستان بسر می‌برد، برای پسرش، که در ایران است، خواستگاری می کند، دختر راضی می‌شود مشروط بر این که تعریف و توصیف‌هایی که پدر داماد از پسرش کرده مطابق با واقع باشد، پس از آن که دختر به ایران می‌آید متوجّه می‌شود آن توصیفها کاملًا دروغ بوده و پدر و مادر پسر، عکس شخص دیگری را به عنوان عکس فرزندشان به دختر نشان داده‌اند! آیا عقدی که خوانده شده صحیح است؟

جواب: در فرض مسأله دختر حقّ فسخ دارد.

سؤال ۴۵۵. زوجه‌ای در دوران عقد متوجّه بیماری روحی و عصبی صعب العلاجی در شوهرش می‌شود، بگونه‌ای که عوارض بیماری (شوک‌های عصبی، ضعف شدید جسمی، بی ثباتی شخصیتی، نابینایی موقّت، غش و مانند آن) زندگی را برای وی مخاطره

آمیز ساخته است. نظر به ترس و نگرانی زوجه از زندگی مشترک، و ضرورت درمان چند ساله، و نبودن عزم جدّی بر معالجه از سوی زوج و خانواده‌اش، آیا زوجه حقّ فسخ دارد؟ حکم مهریه و نفقه چیست؟

جواب: در صورتی که قبلًا زوج و کسان او اظهار داشته‌اند که از سلامت کامل برخوردار است، زوجه می‌تواند به عنوان تدلیس، نکاح را فسخ کند، در غیر این

احکام خانواده، ص: ۱۸۴

صورت هرگاه ثابت شود زندگی با آن مرد مستلزم عسر و حرج شدید است حقّ دارد از حاکم شرع تقاضای طلاق کند، و طلاق در این صورت جنبه خلع خواهد داشت که معمولًا با بذل مهریه انجام می‌شود؛ مگر این که با زوجه توافق دیگری شود.

سؤال ۴۵۶. هر گاه شخصی به خواستگاری دختری برود و بگوید: «همسر و فرزندی ندارم». و دختر با این شرط آماده ازدواج با او شود، و بعد از عقد معلوم شود که مرد دروغ گفته است، آیا زن حقّ فسخ دارد؟

جواب: در تمام مواردی که مرد یا زن اظهار صفاتی کنند که موجب کمال باشد و یا حتّی موجب کمال نباشد، ولی رضایت طرف مقابل به خاطر وجود آن صفات باشد، و بعداً کشف خلاف گردد، در تمام این موارد طرفی که اغفال شده خیار فسخ دارد، و می‌تواند بدون طلاق عقد نکاح را بر هم بزند.

سؤال ۴۵۷. والدینم مرا بالاجبار به عقد شخصی در آوردند، شوهرم پس از مدّتی مانع انجام فرائض دینی‌ام شد، و معلوم گشت که او شیعه نیست، و حتّی مرا در صورت باقی ماندن بر مذهبم تهدید به مرگ کرد، تکلیف من چیست؟

جواب: در فرض مسأله شما می‌توانید به دادگاه شکایت کنید، اگر او از کارش دست بر نداشت و حاضر به طلاق نشد، حاکم شرع می‌تواند شما را طلاق دهد.

و اگر ازدواج شما بالاجبار بوده از اوّل باطل بوده است، و احتیاج به طلاق ندارد.

و اگر شما راضی به ازدواج شده‌اید، در حالی که او خود را به عنوان شیعه معرّفی کرده و از مذهب او آگاه نبوده‌اید، حقّ فسخ دارید و نیازی به طلاق نیست.

سؤال ۴۵۸. اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهرش معتاد است، آیا می‌تواند عقد را فسخ کند؟ تکلیف مهریه چه خواهد شد؟

جواب: اگر زن در موقع عقد شرط کند که هر گاه شوهرش معتاد به موادّ مخدّر گردد، اختیار طلاق با او باشد، این شرط باطل است؛ ولی هر گاه شرط کند که او

احکام خانواده، ص: ۱۸۵

از طرف شوهرش وکیل باشد که هر گاه این کار را انجام دهد خود را مطلّقه کند، این وکالت صحیح است، و در چنین صورتی حق دارد خود را طلاق دهد.

سؤال ۴۵۹. اگر زوجه، یا بستگان زوجه، در ازدواج تدلیس کنند و پس از روشن شدن مسأله، نکاح (بعد از نزدیکی) فسخ شود، آیا زوج باید مهر زن را بدهد؟ اگر قبلًا پرداخت کرده باشد، می‌تواند باز پس بگیرد؟

جواب: زوج باید تمام مهر را بدهد و می‌تواند به مُدلّس رجوع کند.

۲. تدلیس زن

سؤال ۴۶۰. چنانچه مردی، پس از گذشت دو سال از زندگی مشترک زناشویی متوجّه شود که همسرش در طول دو سال گذشته با خدعه، بیماری‌های خویش را، که فلج مثانه و اگزیما بوده و از کودکی به آن مبتلا می‌باشد، از شوهر پنهان نموده، در حالی که به هنگام عقد خود را سالم معرّفی کرده است، در فرض سؤال، آیا مرد حقّ فسخ نکاح را دارد؟

جواب: در فرض مسأله اگر مرد بعد از اطّلاع رضایت به این ازدواج نداده حقّ فسخ دارد، و ضرر و زیان‌هایی را که بر او وارد شده می‌تواند از کسانی که تدلیس کرده‌اند بگیرد.

سؤال ۴۶۱. اگر تدلیس کننده خود زن باشد و شوهر پس از آگاهی از وجود عیب، نکاح را فسخ کند، موردی که دارای بیماری روانی، سر گیجه، استفراغ، تشنّج، پرخاشگری و حالت‌های غیر عادی، که ناشی از بیماری روانی غیر قابل علاج باشد، و پزشکان متخصّص و شاهدان عینی تصدیق نموده باشند، آیا چنین فسخی صحیح است؟

جواب: هرگاه زن و کسان او طوری وانمود کنند که زن سالم است، و در واقع سلامت زن به صورت شرط در ضمن عقد درآید، و بعداً کشف خلاف شود،

احکام خانواده، ص: ۱۸۶

شوهر می‌تواند عقد را فسخ کند. و اگر دخول نکرده، مهری برای زن نیست، و اگر قبل از آگاهی بر عیب دخول کرده، تمام مهر بر او لازم است، و می‌تواند آن را از تدلیس کننده بگیرد، و اگر تدلیس کننده زن باشد مهر او ساقط است.

سؤال ۴۶۲. خواهشمند است نظر خود را راجع به تدلیس در ازدواج به طور مشروح بیان فرمایید. آیا پنهان نمودن نقص، مانند کچلی کلّی، یا موضعی، کم پشت، یا خالی بودن قسمتی از موهای سر، در زن موجب حقّ فسخ برای مرد می‌شود؟

جواب: هر گاه در موقع خواستگاری معایب خود را عمداً بپوشاند، و خود را غیر از آنچه هست نشان دهد، مصداق تدلیس است، و شوهر پس از اطّلاع حقّ فسخ دارد.

***

احکام خانواده، ص: ۱۸۷

۵

تخلف از شرط

سؤال ۴۶۳. زوج در موقع ازدواج، با اشتغال زوجه در خارج از منزل موافقت کرده و متعهّد شده که ممانعت نکند، حال پس از گذشت چند سال از ازدواج و اشتغال زوجه، مانع ادامه کار او شده است، آیا زن در اینجا حقّ فسخ دارد؟

جواب: آری، اگر شوهر از شرط تخلّف کند، زوجه می‌تواند نکاح را فسخ کند.

سؤال ۴۶۴. در صورتی که داماد بخاطر عدم بکارت، نکاح را فسخ کند، چه مقدار از مهریه را باید بپردازد؟ در صورت تدلیس از چه کسی می‌تواند بگیرد؟

جواب: در صورت شرط بکارت، یا هر شرط کمال و عدم نقص خواه به صورت ذکر در عقد باشد، یا قبل از آن چنانچه خلاف آن ثابت شود حقّ فسخ دارد. و هر گاه دخول حاصل نشده باشد، مهریه بکلّی ساقط است، و اگر حاصل شده باشد، مهر المسمّی پرداخته می‌شود، سپس از کسی که تدلیس کرده می‌گیرد.

سؤال ۴۶۵. پسرم از دختری با تأکید بر باکره بودن وی خواستگاری کرده، و صیغه عقد شرعی و دائمی زوجیت با شرط باکره بودن زوجه جاری گردیده است. پس از گذشت ده ماه از اجرای صیغه دائمی عقد، و قبل از برگزاری مراسم ازدواج، زوجه اعلام می‌دارد که پرده بکارت وی توسّط زوج ازاله گردیده، امّا زوج با اتیان سوگند شرعی منکر ادّعای زوجه می‌باشد. لطفاً در این مورد

به

احکام خانواده، ص: ۱۸۸

سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا پسرم، حقّ فسخ نکاح را دارد؟

جواب: در صورتی که زوج و زوجه قبل از عروسی با هم رفت و آمد داشته و خلوت می‌کرده‌اند، ادّعای پسر پذیرفته نیست.

ب) آیا زوج باید اثبات کند که اقدامی نکرده است؟

جواب: آری تا ثابت نکند، در فرضی که در بالا گفتیم، ادّعای او پذیرفته نیست.

ج) در صورت فسخ نکاح، آیا زوجه حقّ دریافت مهرالمسمّی دارد یا مهرالمثل؟

جواب: در فرض بالا زوج حقّ فسخ ندارد.

سؤال ۴۶۶. یک سال پیش با دختری آشنا شدم، که توسّط فرد دیگری به‌طور نامشروع بکارت خود را از دست داده بود. با پرسش از دفتر بعضی مراجع، و رؤیت استفتائات ایشان، مبنی بر این‌که این جانب می‌توانم بدون اذن پدر، دختر را به صیغه موقّت خود درآورم، با ایشان ازدواج موقّت کردم. حال پس از گذشت یک‌سال، خواستگاری برای او آمده است. آیا این خانم، که می‌خواهد به عنوان دختر باکره با آن مرد ازدواج کند، لازم است بگوید باکره نیست؟

جواب: بر دختر لازم نیست وضع خود را به شوهر بگوید؛ امّا اگر بعداً بر شوهر ثابت شد که دختر باکره نیست، حقّ فسخ نکاح را دارد.

سؤال ۴۶۷. جوانی دختر باکره‌ای را، مشروط بر صحّت کامل طرفین، به عقد ازدوج دائمی خود درآورده است. در اوّلین فرصت بعد از ازدواج، که زوجین با هم تنها شده‌اند، زوجه متوجّه می‌شود که ناحیه فوقانی بدن شوهر دچار ناراحتی مادرزادی، قیفی شکل، ناموزون و غیر طبیعی است. بدین جهت مواقعه‌ای صورت نگرفت. در این صورت:

احکام خانواده، ص: ۱۸۹

الف) آیا زوجه اختیار فسخ نکاح را دارد؟

ب) در فرض جواز فسخ نکاح، و با توجّه به این که زوجه مدخول بها نیست، آیا می‌تواند نصف مهریه و دیگر خسارات، از قبیل هزینه میهمانی و مانند آن، را از زوج مطالبه کند؟

جواب: این عیب از عیوب فسخ نکاح نیست؛ مگر این که قبلًا شرط صحّت کامل کرده باشند. در این صورت زن حقّ فسخ از باب خیار تدلیس دارد، ولی در فرض مسأله که مُواقعه صورت نگرفته مهر به او تعلّق نمی‌گیرد. امّا اگر خساراتی متحمّل شده، می‌تواند آن را از زوج بگیرد.

سؤال ۴۶۸. برای ازدواج این جانب، دوشیزه‌ای را از اقارب نسبی معرّفی نمودند. علی رغم قرابت، چون از کودکی ایشان در خارج از کشور زندگی می‌کردند، هیچ نوع آشنایی قبلی از یکدیگر نداشتیم. از آن جا که شغل این جانب پزشکی است، از ابتدای تحصیلات وحشت زیادی از انواع بیماری‌ها، بویژه بیماری‌های ارثی که به فرزند منتقل می‌شود داشته‌ام. مطابق توصیه‌های علمی، بویژه در مورد ازدواج با اقارب نسبی، پس از تفهیم موضوع بیماری‌ها و لزوم معاینات پزشکی و شرط صحّت کامل به دوشیزه‌خانم که او نیز خود را پزشک معرّفی نموده، با استقبال او و خانواده‌اش، دو بار به پزشک متخصّص مراجعه نمودیم و هر دو نفر مورد معاینه پزشکی قرار گرفتیم. خوشبختانه این‌جانب کاملًا سالم بودم و دوشیزه‌خانم و مادرشان هم از بیماری خود صحبتی نکردند و پزشک متخصّص بر مبنای سلامت کامل طرفین، توصیه به اجرای عقد نمود، سپس با خیال راحت از سلامتی کامل دوشیزه‌خانم و فرزندان آینده، عقد ازدواج دائم را منعقد نمودیم. پس از مدّتی از وقوع عقد و قبل از عروسی و دخول، دوشیزه‌خانم گفتند که

بیماری خاصّی داشته‌اند، ولی نمی‌خواستند قبل از عقد بگویند و نیت داشته‌اند که پس از عقد بگویند و به پزشک مربوطه هم

احکام خانواده، ص: ۱۹۰

چیزی نگفته‌اند. با فهمیدن نوع بیماری و مراجعه دوباره به پزشکان مربوطه، معلوم شد که بیماری دوشیزه‌خانم معالجه ندارد و این که بیماری مذکور قابل انتقال به فرزندانش هم می‌باشد. با توجّه به مقدّمه فوق به سؤالات ذیل پاسخ فرمایید:

الف) آیا این‌جانب می‌توانم عقد ازدواج دائم فوق الذکر را به دلیل عدم وجود شرایط ذکر شده از قبل، مبنی بر سلامت کامل زوجه و فرزندان آتی، فسخ نمایم؟

جواب: در فرض مسأله که نوشته‌اید شرایط مفقود بوده، می‌توانید عقد را فسخ کنید و در فرض مسأله، مهر واجب نیست.

ب) خساراتی در جریان عقد، از قبیل خرید هدایا و هزینه مراسمات و نفقه و مهریه و مانند آن به این‌جانب وارد شده، آیا دوشیزه‌خانم ضامن آن خسارت‌ها هستند؟ والدینش که معرّف و شاهد عقد بوده و از ابتدا از بیماری فرزندشان اطّلاع کامل داشته و از شرایط این جانب مبنی بر سلامت دوشیزه خانم، مطّلع بوده و پذیرفته بودند چطور؟

جواب: کلیه اشیا و هدایایی که به اعتقاد صحّت عقد یعنی واجد بودن شرایط ردّ و بدل شده به صاحبش برمی‌گردد و خسارات باید جبران شود؛ ولی عفو و گذشت در این‌گونه موارد بهتر است.

سؤال ۴۶۹. اگر حال شوهر بعد از عقد بر خلاف آنچه ادّعا کرده بود و عقد بر مبنای آن حال و شرایط اجرا گردیده بود، ظاهر گردد، آیا باز هم طلاق و فسخ به دست شوهر است؟ و اگر زن مهریه را گرفته و بخواهد عقد را قبل از دخول فسخ کند، حکم مهریه چیست؟

جواب: اگر زن شرایطی را بر مرد شرط کرده باشد و مرد از آن شرایط تخلّف کند، یا در بعضی صفات زن را فریفته باشد و خلاف آن ثابت شود، زن حقّ فسخ عقد را دارد و اگر قبل از دخول فسخ کند مستحقّ مهریه نیست.

احکام خانواده، ص: ۱۹۱

سؤال ۴۷۰. زوج در موقع ازدواج، با اشتغال زوجه (که معلّم است) در خارج از منزل، موافقت کرده و متعهّد شده که مانع ادامه کار زوجه نشود. حال بعد از گذشت چند سال از زندگی و اشتغال زوجه، مانع از ادامه کار او گشته است، و چون در سند ازدواج، ضمانتی برای تخلّف از شرط قید نشده، زوجه تقاضای طلاق خود را به علّت تخلّف از شرط، به دادگاه تقدیم نموده است. آیا این خواسته زوجه در طلاق و جدایی از شوهر برای دادگاه قابل قبول می‌باشد؟

جواب: آری، اگر شوهر تخلّف از شرط کند، زوجه می‌تواند نکاح را فسخ کند.

سؤال ۴۷۱. عقدی بدون شرط باکره بودن، ولی مبتنی بر این وصف منعقد شده است، شب زفاف، چه در اثر دخول و چه بدون دخول، بر اساس اقرار زوجه معلوم می‌شود که وی باکره نیست، در این صورت اگر مرد تقاضای فسخ نکاح نماید، آیا باید نصف مهر را بدهد، یا هیچ چیزی به زن تعلّق نمی‌گیرد؟

جواب: در هر صورت مرد حقّ فسخ دارد، اگر خود آن زن تدلیس کرده حقّ مهر ندارد و اگر شخص دیگری، مانند پدرش، تدلیس نموده و دخول حاصل شده حقّ مهر دارد؛ ولی مرد بعد از پرداختن مهریه می‌تواند به کسی که تدلیس کرده رجوع کند و آن را از او بگیرد.

سؤال ۴۷۲. هرگاه در عقد شرط کند که زن باکره باشد و بعد معلوم شود که باکره نبوده می‌تواند ازدواج را به هم زند؟

جواب: آری می‌توان ازدواج را برهم زد.

***

احکام خانواده، ص: ۱۹۳

۶

اشاره

مبطلات نکاح

۱. کفر

سؤال ۴۷۳. اگر زن بعد از ازدواج بفهمد شوهرش مسلمان نیست، حکمش چیست؟
جواب: نمی‌تواند با او زندگی کند، و ازدواجش باطل است.

۲. ارتداد

سؤال ۴۷۴. مرد مسلمانی که مسلمان زاده است اگر مرتد شود آیا ازدواج او باطل می‌شود؟
جواب: اگر مرتد شود، یعنی منکر خدا یا پیغمبر صلی الله علیه و آله گردد، یا یکی از احکام مسلّم اسلام مانند واجب بودن نماز و روزه را انکار کند بطوری که انکار کردن آن معنایش انکار خدا یا پیغمبر صلی الله علیه و آله باشد، ازدواج او باطل می‌شود و همسرش باید از او کناره گیری کند و عدّه وفات یعنی عدّه زنی که شوهرش مرده است بگیرد و بعد می‌تواند ازدواج کند و اگر زن یائسه باشد، یا هنوز نزدیکی نکرده باشند عده لازم نیست.

۳. مسلمان شدن اهل کتاب

سؤال ۴۷۵. زن و مردی به هنگام ازدواج مسیحی بوده‌اند، زن بعداً اسلام را
احکام خانواده، ص: ۱۹۴
قبول می‌کند، ولی مرد مسیحی می‌ماند. شوهر، زن خود را بر انجام فرائض دینی تشویق می‌کند و می‌خواهد که فرزندان او هم مسلمان بشوند. وقتی از او سؤال می‌شود که شما چرا اسلام را قبول نمی‌کنید؟ جواب می‌دهد: هنوز وقت این امر نرسیده است، حکم این زن چیست؟
جواب: در صورتی که شوهر مسلمان نشود، زن بدون طلاق از او جدا می‌شود و عدّه نگه می‌دارد و شوهر می‌کند؛ مگر این که مرد در باطن مسلمان باشد؛ هرچند به عللی حاضر به اظهار آن نگردد.

۴. زنده شدن کسی که فوت کرده

سؤال ۴۷۶. زنی که در اثنای وضع حمل بمیرد و بعد به برکت توسّل به ذات پاک خدا و اولیاء اللّه زنده شود، آیا زوجیت او باقی است؟
جواب: در فرض مسأله زوجیت باقی است.

۵. خنثی

سؤال ۴۷۷. چنانچه پس از عقد و نزدیکی مشخّص گردد که یکی از طرفین خنثای مشکل است، عقد چه حکمی دارد؟ آیا بهتر است طلاق داده شود، یا این که از اوّل باطل بوده، یا طرف، حقّ فسخ دارد؟

جواب: اگر یکی از آن دو، یا هر دو خنثای مشکل باشند، نکاح باطل است.

***

احکام خانواده، ص: ۱۹۵

۷

موارد‌ی که فسخ جایز نیست

سؤال ۴۷۸. پس از ازدواج معلوم شد که در قسمت‌های بالای پای زوجه آثار سوختگی قدیمی بطور ضعیف بجا مانده است، و از طرفی پرده بکارت از نوع گوشتی و بسیار ضخیم است که عمل دخول بدون اقدام به عمل جرّاحی ممکن نیست؛ در حالی که قبل از ازدواج در خصوص سلامتی زوجه، هیچ مذاکره‌ای انجام نشده است، آیا در این مورد، مرد حقّ فسخ دارد؟

جواب: در صورتی که با جرّاحی معمولی مشکل حل شود و عوارض خاصّی نداشته باشد، این مقدار عیب باعث فسخ نمی‌شود.

سؤال ۴۷۹. دختری را به ازدواج پسرم در آورده‌ام و عروسی هم کرده‌اند، حال معلوم شده که دختر مدّت‌هاست به بیماری صرع (غش) مبتلا است، خود دختر و دکترش هم تصدیق نموده‌اند، ولی پدر و مادرش این مطلب را پنهان کرده‌اند، حتّی دختر می‌گوید: «می‌خواستم بگویم، امّا والدینم مانع شدند». تکلیف عقد و مهریه چیست؟

جواب: بیماری صرع موجب خیار فسخ در عقد نکاح نیست، و اگر بخواهد دختر را طلاق دهد، چنانچه عروسی نموده باید تمام مهر را بپردازد؛ ولی اگر در مذاکرات قبل از عقد یا به هنگام اجرای صیغه عقد، شرط سلامت کرده باشند، شوهر خیار فسخ دارد.

احکام خانواده، ص: ۱۹۶

سؤال ۴۸۰. چنانچه پزشکی قانونی بر اساس وضعیت کروموزومی شخص، خنثی را خنثای مذکر یا مؤنث معرّفی کند، آیا برای طرفی که با او ازدواج نموده، جزء عیوب محسوب شده و حقّ فسخ دارد؟

جواب: اگر در ظاهر علامت خلافی نمایان نیست، موجب فسخ نمی‌شود.

سؤال ۴۸۱. زید، دختر بالغه خودش زینب را به عقد نکاح بکر، فرزند خالد در آورد و خالد، دختر نابالغ خودش سلمی را به عقد نکاح عمرو فرزند زید در آورد. بعد از مدّتی زید پدر زینب این رشته را قطع نمود و تزویج دخترش زینب را به بکر انکار کرد و برای فسخ نکاح دخترش به دادگستری جور مراجعه کرد و وقتی که طرفین برای قضاوت به دادگستری رسیدند دختر زید ادّعای فسخ نکاح را تکذیب کرد و گفت من می‌خواهم همراه همسرم بکر که به عقد او در آمده‌ام بروم و قانون به نفع زینب و بکر حکم کرد. وقتی زید این جا تحقیر شد، دشمن خانواده خالد شد خواست دختر خالد سلمی که به عقد نکاح پسرش عمرو درآمده بود را به خانه بیاورد ولی دختر خالد سلمی فهمید که زید قصد انتقام دارد، چرا که مخاصمت پسرش عمرو با او شروع شده بود و به خاطر همین، نکاح عمرو را فسخ کرد الان سلمی بالغ شده است، آیا فسخ سلمی صحیح است؟

جواب: هرگاه ازدواج دختری قبل از بلوغ مصلحت نداشته است، از اوّل عقد باطل بوده است اما اگر در آن زمان برای دختر

مصلحت داشته و الان دارای مفسده مهمّی است باید پیش یکی از علما برود و مدرک خود را بر وجود مفاسد فعلی و این‌که منظور آنها انتقام جویی است ارائه دهد، اگر ثابت شود خطری آن دختر را تهدید می‌کند، آن عالم می‌تواند صیغه طلاق او را جاری کند.

***

احکام خانواده، ص: ۱۹۷

بخش هشتم:

اشاره

احکام عقد دائم

احکام خانواده، ص: ۱۹۹

۱

اشاره

نفقه

۱. نفقه همسر

سؤال ۴۸۲. خواهر این جانب به نام خدیجه، همسر مردی به نام سهراب بوده است، در زمان حیات خواهرم، شوهرش جهت کارگری و اعاشه به امیرنشین قطر رفت و مدّت ۶ سال تمام نفقه و مخارج خواهرم و دخترشان را شخصاً داده‌ام تا این که خواهرم در منزل ما از دنیا رفت، حتّی مخارج کفن و دفن خواهرم و مخارج خواهرزاده‌ام تا رسیدن به سن بلوغ و ازدواج را بنده پرداخته‌ام، آیا شوهر خواهرم بابت امور مذکور به این جانب بدهکار است؟

جواب: خواهر شما از شوهرش نفقه تمام این مدّت را طلبکار است و جزء ترکه او محسوب می‌شود و شما در صورتی می‌توانید آنچه را داده‌اید از ترکه بردارید که با خواهرتان قرار گذاشته باشید که به عنوان وام نفقه او را می‌دهید، یا قرائن روشنی براین معنا وجود داشته باشد.

سؤال ۴۸۳. زن و شوهری اختلاف پیدا می‌کنند، بدین جهت زن علیه شوهر شکایت می‌نماید. پس از مراجعات زیاد، دادگستری دستور حلّ اختلاف را از طریق کدخدا منشی صادر می‌کند. جمعی به همراه زن و شوهر به محضر حاکم شرع محل می‌روند. پس از مشخّص شدن حقوق شرعی زن (مهریّه، نفقه، و مانند آن) حاکم شرع از شوهر وکالت شرعی گرفته، و اقرار نامه‌ای جهت

احکام خانواده، ص: ۲۰۰

اجرای صیغه طلاق تهیه، و به امضای زن و شوهر و حاضرین در جلسه می‌رساند. زن تمام حقوق شرعی خود، حتّی اجرت انجام صیغه طلاق را از شوهر می‌گیرد. شوهر در این مورد و در این مدّت نه به زن، و نه به حاکم شرع، رجوع ننموده است. پس از

گذشت هفت سال، زن ادّعای جاری نشدن صیغه طلاق را دارد، و نفقه و مخارج چند ساله خود را از شوهر مطالبه می‌نماید. حاکم شرع نیز اعتراف دارد که صیغه طلاق را اجرا نکرده است. در این مدّت طولانی، اجرا نشدن صیغه طلاق به صورت یک راز بین زن و حاکم شرع پنهان بوده، و به شوهر اطلاع نداده‌اند! زن مجدّداً علیه شوهر شکایت نموده، و شوهر محکوم به خسارات و مجازات می‌شود. حکم مسأله را بیان فرمایید.

جواب: هرگاه شوهر تمام حقوق زن را پرداخته، و به کسی وکالت داده که صیغه طلاق زن را جاری کند، و او کوتاهی کرده و صیغه طلاق را جاری نکرده و به شوهر هم اطّلاع نداده، شوهر ضامن نفقه زن در این مدّت نمی‌باشد.

سؤال ۴۸۴. این که گفته می‌شود: «نفقه اقارب قضا ندارد» شامل چه کسانی می‌شود؟ آیا شرط و شروطی دارد؟

جواب: منظور از اقارب پدر و مادر و فرزند است؛ و شرط و شروط خاصّی ندارد. ولی نفقه همسر در هر حال باید پرداخته شود.

سؤال ۴۸۵. آیا بر شوهر واجب است غذا و لباس و منزل و لوازم دیگر را برای همسر دائمی خود تهیه کند؟

جواب: بر شوهر واجب است غذا و لباس و منزل و لوازم دیگر را مطابق معمول برای همسر دائمی خود تهیه کند. (حتّی هزینه طبیب و دارو و مانند آن) و اگر تهیه نکند بنابر احتیاط بدهکار او خواهد بود، خواه توانایی داشته باشد یا نه.

سؤال ۴۸۶. آیا بر شوهر لازم است ماهیانه یا روزانه پولی جهت مخارج

احکام خانواده، ص: ۲۰۱

همسرش به او بپردازد؟ در صورت وجوب، آیا شوهر حق دارد مورد مصرف پول را تعیین کند؟

جواب: مانعی ندارد شوهر به همسرش در تهیه نفقه وکالت دهد، و بر زن لازم است طبق شرط عمل کند. این در صورتی است که شوهر به زن وکالت در تهیه نفقه بدهد؛ ولی اگر حقّ نفقه را به او واگذار کند، زن در مصرف آن مختار است.

سؤال ۴۸۷. آیا بر زوج لازم است آنچه معمولًا تمام زن‌ها به آن نیاز دارند را به عنوان نفقه برای زوجه‌اش تهیه کند؟ یا فقط غذا و مسکن و لباس لازم است؟

جواب: آنچه واقعاً مورد حاجت است و مرد قدرت بر آن دارد بر او لازم است.

سؤال ۴۸۸. مرسوم است بین عقد ازدواج و زفاف، تا زمانی که زن به خانه شوهر نرفته از زوج نفقه نمی‌گیرد، بنابراین اگر زوجه پس از مدّتی در مقام مطالبه نفقه آن زمان برآید، آیا با توجّه به این که تمکین کامل ننموده حقّ نفقه دارد؟

جواب: نفقه ندارد.

سؤال ۴۸۹. شوهر در عقد ازدواج و قبل از دخول می‌گوید: «قدرت برگزاری مراسم عروسی را از لحاظ مالی ندارم». زوجه هم می‌گوید: «فقط با رعایت شرایط و تشریفات مرسوم و عرف محل حاضرم به خانه شوهر بروم». در فرض مسأله، آیا زوجه مستحقّ نفقه می‌باشد؟

جواب: اگر در عقد نکاح چنین شرطی ذکر نشده، زوجه حقّ امتناع ندارد، و اگر امتناع کند حقّ نفقه ندارد.

سؤال ۴۹۰. آیا هزینه دارو و درمان زوجه مریض، با توجّه به این که مداوای بیماری عرفاً جزء نیازهای اوّلیه هر انسانی می‌باشد، نیز جزء نفقه زوجه است؟

جواب: مداوا در حدّ متعارف جزء نفقه است.

احکام خانواده، ص: ۲۰۲

سؤال ۴۹۱. زنی به سبب آتش سوزی در منزل شوهر، در بیمارستان بستری و سپس فوت می‌کند، آیا هزینه بیمارستان او بر عهده شوهر است؟

جواب: احتیاط واجب آن است که شوهر هزینه درمان او را بدهد.

سؤال ۴۹۲. اگر زن جهت دریافت مهریه از تمکین خود داری کند، در این مدّت حقّ نفقه دارد؟

جواب: در صورتی که مهریه بصورت نقد بوده باشد حق دارد قبل از گرفتن آن از تمکین خودداری کند، و حقّ نفقه هم دارد. و در صورتی که شوهر قادر به پرداخت مهریه به صورت یکجا نیست، مهریه را تقسیط می‌کنند و زن باید با گرفتن اولین قسط تمکین کند و اگر تمکین نکرد؛ نفقه ندارد.

سؤال ۴۹۳. شخصی برای مدّتی از طریق دادگاه زندانی شده، و پس از چندی با حصول برائت یا تحمّل حبس آزاد می‌شود، اگر در این مدّت به عائله تحت تکفّل وی از طریق مراجع دولتی نفقه‌ای داده باشند، یا هیچ وجهی در این مدّت نگرفته باشند، آیا آنها حقّ مطالبه نفقه گذشته را دارند؟

جواب: احتیاط واجب آن است که نفقه آنها را بپردازد، یا با آنها مصالحه کند.

سؤال ۴۹۴. هر گاه زن مطالبه خرجی کند و شوهر ندهد می‌تواند بدون اجازه از اموال او بر دارد؟

جواب: می‌تواند هر روز، به اندازه خرجی آن روز، بدون اجازه از اموال او بر دارد، و احتیاط واجب آن است که این کار با اجازه حاکم شرع باشد. و اگر مجبور شود که خودش معاش خود را تهیه کند، در موقعی که مشغول کار است اطاعت از شوهر بر او واجب نیست.

سؤال ۴۹۵. در تحریر الوسیله، جلد دوم، صفحه ۳۰۶ آمده است: «اگر زوج حقوق زن را از قبیله نفقه نپردازد، ابتدا حاکم وی را الزام می‌کند و در صورت عدم تأثیر، او را تعزیر می‌نماید». آیا مراد از «الزام» صدور حکم قضایی است، یا

احکام خانواده، ص: ۲۰۳

صدور حکم به الزام؟

جواب: منظور این است که حاکم شرع او را مجبور می‌کند که نفقه زن را بپردازد و هر گاه ترتیب اثر ندهد او را تعزیر می‌کند.

سؤال ۴۹۶. آیا برای همسر و فرزندان شخصی که از راه نامشروع کسب درآمد می‌کند، جایز است از در آمد او استفاده کنند؟

جواب: اگر می‌دانند نفقه‌ای که به آنها پرداخته می‌شود از همان پول است، تصرّف در آن جایز نیست؛ مگر در حال ضرورت.

سؤال ۴۹۷. آیا شخص ثالث می‌تواند در ضمن عقد ازدواج نفقه زوجه را تعهّد نماید، تا هرگاه بین زن و شوهر راجع به نفقه اختلافی به وجود آمد، نفقه زوجه را پرداخت نماید؟ و در این صورت آیا نفقه از زوج ساقط می‌شود؟

جواب: مانعی ندارد که شخص ثالثی ضمانت نفقه را بنماید، و در این صورت نفقه بر عهده او خواهد بود.

سؤال ۴۹۸. اگر طبق نظر پزشک، زوجه دائمی به مرضی مبتلا باشد که بایستی برای مدّتی، یا برای همیشه آمیزش جنسی را ترک نماید، یا این که زوجه دائمی به علّت ابتلای به جنونِ ادواری، یا دائم، در تیمارستان، یا در منزل بستری و تحت درمان باشد، و به هیچ وجه حاضر به نزدیکی با شوهر خود نباشد، آیا چنین زنی حقّ نفقه دارد؟

جواب: در صورتی که زن مقصّر نبوده باشد، احتیاط واجب آن است که مرد نفقه او را بپردازد.

سؤال ۴۹۹. زنی ادّعا می‌کند شوهرش او را از منزل بیرون کرده، و نفقه‌اش را در مدّت خاصّی نپرداخته است. شوهر ضمن اقرار به این که نفقه معوّقه همسرش را پرداخت نکرده، ادّعا می‌کند که همسرش ناشزه است، و بدون اجازه او منزل مشترک را ترک کرده، و از ادای وظایف زناشویی امتناع نموده، و در نتیجه

احکام خانواده، ص: ۲۰۴

استحقاق نفقه ندارد. در فرض مذکور، با توجّه به این که زوجین جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند، قول کدام یک مقدّم، و بینه بر عهده چه کسی است؟

جواب: اگر جدا از هم زندگی می‌کنند، و زن مجوّزی برای این کار ندارد، ناشزه است و حقّ نفقه ندارد.

سؤال ۵۰۰. در صورت حالّ بودن (نقـد) مهریه، زوجه غیر مـدخول بـهـا حق دارد تا گرفتن مهریه تمکین نکنـد؛ امّا آیا این حق را دارد که در غیر تمکین نیز از زوج اطاعت نکنـد؛ مثلًا منزل خانواده خود بمانـد، و هرجا خواست برود و هرکار خواست انجام دهد و با این حال می‌تواند مطالبه نفقه نماید؟

جواب: بایـد به وظایف دیگر خود عمل کند، تنها می‌تواند تمکین را منوط به گرفتن مهر کند، آن هم در صورتی که مهر حالّ بوده و قرائن دلیل بر تأخیر آن نبوده است.

۲. نفقه فرزندان

سؤال ۵۰۱. نفقه (خوراک، پوشاک و مسکن) فرزند تا چندسالگی بر پدر واجب است؟

جواب: هرگاه فرزند توانایی اداره کردن زندگی خویش را نداشته باشد و پدر بتواند نفقه او را بدهد بر او لازم است و سنّ خاصّی شرط نیست؛ ولی فرزند نباید در تأمین زندگی خود کوتاهی کند، اگر کوتاهی کند چیزی بر پدر نیست.

سؤال ۵۰۲. نفقه ولدالزّنا بر عهده کیست؟

جواب: بر عهده زانی است.

۳. نفقه والدین

سؤال ۵۰۳. آیا تأمین مخارج پدر و مادر نیازمند، عهده پسران آنها می‌باشد؟ یا

احکام خانواده، ص: ۲۰۵

به عهده دخترانی که دارای درآمد باشند نیز می‌باشد؟

جواب: فرقی میان پسر و دختر ازاین نظر نیست و نفقه پدر و مادر فقیر بر هر دو واجب است.

۴. متفرقات نفقه

سؤال ۵۰۴. این جانب با خانمی بیوه ازدواج نموده‌ام، نامبرده پسری داشته که از آن زمان تا به حال نزد ما بوده است، باوجود این که این پسر، پـدر و پـدر بزرگ و مادر بزرگ هم داشـته که از نظر مالی متمکن هسـتند و من هم یک کارمند جزء هسـتم، و هیچ نوع تعهّـد و قراردادی در مورد نفقه او نداشـته ایم، تا کنون با سـختی و قرض، نفقه این بچّه را داده‌ام، آیا از نظر شـرعی و قانونی پـدر و پدر بزرگ و مادر بزرگ نامبرده، مدیون نفقه این بچه نسبت به من هستند؟

جواب: هرگاه شـما تبرّعاً و بـدون قرارداد با پـدر او نفقه بچه را داده‌ایـد نمی‌توانیـد چیزی از او مطالبه کنید؛ ولی اگر با امر یا اجازه پدر بزرگ او این کار انجام گرفته، مطالبه نفقه مانعی ندارد.

سؤال ۵۰۵. آیا مادر کودک نامشروع حقّ مطالبه نفقه کودکش را از پدر این بچّه دارد؟

جواب: چنین مادری حقّ نفقه ندارد ولی نفقه فرزند نامشروع بر پدر واجب است.

***

احکام خانواده، ص: ۲۰۷

۲

اشاره

اطاعت

۱. محدوده اطاعت

سؤال ۵۰۶. موارد اطاعت زن از شوهر کدام است؟

جواب: زنی که عقد دائم شده بنابر احتیاط نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود یا کاری در خارج خانه انتخاب کند (خواه اجازه لفظی باشد و یا از قرائن معلوم شود که او راضی است) و بدون عذر شرعی از نزدیکی کردن او جلوگیری نکند.

سؤال ۵۰۷. در صورتی که زن از شوهر اطاعت نکند، آیا مرتکب گناه شده؟

جواب: اگر زن در کارهایی که در سؤال پیش گفته شد اطاعت شوهر نکند گناهکار است و حقّ غذا و لباس و منزل و همخوابی او از بین می‌رود ولی مهر او از بین نمی‌رود.

سؤال ۵۰۸. چنانچه در امور عادی و مباح نظر پدر دختر و شوهر متفاوت باشد، ترجیح با کدام است؟

جواب: در فرض مسأله اطاعت هیچ کدام لازم نیست؛ مگر این که مایه اذیت و آزار پدر گردد، که در این صورت اطاعت او واجب است.

۲. خروج از منزل

سؤال ۵۰۹. آیا زن می‌تواند بدون کسب اجازه از همسرش از منزل خارج و با

احکام خانواده، ص: ۲۰۸

افراد یا خانواده‌هایی رفت و آمد داشته باشد و یا در جلسات مذهبی شرکت کند؟

جواب: باید با رضایت همسرش باشد.

سؤال ۵۱۰. لطفاً به سؤالات زیر، پیرامون محدود اطاعت زوجه، پاسخ فرمایید.

الف) آیا زوجه بدون رضایت زوج حقّ خروج از منزل را دارد؟

جواب: بنابر احتیاط واجب باید اجازه بگیرد؛ مگر برای کارهای واجب شرعی یا ضروری زندگی.

ب) در صورت ترک منزل، با وجود عدم رضایت زوج و تقاضای مکرّر بازگشت و عدم تمکین مشارالیها، آیا شرایط ناشزه بر وی محقّق می‌گردد؟

جواب: چنین زنی ناشزه است.

ج) در شرایط فوق، آیا زوجه استحقاق دریافت نفقه را دارد؟

جواب: قدر مسلّم از نشوز و عدم تمکین که موجب سلب حقّ نفقه می‌شود عدم تمکین در برابر تمتّعات جنسی است. بنابراین نفقه در فرض بالا، یعنی خروج از منزل، ساقط نمی‌شود (بنابر احتیاط واجب).

سؤال ۵۱۱. آیا زن بدون رضایت شوهر می‌تواند برای فعّالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، از منزل خارج شود؟

جواب: در صورتی که منافات با حقّ زوج نداشته باشد احتمالاً بتواند؛ ولی احتیاط در ترک آن است و در صورتی که زن در عقد ازدواج چنین حقّی را برای خود قائل شده باشد اشکال ندارد.

سؤال ۵۱۲. در صورتی که مرد با رفتن همسرش به دانشگاه، اداره، و هر محیط دیگری مخالف باشد، زن شرعاً چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: باید رضایت شوهر را جلب کند؛ مگر این که در عقد ازدواج شرط کرده باشد.

سؤال ۵۱۳. زنی پس از فوت همسرش، با برادر شوهرش ازدواج می‌کند، آیا

احکام خانواده، ص: ۲۰۹

می‌تواند پنجشنبه‌ها برای قرائت فاتحه به مزار شوهر اوّل برود؟

جواب: با اجازه شوهر اشکال ندارد.

سؤال ۵۱۴. آیا زنان می‌توانند بدون اجازه و رضایت همسران خویش، که افرادی مؤمن و متدین می‌باشند، در مسجد فعّالیت نمایند؟ بطوری که کاملًا امورات یک مسجد را به دست گیرند؛ در حالی که این عمل موجب اختلاف در بین اعضای خانواده می‌شود.

جواب: بدون اجازه همسر جایز نیست؛ ولی رفتن به مسجد برای فراگرفتن احکام و معارف دین جایز است.

۳. اشتغال زوجه

سؤال ۵۱۵. لطفاً به سؤالات ذیل پاسخ فرمایید:

الف) اگر شوهر اجازه انتخاب شغلی را به همسر خود بدهد، آیا بعد از طیّ مراحل خاص و اشتغال، شوهر می‌تواند مانع ادامه کار او شود؟ یا اجازه اوّل التزام به تمام لوازم آن می‌باشد؟ در این مورد آیا تفاوتی بین کار موقّت و دائم هست؟

جواب: هرگاه زن قراردادی با اجازه شوهر نسبت به مدّتی با اداره یا مؤسّسه‌ای بسته است، آن قرارداد لازم الاجراست و شوهر حقّ ممانعت ندارد و این در صورتی است که هنگام عقد، اجازه کار بیرون زن شرط نشده باشد و الّا احتیاجی به اجازه شوهر در عقد قرارداد نیست؛ ولی در هر حال باید شؤون شوهر و خانواده را رعایت کند.

ب) آیا بین استخدام توسّط اشخاص حقیقی یا حقوقی، خصوصاً دولتی، تفاوتی وجود دارد؟

جواب: تفاوتی ندارد.

احکام خانواده، ص: ۲۱۰

ج) آیا بین کاری که با حقّ شوهر منافات داشته باشد، با شغلی که چنین منافاتی ندارد فرقی هست؟

جواب: در فرض بالا تفاوتی نیست.

د) آیا بین شغلی که با رها کردن آن به صاحب کار و یا دیگران لطمه جدّی می‌خورد، با شغلی که چنین نیست فرقی هست؟ (مثل ممنوعیت زن از ادامه تدریس در وسط سال تحصیلی که باعث ضرر زدن به آموزشگاه و محصّلین می‌گردد).

جواب: در این فرض شوهر حقّ ممانعت ندارد.

۴. موارد استثنا

سؤال ۵۱۶. در چه مواردی اطاعت از شوهر واجب نیست؟

جواب: در مواردی اجازه شوهر لازم نیست، مانند انجام واجبات (حج واجب، صله رحم نسبت به پدر و مادر و برادر و خواهر و امثال آن به مقدار لازم)، فراگرفتن احکام اسلام مانند رفتن به مسجد و امثال آن، تهیه اجناس ضروری منزل در حالی که مجبور باشد، شرکت در انتخابات و راهپیمایی‌های ضروری، و همچنین در مورد مراجعه به طبیب.

سؤال ۵۱۷. آیا اطاعت نکردن زن از شوهر در غیر مسائل واجب و مستحب حرام است؟

جواب: اطاعت زن از شوهر مربوط به حقوق زناشویی و بیرون رفتن از منزل است، در کارهای دیگر اطاعت بر او واجب نیست،

هرچند بهتر است زن و مرد در تمام مسائل با هم تفاهم داشته باشند.

سؤال ۵۱۸. اگر مرد راضی نباشد همسرش با مانتو در جامعه ظاهر شود، و از او بخواهد که با چادر بیرون رود، و زن امتناع نماید، چه حکمی دارد؟

احکام خانواده، ص: ۲۱۱

جواب: مرد نمی‌تواند زن را به پوشش خاصّی مجبور کند، مگر این که حجاب اسلامی با آن پوشش مراعات نگردد. و مانتو در صورتی که تنگ و چسبان نباشد، و تمام بدن زن به جز گردی صورت و دست‌ها تا مچ را بپوشاند، حجاب اسلامی محسوب می‌شود؛ هر چند چادر حجاب برتر است.

سؤال ۵۱۹. آیا زن شوهردار می‌تواند از مال شخصی خود در موارد تبرّع بدون اجازه شوهر استفاده نماید؟

جواب: اشکالی ندارد.

***

احکام خانواده، ص: ۲۱۳

۳

حق آمیزش، تمکین

سؤال ۵۲۰. آیا می‌تواند برای مدت طولانی از نزدیکی با همسر خود اجتناب کند؟

جواب: مرد نمی‌تواند بیش از چهار ماه، نزدیکی با همسر دائمی خود را ترک کند، بلکه اگر زن جوان باشد و در این مدّت بیم آن برود که به گناه بیفتد احتیاط واجب آن است که طوری رفتار کند که او به گناه نیفتد.

سؤال ۵۲۱. با توجّه به سؤال بالا، چنانچه زنی جوان نباشد، ولی اگر شوهر به آمیزش یکبار در چهار ماه اکتفا کند بیم گناه بر او می‌رود، در این صورت مرد در برابر او چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است ترتیبی بدهد که او آلوده گناه نشود.

سؤال ۵۲۲. مرد می‌تواند زن دائمی خود را طوری ترک کند که نه مانند زن شوهردار باشد و نه بی شوهر؟

جواب: مرد حق ندارد چنین کاری را انجام دهد؛ ولی واجب نیست هر چهار شب یک شب نزد او بماند، امّا اگر همسرهای متعدّد دارد باید در میان آنها از این جهت با عدالت رفتار نماید.

سؤال ۵۲۳. آیا شوهر حق دارد بدون رضایت همسرش از انزال نطفه خودداری نمود، و به آمیزش تنها قناعت کند؟

احکام خانواده، ص: ۲۱۴

جواب: مانعی ندارد؛ ولی در موردِ آمیزشِ واجب، بدون رضایت همسر نمی‌تواند این کار را انجام دهد.

سؤال ۵۲۴. آیا زن حق دارد از شوهر بخواهد که به جای آمیزش واجب (هر چهار ماه یکبار) از راه‌های دیگر او را ارضا کند؟

جواب: در صورتی که طرفین راضی شوند مانعی ندارد.

سؤال ۵۲۵. اگر شخصی دو همسر داشته باشد، آیا لازم است یک شب را نزدِ یکی، و شب بعد را نزد دیگری باشد؟ یا از هر چهار شب باید یک شب را نزد هر یک از آنها باشد، و دو شب دیگر را آزاد است؟

جواب: از هر چهار شب واجب است یک شب را نزد هر یک از آنها باشد، و دو شب دیگر را مختار است، هر چند بهتر آن است که در میان آنها مساوات قائل شود.

سؤال ۵۲۶. آیا در عقد نکاح دائم می‌توان شرط کرد نزدیکی زن و مرد صورت نگیرد؟

جواب: در عقد دائم خالی از اشکال نیست.

سؤال ۵۲۷. اگر زوجه مدّعی تمکین تعلیقی باشد و زوج اظهار نماید که همسرش اهل تمکین حتّی در صورت دریافت مهر نیست و قراینی هم در حدّ افاده احتمال بر صحّت اظهارات زوج وجود داشته باشد آیا به صرف ادّعای زوجه، شوهر ملزم به پرداخت نفقه می گردد و یا این که از طریق اقامه بینه و یمین فصل خصومت می‌شود؟ چه کسی مدعی و یا منکر شناخته می‌شود؟

جواب: هرگاه ظاهر حال زوجه‌ای که نزد مرد زندگی می کند تمکین می‌باشد و شوهر ادعای خلاف آن را کند باید ثابت نماید و اگر ظاهر حال عکس آن باشد ادّعای زوج مقبول است.

سؤال ۵۲۸. آیا زن می‌تواند به دلیل آن که: شوهر به من تهمت زده‌ای و یا آبروی

احکام خانواده، ص: ۲۱۵

مرا پیش دوستان و نزدیکانم با سخنان تهمت آمیز برده خود را بر شوهر رسمی و شرعی خود حرام کند و با دیدنش در حجاب شود و از او تمکین عام و خاص نکند؟ اگر چه شوهر بارها به پاکی او اعتراف و از او به نحوی دلجویی کرده باشد؟

جواب: زن حق ندارد با این عذرها ازتمکین خودداری کند و اگرشوهر به او تهمت زده، باید نزد حاکم شرع برود و مجازات او را بخواهد، مگر این که زن او را ببخشد.

سؤال ۵۲۹. آیا وظیفه زن مسلمان صرفاً تمکین است؟ اگر چنین است، نگهداری از فرزندان، نظافت منزل، شستشوی ظروف و البسه، پخت و پز، وظیفه کیست؟ تقسیم کاری که رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله بین دختر گرامی و داماد عزیزش انجام داد[۸]، که کار بیرون منزل را به علی، و کار درون منزل را به زهرا واگذار کرد، به چه معنایی است؟ اگر فلسفه ازدواج فقط رفع شهوت است، آیا بهتر نیست مرد با هزینه‌ای کمتر از آوردن زن به خانه به عنوان موجودی پر خرج، شهوتش را بیرون خانه به طریق شرعی (صیغه) رفع کند؟ اگر وظیفه زن صرفاً تمکین است، چرا مرد مخارج عروسی، خورد و خوراک، لباس، وسائل رفاهی، پزشکی، درمانی، مهریه، شیربها و مانند آن را برگردن می گیرد؟ بهتر نیست مجرّد و بی‌مسؤولیت به کار و عبادت و زندگی خود بپردازد، نه دغدغه خاطری، نه دل‌بستگی، نه ترس از دست دادنی، نه جنگ اعصابی، و نه نگرانی‌های دیگر.

لطفاً نظرتان را به طور صریح در این زمینه بیان فرمایید:

جواب: هدف از ازدواج، همان‌گونه که قرآن می گوید، آن است که زن و مرد در کنار یکدیگر زندگی آرامی داشته باشند «لتسکنوا الیها»[۹] و این هدف بدون

احکام خانواده، ص: ۲۱۶

زندگی مشترک حاصل نمی‌شود. و زندگی توأم با تجرّد موجب بدبختی وانواع مشکلات و بیماری‌هاست، ولی زن نباید به صورت برده مرد درآید. و اگر کارهای خانه را انجام می‌دهد، باید با میل و رضایتش باشد. البتّه تقسیم کار بر اساس رضایت طرفین کار بسیار خوبی است.

سؤال ۵۳۰. در صورت امتناع مرد از پرداخت نفقه، عدم تمکین زن، چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که زن از تمکین خودداری نکند؛ ولی می‌تواند با اجازه حاکم شرع از اموال او به مقدار نفقه خود بردارد.

***

احکام خانواده، ص: ۲۱۷

۴

نشوز

سؤال ۵۳۱. با عنایت به آیه شریفه ۳۴ سوره نساء، آیا صدور افعال و رفتار زیر از زن دلیل بر کراهت و نشوز وی می‌باشد؟ راه اثبات آنچه بین زوج و زوجه رخ داده، چیست؟

الف) ابراز بی‌علاقه گی به زوج، و کراهت از نزدیکی، و جلوگیری از عزل.

ب) بگوید: «من شخص دیگری را می‌خواستم، و از تو خوشم نمی‌آید» و کراراً از همان اوایل ازدواج درخواست طلاق کند.

ج) به‌خواسته شوهر اهمیتی ندهد، بی‌اعتنایی و لجاجت کند، رفت و آمدها و تلفن‌های دیگران به منزل را که در غیاب شوهر انجام شده، از او کتمان نماید.

د) بدون اجازه و اطّلاع شوهر از منزل خارج شده، و به محافل اجتماعی خلاف شؤون و میل شوهر برود.

ه) در غیاب شوهر و بدون اطّلاع او، اموال با ارزش وی را از منزل خارج کند، و در حضور شهود تضمین برگشت بدهد، ولی عمل نکند. و جهیزیه خود را نیز طبق سند کتبی تحویل گرفته و با خود ببرد، و بی‌اذن زوج پس از سه ماه زندگی را ترک کند.

و) برخلاف شروط ضمن عقد، مابقی قباله خود را به اجرا گذاشته، و به هیچ یک از توافقنامه‌ها و تعهّدات طرفین، که توسّط زوجه و پدرش امضا شده، عمل نکند.

احکام خانواده، ص: ۲۱۸

ز) ادامه زندگی خود را منوط به دریافت کلّ قباله، و حقّ مسکن، و دریافت سه فقره چک سفید امضا از شوهر و کسان او بنماید.

جواب: چنانچه موارد بالا ثابت شود، زن ناشزه است.

سؤال ۵۳۲. اگر زنی به بهانه اختلافات خانوادگی از شوهر خود اطاعت نکند، و اطرافیان او، حتّی با تهمت و دروغ گفتن به شوهر، مانع رفتن او به نزد شوهرش شوند، آیا زن و اطرافیانش گناهکارند؟

جواب: زن بدون دلیل نمی‌تواند نشوز اختیار کند، و همچنین اطرافیان او بدون دلیل حق ندارند در این مسأله دخالت کنند، و اگر این کار را انجام دهند گناهکارند.

سؤال ۵۳۳. در قرآن مجید آمده: «اگر زنان نافرمانی کردند، آنها را کتک بزنید؟!» و در جای دیگر می‌خوانیم: «مردها به خاطر این که نفقه می‌دهند، بر زنان تسلّط دارند». فلسفه این دو حکم الهی چیست؟

جواب: پاسخ هر دو سؤال در تفسیر نمونه، جلدسوم، در تفسیر آیه ۳۴ سوره نساء نوشته شده است، که خلاصه پاسخ این است که: با توجه به معنی آیه، و روایاتی که در بیان آن وارد شده و توضیحی که در کتب فقهی آمده است و همچنین با توضیحاتی که روانشناسان امروز می‌دهند این مسئله چندان پیچیده نیست؛ زیرا:

اولًا: آیه، مسأله تنبیه بدنی را در مورد افراد وظیفه‌نشناسی مجاز شمرده که هیچ وسیله دیگری برای اصلاح آنها مفید واقع نشود. اتفاقاً این موضوع تازه‌ای نیست که منحصر به اسلام باشد، در تمام قوانین دنیا هنگامی که طرق مسالمت‌آمیز برای وادار کردن افراد به انجام وظیفه، مؤثر واقع نشود، متوسل به خشونت می‌شوند، نه تنها از طریق ضرب، بلکه گاهی در موارد خاصی مجازات‌هایی

شدیدتر از آن نیز قائل می‌شوند، که تا سرحدّ اعدام پیش می‌رود.

احکام خانواده، ص: ۲۱۹

ثانیاً: «تنبیه بدنی» در اینجا- همان طور که در کتب فقهی نیز آمده است- باید ملایم و خفیف باشد به طوری که نه موجب شکستگی شود، نه مجروح گردد و نه باعث کبودی بدن.

ثالثاً: روانکاوان امروز، معتقدند جمعی از زنان دارای حالتی به نام «ماژوخیسم» (آزار طلبی) هستند، که گاه این حالت در آنها تشدید می‌شود، تنها راه آرامش آنان تنبیه مختصر بدنی است.

بنابراین، ممکن است ناظر به چنین افرادی باشد که تنبیه خفیف بدنی در مورد آنان جنبه آرام بخشی دارد و یک نوع درمان روانی است.

سؤال ۵۳۴. هر گاه زوجه از ایفای وظایف زوجیت خودداری نماید، ناشزه بوده و مستحقّ نفقه نخواهد بود. حال اگر شوهر از انجام وظایف زوجیت سرباز زند، به گونه‌ای که زوجه‌اش را معلّقه قرار دهد، بفرمایید:

الف) آیا می‌توان حکم به نشوز وی کرد؟

جواب: آری، در این صورت زوج ناشز است، و زوجه می‌تواند به حاکم شرع شکایت کند، تا او را وادار به انجام وظیفه نماید، و در صورت لزوم تعزیر کند.

ب) آیا در این صورت زوجه می‌تواند از دادگاه تقاضای طلاق نموده، و دادگاه نیز بر این اساس حکم به طلاق زوجه دهد؟

جواب: در صورتی که زوج به هیچ وجه حاضر نباشد، امساک به معروف یا تسریح به احسان کند، و زوجه در عسر و حرج قرار گیرد، حاکم شرع می‌تواند او را طلاق دهد.

***

احکام خانواده، ص: ۲۲۱

۵

کارهای منزل

سؤال ۵۳۵. آیا انجام کارهای منزل بر زن واجب است؟

جواب: زن وظیفه ندارد خدمت خانه را انجام دهد و غذا تهیه کند و نظافت و مانند آن را عهده دار شود؛ مگر به میل خود. و اگر مرد او را مجبور بر این کارها نماید، زن می‌تواند حقّ الزحمه خود را در برابر این کارها از او بگیرد.

سؤال ۵۳۶. آیا این شرط، که همسر آینده کارهای متعارف و معمول منزل را انجام دهد، صحیح است؟ در صورتی که زن به شرط عمل نکند حکم آن چیست؟

جواب: هر گاه شرط کنند، این شرط لازم الاجراست؛ و در صورت تخلّف احتیاط آن است که زن هزینه آن را بپردازد.

سؤال ۵۳۷. می‌دانیم که زن موظّف به انجام کارهای منزل نیست، حتّی می‌تواند برای شیر دادن و پرورش کودک از شوهرش اجرت دریافت کند؛ لکن با توجّه به این که در ایران رسم بر این است که زنان معمولًا کارهای خانه را انجام می‌دهند و پس از تولّد بچّه، از او نگهداری نموده و به وی شیر می‌دهند، آیا می‌توان گفت که عقد مبنیاً علیه واقع شده و در نتیجه زن باید کارهای معمولی

خانه را انجام دهد و مزدی هم از شوهرش طلبکار نیست؛ مگر در جایی که خلاف آن ثابت شود؟

احکام خانواده، ص: ۲۲۲

جواب: این گونه موارد عقد مبنیٌ علیه نیست، تا حکم شرط ضمن العقد را داشته باشد؛ ولی بهتر است مردان و زنان در زندگی مشترک خانوادگی این گونه سخت گیری‌ها را با هم نداشته باشند، تا زندگی خوبی داشته باشند.

***

احکام خانواده، ص: ۲۲۳

۶

اجرَةُ المِثل

سؤال ۵۳۸. زنی حقّ الزّحمه و اجرةالمثل کارهایی که در ایام زناشویی در منزل شوهرش انجام داده را مطالبه کرده، ولی شوهر ادّعا دارد که همسرش کارها را به قصد تبرّع انجام داده است. در فرض مذکور قول کدام یک مقدّم، و بیّنه بر عهده چه کسی است؟

احکام خانواده ؛ ص۲۲۳

جواب: در محیطهایی که عرف و عادت بر آن است که زن به قصد تبرّع این کارها را انجام می‌دهد، ادّعای زن برخلاف آن مسموع نیست. مگر این که ثابت کند به شوهرش اعلام کرده قصد تبرّع ندارد، و شوهرش نیز پذیرفته باشد.

سؤال ۵۳۹. همسر سابقم بعد از چندین سال زندگی و علی رغم دریافت نفقه، به عناوین مختلف، موجبات اذیت و آزار بنده را فراهم می‌نمود، و خودش نیز تقاضای طلاق خلع کرد. بعد از جاری شدن طلاق، کلّیه حقوق خود را از بنده دریافت نمود، و طلاهایی را که برای ایشان خریده بودم، به یغما برد، (اکنون در حدود دو میلیون تومان ارزش دارد) و بنده را از خانه بیرون و مدّت دو سال و اندی خانه بنده را غصب نموده است. ایشان ملتزم به احکام دین مقدّس اسلام نبوده، و بدون اجازه از خانه خارج شده، و از ادای وظایف خانوادگی شانه خالی می کرده، و اکنون اجرت المثل چندین ساله را از بنده مطالبه کرده است. آیا اجره المثل به ایشان تعلّق می گیرد؟

احکام خانواده، ص: ۲۲۴

جواب: زن به غیر از نفقه و مهریه، حقّ دیگری به نام اجره المثل ندارد. مگر این که از اوّل ازدواج شرط کند که کارهای منزل را مجّانی انجام نمی‌دهد. و در صورتی که چنین شرطی نکرده و عادت، و رسم محیط هم تبرّع در این امور است، حقّی ندارد.

***

احکام خانواده، ص: ۲۲۵

۷

اشاره

مهریه

۱. کلیات مهریّه

سؤال ۵۴۰. آیا تعیین مهریه در عقد دائم واجب است؟

جواب: تعیین مهر در عقد دائم واجب نیست، و بدون آن عقد صحیح است؛ ولی چنانچه‌بعداً بازن نزدیکی کند باید مهر او را مطابق معمول زن‌هایی که مثل او هستند، بدهد.

سؤال ۵۴۱. لطفاً پیرامون اقسام سه گانه مهریه؛ «مهر المثل»، «مهر المسمّی» و «مهر السنّه» توضیحی بیان فرمائید.

جواب: منظور از «مهر المسمّی» همان مهری است که در عقد نامبرده می‌شود.

و مراد از «مهرالمثل» آن است که مثلًا به هنگام عقد نامی از مهر نبرده‌اند، در این صورت باید دید مهرامثال آن زن در عرف و عادت چقدر است و به او بپردازند.

و منظور از «مهر السنّه» مهر حضرت فاطمه زهرا صلی الله علیه و آله است، که معروف است پانصد درهم (دویست و پنجاه مثقال نقره مسکوک) بوده است.

۲. مهر السُّنَّه

سؤال ۵۴۲. اگر زنی مهریه خویش را، مهر السّنه قرار دهد، آیا معادل آن را طلب دارد، یا مهر المثل بر عهده زوج است؟

احکام خانواده، ص: ۲۲۶

جواب: چنانچه طرفین می‌دانسته‌اند که مهر السّنه طبق مشهور پانصد درهم نقره است اشکالی ندارد، و باید با پول رایج حساب کنند[۱۰]؛ امّا اگر هر دو، یا یکی از آنها آگاه نبوده‌اند، احتیاط آن است که در مورد مقدار مهر با هم مصالحه کنند.

سؤال ۵۴۳. از آنجا که در زمان ما درهم سکه دار وجود ندارد، آیا معیار قیمت مهر السّنه، نرخ نقره معمولی و بدون سکه است؟

جواب: در شرایطی که درهم سکه دار وجود ندارد باید فرض را بر این بگیریم که اگر نقره سکه دار و رایج وجود داشت چه اندازه به قیمت آن افزوده می‌شد؟ سپس اضافه قیمت را بطور تقریبی حساب کنیم و بر آن بیفزائیم. و از آنجا که این حکم، یک حکم استحبابی است محاسبات تقریبی در آن ضرر ندارد.

۳. مهر المِثل

سؤال ۵۴۴. بکارت دختری در اثر تصادف زایل شده است. آیا ارش البکاره گرفته می‌شود، یا مهر المثل؟

جواب: باید مهر المثل بپردازد.

سؤال ۵۴۵. در مواردی که مهرالمثل واجب می‌شود، آیا حدّاقل یا حدّاکثری وجود دارد؟

جواب: ظاهر این است که در مهرالمثل حدّ معینی نیست، و الّا مهرالمثل صدق نمی‌کند، و روایاتی که خلاف آن را بگوید ظاهراً معمول بهای اصحاب نیست.

سؤال ۵۴۶. اگر زنی همسری اختیار کند و آن مرد را برای زن با صفات خوبی توصیف کرده باشند؛ ولی پس از عروسی مرد بگوید: «می‌خواهی نماز بخوان

احکام خانواده، ص: ۲۲۷

و نمی‌خواهی نخوان» و خود مرد نسبت به نماز بی‌اعتنا و تارک‌الصّلاهٔ و نسبت به قرآن و امام حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل، العیاذ باللّه، هتّاکی کند، در این صورت اگر زن بخواهد از چنین مردی جدا شود، آیا حقّ مهریه دارد؟

جواب: با توجّه به این که فرد مذکور مرتدّ است، ازدواج با او باطل بوده و زن باید فوراً و بدون طلاق از او جدا شود و اگر بدون توجّه به این مسأله عروسی و آمیزش انجام گرفته زن می‌تواند مهرالمثل را مطالبه نماید.

سؤال ۵۴۷. فقها در ازاله بکارت در اثر ارتکاب زنا، مهر المثل تعیین نموده‌اند، نحوه محاسبه مهرالمثل چگونه است؟ آیا نحوه پرداخت آن مانند دیه مؤجّل است یا حالّ؟

جواب: مهر المثل مزبور حالّ است، مگر این که شخص مدیون قدرت بر پرداخت نداشته باشد، که در این صورت تقسیط می‌شود، و نحوه محاسبه آن مراجعه به عرف محل در تعیینِ مقدارِ مهریه چنین زنی است.

۴. مقدار مهریّه

سؤال ۵۴۸. در صورت اختلاف زوجین در مقدار و وصف مهریه، قول کدام یک مقدّم می‌شود؟ اگر هیچ کدام دلیلی جهت ادّعای خود نداشته باشند چطور؟

جواب: چنانچه زوج مدّعی مقدار کمتر است، قول او پذیرفته می‌شود، مگر این که دلیلی بر خلاف آن اقامه شود.

سؤال ۵۴۹. در بعضی ازدواج‌ها مهریه‌های سنگینی در نظر گرفته می‌شود، که عندالمطالبه نیز می‌باشد، در حالی که مرد ۵۰۰ هزار تومان هم پول ندارد. ولی برای این که ازدواج سر بگیرد، مثلًا ۲۰ میلیون تومان مهرِ پیشنهادی را می‌پذیرد، و شاید در طول عمر خود به این مبلغ دست نیابد، و از اوّل نیز محرز است که در صورت مطالبه، قادر بر پرداخت چنین مهریه‌ای نخواهد بود. این نوع ازدواج‌ها

احکام خانواده، ص: ۲۲۸

شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: این گونه مهریه‌ها با چنان قرائنی که ذکر شد، جدّی نیست. و جمله عندالمطالبه را باید حمل بر عندالقدره و الاستطاعه کرد. بنابراین، به اجرا گذاشتن این گونه مهریه‌ها در صورت عدم قدرت جایز نمی‌باشد.

سؤال ۵۵۰. برادر این جانب ده سال پیش (سال ۶۴) ازدواج نمود و بابت مهریه در عقدنامه چنین نوشته شده است: یک جلد کلام اللّه مجید به هدیه پنج هزار ریال به انضمام یکصد و ده کیلوگرم نمک طعام به ارزش چهار هزار ریال و یک صد گرم ابریشم خالص سبز به ارزش یک هزار ریال و دویست و بیست و پنج گرم طلای خوب و معمول بازار به ارزش فعلی نهصد هزار ریال و تعداد هفتصد (۷۰۰) سکه طلای بهار آزادی به ارزش فعلی بیست و چهار میلیون و پانصد هزار ریال که جمعاً بیست و پنج میلیون و چهارصد و ده هزار ریال می‌شود. به طوری که ملاحظه می‌فرمایید مهریه فوق تماماً به پول تبدیل گردیده است و قصد و نیت زوج در زمان عقد همان مبلغ ذکر شده بوده است که توسط عاقد قرائت گردیده و مورد توافق و امضا قرار گرفته است اکنون زن مهریه خود را بر اساس قیمت روز طلب می‌نماید آیا حقّ با زن است یا شوهر؟

جواب: اگر موقع اجرای صیغه عبارت به همین صورت خوانده شده و قیمت هر یک از این‌امور بیان شده است مهریه واقعی همان مبلغ ذکر شده می‌باشد ولی اگر به طور یقین ثابت شود که شوهر قصد قیمت داشته و زن قصد سکه نه‌قیمت، مهریه مذکور باطل می‌شود و باید مهرالمثل داده شود.

۵. تنصیف مهریّه

سؤال ۵۵۱. مردی زنی را به عقد خود درآورده، ولی هنوز عروسی نکرده‌اند، امّا زن از طریق انزال در محل باردار شده است، اگر قبل از عروسی از هم جدا

احکام خانواده، ص: ۲۲۹

شوند، آیا مهریه تنصیف می‌شود؟

جواب: هر گاه مرد سبب باردار شدن زن شده، احتیاط واجب آن است که تمام مهر را بدهد؛ هر چند دخول نکرده باشد.

سؤال ۵۵۲. آیا در صورت فوت زوجه قبل از دخول، مهریه وی نصف می‌شود؟

جواب: تمام مهر را می‌برد، تنها طلاق است که سبب تنصیف می‌شود.

سؤال ۵۵۳. آیا آمیزش با زوجه در دوره نامزدی نیز موجب پرداخت مهریه کامل، در فرض متارکه و طلاق، می‌گردد؟

جواب: آری موجب پرداخت مهریه کامل می‌گردد.

سؤال ۵۵۴. آیا بین باکره و زنان دیگر، در این مورد که دخول باعث مهر کامل و عدم دخول باعث تنصیف مهریه می‌شود، فرقی هست؟

جواب: فرقی میان باکره و غیر او از این جهت نیست.

سؤال ۵۵۵. دختری، با جانبازی که قادر بر نزدیکی نیست، ازدواج می‌کند. یک هفته پس از تلقیح، کارشان به طلاق می‌کشد؛ در این مورد لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) مهریّه دختر نصف است، یا تمام؟

جواب: در صورتی که تلقیح بوسیله شوهر انجام نشده باشد، مهریه کامل نمی‌شود.

ب) آیا برای ازدواج مجدّد، باز هم اجازه پدر لازم است؟

جواب: پس از وضع حمل، اجازه پدر لازم نیست.

ج) آیا این دختر نیاز به عدّه دارد؟ مدّت عده وی چقدر است؟

جواب: عده او وضع حمل است.

د) آیا می‌تواند با پدر آن جانباز ازدواج کند؟

احکام خانواده، ص: ۲۳۰

جواب: جایز نیست.

ه) اگر زنی با چنان جانبازی ازدواج کند، و پس از تلقیح جدا شود، دخترش می‌تواند با جانباز ازدواج کند؟

جواب: در صورتی که دخول از سوی جانباز حاصل نشده باشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۵۵۶. اگر مردی در شب زفاف به علّت عنن، یا عامداً، به وسیله انگشت، یا شیء مناسب دیگری غیر از آلت رجولیت، بکارت همسرش را زایل نماید، بفرمایید: اولًا: آیا این عمل تعزیر دارد؟ و ثانیاً: آیا این کار در حکم دخول، و زوجه مستحقّ کلّ مهر است؟

جواب: در صورت عدم رضایت زوجه، تعزیر دارد. و زوجه مستحقّ کلّ مهر است.

۶. زمان پرداخت مهریّه

سؤال ۵۵۷. شخصی ازدواج می‌کند، و در حین اجرای عقد عالماً و عامداً مهریه‌ای معین می‌کنند، که زوج فعلًا توانایی پرداخت آن را به هیچ وجه ندارد، و ممکن است در مدّت طولانی هم نتواند آن را بپردازد. عرفاً هم این‌گونه مهریه‌ها را در ذمّه زوج نسیه حساب می‌کنند، و زوجه هم در موقع اجرای عقد قصد مطالبه ندارد. آیا این‌گونه مهریه‌ها در شرع مقدس حالّ است، یا مؤجّل؟

جواب: در فرض سؤال این گونه مهریه‌ها مؤجّل است.

۷. مسئول پرداخت مهریّه

سؤال ۵۵۸. شخصی که با پدرش زندگی می کرده از دنیا رفته و هیچ گونه مالی از خود نداشته است، آیا مهریه زوجه او بر پدرش می‌باشد؟

احکام خانواده، ص: ۲۳۱

جواب: مهریه زن بر عهده شوهر است، نه پدر؛ مگر این که پدر شوهر آن را تضمین کرده باشد، یا مزد کارهای فرزندش را نداده باشد، و آن مزد به اندازه مهریه یا بیشتر از آن باشد.

سؤال ۵۵۹. پدر داماد قسمتی از مهریه عروسش را بر ذمّه می گیرد، ولی قبل از عروسی و پس از عقد، یعنی هنگامی که می‌خواستند مهریه را ثبت کنند از تعهّد خود استنکاف می‌ورزد و داماد مهر را به وجه نقد مصالحه و بر ذمّه خود می گیرد و سپس عروسی واقع می‌شود، آیا عروس می‌تواند مدّعی آنچه بر ذمّه پدر شوهر بوده است، شود؟

جواب: اگر موقع خواندن صیغه عقد بر ذمّه گرفته موظّف است بپردازد، و بازگشت جایز نیست.

سؤال ۵۶۰. درتحریرالوسیله و کتاب‌های فقهی دیگر مذکور است که اگر پدر برای طفل صغیر خود عیال اختیار کند و طفل فقیر باشد، مهریه آن زن به عهده پدر طفل می‌باشد حال اگر پدر برای فرزند کبیر خود که ناقص عقل و گوش و زبان می‌باشد و قادر نیست هزینه زندگی خود و همسرش را تأمین کند، عیال اختیار کند مهریه و نفقه این زن بر عهده چه کسی می‌باشد؟

جواب: ظاهر این است که نفقه بر پدر است واگر مهر نقدی باشد آن هم بر پدر است و در صورتی که بر ذمه زوج باشد می توان انتظار بهبودی مجنون را کشید و اگر بهبود نمی‌یابد برعهده پدر است.

۸. وصول مهریّه

سؤال ۵۶۱. زن چه زمانی میتواند مهریّه را طلب کند؟

جواب: در صورتی که مدّتی برای دادن مهر در عقد تعیین نشده باشد، زن حق دارد مهر خود را فوراً مطالبه کند، بلکه می‌تواند پیش از گرفتن مهر از نزدیکی

احکام خانواده، ص: ۲۳۲

کردن شوهر خودداری نماید، چه شوهر توانایی بر دادن مهریه داشته باشد یا نه؛ مگر این که عدم توانایی او قرینه بر این باشد که مهر از اوّل بر ذمّه بوده، نه بصورت نقدی.

سؤال ۵۶۲. حقیر بدون اطّلاع از مرام بهائیت به ازدواج مردی بهایی بااجرای صیغه عقد اسلامی درآمدم و همسرم بعد از چند سال زندگی فوت کرد، در وقت اجرای صیغه عقد، قطعه زمینی به عنوان مهریه به این جانبه تحویل شد که بعد از انقلاب چون همه املاك آنها را دولت تصرّف نمود ملك این جانبه نیز همراه آنها به تصرّف دولت درآمد آیا این جانبه ذی حق هستم تا مطالبه حقّ کنم و آیا مهر مذکور ثابت است؟

جواب: شما به اندازه مهرالمثل در اموال آن مرد حق دارید.

سؤال ۵۶۳. شخصی دختر خود را شوهر می‌دهد، مسائلی را انجام می‌دهند که شوهر قدرت آمیزش خود را ازدست می‌دهد به گونه‌ای که منجر به طلاق می‌شود، بعد از عدّه، پدر دخترش را به عقد مرد دیگری درمی آورد که این شوهر نیز به سرنوشت مرد اوّل گرفتار می‌شود ولی وقتی به دکتر مراجعه می کند دکتر او را سالم تشخیص می‌دهد در عین حال دارو اثر نمی‌بخشد پدر دختر

مبلغ ۳۱۰ هزار تومـان برای طلاـ و جهیزیه گرفته و پنجاه هزار تومـان خرج عروسـی کرده و صـد هزار تومـان مهریه دختر قرار داده است، اگر شوهر طلاق بدهد حق دارد پول و مصرف را پس بگیرد؟ حکم مهریه چیست؟

جواب: هرگـاه دخول صورت نگرفته باشـد بایـد نصف مهر را بدهـد و اموالی که خریـده است قابـل بـازپس گرفتن نیست. درمورد جهیزیه و طلا هرگاه جزء مهریه بوده بایـد نصف آن را به زن بدهد و اگر جزء مهریه نباشد آن چه موجود است را می‌تواند باز پس بگیرد.

سؤال ۵۶۴. به علّت شکایت همسرم، مبنی بر درخواست مهریه، دادگاه دستور

احکام خانواده، ص: ۲۳۳

توقیف اشیای مغازه‌ام را داده است، همچنین سند مغازه‌ای که تنها منبع درآمد این جانب می‌باشد را توقیف نموده است. آیا این کار مشروع است؟ آیا مهریه را نمی‌توان به صورت اقساط پرداخت؟

جـواب: هرگـاه مرد در پرداخت مهریه به عسـر و حرج بیفتـد بایـد به صـورت اقسـاط از او گرفت، به نحـوی که حقّ زن نیز رعـایت گردد.

۹. مهریّه و تورم

سؤال ۵۶۵. مهریه‌هایی که مثلًا ۵۰ سال پیش صـد تومان بوده، آیا اکنون همان مقدار بر عهده زوج است یا این‌که باید قدرت مقدار خرید صد تومان در ۵۰ سال پیش به عنوان مهریه محاسبه شود؟

جواب: باید مصالحه کنند یا برطبق قیمت امروز بپردازد.

سؤال ۵۶۶. مهریه خانمی چهل سال قبل دو هزار تومان تعیین شده است، و اکنون تقاضای اداء آن را دارد، شوهر حاضـر است همان مبلغ را بپردازد، ولی زن می‌گویـد: «شوهرم در آن زمـان مهریه را یک ساعت آب و نصف منزل قرار داد و من هم قبول کردم، ولی بخاطر مشکل ثبتی، همان مبلغ دو هزار تومان قرار داده شد». اکنون با توجّه به تورّم شدید حکم این مسأله چیست؟

جـواب: اگر آن زن ثـابت کنـد که مهریه واقعی همـان آب و منزل بـوده، حـق دارد آن را بگیرد، و اگر مهریه دو هزار تومـان بوده، می‌توانـد معـادل آن را به قیمت امروز (طبق نرخ متوسّـط تورّم اجنـاس) بگیرد. در سـایر مطالبات نیز حکم همین است؛ یعنی هر گاه فاصله زمانی و تورّم زیاد باشد به قیمت روز محاسبه می‌شود.

سؤال ۵۶۷. هفده سال پیش به عقد مردی در آمدم، و در این مدّت علیرغم تمام مشکلات همراه او بودم، وی هم اکنون صاحب ۲۵ میلیون تومان سرمایه است و اقدام به ازدواج مجدّد کرده و مرا طلاق داده است، با توجّه به تنزّل شدید

احکام خانواده، ص: ۲۳۴

ارزش پول، آیا می‌توانم مهریه‌ام را به قیمت امروز بگیرم؟ آیا در برابر زحماتی که برای خودش و بچّه‌هایش کشیـده‌ام، چیزی به من می‌رسد؟

جواب: چنانچه ارزش مهریه نسبت به زمان گذشته تفاوت کلّی کرده، باید به قیمت امروز بپردازد. و اگر در مقابل خدمات شما قول داده که جبران کند، موظّف است به قولش عمل کند.

۱۰. بخشش مهریّه

سؤال ۵۶۸. اگر زنی قبل از عقد مهریه خویش را چه در نکاح دائم یا موقّت ببخشد، آیا می‌توان صیغه عقد را بدون مهریه خواند؟

جواب: در عقد موقّت لازم است مدّت و مهریه هر دو معلوم باشد، امّا در عقد دائم قرار ندادن مهریه ضرری نمی‌زند، و عقد صحیح

است. و بخشیدن مهریه قبل از عقد معنا ندارد.

۱۱. حق حبس

سؤال ۵۶۹. زوجه از شوهر خود تمکین نموده، ولی زوج قدرت نزدیکی با وی را، به علّت عدم قدرت جنسی، نداشته است؛ وی اکنون تمکین مجدّد را، منوط به دریافت کلّ مهریه می‌نماید. آیا به علّت عدم دخول، حقّ زوجه به قوّت خود باقی است، یا در فرض مسأله، حقّ او ساقط شده است؟

جواب: حقّ زوجه در گرفتن مهریه قبل از تمکین مجدّد ثابت است؛ مشروط بر این که مهر حالّ بوده باشد، نه بر ذمّه زوج.

سؤال ۵۷۰. هر گاه زن جز به گرفتن مهر، حاضر به تمکین نشود، و شوهر قادر بر ادای آن نباشد، و در عین حال بگوید: «طلاق نمی‌دهم، و تا پایان عمر نفقه می‌پردازم». حکم این مسأله چیست؟

احکام خانواده، ص: ۲۳۵

جواب: در صورتی که شوهر قادر به پرداخت مهریه به صورت یکجا نیست، مهریه را تقسیط می کنند و زن باید با گرفتن اولین قسط تمکین کند و اگر تمکین نکرد؛ نفقه ندارد.

سؤال ۵۷۱. هر گاه مهریه حالّ (نقد) باشد، و شوهر قدرت پرداخت آن را بصورت یکجا نداشته باشد، و در صورت تقسیط بتواند ظرف چند سال بپردازد، آیا دادگاه می‌تواند بدون رضایت زوجه با تقسیط مهریه، و با وصول اوّلین قسط آن (بدون رعایت حقّ عدم تمکین زوجه) وی را مجبور به تمکین نماید؟

جواب: در صورتی که قرائنی، مانند سنگین بودن مهریه و عدم تمکن زوج به هنگام اجرای عقد، چنین نشان دهد که مهریه یکجا قابل پرداخت نیست، بلکه منظور تدریجی، یا عندالقدره و الاستطاعه بوده است، باید زن با گرفتن قسط اوّل تمکین کند.

سؤال ۵۷۲. مرسوم است که در موقع ازدواج و در زمان عقد مهریه را دو قسمت می کنند؛ یک قسمت را به عنوان کمک به تهیه جهیزیه اخذ می کنند، و مابقی در ذمّه زوج می‌ماند. لکن در تمام دادگاه‌ها با استناد به ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی که می گوید: «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند، مشروط بر این که مهر او حالّ باشد. و این امتناع مُسقط حقّ نفقه نخواهد شد» تمسّک کرده، تمام مهریه‌ها را حالّ (نقد) حساب می کنند. نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟

جواب: مهریه در صورتی که قید و شرطی نداشته باشد، حالّ است؛ ولی گاه قرائنی وجود دارد که مهریه نسیه است. مثلًا مهریه سنگین است، و می‌دانیم شوهر یک جوان کارگر، یا یک جوان دانشجوست، و چیزی ندارد که فوراً بدهد.

در این گونه موارد مهریه حال نیست، و زوجه نمی‌تواند آن را مطالبه کند.

همچنین اگر مهریه را دو بخش کنند، نقد و نسیه، در این جا تنها می‌تواند نقد را مطالبه کند.

احکام خانواده، ص: ۲۳۶

سؤال ۵۷۳. غالب فقهای شیعه فرموده‌اند: «زوجه حق دارد مهر غیر مؤجّل را مطالبه و قبل از دخول می‌تواند از تمکین تا گرفتن مهر امتناع نماید» و نیز فرموده‌اند: «در صورت بذل تمکین به فرض دریافت مهر (تمکین تعلیقی) استحقاق نفقه نیز دارد» آیا حقّ امتناع زوجه از تمکین مختص به دخول است یا شامل سایر استمتاعات و یا اطاعت از زوج در امور لازم (از قبیل اقامت در منزل شوهر یا مسافرت با رضایت وی) نیز می گردد به نحوی که اگر در این امور از شوهر اطاعت نکند ناشزه محسوب می‌شود؟

جواب: ظاهر این است که زن می‌تواند بدون گرفتن مهر معجّل خود را مطلقاً تسلیم شوهر نکند و در این مدّت بر زوج واجب است نفقه او را بدهد.

سؤال ۵۷۴. زن و مردی و یا اولیا و بزرگان آنها قراردادی بین خودشان می گذارند، مهریه را هم تعیین می‌نمایند، سپس مبلغ دویست

هزار تومان از مهریه نقداً داده می‌شود و بقیه بر ذمّه زوج می‌باشد و ارتکاز عرفی بر این است که پس از انجام مراسم عروسی زوجه می‌تواند مطالبه نماید و زوج هم باید عندالقدره بپردازد همان طوری که علمای گذشته در عقدنامه‌ها می‌نوشتند (فلها المطالبه بشرط التمکین وله الاداء عندالقدره والامکان) ولی در این زمان دفاتر رسمی ازدواج بنای مذکور را در نظر نگرفته و می‌نویسند که زوج باید عندالمطالبه پرداخت نماید و روی این اصل وقتی که اختلافی در بین آنها واقع می‌شود زن می‌گوید مادامی که شوهر مهریه را نقداً نپردازد حاضر به تمکین نخواهد شد باید نفقه او را هم بدهد آیا زوجه چنین حقّی را دارد؟

جواب: در صورتی که شرط شده باشد مهریه را عندالمطالبه بپردازد زن حقّ مطالبه مهر را دارد و اگر عدم تمکین به استناد عدم پرداخت مهریه باشد حقّ نفقه نیز دارد و اگر شرط شده باشد و یا قرینه از جهت عرف و عادت وجود داشته باشد که عندالقدره والاستطاعه بپردازد در صورت عدم توانایی شوهر، زن حقّ

احکام خانواده، ص: ۲۳۷

مطالبه ندارد و اگر تمکین ننماید حقّ نفقه ندارد.

سؤال ۵۷۵. در فرع مذکور اگر زن حقّ امتناع از تمکین داشته باشد تا مهر به وی تسلیم شود اگر زن جهت استمتاعات به غیر از مقاربت تسلیم شده و مدّتی خود را در اختیار زوج قرار دهد این امر باعث از بین رفتن حقّ امتناع زوجه می‌شود یا این که فقط تسلیم و تمکین تام مسقط است؟

جواب: تمکین تام مسقط است.

سؤال ۵۷۶. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) دختر خانمی مهریه‌اش هم معجّل بود و هم مؤجل، مقدار معجّل را در مجلس عقد دریافت نمود و در مؤجل، زمان خاصیّ معین نشد ولی از قراین حالیه و مقالیه مثل این‌که داماد از قبول کردن مهریه سنگین امتناع داشت ولی پدر دختر گفت مهریه را کی داده و کی گرفته، به دست می‌آید که موقع پرداخت، بعد از عروسی است امّا الان دختر به تحریک والدین اصرار بر دریافت مؤجّل نیز دارد آیا دختر و یا والدین او حقّ امتناع از عروسی را قبل از پرداخت باقیمانده مهریه دارند؟

جواب: هر گاه قراینی وجود داشته که مؤجل را با فاصله قابل ملاحظه‌ای بپردازند دختر نمی‌تواند از عروسی امتناع کند.

ب) داماد قبل از عروسی برای خانم خود مقدار قابل توجّهی وسایل زینتی از قبیل طلا و غیره به عنوان هدیه گرفته است به فرض این که دختر حاضر به عروسی نشود آیا داماد حّق مطالبه آن وسایل زینتی را دارد و آیا استفاده دختر بعد از اطّلاع از عدم رضایت داماد از آن زینت آلات جایز است؟

جواب: حق دارد، و تصرّف در آن از سوی دختر در فرض مسأله جایز نیست.

ج) اگر مهریه سیصد هزار تومان و نصف مایملک داماد باشد آیا این مهریه باطل نیست؟

جواب: این مهریه مجهول و باطل است و به جای‌آن باید مهرالمثل بپردازد.

احکام خانواده، ص: ۲۳۸

سؤال ۵۷۷. اگر زوج (با توجّه به معسر بودن) به حکم دادگاه، مهریه را به صورت قسطی بپردازد، با توجّه به این که امروزه مهریه‌ها بالاست و پرداخت قسطی آن هم سال‌ها طول می‌کشد تا تمام شود، آیا با این حال زن به فرض باکره بودن و عدم مواقعه، حق دارد تا پایان قسط آخر تمکین نکند؟

جواب: در صورتی که قرائنی وجود داشته که این مهریه سنگین را یک جا نمی‌توان مطالبه کرد، خودداری زن از تمکین جایز نیست، بنابراین متوقّف کردن تمکین بر پرداخت تمام مهر در این گونه موارد جایز نیست.

سؤال ۵۷۸. در صورت مطالبه مهریه از سوی زوجه قبل از عروسی، و عدم پرداخت آن از طرف زوج، بفرمایید:

الف) آیا زوجه می‌تواند، تا زمان پرداخت مهریه از رفتن به خانه زوج خودداری کند؟

ب) در صورت خودداری از رفتن به خانه شوهر، آیا استحقاق نفقه دارد؟

ج) آیا اعسار و عدم اعسار زوجه تأثیری در حکم مسأله دارد؟

د) آیا آگاهی یا عدم آگاهی زوجه در هنگام عقد نسبت به عدم توانایی زوج در پرداخت مهریه، تأثیری در حکم مسأله دارد؟

جواب الف تا د) زن نمی‌تواند رفتن به خانه شوهر را مشروط به دریافت مهریه کند؛ ولی می‌تواند قبل از دریافت مهریه تمکین نکند. مشروط بر این که قبلًا از اعسار زوج خبر نداشته باشد. و در فرض اعسار، اگر از سوی حاکم شرع قسطبندی شود، و شروع به پرداختن اقساط کند، زن باید تمکین کند.

۱۲. واجب‌الحج شدن به واسطه مهریّه

سؤال ۵۷۹. زنی که مهریه زیادی، که به حدّ استطاعت حجّ می‌رسد، از شوهرش طلبکار است، آیا به صرف طلب کاری مستطیع شده و حجّ بر او مستقرّ می‌باشد؟

احکام خانواده، ص: ۲۳۹

جواب: هر گاه گرفتن مهریه از شوهر برای او عیب نباشد و مشکلی در زندگانی او و شوهرش ایجاد نکند، مستطیع است و باید به حجّ برود.

سؤال ۵۸۰. هرگاه قبل از گرفتن مهریه از دنیا برود، آیا لازم است شخصی را به نیابت از او به حجّ بفرستند؟

جواب: اگر حج به جا نیاورده باید ورثه او از مالش بردارند و ادا کنند.

۱۳. مسائل متفرقه مهریّه

سؤال ۵۸۱. در صورتی که زوجه دائمی شخصی، با مرد اجنبی فرار نموده و از کشور خارج شود. آیا زن می‌تواند شخصاً، یا با اعطای وکالت به غیر، نسبت به دریافت مهر خود اقدام قانونی نماید؟ آیا چنین زنی مستحقّ دریافت مهریه می‌باشد؟

جواب: با توجّه به این که مهریه مربوط به سابق است حقّ گرفتن آن را دارد؛ ولی هر دو نفر از نظر قضایی قابل تعقیب هستند، و از نظر اسلام مجازاتشان شدید است.

سؤال ۵۸۲. لطفاً نظر مبارک خویش را در خصوص این مسأله که اگر زوج در هنگام ازدواج جهیزیه زوجه را از مال خودش تهیه نماید. آیا در موقع طلاق زوجه حقّ مطالبه و استرداد چنین جهیزیه‌ای را دارد یا خیر، بیان فرمایید.

جواب: اگر جهیزیه را جزیی از مهر یا شرط ضمن العقد قرار دهد، نمی‌تواند بازپس بگیرد؛ ولی اگر هبه کرده قابل بازپس گرفتن است.

سؤال ۵۸۳. یکی از طلّاب بحرین هستم که با خانمی از لبنان، به مهریه ده هزار لیره لبنانی، ازدواج شرعی و رسمی نمودم؛ ولی متأسّفانه زندگی ما منجر به جدایی شد و نزد یکی از علما با حضور دو مرد عادل صیغه طلاق جاری و مهریه وی پرداخت شد. امّا وی به دادگاه شکایت کرده و منکر دریافت مهریه گردیده

احکام خانواده، ص: ۲۴۰

است و متأسّفانه من هنگام پرداخت مهریه، شاهدی نگرفتم. حال دو سؤال دارم:

الف) آیا بر او واجب است که برای ادّعای خود قسم بخورد تا بار دیگر مهریه را بگیرد؟ و با توجّه به این که قیمت لیره امروز با قیمت آن به هنگام عقد تفاوت دارد، آیا همان مقدار لیره ذکر شده در حین عقد را باید بدهم، یا ملاک قیمت امروز است؟

جواب: مقتضای قاعـده، اقامه بینه توسّط مـدّعی است و اگر او بینه نـداشت، منکر باید قسم بخورد؛ بنابراین زوجه که در مورد سؤال منکر گرفتن مهریه است باید قسم بخورد و امّا نسبت به تفاوت قیمت مهریه، در صورتی که تفاوت فاحش باشد، ملاک قیمت زمان پرداخت مهریه اوست.

ب) آیـا زوجه در مقابـل خـدماتی که در مـدّت زنـدگانی مشترک انجـام داده است، چیزی طلبکار است، در حالی که در این مورد چیزی در ضمن عقد شرط نشده است؟

جواب: اگر شرط نکرده، و عرف و عادت محل بر این است که خدمات زن مجانی است، زوجه مستحقّ چیزی نیست.

***

احکام خانواده، ص: ۲۴۱

۸

مسکن

سؤال ۵۸۴. در صورتی که حقّ اختیار سـکنی در قباله ثبتی کاملًا به زوجه تفویض شده باشد، آیا این حق علاوه بر شهر، شامل محل و منطقه محـلّ سـکونت نیز می‌شود؟ بـا توجّه به این که زوج و زوجه هر دو اهل و ساکن یک شـهر بوده، و در زمان عقـد نیز قصـد زندگی در همان شهر را داشته‌اند، پاسخ سؤال را مرقوم فرمایید.

جواب: معمولًا هنگامی که می‌گویند اختیار سـکنی با زن است، اشاره به شـهر می‌باشد، مگر این که عبارت عقد نامه دلالت بر بیشتر از این داشته باشد. و در صورت شک، تنها اختیار شهر با زوجه خواهد بود.

سؤال ۵۸۵. زوجه بـاکره‌ای که تمکین را به وصـول مهریه عنـدالمطالبه‌اش موکول نموده، (و مطـابق عرف هنوز در عقـد است، و در منزل پدرش به سر می‌برد) آیا می‌تواند از سکنی در منزلی که زوج معین کرده خودداری کند؟ و اگر چنین کند، آیا ناشزه محسوب می‌شود، و حقّ نفقه ندارد؟

جواب: تا زمانی که طبق عرف عروسی نکرده، حقّ امتناع دارد.

سؤال ۵۸۶. اگر زوجه رفتن به خـانه شوهر را منوط به دریـافت اجناس مورد توافق (غیر از مهریه) نمایـد، و زوج از تحویل آن امتناع ورزد، بفرمایید:

الف) آیا زوجه چنین حقّی دارد؟

احکام خانواده، ص: ۲۴۲

ب) در صورت خودداری از رفتن به خانه شوهر، آیا استحقاق نفقه دارد؟

جواب: هرگاه شرایط مذکور در ضمن عقد، نه به عنوان مهریه، مطرح شده باشد، زوجه حق ندارد رفتن خود را به خانه شوهر منوط به آن کند، هر چند حقّ مطالبه و الزام به آن را دارد.

سؤال ۵۸۷. شخصی ۱۲ سال قبل به عیال خود پیشـنهاد می‌کنـد که از تهران به شـهر دیگری مهاجرت کننـد؛ ولی زن حاضـر به این هجرت نمی‌شود و مرد به آن شـهر هجرت می‌کند. اکنون مرد به بهانه این که زن اطاعت نکرده، نه نفقه می‌دهد و نه طلاق. آیا مرد حق دارد زن را در این مدّت طولانی بلاتکلیف رها کند؟

جواب: در صورتی که در ازدواج قرارداد خاصّی برای محلّ سکونت زن نباشد، زن موظّف است در محلّ سکونت تابع مرد باشد؛ مگر این که ضرر و زیان مهمّی برای او داشته باشد.

سؤال ۵۸۸. آیا زن می‌تواند شرط کند شوهر او را از شهر مورد نظرش بیرون نبرد؟

جواب: هرگاه زن در عقد شرط کند که شوهر او را از فلان شهر بیرون نبرد، مرد نمی‌تواند او را از آن شهر بیرون ببرد مگر با رضایت او.

***

احکام خانواده، ص: ۲۴۳

بخش نهم:

اشاره

احکام عقد موقّت

احکام خانواده، ص: ۲۴۵

۱

مشروعیت ازدواج موقّت

سؤال ۵۸۹. لطفاً پیرامون ازدواج موقّت به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

الف) آیا جواز مُتعه مربوط به دوره و شرایط خاصّی از تاریخ اسلام بوده است؟

ب) آیا حکومت اسلامی در قبال قانونمندی، یا جلوگیری از گسترش آن در جامعه، وظیفه‌ای دارد؟

ج) در شرایط کنونی وظیفه روحانیت در ارتباط با ازدواج موقّت چیست؟ آیا همچون سایر احکام مکلّف به ترویج آن هستند؟

د) در فتوای مشهور آمده است: «زن یائسه عدّه ندارد». آیا کسانی که لوله‌های رحم خود را بسته‌اند، در حکم زنان یائسه هستند؟

جواب: مسأله متعه اختصاص به زمان معینی نداشته و ندارد، ولی گاه (مثل زمان ما) شرائط ایجاب می‌کند قیود و شرایطی برای آن قائل شوند، که افراد هوسباز از آن سوء استفاده نکنند. و تبلیغ از آن بدون فراهم شدن آن شرایط خالی از مشکلات نیست؛ و امّا زنانی که لوله‌های خود را ببندند، مشمول یائسه بودن نیستند؛ بلکه در حکم «من لا تحیض فی سنّ من تحیض» می‌باشند.

سؤال ۵۹۰. عقد موقّت از نظر اسلام چه حکمی دارد؟

جواب: شکّ نیست که نکاح موقّت یکی از احکام مسلّم فقهی است و در

احکام خانواده، ص: ۲۴۶

شریعت اسلام جایز است، ولی نباید وسیله هوسبازی افراد هوسباز شود.

و احتیاط آن است تا ضرورتی نباشد اقدام به این کار نشود، شرح بیشتر را در کتاب ما به نام «آیین ما» و همچنین در جلد ۳ تفسیر نمونه ذیل آیه ۲۴ سوره نساء مطالعه کنید. شرح مختصر آن این است که:

این یک قانون کلی و عمومی است که اگر به غرائز طبیعی انسان، به صورت صحیحی پاسخ گفته نشود، برای اشباع آنها، متوجه طرق انحرافی خواهد شد؛ زیرا این حقیقت قابل انکار نیست که غرائز طبیعی را نمی‌توان از بین برد، و فرضاً هم بتوانیم از بین ببریم، چنین اقدامی عاقلانه نیست؛ زیرا این کار یک نوع مبارزه با قانون آفرینش است.

بنابراین، راه صحیح آن است که: آنها را از طریق معقولی اشباع و از آنها در مسیر سازندگی بهره‌برداری کنیم.

این موضوع را نیز نمی‌توان انکار کرد که غریزه جنسی، یکی از نیرومندترین غرائز انسانی است، تا آنجا که پاره‌ای از روانکاوان آن را تنها غریزه اصیل انسان می‌دانند و تمام غرائز دیگر را به آن باز می‌گردانند.

اکنون این سؤال پیش می‌آید: در بسیاری از شرائط و محیطها، افراد فراوانی در سنین خاصی قادر به ازدواج دائم نیستند، یا افراد متأهل در مسافرت‌های طولانی و یا ماموریت‌ها با مشکل عدم ارضای غریزه جنسی رو به رو می‌شوند.

این موضوع مخصوصاً در عصر ما که سن ازدواج بر اثر طولانی شدن دوره تحصیل و مسائل پیچیده اجتماعی بالا رفته، و کمتر جوانی می‌تواند در سنین پائین یعنی در داغ‌ترین دوران غریزه جنسی اقدام به ازدواج کند، شکل حادتری به خود گرفته است.

با این وضع چه باید کرد؟

آیا باید مردم را به سرکوب کردن این غریزه (همانند راهبان و راهبه‌ها)

احکام خانواده، ص: ۲۴۷

تشویق نمود؟

یا این که آنها را در برابر بی بند و باری جنسی آزاد گذاشت، و همان صحنه‌های زننده و ننگین کنونی را مجاز دانست؟

و یا این که راه سومی را در پیش بگیریم که نه مشکلات ازدواج دائم را به بار آورد و نه آن بی بند و باری جنسی را؟

خلاصه این که: «ازدواج دائم» نه در گذشته و نه در امروز، به تنهایی جوابگوی نیازمندی‌های جنسی همه طبقات مردم نبوده و نیست، و ما بر سر دو راهی قرار داریم:

یا باید «فحشاء» را مجاز بدانیم (همان طور که دنیای مادی امروز عملًا بر آن صحه گذارده و آن را به رسمیت شناخته).

و یا طرح ازدواج موقت را بپذیریم.

معلوم نیست آنها که با ازدواج موقت و فحشاء مخالفند چه جوابی برای این سؤال فکر کرده‌اند؟!

طرح ازدواج موقت، نه شرائط سنگین ازدواج دائم را دارد که با عدم تمکن مالی یا اشتغالات تحصیلی و مانند آن نسازد، و نه زیان‌های فجایع جنسی و فحشا را در بر دارد.

***

احکام خانواده، ص: ۲۴۹

۲

موارد مجاز عقد موقّت

سؤال ۵۹۱. آیا مرد مسلمانی که همسر مسلمان دارد می‌تواند زن ذمّی رابه عقد موقّت خود درآورد؟

جواب: متعه ذمّی بر مسلمان بدون اجازه همسر مسلمانش کراهت دارد.

سؤال ۵۹۲. مردی زنی را به عقد موقّت خود در می‌آورد در بین مباشرت با آن زن شک می‌کند که آیا او از زنانی است که زیاد صیغه می‌شود وعدّه نگه نمی‌دارد یا نه، آیا تحقیق واجب است؟

جواب: سؤال و تحقیق از زن واجب نیست.

سؤال ۵۹۳. آیا متعه اهل کتاب و کافر جایز است؟

جواب: متعه اهل کتاب جایز است.

سؤال ۵۹۴. شخص مؤمن و متدینی برای تجارت به کشورهای مختلف سفر می‌کند، لکن بعضی از افرادی که با او همسفر هستند می‌خواهند از همه امکانات هتل استفاده کنند. در حالی که بعضی از آن نسوان شرایط ازدواج (مثل رعایت عدّه) را ندارند. لطفاً بفرمایید:

الف) آیا به مجرّد این که آنها بگویند خالیه هستند، می‌توان با آنها ازدواج کرد؟

ب) اگر فحص از عدّه نشود، اشکال ندارد؟

احکام خانواده، ص: ۲۵۰

ج) در صورتی که بگویند عدّه را رعایت کرده‌ایم، آیا قول آنها قبول است؟

(در حالی که ظنّ قوی بر عدم وجود عدّه است.)

د) اگر اهل کتاب نباشند، آیا ازدواج موقّت با آنها صحیح است؟

ه) در ضمن سنّ اکثر یا تمام این زنان، سنّ مَنْ تحیض می‌باشد، لکن با وسایل بهداشتی جدید از حاملگی جلوگیری می‌کنند. آیا شرایط ازدواج را در این سنین با فرض بر عدم عدّه دارا هستند؟

جواب: با توجّه به این که در سنّ «مَنْ تحیض» هستند، عدّه به هر حال بر آنها واجب است، و ادّعای آنها در صورتی پذیرفته می‌شود که متّهمه نباشند. و ازدواج موقّت با غیر کتابیه جایز نیست.

***

احکام خانواده، ص: ۲۵۱

۳

احکام عقد موقّت

سؤال ۵۹۵. پرداخت نفقه به زنی که در عقد موقّت می‌باشد واجب است؟

جواب: همسر ازدواج موقّت حقّ خرجی ندارد، هرچند باردار شود.

سؤال ۵۹۶. آیا مرد و زنی که ازدواج موقّت کرده اند از یکدیگر ارث می‌برند؟

جواب: از یکدیگر ارث نمی برند.

سؤال ۵۹۷. زن حق همخوابی در ازدواج موقت دارد؟

جواب: زن حقّ واجب همخوابی ندارد.

سؤال ۵۹۸. مرد می‌تواند از نزدیکی با زنی که در ازدواج موقّت او می‌باشد امتناع کند؟

جواب: احتیاط واجب آن است که شوهر بیش از چهار ماه نزدیکی با همسر خود را در ازدواج موقّت نیز ترک نکند.

سؤال ۵۹۹. همسر موقّت برای خروج از منزل باید از شوهر اجازه بگیرد؟

جواب: همسر موقّت می‌تواند بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود یا کاری در خارج خانه برای خود انتخاب کند، مگر این‌که به خاطر بیرون رفتنش حقّ شوهر از بین برود.

سؤال ۶۰۰. مرد حق دارد به ازدواج موقّت پایان دهد؟ در این صورت آیا باید مهریه را بپردازد؟

احکام خانواده، ص: ۲۵۲

جواب: مرد می‌تواند مدّت ازدواج موقّت را ببخشد و به آن پایان دهد، در این صورت اگر با آن زن نزدیکی کرده باید تمام مهر و اگر نزدیکی نکرده باید نصف آن را بدهد.

سؤال ۶۰۱. مرد میتواند زنی که در عقد موقت او می‌باشد را به عقد دائم خود در آورد؟

جواب: مرد می‌تواند زنی را که صیغه اوست به عقد دائمی درآورد، ولی باید نخست باقیمانده مدّت را ببخشد، سپس او را عقد کند.

سؤال ۶۰۲. آیا ازدواج موقّت عده دارد؟

جواب: ازدواج موقّت بعد از تمام شدن مدّت آن، عدّه دارد، به شرحی که در بخش مربوط به عده خواهدآمد.

سؤال ۶۰۳. اگر در ازدواج موقّت فرزندی متولّد شود از پدر و مادر و بستگان خود ارث می‌برند؟

جواب: فرزندانی که از آن متولد می‌شوند تمام حقوق فرزندی را دارند و از پدر و مادر و بستگان خود ارث می‌برند هر چند آن زن و شوهر از هم ارث نمی‌برند.

سؤال ۶۰۴. زنی به عقد موقّت مردی در آمده و بعد از دخول، شوهرش را ترک کرده است، آیا بر مرد واجب است که تمام مهریه او را بپردازد؟

جواب: تنها آن مقدار از زمان که زن تمکین کرده مهریه‌اش لازم است.

سؤال ۶۰۵. به مدّت ده سال به عقد موقّت مردی درآمده‌ام، ولی اکنون سه سال است که مرا رها کرده و هیچ خبری از او ندارم، به دادگاه مدنی مراجعه کردم ولی نتیجه‌ای نگرفتم، من شرایط ازدواج موقّت را نمی‌دانستم و منبع درآمدی هم ندارم و در وضعیت سختی بسر می‌برم، تکلیف من چیست؟

جواب: هر گاه شما به تشخیص حاکم شرع، در عسر و حرج شدید باشید

احکام خانواده، ص: ۲۵۳

و راه حلّی نداشته باشید، و دسترسی به شوهرتان نیز نباشد، حاکم شرع می‌تواند باقیمانده مدّت را به شما ببخشد، و می‌توانید پس از عدّه (در صورت آمیزش) شوهر کنید.

سؤال ۶۰۶. آیا در ازدواج موقّت عسر و حرج برای زوجه متصوّر است؟ در صورت اثبات، آیا می‌توان زوج را به بذل مدّت اجبار نمود؟

جواب: در صورتی که به تشخیص حاکم شرع واقعاً عسر و حرج حاصل شود تفاوتی بین عقد انقطاعی و دائم نیست، و حاکم شرع زوج را ملزم به بذل باقیمانده مدّت می‌کند و اگر قبول نکند، حاکم شرع به عنوان ولیّ ممتنع، باقیمانده مدّت را می‌بخشد. و زوجه می‌تواند بعد از سپری شدن عدّه شوهر کند.

سؤال ۶۰۷. شخصی زن جوانی را متعه کرده وبا اقرار خود مواقعه نیزانجام شده و زن مزبور پس از آن، وضع حمل‌کرده و طفل را به مرد متمتّع نسبت می‌دهد ولی مرد منکر الحاق ولد به خود می‌باشد آیا در این مورد قسم به نفی ولد از طرف مرد مشروعیت دارد؟

جواب: چنانچه مرد اقرار به مواقعه دارد ولد به او ملحق است و با قسم از او نفی نمی‌شود.

سؤال ۶۰۸. زنی در عقد موقت مردی می‌باشد آیا آن مرد می‌تواند او را به عقد دائم خود درآورد؟

جواب: هرگاه باقیمانده عقد موقت را ببخشد می‌تواند او را به عقد دائم خود درآورده و احتیاجی به عده نیست.

سؤال ۶۰۹. زوج در حال عصبانیت و ناراحتی و اختلاف با زوجه موقّت خود، ابرای مدّت و زمان عقد می‌نماید ولی بلافاصله نادم و پشیمان می‌گردد آیا زوجه با این ابرا می‌تواند با دیگری ازدواج نماید و یا ابرا صحیح نیست و زوجیت باقی است؟

احکام خانواده، ص: ۲۵۴

جواب: اگر در حال عصبانیت عقل و شعور خود را از دست داده ابرای مدّت صحیح نبوده امّا اگر این کار را از روی شعور و عقل کرده هرچند عصبانی بوده ابرا صحیح بوده است.

سؤال ۶۱۰. دختری با مردی برخورد و تماس داشته است، مثلًا در یک مکان با یکدیگر کار می‌کرده‌اند و یا تحصیل می‌نموده‌اند، آن مرد این دختر را جهت محرمیت و عدم وقوع در گناه، بدون اذن پدرش به عقد موقّت خود درآورده هر چند به صرف محرمیت اکتفا نشده و تقبیل و لمس انجام داده‌اند با توجّه به این مقدّمه به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) آیا این دو گناهکارند و مرتکب معصیت گردیده‌اند؟

جواب: چنین عقدی خالی از اشکال نیست و به صورت نامحرم با یکدیگر رفتار کنند و برای رعایت احتیاط مرد باقیمانده مدّت را ببخشد.

ب) آیا مادر دختر به این مرد محرم شده است؟

جواب: در مورد مادر هم باید احتیاط کند.

سؤال ۶۱۱. آیا در عقد موقّت اطاعت از شوهر بر زوجه، همچون همسر دائمی، لازم است؟ در مورد مسافرت و خروج از منزل و کار در بیرون منزل چطور؟

جواب: واجب نیست؛ مگر در جایی که مزاحم حقّ شوهر باشد.

سؤال ۶۱۲. هنوز یک سال از مدّت عقد موقّت باقی مانده است، آیا جایز است برای چند سال دیگر عقد جاری گردد؟ یا باید مدّت مذکور تمام شود و سپس عقد مجدّد خوانده شود؟

جواب: باید باقیمانده مدّت از طرف مرد بخشیده شود و سپس عقد را برای مدّت مورد نظر تجدید کنند و یا مهلت دهند آن یک سال بگذرد و بعد تجدید عقد کنند، در عقد دائم بعد از عقد موقّت نیز حکم چنین است.

سؤال ۶۱۳. قبل از عقد موقّت مرد به زن نگاه و با او صحبت می‌کند، تا زمینه را

احکام خانواده، ص: ۲۵۵

برای ازدواج موقّت آماده سازد، آیا این عمل جایز است؟

جواب: این مقدار اشکال ندارد.

سؤال ۶۱۴. زن و مردی صیغه عقد غیر دائمی (موقّت) جاری می‌کنند؛ ولی مقدار، زمان و مهر را معین نمی‌کنند. بعد از آمیزش و نزدیکی می‌فهمند که این کار مشروع نبوده است. آیا این کار در حکم زناست و آنها گناهکار شناخته می‌شوند و بچّه به دنیا آمده نامشروع است؟ آیا جایز است که پس از عقد وقت و مهر را تعیین کنند، یا این که باید دوباره صیغه را به صورت صحیح جاری کنند؟

جواب: آنچه در حال ندانستن مسأله انجام داده‌اند، زنا نبوده و بچّه حلال‌زاده است؛ ولی احتیاطاً صیغه طلاق را جاری کنند و سپس می‌توانند عقد موقّت نمایند، و گذشتن زمان عدّه در این جا شرط نیست.

سؤال ۶۱۵. زنی متعه شده، و مدّت عقد و عدّه وی سپری شده است، ولی از همان مرد حامله شده، و فرزندی در شکم دارد. آیا همان شخص تا قبل از وضع حمل، می‌تواند دوباره او را صیغه نماید؟

جواب: شوهر اوّل می‌تواند مجدّداً او را متعه کند، ولی شخص دیگری حقّ ندارد با او ازدواج کند تا وضع حمل کند.

***

احکام خانواده، ص: ۲۵۷

۴

اهداف عقد موقّت

سؤال ۶۱۶. اگر شخصی با ترک ازدواج به حرام بیفتد و امکان ازدواج دائم را ندارد ولی ازدواج موقّت برایش امکان پذیر است چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: وظیفه او ازدواج موقّت است.

سؤال ۶۱۷. یکی از مسلّمات اسلام استحباب امر ازدواج است، و بر هر جوانی که در گناه می‌افتد واجب است به این امر مقدّس اقدام نماید. امّا امروزه شرایط ازدواج برای قشر وسیعی از جوانان به علل مختلف، از قبیل تحصیل، عدم بضاعت مالی، و پاره‌ای مشکلات دیگر مهیا نیست، و نمی‌توانند ازدواج کنند. از طرفی ترویج و اشاعه فساد اخلاقی در جامعه سبب شده جوانان به سختی خود را از گناهان بصری و سمعی و جسمی حفظ کنند، و گاه دچار ناراحتی‌های روحی و روانی شده، و گاه به گناهان زنا و لواط و مانند آن آلوده می‌گردند. حال سؤال بنده این است که با فرض مذکور:

الف) ازدواج موقّت برای جوانان مجرّد به منظور جلوگیری از آلودگی به گناهان چه حکمی دارد؟

ب) شیوع و ترویج متعه در جامعه و بین جوانانی که در گناه می‌افتند، یا مرتکب معاصی می‌شوند، چه حکمی دارد؟

ج) این امر (متعه) برای قشر تحصیل کرده، مخصوصاً طلّاب مجرّد، چه

احکام خانواده، ص: ۲۵۸

حکمی دارد؟

د) آیا راه حلّ مناسبی برای حلّ مشکلات ازدواج جوانان دارید؟

جواب: نکاح موقّت به یقین یک سنّت اسلامی است؛ ولی اگر امروز تحت برنامه حساب شده‌ای قرار نگیرد منشأ مفاسد زیادی خواهد شد.

سؤال ۶۱۸. اگر ازدواج موقّت به قصد محرم شدن نزدیکان آن دختر باشد جایز است؟

جواب: ازدواج موقّت هر چند برای لذّت بردن هم نباشد بلکه به قصد محرم شدن نزدیکان آن دختر باشد جایز است مشروط بر این‌که دختری را که به ازدواج موقّت در می‌آورند در حدّی باشد که قابل لذّت جنسی باشد، مثلًا اگر کوچک است باید وقت را به اندازه‌ای زیاد کنند که دوران آمادگی دختر را شامل شود، هرچند بعد از عقد باقیمانده مدّت را ببخشند.

سؤال ۶۱۹. پدر یا جدّ پدری می‌تواند برای محرم شدن با زنی او را به عقد موقّت پسر نابالغ خود؟

جواب: پدر یا جدّ پدری می‌تواند برای محرم شدن با زنی او را به عقد موقّت پسر نابالغ خود درآورد (به شرط این‌که مدّت عقد به اندازه‌ای باشد که پسر به حدّ بهره‌گیری جنسی برسد) و نیز می‌تواند دختر نابالغی را برای محرم شدن بستگان به عقد کسی درآورد (به همان شرط که در مورد پسر گفته شد) و در هر دو صورت بنابر احتیاط واجب باید عقد فایده‌ای برای آن دو داشته باشد و خالی از مفسده باشد.

سؤال ۶۲۰. نظر حضرتعالی در رابطه با ازدواج موقّت چیست؟ آیا آن را راه حلّ مناسبی برای جوانان، که مشکلاتی بر سر راه ازدواج دائم دارند و از طرفی می‌ترسند که به فساد کشیده شوند، می‌دانید؟

جواب: اگر با شرایط معقول و رعایت موازین شرعی انجام شود، و دستاویزی

احکام خانواده، ص: ۲۵۹

برای هوسبازی هوسبازان و فساد بیشتر نشود بیقین کارساز است؛ ولی این، کار بسیار دقیق و ظریفی است.

سؤال ۶۲۱. این جانب یکی از جانبازان انقلاب اسلامی هستم که از گردن به پایین فلج هستم و به هیچ وجه قادر به انجام کارهایم نیستم با توجّه به این که یکی از خواهران راضی است که جهت رضای خدا همه کارهایم غیر از مسائل جنسی را انجام دهد آیا راهی برای محرمیت ما وجود دارد؟

جواب: هرگاه صیغه عقد موقّت آن دختر (هر چند برای مدّت کوتاهی) برای پدر شما خوانده شود شما برای همیشه به او محرم خواهید شد، البتّه مانند محرمیت مادر و خواهر نه محرمیت همسر.

سؤال ۶۲۲. اگر پسر و دختری بخواهند از طریق ازدواج موقّت با همدیگر رابطه شرعی داشته باشند در صورت‌های زیر چه شرایطی معتبر است:

الف) اگر رابطه صرفاً رابطه متعارف شغل یا تحصیلی باشد.

ب) اگر رابطه صرفاً به خاطر استمتاع جنسی بدون دخول باشد.

ج) اگر رابطه به خاطر آمیزش جنسی (دخول) باشد.

جواب: عقد موقّت یک نوع بیشتر نیست و همه این آثار در آن جمع است مگر این که در ضمن عقد شرط کنند که آمیزش جنسی نباشد و در هر حال بنابر احتیاط واجب اذن پدر شرط است.

سؤال ۶۲۳. آیا برای مردی که همسر دائم دارد ازدواج موقّت جایز است؟

(حکم مسأله را در صورتی که همسر دوم در همان محل زندگی همسر دائم یا در محل دیگری زندگی کند بیان فرمایید).

جواب: اشکالی ندارد، لکن فقط در صورت ضرورت این کار را بکند.

سؤال ۶۲۴. حضرتعالی در مسأله ۲۰۷۱ توضیح المسائل فرموده‌اید: «ازدواج موقّت هرچند برای لذّت بردن هم نباشد، بلکه به قصد محرم شدن نزدیکان آن

احکام خانواده، ص: ۲۶۰

دختر باشد جایز است، مشروط بر این که دختری را که به ازدواج موقّت در می‌آورند در حدّی باشد که قابل لذّت جنسی باشد، مثلًا اگر کوچک است باید وقت را به اندازه‌ای زیاد کنند که دوران آمادگی دختر را شامل شود، هرچند بعد از عقد، مدّت را ببخشند» حال کسی به خاطر محرم شدن نزدیکان دختری که به حدّ بلوغ نرسیده، به مدّت کوتاهی صیغه عقد نکاح موقّت او را خوانده است و بعداً هم آن مدّت را می‌بخشد و آن قید که دختر در حدّی باشد که قابل لذّت جنسی باشد را در نظر نگرفته است، آیا نزدیکان آن دختر به این مرد محرم خواهند شد؟ آیا مادر آن دختر به پسران این مرد محرم خواهد بود؟ اگر نادیده گرفتن این قید در حین

اجرای عقد اصلًا ایجاد محرمیت نمی‌کند، آیا این پدر می‌تواند آن دختر را به ازدواج پسر خود درآورد؟
جواب: اگر می‌خواهند محرم بشوند احتیاط آن است که مجدّداً صیغه عقد متعه را با همان اوصافی که گفته شد بخوانند و الّا معامله محرم بودن با مادر او نکند؛ هرچند احتیاط آن است که آن دختر را برای فرزند خود نیز نگیرند.

***

احکام خانواده، ص: ۲۶۱

۵

شرایط عقد موقّت

سؤال ۶۲۵. زن می‌تواند در ازدواج موقّت شرط کند که شوهر با او نزدیکی نکند؟
جواب: زن می‌تواند در ازدواج موقّت شرط کند که شوهر با او نزدیکی نکند و تنها لذّت‌های دیگر ببرد، ولی اگر بعداً به این امر راضی شود مانعی ندارد.
سؤال ۶۲۶. اگر پسر و دختری بخواهند از طریق ازدواج موقّت (بدون استمتاع جنسی و آمیزش) رابطه متعارف شغلی، یا تحصیلی داشته باشند، آیا در دو فرض زیر اجازه پدر دختر شرط است؟
الف) امکان دسترسی به ولیّ دختر نیست و فرضاً ایجاد رابطه شرعی، ضروری و فوری است.
ب) امکان دسترسی هست؛ امّا ولیّ دختر بدون منطق مخالفت می‌کند، و اصلًا رضایت نمی‌دهد.
جواب: در هر صورت احتیاط واجب استیذان از ولیّ دختر است؛ ضمناً تجربه نشان داده است که این رابطه‌ها، مخصوصاً در جوانها، معمولًا در یک حدّ محدود و معینی ثابت نمی‌ماند، و تدریجاً توسعه می‌یابد و مایه مشکلات فراوانی می‌شود.
سؤال ۶۲۷. کسی که قصد ازدواج موقّت دارد، آیا می‌تواند بدون اطّلاع ولیّ
احکام خانواده، ص: ۲۶۲
دختر از او خواستگاری کند؟ در دو صورت باکره بودن و بیوه بودن زن، حکم آن را بیان فرمائید.
جواب: خواستگاری در هر صورت مانعی ندارد، ولی اجراء صیغه عقد بدون اذن ولیّ دختر باکره اشکال دارد، امّا در بیوه رضایت طرفین برای اجرای صیغه عقد کافی است.
سؤال ۶۲۸. اگر شخصی با زن بی شوهری ازدواج موقّت کند، و زن به برادرش اطّلاع ندهد، آیا این کار خیانت به برادر محسوب می‌شود؟ در صورتی که برادر با این ازدواج مخالف باشد و زن شرایط ازدواج موقّت را داشته باشد، عمل مذکور چه حکمی دارد؟
جواب: اجازه برادر معتبر نیست، و اطّلاع ندادن به او خیانت محسوب نمی‌شود؛ ولی مشورت با او مناسب است.
سؤال ۶۲۹. در صورت جایز بودن متعه اهل کتاب در کشورهای غربی آیا باید صیغه عقد به زبان عربی خوانده شود یا همان توافق بین ۲ نفر بر سر زمان و مهریه (در قالب هدیه) کفایت می‌کند؟
جواب: در صورتی که آشنا به عربی نباشد به هر زبانی جایز است ولی باید به آنها تفهیم گردد که عقد ازدواج در اسلام دو نوع است که یک نوع آن عقد موقّت است در برابر آن هدیه‌ای پرداخت می‌شود.
سؤال ۶۳۰. اگر مرد و زنی بخواهند ازدواج موقّت کنند، آیا لازم است به محضر ازدواج و طلاق بروند تا در آن جا صیغه خوانده

شود، یا این که خود مرد و زن می‌توانند شرایط همدیگر را قبول کنند و صیغه را بخوانند؟

جواب: احتیاط آن است که در این ایام در محضر رسمی ثبت کنند؛ خواه صیغه عقد را در محضر بخوانند، یا در خارج.

سؤال ۶۳۱. در صورتی که در ازدواج موقّت با اهل کتاب، زن بدون «مهر» نیز

احکام خانواده، ص: ۲۶۳

راضی باشد، آیا باز هم دادن مهر واجب است؟

جواب: دادن «مهر» واجب است، هرچند به این صورت گفته شود که در مذهب ما در مقابل ازدواج موقّت باید هدیه‌ای داد.

سؤال ۶۳۲. در این کشور (کانادا) افرادی هستند که اصلًا دین ندارند، آیا قبل از صیغه عقد موقّت لازم است از دین زن مورد نظر تحقیق کرد؟

جواب: آری، باید تحقیق کرد.

سؤال ۶۳۳. اهل کتاب و اهل سنّت، به صیغه (ازدواج موقّت) عقیده ندارند.

بنابراین در صورتی که زن از اهل کتاب یا اهل سنّت باشد صیغه‌ای که خوانده می‌شود، فقط لقلقه زبان است. آیا صیغه بدون اعتقاد، صحیح خواهد بود؟

جواب: اگر به خاطر اعتقاد شوهر اعلام آمادگی برای این امر کند، کافی است.

سؤال ۶۳۴. می‌دانیم عقد موقّت با زنی که در «عدّه» است، باطل می‌باشد. اهل کتاب اعتقاد به «عدّه» ندارند، آیا عقد موقّت با آنها، اگر در عدّه باشند، صحیح است؟

جواب: صیغه در حال «عدّه» جایز نیست.

سؤال ۶۳۵. آیا قبل از عقد موقّت باید تحقیق کرد که زن شوهر دارد یا نه؟

جواب: اگر خودش بگوید شوهر ندارم و در گفتارش متّهم نباشد، کافی است.

سؤال ۶۳۶. آیا مدّت ازدواج موقّت اندازه معین دارد؟ اگر قدر معینی ندارد چنانچه مدّت آن تمام عمر را در بر بگیرد، یا مدّت را بیشتر از عمر طبیعی بگذارند، بطوری که قطعاً می‌دانند آن مقدار زنده نمی‌مانند. آیا صحیح است؟

جواب: نکاح منقطع حدّ معینی ندارد؛ ولی اگر مدّت آن را بسیار طولانی قرار دهند (یا حتّی بیشتر از عمر طبیعی عادی مانند ۹۹ سال باشد احکام عقد دائم بر آن جاری کنند، بنابراین مردانی که برای فرار از زیر بار رفتن وظایف عقد دائم، صیغه موقّت ۹۹ ساله جاری می‌کنند فایده‌ای برای آنها ندارد.

احکام خانواده، ص: ۲۶۴

سؤال ۶۳۷. اگر زن و مردی مصمّم به ایجاد رابطه جنسی با یکدیگر باشند و فقط به دلیل گریز از عذاب وجدان (یا عذاب اخروی)، قبل از ایجاد رابطه مذکور، با وجود شرایط و نبودن موانع، صیغه عقد موقّت بخوانند، آیا عقدشان صحیح است؟ یا همچنان عملشان «فساد و فحشا» می‌باشد، چون نیتشان چیز دیگر بوده است؟

جواب: اگر صیغه عقد را با تمام شرایط بخوانند، عملشان مشروع است.

سؤال ۶۳۸. ازدواج موقّت با زنانی که معمولًا معروف به فساد هستند و یا شغل آنان روسپیگری می‌باشد، چه صورتی دارد؟ در صورت ناچاری چطور؟

جواب: در صورتی که واقعاً مشهور و معروف به فساد باشند، ازدواج با آنها اشکال دارد و اگر چنین نباشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۶۳۹. درباره ازدواج موقّت، همان گونه که در رساله‌ها بیان شده، اجازه پدر، یا جدّ پدری، برای دختر شرط است. حال اگر شخصی قصد داشته باشد با دختری ازدواج موقّت کند، و فقط از ناحیه دبر دخول کند، یا قصد آمیزش نداشته باشد، و فقط

می‌خواهند لذّت‌های دیگر ببرند، آیا باز هم اجازه پدر، یا جدّ پدری، واجب است؟

جواب: بدون اجازه پدر جایز نیست.

***

احکام خانواده، ص: ۲۶۵

۶

اختلاف زوجین در عقد موقّت

سؤال ۶۴۰. اگر عقدی واقع شده باشد، امّا اکنون زن مدّعی دوام و مرد مدّعی انقطاع است، این عقد از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: این عقد در حکم انقطاع است و باید مادام که مدّت عقد انقطاع وجود دارد احکام زوجیت اجرا شود و احتیاط مستحب آن است که در پایان مدّت، صیغه طلاق را نیز جاری کنند.

سؤال ۶۴۱. در اختلاف بین عقد موقّت و دائم حکم چیست؟ در صورت امکان دلایل آن را ذکر فرمایید:

جواب: ما در مسأله اختلاف در عقد دائم و موقّت، به سراغ الفاظ نمی‌رویم، و معتقدیم تفاوت این دو عقد از قبیل اقلّ و اکثر است. قدر متیقّن که اقل است را می‌گیریم، و اکثر را رها می‌کنیم؛ مگر این که دلیلی بر آن اقامه شود. و مسأله انقلاب عقد موقّت به دائم را در فرض ترک ذکر مدّت قبول نداریم، و قانون «العقود تابعه للقصود» را همه جا حاکم می‌دانیم

سؤال ۶۴۲. اگر شخصی زنی را صیغه کند، و آن زن بچّه‌ای به دنیا آورد، و مرد منکر شود. در صورت اثبات نسب، هرچند پس از ده سال، آیا تمام حقّ و حقوق این زن از قبیل حضانت، اجرت شیر دادن، نفقه طفل و مانند آن به او تعلّق می‌گیرد؟

احکام خانواده، ص: ۲۶۶

جواب: حقوق شرعیه این زن و بچّه بعد از اثبات ازدواج و تولّد، در هر حال ثابت است.

***

احکام خانواده، ص: ۲۶۷

بخش دهم:

اشاره

مسائل جنسی

احکام خانواده، ص: ۲۶۹

۱

شب زفاف

سؤال ۶۴۳. دعا و نماز شب زفاف چگونه است؟

جواب: در این مورد دو دستور صادر شده است:

الف) از امام محمّدباقر علیه السلام نقل شده است که وقتی عروس را به منزل آوردی، به وی بگو، وضو سازد و خودت نیز وضو بساز و دو رکعت نماز بگذارید؛ پس از آن، حمد و ستایش الهی را بجا آورید و بر محمّد و آل محمّد، صلوات بفرستید، و آنگاه (برای زندگی آسوده و پر معنویت) دعا کن و از زنانی که همراه عروس آمده اند، بخواه، آمین گویند. سپس این دعا را بخوان:

اللّهُمَّ ارْزُقْنی الْفَها وَوُدَّها وَرِضاها، وَارْضِنی بِها، وَاجْمَعْ بَیْنَنا بِاحْسَنِ اجْتِماع، وَانَسِ ائْتِلاف، فَانَّک تُحِبُّ الْحَلالَ، وَ تَکرَهُ الْحَرامَ.

«خدایا الفت و دوستی و رضایتش را روزیم کن و مرا از او راضی کن و گردآور میان ما به بهترین گردآوردن و مأنوس ترین سازش که تو دوست داری حلال را و ناخوش داری حرام را».[۱۱]

ب) از امام صادق علیه السلام نقل شده است که در شب «زفاف» هنگامی که به نزد عروس می‌روی، رو به قبله بنشینید و بگو:

اللّهُمَّ بِامانَتِک اخَذْتُها، وَبِکلِماتِک اسْتَحْلَلْتُها، فَانْ قَضَیتَ لی مِنْها وَلَداً، فَاجْعَلْهُ

احکام خانواده، ص: ۲۷۰

مُبارَکاً تَقِیاً مِنْ شیعَه آلِ مُحَمَّد، وَلاتَجْعَلْ لِلشَّیطانِ فیهِ شِرْکاً وَلانَصیباً.

«خدایا به امانت تو او را گرفتم و به کلمات تو حلالش کردم پس اگر از او فرزندی نصیبم کردی او را مبارک و با تقوا و از شیعیان آل محمّد قرار ده و برای شیطان در او شرکت و نصیبی قرار مده».[۱۲]

احکام خانواده، ص: ۲۷۱

۲

لذّت‌های مجاز و غیر مجاز

سؤال ۶۴۴. آیا مرد و زن می‌توانند هرگونه لذّتی از یکدیگر ببرند؟

جواب: زن و شوهر به هر شکلی که مایل باشند می‌توانند از یکدیگر لذّت ببرند، ولی شایسته است از کارهایی که با کرامت انسانی سازگار نیست پرهیز کنند.

سؤال ۶۴۵. نزدیکی در ایّام حیض چه حکمی دارد؟

جواب: تمکین به معنای آمیزش جنسی جایز نیست؛ ولی تمتعات دیگر مانعی ندارد.

سؤال ۶۴۶. آیا نزدیکی در زمان حیض کفاره دارد؟

جواب: بنابر احتیاط مستحب کفاره ۱۳] دارد.

سؤال ۶۴۷. کفاره نزدیکی در روز آخر حیض برابر ۴ /۵ نخود معادل چند گرم طلا است؟

جواب: نزدیک به یک گرم ونیم است.

سؤال ۶۴۸. نزدیکی از پشت برای زن و شوهر چه حکمی دارد؟

جواب: این کار بدون رضایت زوجه حرام، و با رضایت وی کراهت شدید

احکام خانواده، ص: ۲۷۲

دارد، و بعضاً منشأ بیماری های گوناگونی می‌شود.

سؤال ۶۴۹. خوردن شیر همسر چه حکمی دار؟

جواب: این کار شرعاً اشکالی ندارد.

سؤال ۶۵۰. در صورتی که زن در ساعات پایانی ایام حیض باشد آیا می‌تواند تا پایان این دوران از تمکین خودداری کند تا بتواند در لذت جنسی شریک باشد؟

جواب: در صورتی که هنوز حیض او تمام نشده، تمکین به معنای آمیزش جنسی جایز نیست ولی تمتعات دیگر مانعی ندارد.

سؤال ۶۵۱. اگر همسر انسان با قصد دو طرف برای بیرون آمدن منی با آلت او بازی کند چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۶۵۲. آیا در جایی که می‌دانیم آب نیست با همسر نزدیکی کرده و جنب شویم می‌توانیم برای نماز تیمّم کرد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۶۵۳. آیا استفاده از فیلم‌ها و مقالات نامشروع برای آموزش روابط جنسی جایزاست؟

جواب: جایز نیست و در دراز مدت آثار نامطلوبی دارد.

سؤال ۶۵۴. اگر زن به خاطر انجام مستحبات زیاد، دچار خستگی مفرط شود به طوری که مرد نتواند تمتّعات لازم را از او ببرد، آیا مرد حق دارد او را از انجام چنین مستحباتی نهی نماید و آیا اطاعت از شوهر در این جا لازم است؟

جواب: مرد نمی‌تواند او را نهی کند مگر به طور کلّی تمتّع از بین برود و در این صورت چون مزاحم حقّ شوهر است زن بدون اجازه او نمی‌تواند اقدام کند.

سؤال ۶۵۵. استفاده از وسایلی مثل قرص، اسپری یا پماد دارویی، برای تقویت قوّه شهوانی و لذّت بردن بیشتر در هنگام آمیزش جنسی با همسر، از نظر شرعی

احکام خانواده، ص: ۲۷۳

چه حکمی دارد؟

جواب: اگر موجب ضرر و مفسده‌ای نشود مانعی ندارد.

سؤال ۶۵۶. آیا زن حق دارد در برابر درخواست مرد برای تمکین در حد چند ساعت مهلت بخواهد؟ برای مثال بگوید بعد از انجام این تکلیف می‌آیم؟

جواب: در صورتی که وقت طولانی نباشد مانعی ندارد

سؤال ۶۵۷. آیا مرد نیز در قبال مطالبه همسر برای همبستری وظیفه ای دارد؟

جواب: در صورتی که همسر ممکن است به گناه بیفتد احتیاط واجب آن است که به خواسته او عمل کند.

سؤال ۶۵۸. آواز خواندن زن برای شوهرش چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که بدون آهنگ‌های مناسب لهو و فساد باشد اشکال ندارد.

***

احکام خانواده، ص: ۲۷۵

بخش یازدهم:

اشاره

جلوگیری

احکام خانواده، ص: ۲۷۷

۱

راه‌های جلوگیری از بارداری

سؤال ۶۵۹. جلوگیری از انعقاد نطفه، شرعاً چگونه است؟

جواب: برای جلوگیری از انعقاد نطفه هر وسیله‌ای که بی‌ضرر باشد، و باعث نقص مرد یا زن نشود، (مثل اینکه مرد یا زن برای همیشه از قابلیت تولید مثل بیفتد) مجاز است؛ ولی اگر مستلزم نظر یا لمس حرام باشد جایز نیست، مگر در موقع ضرورت.

سؤال ۶۶۰. آیا برای جلوگیری از بچّه‌دار شدن، جایز است لوله زنان یا مردان بسته شود؟

جواب: در مواردی که به تشخیص اهل خبره، کنترل جمعیت ضرورت داشته باشد، برای جلوگیری از انعقاد نطفه هر وسیله مشروعی که بی‌ضرر باشد و باعث نقص مرد یا زن نشود، (مثل اینکه مرد یا زن برای همیشه از قابلیت تولید مثل ساقط شوند) ذاتاً مجاز است، ولی اگر مستلزم نظر و لمس نامشروع باشد، تنها در صورت ضرورت فردی یا اجتماعی جایز است.

سؤال ۶۶۱. کلّاً بستن لوله‌های رحم از نظر شرع مقدّس اسلام در بیماری‌های مختلف چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه قابل بازگشت نباشد جایز نیست، و در صورت قابل بازگشت بودن جایز است (مشروط بر اینکه موجب لمس و نظر حرام نشود) ولی در

احکام خانواده، ص: ۲۷۸

موارد ضروری جایز است.

سؤال ۶۶۲. برخی از روشهای جلوگیری باعث عقیم شدن می‌گردد. چرا در جامعه ما این کار به طور مکرّر و به صورت عادی انجام می‌شود؟

جواب: انجام کارِ حرام دلیل بر مشروعیت آن نیست.

سؤال ۶۶۳. کپسول‌هایی به نام «نورپلانت» وجود دارد که در زیر پوست (بیشتر در قسمت‌های خارجی فوقانی) بازو کاشته می‌شود، و این یکی از روشهای جلوگیری از بارداری است. آیا شرعاً این عمل جایز است؟

جواب: در صورتی که ضرر قابل ملاحظه‌ای نداشته باشد و همسر راضی باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۶۶۴. استفاده از «»[۱۴] که اثر آن جلوگیری از لانه گزینی نطفه بسته شده است، چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه موجب لمس و نظر حرام نشود مانعی ندارد؛ مگر اینکه ضرورت فردی یا اجتماعی ایجاب کند.

سؤال ۶۶۵. کاندوم (قرار دادن روکش نازک پلاستیکی بر روی آلت تناسلی مرد در حین مقاربت) از وسایل جلوگیری از حاملگی است، استفاده از آن چگونه است؟ آیا رضایت همسر شرط است؟

جواب: استفاده از آن جایز است و رضایت همسر شرط نیست؛ ولی بدون اجازه او کراهت دارد.

سؤال ۶۶۶. داروهای تزریقی وجود دارد که از طریق عضلانی تزریق می‌شود، و برای مدّت معینی اثرات ضدّ حاملگی دارد. استفاده از این داروها چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که ضرر قابل ملاحظه‌ای نداشته باشد، و همسر راضی

احکام خانواده، ص: ۲۷۹

باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۶۶۷. در صورت ضرورت کنترل بارداری در زن و شوهر خاصّی، و عدم موفقیت آنها در رعایت مناسب سایر روشها، بستن لوله‌ها چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که خطری از ناحیه بارداری متوجّه مادر باشد مانعی ندارد.

سؤال ۶۶۸. آیا جواز شرعی برای وازکتومی (یعنی بستن لوله‌ها در مرد) جهت کنترل موالید و جلوگیری از رشد غیر متعارف جمعیت، عنوان حکم ثانوی داشته و با از بین رفتن ضرورت قابل لغو است؟

جواب: در صورتی که طبق تشخیص متخصّصان مورد اعتماد، ضرورت فردی یا اجتماعی اقتضا کند مانعی ندارد؛ در غیر این صورت جایز نیست.

سؤال ۶۶۹. بستن لوله‌های «منی بر» در مردان (وازکتومی) و لوله‌های «منی بر» در زنان (توبکتومی) که اکثراً موجب عقیمی دائمی می‌گردد چه حکمی دارد؟

جواب: اگر موجب عقیم شدن دائم است اشکال دارد.

سؤال ۶۷۰. حکم کاهش رشد جمعیت با استفاده از قرصهای ضدّ حاملگی و اعمال جرّاحی چیست؟

جواب: برای جلوگیری از انعقاد نطفه، هر وسیله مشروعی که بی‌ضرر باشد و باعث نقص مرد یا زن نشود (مثل اینکه مرد یا زن برای همیشه از قابلیت تولید مثل ساقط شود) ذاتاً مجاز است، ولی اگر مستلزم نظر و لمس نامشروع باشد، تنها در صورت ضرورت فردی یا اجتماعی جایز است

سؤال ۶۷۱. بستن لوله‌های رحم باعث قطع دائم حاملگی در خانم‌ها می‌شود و در شرایط ایده‌آل شانس برگشت، با عمل جراحی مجدّد، حدوداً ۵۰٪ است.

این عمل چه حکمی دارد؟

جواب: در غیر حال ضرورت، اشکال دارد.

احکام خانواده، ص: ۲۸۰

سؤال ۶۷۲. حکم عزل (که مرد هنگام آمیزش، نطفه خود را خارج از رحم بریزد) چیست؟ آیا رضایت زن شرط است؟

جواب: اشکال ندارد، ولی مکروه است؛ مگر در مواردی که ضرورتی باشد، و رضایت زوجه شرط نیست، مگر در آمیزش واجب که در هر چهار ماه واجب است که عزل در آن اشکال دارد.

سؤال ۶۷۳. جهت بستن لوله‌های رحمی «»[۱۵] روش «لاپاراسکوپی» می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد (این کار با برشهای حدود نیم

تا یک سانتیمتری از روی شکم انجام می‌شود) حکم این روش ذاتاً چیست؟

جواب: چنانچه این روش مانند سایر روش‌ها سبب عقیم شدن باشد جایز نیست؛ مگر در موارد ضرورت.

سؤال ۶۷۴. در سؤال فوق با توجّه به پوشیده بودن بدن بیمار و فرستادن وسایل «لاپاراسکوپی» از منفذهای نیم تا یک سانتیمتری به داخل شکم بیمار و عدم لزوم لمس و نظر، آیا پزشک مرد می‌تواند به این عمل اقدام کند (با توجّه به آماده کردن محیط عمل تا پوشش کامل، توسّط خانم‌ها)؟

جواب: اگر لمس و نظر لازم نیاید، از این جهت مشکلی نیست.

سؤال ۶۷۵. در کل، با توجّه به سؤالات مطروحه، در صورتی که حضرتعالی ارشاد و نظر خاصّی دارید، لطفاً جهت استفاده پزشکان بفرمایید.

جواب: توصیه حقیر این است که باید در مسأله کنترل موالید، مانند همه مسائل اجتماعی، از افراط و تفریط پرهیز کرد، و تنها مسائل کوتاه مدّت را در نظر نگیرند، و به واقعیت‌ها توجّه کنند؛ نه شعارها.

احکام خانواده، ص: ۲۸۱

۲

جلوگیری‌های مجاز

سؤال ۶۷۶. بچّه دار شدن برای مبتلایان به بیماری ایدز مضر است، آیا در این حالت شوهر می‌تواند لوله‌های خود را ببندد؟

جواب: اگر زیان مهمّی داشته باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۶۷۷. اگر حمل زن، موجب ناقص الخلقه شدن کودک گردد، آیا بستن لوله واجب نمی‌شود؟

جواب: هرگاه خوف ضرر و خطر قابل ملاحظه‌ای، هرچند نسبت به بچّه وجود داشته باشد، جایز است.

سؤال ۶۷۸. در مواردی که حاصل حاملگی جنین‌های دارای نقص در خلقت یا بیماری ژنتیکی است، آیا می‌توان با بستن لوله‌های زن یا مرد اقدام به جلوگیری از حاملگی بعدی کرد؟

جواب: هرگاه خوف ضرر و خطر قابل ملاحظه‌ای، هر چند نسبت به بچه وجود داشته باشد، جایز است.

سؤال ۶۷۹. با توجّه به منابع علمی پزشکی معتبر در مورد مادرانی که بیش از پنج زایمان داشته، و دارای سن بالاتر از ۳۵ سال می‌باشند، مبنی بر اینکه اگر حامله شوند در معرض خطرات جسمی قرار دارند، آیا مجاز به بستن لوله‌های رحم هستند؟

احکام خانواده، ص: ۲۸۲

جواب: چنانچه خطر قطعی یا احتمال قابل ملاحظه‌ای باشد جایز است.

سؤال ۶۸۰. پس از آزمایشات معلوم شد فرزندان آینده زن و شوهری از نظر ژنتیکی تالاسمی خواهند داشت. امّا به خاطر محبّت زیاد با هم ازدواج نموده، مادام‌العمر جلوگیری می‌کنند. آیا این کار جایز است؟

جواب: در صورتی که واقعاً احساس خطری برای فرزند کنند، جلوگیری مادام‌العمر مانعی ندارد.

سؤال ۶۸۱. اگر دکترها به خانمی بگویند که حاملگی برایت خطرهایی دارد، آیا زن می‌تواند لوله‌های رحم خود را ببندد اگرچه مستلزم عقیم شدن دائم و یا مستلزم نظر و لمس حرام باشد؟ آیا این از مصادیق اضطرار است؟

جواب: در صورتی که از گفتار دکترها خوف خطر حاصل شود، مجاز هست.

***

احکام خانواده، ص: ۲۸۳

۳

احکام جلوگیری از بارداری

سؤال ۶۸۲. با توجّه به بند ب از مادّه (۱۴) و بند ه از مادّه (۱۶) کنوانسیون «محو کلّیه اشکال تبعیض علیه زنان» که حقّ تصمیم‌گیری در مورد تعداد فرزندان، فواصل بارداری و تنظیم خانواده را برای زنان مطرح می‌کند، آیا زن بدون رضایت همسرش می‌تواند اقدام به بستن لوله رحم، استفاده از داروها و روشهای ضدبارداری، و تنظیم فواصل بارداری کند؟

جواب: این کار جایز نیست؛ مگر اینکه خطر قابل ملاحظه‌ای سلامت زن را تهدید کند.

سؤال ۶۸۳. آیا مرد می‌تواند به زن دائمی خود بگوید نباید بچّه دار شوی؟

جواب: زن را نمی‌توان مجبور کرد که مثلًا لوله‌های خود را ببندد؛ حتّی نمی‌توان او را مجبور کرد که به وسیله قرص و مانند آن جلوگیری کند. ولی مرد می‌تواند با خوردن دارو، یا استفاده از آمپول، یا مانند آن، موقّتاً از انعقاد نطفه جلوگیری نماید.

سؤال ۶۸۴. در صورتی که بستن لوله‌های زن یا مرد اجازه داده شود، حقّ تقدّم با کدام است؟

جواب: در شرایط مساوی بعید نیست مرد مقدم باشد.

سؤال ۶۸۵. هرگاه پزشک، مرد یا زنی را عقیم کند، آیا باید دیه بپردازد؟

احکام خانواده، ص: ۲۸۴

جواب: دیه ندارد، ولی اگر قابل بازگشت نباشد شرعاً جایز نیست.

سؤال ۶۸۶. در مورد پزشکی که در استخدام دولت می‌باشد، بفرمایید:

الف) اگر از طرف دولت موظّف شود که برای کنترل موالید، مردان و زنان را عقیم کند چه تکلیفی دارد؟

جواب: هرگاه کارشناسان متدین ضرورت این کار را تصدیق کنند مانعی ندارد.

ب) اگر طبیب را برای انجام این کارها مجبور نمودند در چه مرحله‌ای از اجبار، چنین اقدامی برای وی معصیت محسوب نمی‌گردد؟

جواب: اگر منظور از اجبار این است که شغل خود را از دست می‌دهد، نباید تن به کار حرام بدهد.

ج) آیا در مورد اجبار، طبیب ضامن خواهد آمد؟

جواب: طبیب در این حال ضامن است.

سؤال ۶۸۷. قرار دادن «نورپلانت» توسّط پزشک زن که فقط سطح خارجی بازو را مشاهده می‌کند، چه حکمی دارد؟ آیا در صورت پوشیدن دستکش توسّط طبیب و پوشش کامل زن، به جز محلّ عمل (حدود چند سانتیمتر روی بازو)، پزشک مرد می‌تواند به این کار اقدام کند؟

جواب: در صورت ضرورت اشکال ندارد.

سؤال ۶۸۸. خانمی برای جلوگیری از بارداری می‌خواهد دستگاه بگذارد، و برای این کار دکتر زن باید به عورت او نگاه و آن را لمس نماید. با توجّه به این دو نکته غیر مجاز، و اینکه جلوگیری از بارداری معالجه نیست، آیا این کار جایز است؟

جواب: اگر ضرورت فردی یا اجتماعی نباشد جایز نیست؛ و در صورت ضرورت (به تشخیص اطبّای مورد وثوق) جایز است.

احکام خانواده، ص: ۲۸۵

سؤال ۶۸۹. در صورتی که پزشکان متخصّص زنان و زایمان در مورد حاملگی به خانمی اعلام خطر کنند، (خطرات جانی و جسمی و مشکلات احتمالی برای جنین) آیا در این‌گونه موارد اضطرار تحقّق یافته است؟

جواب: هرگاه پزشکان مزبور در کار خود حاذق و از نظر صداقت و تعهّد مورد تأییدند، تشخیص آنها در مورد انواع جلوگیری‌هایی که در بالا ذکر شد، کافی است.

سؤال ۶۹۰. جهت بستن لوله‌های رحم، () حین عمل، هیچ الزامی بر مشاهده عورت خانم‌ها وجود ندارد، و عمل از طریق شکم صورت می‌گیرد. آیا انجام عمل توسّط پزشک زن مانعی ندارد؟ (با توجّه به اینکه لمس و نظر در ناحیه شکم صورت می‌گیرد)

جواب: از نظر لمس و نظر مشکل نیست.

سؤال ۶۹۱. خانمی است که به علّت دیگری تحت عمل جرّاحی قرار گرفته، و شکم وی باز شده است. با توجّه به باز بودن شکم، بستن لوله‌ها چه حکمی دارد؟ آیا باز هم مسأله لمس و نظر مطرح است؟ در صورتی که پزشک مرد مسئول جرّاحی مشکل اوّلیه بیمار باشد چطور؟

جواب: لمس و نظر باید به مقدار ضرورت باشد، و بیش از آن مجاز نیست.

علاوه بر آنکه احراز شرایط فوق و رضایت بیمار و همسرش نیز لازم است.

سؤال ۶۹۲. در صورتی که شکم زن بیمار توسّط دستیار زن باز شود، آیا پزشک مرد می‌تواند با دستکش، به عمل بستن لوله‌ها بپردازد، با توجّه به اینکه نظر به پوست ظاهر شکم صورت نمی‌گیرد، و بیشتر داخل شکم مشاهده می‌گردد؟

جواب: تنها در موارد ضرورت جایز است.

سؤال ۶۹۳. «» برای جلوگیری از حاملگی در زنان استفاده می‌شود. این وسیله بایستی از طریق مهبل در داخل رحم گذارده شود، و غالباً متخصّصین زن

احکام خانواده، ص: ۲۸۶

می‌توانند مبادرت به این کار نمایند؛ ولی زنان کافی در تمام مراکز بهداشتی- درمانی و یا بیمارستانها، برای این کار آموزش داده نشده‌اند، انجام این کار توسّط پزشک مرد چه حکمی دارد؟ در صورتی که این کار توسّط زن صورت گیرد، آیا مشاهده توسّط دانشجویان پزشکی پسر به منظور یادگیری اشکال دارد؟

جواب: این کار جز در موارد ضرورت جایز نیست. و اگر ضرورتی باشد، مادام که دسترسی به جنس موافق است، مراجعه به جنس مخالف جایز نمی‌باشد.

سؤال ۶۹۴. شخصی از نظر مرجع تقلیدش اطّلاع نداشته، و اقدام به بستن لوله‌های خود نموده است. آیا پس از اطلاع از حرمت، باید جبران کند؟

جواب: لازم نیست.

سؤال ۶۹۵. تبلیغ و ترویج مردم مسلمان ایران در امر جلوگیری و کنترل جمعیت به عنوان یک کار فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه ایرانی در منابر و محافل دینی، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که اهل خبره و کارشناسان متدین، مسأله کنترل و محدود ساختن موالید را یک ضرورت اجتماعی تشخیص دهند، شرعاً می‌توان به‌طور موقّت با آن موافقت کرد، و یا در صورت لزوم به طور حساب شده از آن تبلیغ نمود. در ضمن باید توجّه داشت که افزایش نسل به عقیده هیچ کس جزء واجبات نیست، بنابراین محدود ساختن، حرام نمی‌باشد، مگر در مناطقی که

تغییر بـافت جمعیتی به زیـان مسـلمین یـا پیروان مکتب اهـل‌بیت علیهم السـلام باشـد، که در چنین مواردی بایـد برنامه کنترل موالید تعطیل شود.

در ضـمن باید در موارد کنترل جمعیت به جای افزایش کمّی به سراغ افزایش کیفی رفت، تا مسلمانانی عالمتر و کارآمدتر به جامعه اسـلامی تحویل داده شوند، و عزّت و عظمت مسـلمین حفظ شود. و نیز باید توجه داشت که در مواردی که طبق تشخیص اهل خبره متعهد، کنترل جمعیت ضروری است، باید حتماً از وسایل مشروع استفاده کرد، نه از وسایل نامشروعی مانند سقط جنین و امثال آن.

احکام خانواده، ص: ۲۸۷

بخش دوازدهم:

اشاره

تلقیح و باروری مصنوعی

احکام خانواده، ص: ۲۸۹

۱

اشاره

تلقیح مجاز

۱. مادر جانشین

سؤال ۶۹۶. رحم بانویی به هر علّت قادر بر نگاهداری جنین نیست، و آن را سقط می‌کند. با آمیزش تخمک وی و نطفه شوهرش در آزمایشـگاه، و انتقـال جنین به رحم زن دیگری که شوهر نـدارد (وبه اصـطلاح مادر جانشـین، یا مادر قائم مقام نامیـده می‌شود) بچّه رشـد نموده، و به موقع، متولّـد می‌شود، و برابر قرار داد اجرت معینی به مـادر جانشـین داده می‌شود، تـا کودک تحویـل زن و شوهر گردد. آیا این کار جایز می‌باشد؟

جواب: این کار ذاتاً مانع شـرعی ندارد، ولی مستلزم مسائل جنبی حرامی از قبیل لمس و نظر کردن است. بنابراین، هرگاه این کار به وسـیله محرمی ماننـد شـوهر انجـام شـود، به این صورت که نطفه خود و یکی از دو همسـرش را بگیرد، و ترکیب نمایـد، و در رحم همسـر دیگر (هرچنـد عقـد موقّتی با او خوانده باشد) کشت کند، مرتکب حرامی نشده‌اند. در غیر این صورت، برای مجاز بودن این محرّمات جنبی باید ضرورتی وجود داشته باشد.

سؤال ۶۹۷. در فرض سؤال قبـل، بـا وجـود اینکه این کودک در رحم مـادر جانشـین بزرگ شـده، امّـا دارای صـفات ارثی زن اوّل می‌باشد. با توجّه به آیه دوم سوره مبارکه مجادله، به کدام یک از این دو زن تعلّق دارد، و وارث کدام یک از آنهاست؟

احکام خانواده، ص: ۲۹۰

جواب: این فرزند متعلّق به صاحبان نطفه، و با آنها محرم است، و از آنها ارث می‌برد. و مورد مادر جانشین به منزله فرزند رضاعی او

است، بلکه در بعضی جهات نسبت به آن اولویت دارد؛ چرا که تمام گوشت و استخوان او از وی روییده است. بنابراین حرام است که بعداً با آن زن و فرزندان او ازدواج کند، امّا ارث نمی‌برد.

سؤال ۶۹۸. در موردی که تخمک زن سالم است، امّا رحم قدرت نگهداری و پرورش جنین را ندارد، اگر اسپرم شوهر با تخمک زن در آزمایشگاه ترکیب شود، و سپس نطفه ترکیب شده یا جنین حاصله در آزمایشگاه به رحم زن دیگری منتقل گردد، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا این امر جایز می‌باشد؟

جواب: این کار ذاتاً جایز است، امّا چون معمولًا موجب نظر و لمس حرام است، تنها در موارد ضرورت جایز است.

ب) آیا اجازه صاحب رحم لازم است؟

جواب: آری لازم است.

ج) زنی که نطفه ترکیب شده یا جنین در رحم او قرار می‌گیرد، آیا می‌تواند جهت انجام این عمل درخواست اجرت کند؟

جواب: مانعی ندارد.

د) رابطه شرعی کودک متولّد شده، از نظر نسب مادری، با صاحب رحم و زن صاحب تخمک چگونه است؟

جواب: زن صاحب تخمک مادر اوست، و زن صاحب رحم به منزله مادر رضاعی می‌باشد، و به او محرم است.

ه) رابطه شرعی این کودک از نظر نسب، ارث، محرمیت و نکاح با شوهر زن صاحب رحم چگونه است؟

احکام خانواده، ص: ۲۹۱

جواب: فقط نسبت به او محرم است.

سؤال ۶۹۹. بچّه دار شدن تعدادی از زوجین به دلایل طبّی، به طور طبیعی مشکل بوده، و لازم است که از روشهای درمانی مختلف برای کمک به آنها استفاده شود. یکی از این روشها، لقاح خارج از رحمی می‌باشد؛ به این معنا که تخمک را از زوجه و نطفه را از شوهرش گرفته و آنها را با هم مخلوط نموده، تا از اختلاط و امتزاج تخمک و نطفه، جنین حاصل شود، سپس این جنین به رحم زوجه منتقل شود، تا حاملگی و بعد زایمان صورت گیرد. لازم به تذکر است که جنین‌ها هنگام انتقال به رحم، فقط ۲۴ تا ۴۸ ساعت از زمان لقاحشان گذشته، و دارای ۴ الی ۸ سلول می‌باشند. گاهی از اوقات، تعداد جنین‌های حاصل از نطفه زن و شوهر بیش از حدّ نیاز است، که در این صورت اضافه بر نیاز منجمد شده، و پس از زایمان زن با رضایت زوجین، جنین‌ها از رده خارج و دور ریخته می‌شود. از طرف دیگر، تعدادی از زوجها وجود دارند که به دلایل طبّی، به هیچ وجه صاحب فرزند نمی‌شوند؛ امّا برای برخی از آنها، این امکان از نظر طبّی وجود دارد که جنین‌های مازاد دسته اوّل را در صورت عدم نیاز زوجین، به رحم آنان انتقال داد. سؤالاتی که در این زمینه مطرح می‌شود عبارتند از:

الف) انتقال این جنین‌های بارور نشده به رحم زن ثالث از نظر شرعی چگونه است؟

جواب: این کار ذاتاً مانع شرعی ندارد؛ ولی چون مستلزم لمس و نظر حرام است تنها در صورت ضرورت جایز می‌باشد.

ب) در صورت عدم نیاز زوجین به جنین خود، آیا موافقت آنها برای هدیه جنین به غیر لازم است؟

جواب: آری، لازم است.

ج) آیا والدین صاحب جنین می‌توانند در ازای اهدای جنین خود وجهی

احکام خانواده، ص: ۲۹۲

دریافت نمایند؟

جواب: بهتر این است که چیزی نگیرند.

د) آیا ارائه مشخّصات اهداکنندگان جنین به دریافت‌کنندگان و برعکس لازم است؟

جواب: نظر به اینکه فرزند مزبور تعلّق به صاحبان اصلی نطفه دارد، لازم است هویت آنها ثبت شود و به اطّلاع برسد.

ه) در صورتی که فرزند پسر باشد، آیا با زنی که در رحم او بزرگ شده، محرم است؟

جواب: آری، محرم است.

و) در صورت دختر بودن فرزند، آیا با شوهر مادر جانشین محرم است؟

جواب: آری، محرم است.

ز) والدین فرزند حاصل چه کسانی هستند؟

جواب: پدر و مادر او صاحبان نطفه‌اند، هرچند به زن ثالث نیز محرم می‌باشد.

ح) ارث این بچّه‌ها پس از تولّد چگونه است؟

جواب: فقط از صاحبان نطفه ارث می‌برند.

ط) در صورت موافقت قبلی والدین صاحب جنین (صاحب نطفه و تخمک) در اهدای جنین خود، آیا می‌توانند پس از تولّد نوزاد و یا سال‌ها بعد، از شخص ثالث متقاضی استرداد طفل شوند؟

جواب: احتیاط آن است که با رضایت مادرِ جانشین، بچّه را بگیرند.

سؤال ۷۰۰. لطفاً در مورد انتقال جنینِ تکوین یافته از اسپرم و تخمک زوج قانونی در خارج از رحم، به رحم زن اجنبی (مادر جانشین) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) این کار از لحاظ تکلیفی چه حکمی دارد؟

احکام خانواده، ص: ۲۹۳

جواب: این امر ذاتاً جایز است؛ ولی چون غالباً مستلزم نگاه و لمس حرام است، جز در موارد ضرورت جایز نیست.

ب) مادر طفل تولّد یافته کدام زن است؟ آیا می‌توان مادر جانشین را در حکم مادر رضاعی دانست؟

جواب: صاحبان اسپرم و تخمک، پدر و مادر حقیقی فرزند متولّد شده هستند. و مادر جانشین در حکم مادر رضاعی است.

ج) آیا مجرّد یا متأهّل بودن زن اجنبی (مادر جانشین)، علم و جهل مادر جانشین، مجّانی یا غیر مجّانی بودن رحم، تأثیری در احکام مربوطه می‌گذارد؟

جواب: هیچ کدام تفاوتی ندارد، ولی اگر مادر جانشین شوهر دارد، باید با اجازه شوهرش باشد.

۲. تولید فرزند فقط با اسپرم مرد در رحم مصنوعی

سؤال ۷۰۱. اگر علم در آینده آن قدر پیشرفت کند که اسپرم مرد را بدون ترکیب با نطفه زن، در رحم مصنوعی پرورش دهند، حکم آن چه خواهد بود؟

احکام خانواده ؛ ص۲۹۳

جواب: آن مولود فقط منسوب به صاحب اسپرم است؛ ولی فرزند شرعی او محسوب نمی‌شود.

۳. تولید فرزند با استفاده از دانه‌ها و محصولات نباتی

سؤال ۷۰۲. اگر علم تا آنجا پیشرفت کند که اسپرم و نطفه را از دانه‌ها و محصولات نباتی و مانند آن بگیرند و به زن تلقیح کنند، و

نوزاد مصنوعی به عمل آورند، در این صورت کودک متعلّق به چه کسی است؟

جواب: این کودک فقط باآن زن محرم‌است، ولی ارث بردن‌او از آن زن ثابت نیست.

احکام خانواده، ص: ۲۹۴

۴. تولید فرزند با اسپرم و نطفه نباتی در رحم مصنوعی

سؤال ۷۰۳. اگر نطفه و اسپرم را از فرآورده‌های نباتی تهیه، و آن را در رحم مصنوعی پرورش دهند، و از آن کودکی به عمل آورند. نوزاد به چه کسی ملحق می‌شود؟

جواب: این نوزاد متعلّق به کسی نیست؛ یعنی نه پدر دارد و نه مادر.

۵. طلاق از شوهر اوّل و ...

سؤال ۷۰۴. مرد نطفه ندارد، و لذا همسرش را طلاق داده است. اگر این زن به صیغه مردی درآید، سپس نطفه شوهر جدید و آن زن را ترکیب کنند، و زن بعد از پایان صیغه و عدّه به عقد شوهر اوّل درآید، و بعداً آن نطفه را به رحم زن تزریق کنند، این کار چه حکمی دارد؟ و در هر صورت پدر و مادر آن بچّه کیست؟

و ارث و محرمیت به چه صورت است؟

جواب: اگر ضرورت ایجاب کند جایز است، ولی فرزند به صاحبان اصلی نطفه تعلّق دارد.

۶. لقاح خارج رحمی

سؤال ۷۰۵. تلقیح اسپرم و تخمک زن و شوهر شرعی در خارج از بدن و جایگزینی آن در رحم همان زن چه حکمی دارد؟ آیا کودک حاصل حلال زاده است؟

جواب: این کار ذاتاً اشکالی ندارد؛ ولی چون معمولًا مستلزم نظر و لمس حرام است، تنها در صورت ضرورت جایز می‌باشد. (منظور از ضرورت این است که مثلًا اگر این کار انجام نشود زندگی زناشویی آن مرد و زن مختل، و یا زن گرفتار بیماری می‌شود). و در هر حال فرزند مذکور حلال زاده است.

احکام خانواده، ص: ۲۹۵

سؤال ۷۰۶. تلقیح اسپرم و تخمک زن و شوهر شرعی و رشد جنین در محیط غیر انسانی چه حکمی دارد؟ آیا کودک حاصل از این عمل حلال زاده است.

جواب: با همان شروطی که در بالا گفته شد اشکالی ندارد، و فرزند مذکور حلال زاده است.

***

احکام خانواده، ص: ۲۹۷

۲

اشاره

تلقیح غیر مجاز

۱. تلقیح نطفه متوفّی به زوجه‌اش

سؤال ۷۰۷. نطفه مرد از نظر علمی تا ۷۲ ساعت پس از مرگ دارای حیات کامل است. اگر زوجه درخواست تلقیح مصنوعی از شوهر متوفّای خود داشته باشد، آیا اطبّا مجاز به این کار هستند؟ لازم به ذکر است که این عمل بعضاً در کشورهای خارجی اعمال می‌گردد، و عمدتاً در مواردی است که زوجه از زوج فرزندی نداشته، و زوج در همان اوایل ازدواج به هر دلیلی از دنیا رفته است.

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۷۰۸. اسپرم زوج با رضایت او و به طریق اصول پزشکی گرفته شده تا به زوجه او تلقیح شود، امّا قبل از این کار از دنیا رفته است. و پس از فوت شوهر تلقیح صورت گرفته، و فرزند به دنیا آمده است. آیا فرزند مذکور فرزند مشروع همان زوج است و از او ارث می‌برد؟

جواب: این کار مجاز نبوده است؛ ولی چنانچه نمی‌دانستند فرزند مزبور حلال‌زاده است و احکام محرمیت را دارد و از مادرش ارث می‌برد، ولی از پدر ارث نمی‌برد.

۲. پیوند تخمدان زن اجنبیه به زوجه

سؤال ۷۰۹. در مورد پیوند تخمدان زن اجنبی (مانند پیوند کلیه) برای باردار

احکام خانواده، ص: ۲۹۸

شدن زوجه، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا این کار جایز است و دیه دارد؟

ب) آیا تخمدان را می‌توان فروخت؟

ج) حکم اولاد زوجه چگونه است؟

د) آیا زن اجنبی حقّی مانند مادر بودن پیدا می‌کند؟

جواب: چنانچه ضرورتی برای این کار نباشد از آن صرف نظر شود. و اگر ضرورتی وجود دارد، بعد از پیوند این عضو جزء بدن آن زن می‌شود، و فرزند مال خود اوست. و در فرض فوق دیه ندارد، و خرید و فروش آن جایز است؛ هرچند بهتر است که پول را در مقابل اجازه برداشتن عضو مزبور بگیرد، نه در مقابل خود آن.

۳. استفاده از نطفه‌های موجود در بانک نطفه

سؤال ۷۱۰. بعضی از مؤمنین و مؤمنات، که از حیث نطفه نقایصی دارند، برای اولاددار شدن به مراکز ناباروری مراجعه می‌کنند. آیا می‌توان از نطفه هایی که در بانک نطفه نگهداری می‌شود، در لقاح مصنوعی با منی خود آنها ممزوج، و شرایط لقاح را فراهم، و با دستگاه در رحم همسرانشان قرار داد؟ در صورتی که به طور کلّی در منی آنها اسپرم و تخمک وجود نداشته باشد، آیا می‌توانند از اسپرمها و تخمکهای مجهول الهویه موجود در بانک نطفه استفاده نمایند؟

و چنانچه در دو فرض فوق فرزندی به وجود آید، متعلّق به چه کسی خواهد بود؟

جواب: استفاده از نطفه بیگانه برای صاحب فرزند شدن جایز نیست، و تولّد فرزند باید مستند به ازدواج صحیح شرعی باشد. ولی

اگر چنین عملی انجام شود، فرزند متعلّق به صاحبان نطفه است، و نسبت به مادری که در رحم او کشت شده نیز محرم می‌باشد، بی آنکه از او ارث ببرد.

احکام خانواده، ص: ۲۹۹

۴. تلقیح نطفه اجنبی به اجنبیه

سؤال ۷۱۱. مردی عقیم، ولی زن او سالم و قدرت باروری دارد. اگر اسپرم مرد دیگری در آزمایشگاه با تخمک زن مذکور ترکیب، سپس نطفه ترکیب یافته در رحم زن نهاده شود، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا این کار جایز است؟

جواب: جایز نیست.

ب) آیا این امر زنا محسوب می‌شود؟

جواب: زنا نیست؛ ولی از جهاتی شبیه زناست.

ج) آیا مشخّص بودن یا ناشناس بودن دهنده اسپرم در حکم مسأله تأثیری دارد؟

جواب: هیچ تأثیری ندارد.

د) رابطه شرعی کودک با شوهر زن از لحاظ ارث، محرمیت و نکاح چگونه خواهد بود؟

جواب: رابطه‌ای با او ندارد؛ جز اینکه فرزند طبیعی همسر اوست، و با او محرم می‌باشد.

ه) رابطه شرعی کودک با مرد صاحب اسپرم از نظر ارث، محرمیت و نکاح چگونه می‌باشد؟

جواب: به منزله فرزند نامشروع اوست که محرم است؛ ولی از یکدیگر ارث نمی‌برند.

سؤال ۷۱۲. هشت سال است ازدواج کرده، ولی بچّه دار نمی‌شوم. مشکل از ناحیه شوهرم است، و هیچ امیدی به بچّه دار شدن من نیست، آیا می‌توان از نطفه مرد دیگری استفاده کرد؟ به گونه‌ای که دو طرف همدیگر را نبینند، و اسپرم مرد را در مطب دکتر به زن تزریق کنند. در ضمن شنیده‌ام که گفته‌اند این عمل چون

احکام خانواده، ص: ۳۰۰

برای جلوگیری از طلاق است، و دو طرف همدیگر را نمی‌بینند، اشکالی ندارد، و مانند خونی است که از شخصی گرفته، و به شخص دیگری تزریق می‌کنند، و لهذا از نظر شرعی حلال است. آیا چنین چیزی صحّت دارد؟

جواب: این کار گناه دارد و جایز نیست؛ مگر اینکه شما از شوهرتان طلاق بگیرید؛ و بعد از گذشتن عدّه به عقد موقّت مثلًا یک روزه مردی درآیید، هرچند او را هرگز ندیده و نبینید، و نطفه آن مرد را در مطب دکتر گرفته و به شما تزریق کنند، و بعد از تولّد فرزند مجدّداً به عقد شوهرتان درآیید. در غیر این صورت جایز نیست.

سؤال ۷۱۳. آیا می‌توان اسپرم مرد و زن اجنبی را در لوله آزمایش قرار داد؟ اگر فرزندی متولّد شود متعلّق به کیست؟ آیا حکم ولد الزنا را دارد؟

جواب: این کار جایز نیست و اگر فرزندی متولّد شود در بسیاری از احکام تابع صاحبان نطفه است؛ ولی از آنها ارث نمی‌برد.

۵. یک راه حلّ مناسب!

سؤال ۷۱۴. زنی ۲۶ ساله هستم. قبل از ازدواج دردهای شدید ماهیانه داشتم. دکترها گفتند: مشکلات شما با ازدواج و زایمان حل می‌شود. بدین جهت ۶ سال پیش ازدواج کردم، و چون درد زیادی متحمّل می‌شدم، تصمیم گرفتم که زود بچّه‌دار شوم، ولی

متأسّفانه ۹ ماه پس از ازدواج متوجّه شدم شوهرم به طور کامل عقیم است، و اصلًا بچّه دار نمی‌شود. من که این مسأله برایم خیلی مهم بود، بیش از پیش روحیه خود را از دست دادم. اکنون پزشکان می گویند تنها راه این است که: «اسپرم مرد بیگانه‌ای با سرنگ به شما تزریق شود». من اوّل به این کار راضی نبودم، چون مقلّد شما هستم، و طبق فتوای شما این کار حرام است.

ولی اکنون جانم به لب رسیده است. لطفاً بگویید: چه کنم که هم بچّه‌دار شوم،

احکام خانواده، ص: ۳۰۱

و هم مرتکب گناهی نگردم؟

جواب: تنها راه مشروع آن است که شما از شوهرتان (هرچند به صورت مخفیانه و بدون اطّلاع اطرافیان) طلاق بگیرید، و پس از گذشتن عدّه به عقد موقّت صاحب نطفه درآیید (هرچند همدیگر را هرگز نبینید)، سپس نطفه به شما تزریق شود، و پس از پایان عقد موقّت و زایمان دوباره می‌توانید به عقد شوهر اوّل درآیید. در این صورت شما مادر آن بچّه، و صاحب نطفه پدرش محسوب می‌شود. و به شوهر شما هم محرم است. ولی به اقوام شوهرتان محرم نیست. امّا به اقوام شما محرم است.[۱۶]

احکام خانواده، ص: ۳۰۳

۳

احکام تلقیح مصنوعی

سؤال ۷۱۵. برخی از مراجع عظام تلقیح را در صورتی تجویز فرموده‌اند که:

«نطفه شوهر بدون ایجاد مقدّمات حرام، توسّط خود شوهر در رحم زن تزریق گردد». حال اگر به علّت نداشتن تخصّص و آشنایی، این کار باعث عفونت ثانویه و احیاناً مرگ همسرش گردد، آیا شوهر ضامن است، یا ضمان متوجّه افراد متخصّصی بوده که بدون دادن آگاهی‌های لازم او را نسبت به این عمل ترغیب کرده‌اند؟

جواب: در صورتی که ضرورتی برای این کار احساس شود می‌توان از افراد متخصّص استفاده کرد، تا خطری پیش نیاید.

سؤال ۷۱۶. در جایی که عمل تلقیح به طور شبهه صورت گرفته (مثل جایی که زن گمان می‌کرده نطفه از شوهرش بوده، و مرد نیز گمان می‌کرده زنی که نطفه وارد رحم او شده، همسر واقعی او می‌باشد، در حالی که این طور نبوده است). آیا احکام اولاد بر فرزندی که به دنیا خواهد آمد، جاری می‌شود؟

جواب: نسبت به صاحب آن نطفه و آن زن ولد شبهه است. و به شوهر آن زن نیز محرم است.

سؤال ۷۱۷. آیا مادر جانشین (زن پذیرای جنین) مستحقّ دریافت نفقه یا اجرةالمثل تا زمان تولّد جنین، از صاحب نطفه و پدر جنین می‌باشد؟ و آیا این

احکام خانواده، ص: ۳۰۴

کار نوعی اجاره اعضا (اجاره رحم) تلقّی می‌گردد؟ یا مشمول عقد دیگری است؟

جواب: این موضوع تابع قرار داد است، و اگر قراردادی ندارند، و جنبه رایگان نداشته، حقّ اجرةالمثل دارد. و عمل مزبور نوعی اجاره است، نه اجاره اعضا؛ بلکه اجیر شدن برای پرورش جنین.

***

احکام خانواده، ص: ۳۰۵

بخش سیزدهم:

اشاره

سقط جنین

احکام خانواده، ص: ۳۰۷

۱

اشاره

سقط غیر مجاز

۱. بعد از انعقاد نطفه

سؤال ۷۱۸. آیا بعد از انعقاد نطفه از بین بردن آن جایز است؟

جواب: در صورتی که یقین یا خوف خطر یا ضرر مهمی برای مادر نباشد، جایز نیست و دیه دارد.

۲. جنین کافر

سؤال ۷۱۹. سقط جنین مسلمان و کافر چه حکمی دارد؟

جواب: واضـح است که ساقط کردن جنین مسـلمان جایز نیست، حتّی اگر فرزنـد نامشـروع باشد. و در مورد بچّه‌های کفّار نیز ساقط کردن مجاز نیست، حتّی اگر در مذهب آنها فرزند نامشروع باشد.

سؤال ۷۲۰. آیا در موارد زیر قبل از ولوج روح می‌توان سقط درمانی انجام داد:

الف) بیماری‌هایی که می‌دانیم مسلّماً جنین پس از تولّد خواهد مرد.

ب) بیماری‌های ژنتیکی.

ج) ناهنجاری‌های نوزادان «مثل آنانسفالی».

جواب: سقط جنین در این موارد اشکال دارد، به خصوص که پیش بینی‌های فوق جنبه قطعی ندارد.

احکام خانواده، ص: ۳۰۸

سؤال ۷۲۱. عوامل فوق در مورد جنین پس از ولوج روح چگونه خواهد بود؟

جواب: جایز نیست.

۳. جنین غیر شیعه

سؤال ۷۲۲. سقط جنین غیر شیعه چه حکمی دارد؟

جواب: سقط جنین در هیچ مورد جایز نیست؛ مگر در موارد ضرورت.

***

احکام خانواده، ص: ۳۰۹

۲

اشاره

مواردی که سقط جنین جایز است

۱. نطفه رشد یافته در لوله آزمایشگاه

سؤال ۷۲۳. اطبا در آزمایشگاه، منی مرد (اسپرم) را با تخمک زن (اوول) در لوله آزمایش قرار داده، و آن را رشد می‌دهند، بفرمایید:

الف) آیا نطفه رشد یافته را می‌توان دور افکند، یا این کار حکم سقط جنین دارد، و لذا باید تا طفلِ کامل (صاحب روح) شدن از وی محافظت نمود؟

جواب: نگهداری آن واجب نیست.

ب) اگر دور افکندن آن جایز نباشد، آیا باید دیه سقط جنین پرداخت شود؟

در صورتی که باید پرداخت شود بر عهده کیست؟

جواب: از جواب قبل روشن شد که دیه ندارد.

ج) آیا بین دور انداختن آن قبل از ولوج روح، یا بعد از ولوج، فرقی هست؟

جواب: مادام که به صورت انسان زنده‌ای در نیامده، حفظ آن دلیلی ندارد.

د) در مورد سؤال فوق، آیا تفاوتی بین نطفه مرد اجنبی با منی زن اجنبیه برای لقاح و رشد در لوله آزمایشگاهی هست؟

جواب: تفاوتی نیست.

ه) اگر منی متعلّق به مرد و زن اجنبی و اجنبیه باشد، آیا اصل انجام این عمل جایز است؟

جواب: خالی از اشکال نیست.

احکام خانواده، ص: ۳۱۰

۲. در صورتی که جنین ناقص‌الخلقه شود

سؤال ۷۲۴. در زن حامله‌ای که مبتلا به سرطان رحم شده، و درمان آن هم به اشعه درمانی نیاز دارد، و دادن اشعه هم باعث ناقص الخلقه شدن جنین می‌شود، آیا می‌توان قبل از اشعه درمانی، سقط درمانی کرد؟

جواب: اگر ناقص‌الخلقه شدن او قطعی و شدید است، و در مراحل نخستین بارداری و قبل از رسیدن به مرحله جنینِ کامل باشد، و

راه درمان نیز منحصر به این راه گردد مانعی ندارد.

۳. جان مادر در خطر باشد

سؤال ۷۲۵. معمول است که در زنان حامله مبتلاـ به سرطان «مثلًا سرطان پستان» اگر سرطان از نوع پیشرفته باشد حمل در هر مرحله‌ای باشد سقط درمانی را انجام داده و به درمان مادر می‌پردازند. و این کار از «دو نظر» اهمّیت دارد:

نخست اینکه حیات مادر در خطر است، و دیگر اینکه با اجازه ندادن به ختم حاملگی هم مادر از بین می‌رود و هم فرزند بدون مادر به جای می‌ماند. بدین جهت اگر سرطان از نوع اوّلیه باشد، و حاملگی در ماه‌های انتهایی، صبر می‌کنند تا جنین به حدّ قابلیت زندگی برسد، و سپس با عمل جرّاحی آن را زودتر از موعد از شکم خارج، و تحت مراقبت ویژه او را بزرگ می‌کنند. و اگر حاملگی در ماه‌های اولیه باشد، سقط درمانی انجام شده، و درمان سرطان هم صورت می‌پذیرد. البتّه در این موارد سقط درمانی در صورتی انجام می‌پذیرد که درمان اساسی سرطان برای جنین مضر باشد، مثل شیمی درمانی. یا اشعه درمانی؛ آنچه در بالا آمد از منظر شرع چه حکمی دارد؟

جواب: اگر حیات مادر در خطر باشد، و جنین ماه‌های اوّل را طی کند مانعی ندارد. و متولّد کردن بچّه قبل از موعد وپرورش او با شرایط ویژه هم اشکالی ندارد.

احکام خانواده، ص: ۳۱۱

سؤال ۷۲۶. زنی که در ماه هفتم حاملگی به سر می‌برد، در اثر تصادف نیاز به عمل جرّاحی فوری پیدا می‌کند، که لازمه‌اش بیهوش نمودن اوست، ولی در اثر بیهوشی بچّه می‌میرد (علم یقینی‌به فوت بچّه داریم) آیا جایز است مادر، جرّاحی و عمل شود؟

جواب: اگر جان مادر در خطر است و راه منحصر به عمل جرّاحی و بیهوشی باشد مانعی ندارد.

سؤال ۷۲۷. در فرض بالا در صورتی که احتمال فوت بچّه برود، آیا باز هم جایز است مادر عمل شود؟

جواب: با شرایط بالا، این فرض به طریق اولی جایز است.

سؤال ۷۲۸. اگر پس از ولوج روح، علم به تلف شدن مادر و جنین باشد، آیا سقط جنین جایز است؟

جواب: در فرض مسأله، که اگر مادر به همان حال باقی بماند هر دو می‌میرند، می‌توان با سقط جنین جان مادر را نجات داد.

سؤال ۷۲۹. اگر طبیب تشخیص قطعی دهد که ماندن جنین موجب مرگ مادر می‌گردد، بفرمایید:

الف) آیا جایز است جنین را در شکم مادر از بین ببرد، تا مادر سالم بماند؟

جواب: چنانچه خلقت جنین کامل نشده مانعی ندارد.

ب) آیا می‌توان مادر را به همان حال باقی نهاد تا بچّه سالم بماند و مادر بمیرد؟

جواب: هرگاه بچّه به صورت انسان کامل در نیامده باشد، سقط جنین برای نجات مادر اشکال ندارد.

ج) اگر در باقی گذاردن مادر به همان حال، احتمال مرگ، هم برای مادر و هم برای بچّه در کار باشد تکلیف چیست (یعنی احتمال مرگ و سلامت برای هر دو

احکام خانواده، ص: ۳۱۲

مساوی باشد)؟

جواب: اگر بدانیم یکی از آن دو قطعاً نجات پیدا می‌کند، باید آنها را به حال خود گذاشت تا یکی از آن دو بدون دخالت انسان دیگری نجات یابد. و اگر امر دایر میان این است که هر دو بمیرند یا فقط جنین بمیرد، می‌توان جنین را سقط کرد تا مادر زنده بماند.

د) آیا حکم فوق نسبت به جنین قبل از ولوج روح تفاوت دارد؟

جواب: از جواب‌های بالا معلوم شد.

۴. سلامتی مادر در خطر باشد

سؤال ۷۳۰. خانمی دچار بیماری چشـمی گردیده، و اطبّا نظر به عمل جرّاحی به طور اورژانسی داده‌اند؛ امّا متأسّفانه این خانم دارای حمل سه ماهه است، و به ناچار بایـد سـقط جنین کنـد، و بعـد عمل جرّاحی چشم را به انجام برساند. و اگر چشم خود را عمل نکند کور می‌شود، و همچنین ضررهای زیادی به جنین وارد می‌گردد، در این صورت آیا سقط جنین جایز است؟

جواب: در فرض مسأله پایان دادن به بارداری ظاهراً مانعی ندارد.

سؤال ۷۳۱. آیا در موارد زیر می‌توان سقط جنین کرد؟

الف) مادر بیمار باشـد، و ادامه حاملگی (با تشـخیص پزشک، و وضـعیتی که مادر دارد، و خودش نیز تشـخیص داده) باعث تشـدید بیماری و وخامت حال مادر گردد.

ب) بیماری فوق به درجه‌ای برسد که حیات مادر متوقّف بر سقط جنین باشد.

ج) مادر در کمال صـحّت و سـلامتی است، و هیچگونه خطری او را تهدید نمی‌کند، و جنین نیز سالم است، ولی دو سـر دارد. یا سر جنین به شکل انسان

احکام خانواده، ص: ۳۱۳

نیست، و اگر با چنین حالتی متولّـد شود، طبق تشـخیص پزشک، ممکن است چند روز پس از تولّد از دنیا برود. یا ادامه حیات چنان فرزندی برای خود او، و والدین و جامعه مشکلاتی خواهد داشت.

د) در فروض فوق، حکم مسأله را قبل و بعد از ولوج روح بیان فرمایید.

ه) در هر صورت، آیا مسئولیتی از نظر شرعی برای پزشک و زوجین وجود دارد؟

و) چنانچه لازم باشد پزشک مرد اقدام به سقط جنین نماید، چه حکمی دارد؟

جواب: سقط جنین تنها در صورتی جایز است که جان مادر در خطر باشد.

همچنین اگر بیماری شدیـدی مادر را تهدیـد کنـد، و جنین هنوز به مرحله دمیدن روح نرسـیده باشد. و نیز اگر تشـخیص قطعی داده شود که جنین به گونه‌ای ناقص است که برای پدر و مادر و اطرافیان سبب عسر و حرج شدید می‌شود، مشروط بر اینکه روح در آن دمیـده نشـده باشـد. در این سه صورت، ختم حاملگی جایز است است. و اگر راه منحصـر به طبیب مرد باشـد، در این صورت مانعی ندارد. و احتیاط آن است که پدر و مادر، طبیب را نسبت به دیه تبرئه کنند.

۵. جنین معیوب یا ناقص‌الخلقه باشد

سؤال ۷۳۲. آیا سـقط عمـدی جنینی که مطمئنّیم یا احتمال می‌دهیم، معیوب و نارسا متولّـد خواهـد شد، در هر ماهی از بارداری اگر دیه لازمه پرداخت شود، مجاز است؟

جواب: هرگـاه در مراحل ابتـدایی جنین باشـد، و جنین به صورت انسان کامل در نیامـده باشـد، و باقی مانـدن جنین در آن حالت و سپس تولّد ناقص آن باعث عسر و حرج شدید برای پدر و مادر گردد، با این شرایط مانعی ندارد. و احتیاطاً باید دیه را بدهند.

احکام خانواده، ص: ۳۱۴

سؤال ۷۳۳. بـا عکس برداری از جنیـن درون شـکم مـادری، معلـوم شـد که جنین نـاقص‌الخلقه می‌باشـد، و پس از تولـد ماننـد تکه

گوشتی به کناری خواهد افتاد، و هیچ‌گونه فعّالیتی نمی‌تواند داشته باشد، و فاقد هرگونه درک و شعور انسانی خواهد بود، بفرمایید:

الف) آیا جایز است در همان حال جنین بودن- قبل از ولوج روح یا بعد از ولوج روح- جنین را ساقط نمود؟

جواب: هرگـاه در مراحل ابتـدایی جنین باشـد، و جنین به صورت انسان کامل در نیامـده باشـد، و باقی مانـدن جنین در آن حالت و سپس تولّد ناقص آن باعث عسر و حرج شدید برای پدر و مادر گردد، با این شرایط مانعی ندارد، و احتیاطاً باید دیه را بدهند.

ب) اگر این طفل به دنیا آمد و سپس بیمار شد، آیا جایز است که هیچ‌گونه اقدامی در مورد درمان وی انجام نداد تا زودتر بمیرد، و چه بسا از درد و رنج هم راحت شود؟

جواب: خالی از اشکال نیست.

سؤال ۷۳۴. با توجه به اینکه در برخی از سؤالات بالا حکم سـقط بعد از ولوج روح و قبل از آن متفاوت بیان شده، لطفاً بفرمایید که ولوج روح چه زمانی است؟

جواب: هنگامی است که بچّه در شکم مادر به حرکت در می‌آید، که معمولًا در حدود چهار ماهگی است.

سؤال ۷۳۵. در صورت اطمینـان داشـتن به نـاقص الخلقه بودن جنین بعـد از ولوج روح، آیـا مجاز به سـقط هستیم (با توجّه به تبعات شدید به دنیا آمدن آن برای والدین و جامعه و ...)؟

جواب: در صورتی که روح در جنین دمیده شده باشد، که معمولًا پس از چهارماهگی حاصل می‌شود، ساقط کردن آن جایز نیست.

احکام خانواده، ص: ۳۱۵

۳

انتقال جنین

سؤال ۷۳۶. اطبا می‌توانند جنین را از شـکم زنی که نمی‌تواند آن را در رحم معیوب خود پرورش دهد و سقط می‌کند خارج نموده، و در رحم سالم زن دیگری قرار داده تا در آنجا به رشد خود ادامه دهد و به طور طبیعی متولّد شود، بفرمایید:

الف) اگر زن دوم هم همسر شوهر زن اوّل باشد (که نطفه متعلّق به یک شوهر می‌شود) آیا این کار جایز است؟

ب) در صورتی که زن دوم با شوهر زن اوّل بیگانه باشد، این کار چه حکمی دارد؟

ج) انجام این کار قبل از ولوج روح یا بعد از ولوج روح چه تفاوتی دارد؟

جواب: در هر سه صورت، انتقال جنین (بعـد از انعقاد نطفه) مانعی نـدارد، ولی چون معمولًا مسـتلزم نظر و لمس حرام است، تنها در موارد ضرورت مجاز می‌باشد.

سؤال ۷۳۷. جنینی است که اگر در شـکم مادر بماند خواهد مرد، ولی اگر آن را از شکم مادر خارج نمایند و در دستگاه مخصوص (انکوباتور) بگذارند زنده مانده، و به رشد و حیات خود ادامه می‌دهد، بفرمایید:

الف) تکلیف در این مورد چیست، آیا می‌توان بچّه را از شکم مادر خارج نمود؟

احکام خانواده، ص: ۳۱۶

جواب: اگر این موضوع قطعی باشد نه تنها اشکالی ندارد، بلکه اقدام بر آن مطابق احتیاط است.

ب) آیا قبل از ولوج روح و یا بعد از ولوج، حکم فرق می‌کند؟

جواب: تفاوتی ندارد.

***

احکام خانواده، ص: ۳۱۷

۴

احکام سقط جنین

سؤال ۷۳۸. در مواردی که لازم است پزشک سقط جنین کند، دیه لازمه باید توسّط چه کسی پرداخت شود، آیا پزشک می‌تواند شرط کند که دیه بر عهده وی نباشد؟ آیا این شرط، جهت رفع دین از وی کافی است؟

جواب: احتیاط این است که طبیب با بیمار یا کسان او شرط کند که دیه را خودشان بپردازند، و الّا خودش باید عهده دار بشود (بنابر احتیاط).

سؤال ۷۳۹. اگر طبیبی متوجّه نقض عضو جنین درون شکم مادری شود، و در صورت اطّلاع دادن به والدین او، احتمال می‌دهد آنان سقط جنین کنند، و شاید هم در مقام معالجه نقص عضو از جنین برآیند، که احتمال بهبودی بسیار کم است. و در ضمن اگر اطّلاع ندهد، در معرض شکایت والدین نسبت به عدم اطّلاع به آنان از وضعیت جنین قرار خواهد گرفت، وظیفه طبیب در اینجا چیست؟

جواب: اطّلاع دادن اشکالی ندارد.

سؤال ۷۴۰. چنانچه به بیمارانی که از درد شدیداً رنج می‌برند مسکن‌های قوی داده شود، دردشان تسکین خواهد یافت، لیکن به احتمال قوی به این خاطر بعداً دچار عوارض جنین و ناراحتی‌هایی خواهند شد، تکلیف طبیب نسبت به این گونه بیماران چیست؟

احکام خانواده، ص: ۳۱۸

جواب: هر گاه ضرری باشد که در برابر تسکین درد شدید در میان عقلا قابل پذیرش باشد اشکالی ندارد. و اگر ضرر مهمّی است که او را به خطر می‌اندازد، جایز نیست. و اگر برای خودش ضرر نداشته باشد، بلکه برای جنین ضرر داشته باشد نیز حکم مسأله همین است.

سؤال ۷۴۱. اگر پزشک به طور قطع تشخیص دهد که فرزندان بعدی زن و شوهری، ناقص العضو خواهند شد، بفرمایید:

الف) آیا بر طبیب واجب‌است، درصورت سؤال والدین، واقعیت را به آنان اطلاع دهد؟

جواب: واجب نیست، مگر اینکه در سرنوشت آنان اثر مهمّی داشته باشد.

ب) آیا در صورت عدم سؤال، بر طبیب واجب است به آنان بگوید، تا از پیدا کردن چنین فرزندانی جلوگیری نمایند؟ اگر واجب نیست، آیا گفتنش حرام است؟

جواب: در این گونه موارد اگر مسأله مهمّی است طبیب کتمان نکند.

ج) اگر طبیب احتمال دهد که در صورت اطّلاع والدین از این مطلب، هربار که فرزندی پیدا کنند، اقدام به سقط وی خواهند نمود، در اینجا وظیفه طبیب چیست؟

جواب: طبیب باید به وظیفه خود عمل کند، و اگر بیمار عمل خلافی انجام دهد او مسئول نیست؛ منتها طبیب وظیفه خود را در امر به معروف و نهی از منکر انجام دهد.

سؤال ۷۴۲. اگر مادری برای سقط بچّه‌اش کاری انجام ندهد، لکن با مراعات نکردن موارد لازم و تهیه نکردن شرایط حفظ جنین، باعث سقط بچّه شود، آیا کار حرامی کرده است؟

جواب: اگر در حفظ جنین مطابق معمول کوتاهی کرده باشد مسئول است.

احکام خانواده، ص: ۳۱۹

سؤال ۷۴۳. دکتر دارویی داده که مادر بخورد تا بچّه‌اش سقط نشود، آیا زن می‌تواند به منظور سقط جنین دارو را نخورد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۷۴۴. نگهداری جنین مرده در شیشه، جهت آموزش چه حکمی دارد؟

آیا جهت دکور آزمایشگاهی، یا نگهداری در منزل جایز است؟

جواب: جهت دکور و امثال آن جایز نیست؛ ولی اگر ضرورتی برای آموزشهای لازم ایجاب کند، و چیزی جانشین آن نشود، مانعی ندارد.

سؤال ۷۴۵. تبلیغات زیاد باعث شده که افراد از داشتن فرزند احساس شرمندگی نموده و مبادرت به سقط جنین نمایند، آیا چنین تبلیغاتی جایز است؟

جواب: جایز نیست.

***

احکام خانواده، ص: ۳۲۱

بخش چهاردهم:

اشاره

احکام فرزند

احکام خانواده، ص: ۳۲۳

۱

الحاق اولاد و نفی ولد

سؤال ۷۴۶. مردی به مسافرت رفته و مسافرتش بیش از یک سال طول کشیده است. در این مدّت همسرش پسری به دنیا آورده که بعداً باعث اختلاف بین زوجین شده و بدین سبب مرد زنش را طلاق داده است. اینک آن زن از دنیا رفته و آن پسر بزرگ شده و حقّش را می‌خواهد. مرد می‌گوید: «زنم این بچّه را بعد از یک سال از مسافرتم به دنیا آورده است، او پسر من نیست؛ هرچند همسرم عفیفه و مؤمنه بوده، و از او هیچ بدی ندیده‌ام» و زن تا آخر عمرش می‌گفت: «این بچّه فرزند شوهرم است و روز قیامت

حقّم را خواهم گرفت». اکنون چند سؤال مطرح است:

الف) آیا قول شوهر قبول می‌شود؟

ب) اگر مشکوک باشد که زن بچّه را دوازده ماه بعد از سفر زوج، یا قبل از دوازده ماه به دنیا آورده، حکم چیست؟

ج) حکم ارث و محرمیت این پسر نسبت به آن زن و شوهر و بچّه‌های آن دو چیست؟

د) حکم خود این پسر فی حدّ ذاته چیست؟

جواب: چنانچه تولّد بچّه از آن زن معلوم باشد و شوهر ادّعا کند که بعد از یک سال از مسافرت او بوده و دلیلی بر ادّعای خود نداشته باشد، آن بچّه متعلّق به آن

احکام خانواده، ص: ۳۲۴

زن و شوهر و با هر دو محرم است و از هر دو ارث می‌برد؛ ولی اگر مرد بتواند با دلیل شرعی ثابت کند که یک سال بعد از سفر او متولّد شده فرزند او محسوب نمی‌شود.

سؤال ۷۴۷. دختری از طریق نامشروع باردار شده و حملش را به پسری نسبت می‌دهد؛ ولی آن پسر می‌گوید: «من یقین دارم قبل و بعد از من افراد دیگری نیز با او ارتباط داشته‌اند» این حمل شرعاً به کدامیک از آنها تعلّق دارد؟ مهر المثل این دختر را چه کسی باید بپردازد؟

جواب: اگر با اختیار و رضایت دختر بوده مهر المثل تعلّق نمی‌گیرد، و اگر به جبر و اکراه بوده هر کدام از آنها باید مهر المثل جداگانه‌ای بدهند؛ و در مورد فرزند اگر ثابت شود چند نفر با او زنا کرده‌اند و معلوم نشود بچّه منتسب به کدامیک است، باید با قرعه تعیین کنند.

سؤال ۷۴۸. درباره اماره فراش و نفی ولد به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) آیا برای اجرای اماره فراش، احراز وقوع مطلق نزدیکی کافی است، یا نزدیکی باید به گونه‌ای باشد که احتمال حاملگی، هر چند به صورت ضعیف، وجود داشته باشد؟ مثلًا برخی از فقهای عظام وطی در دبر را، به ویژه در صورت عزل، یا عدم انزال، برای جریان اماره فراش کافی نمی‌دانند. نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: در تمام این موارد احتمال انعقاد فرزند هست، و اماره فراش محسوب می‌شود.

ب) با توجّه به فرض فوق، اماره فراش در کدام یک از حالت‌های زیر جاری است؟

۱. عزل

۲. عدم انزال

احکام خانواده، ص: ۳۲۵

۳. وطی در دبر

۴. نزدیکی در ایام عادت ماهانه

۵. استفاده یکی از زوجین، یا هر دو، از وسایل پیشگیری از حاملگی

۶. عقیم شدن زوج عمل جرّاحی

۷. اثبات عقیم بودن زوج به وسیله آزمایشات پزشکی

۸. صغیر بودن زوج

۹. خصیّ و مجبوب بودن زوج

جواب: در تمام موارد بالا اماره فراش موجود است؛ زیرا هیچ کدام دلیل قطعی عدم انعقاد فرزند نیست.

سؤال ۷۴۹. با توجّه به این که از شرایط تحقّق اماره فراش، این است که از زمان وقوع نزدیکی تا هنگام تولّد، کمتر از شش ماه، و بیش از حداکثر مدّت حمل نگذشته باشد، لطفاً بفرمایید:

الف) اگر زمان وضع حمل به طور معمول نرسیده باشد، ولی با عمل جرّاحی طفل را زودتر متولّد کنند، تا از حداکثر حمل (۱۰ ماهه) تجاوز نکند، آیا اماره فراش جاری، و طفل ملحق به شوهر است؟

جواب: در این صورت ملحق به فراش نیست.

ب) تاریخ نزدیکی و فاصله میان آمیزش و تولّد به چه وسیله‌ای تعیین می‌شود؟ اگر چندین نزدیکی در طُهر واحد انجام شود، مبدأ حمل کدام است؟

اگر زوجین با یکدیگر توافق کنند که از تاریخ نزدیکی تا زمان تولّد، بیشتر از ده ماه یا کمتر از شش ماه گذشته، آیا چنین توافقی پذیرفته، و نَسَب طفل نفی می‌گردد؟

جواب: منظور از فراش نزدیکی نیست که تاریخ آن را تعیین کنند، بلکه همین اندازه که زن در خانه شوهر باشد، که امکان نزدیکی درباره او می‌رود، اماره

احکام خانواده، ص: ۳۲۶

فراش حاصل است.

سؤال ۷۵۰. آیا شرط حداقل ۶ ماه، فقط مربوط به طفلی است که صحیح و سالم و زنده به دنیا بیاید، یا شامل طفل مریض، ناقص، یا طفلی که مرده به دنیا آمده نیز می‌شود؟

جواب: اطفال مریض و ناقص و مانند آن را نیز شامل می‌شود، مشروط بر این که انسان محسوب شوند.

سؤال ۷۵۱. همان طور که مستحضرید برای اماره فراش، احراز و اثبات وقوع نزدیکی در مورد زوجین لازم نیست. آیا احراز وطی برای جریان اماره فراش در وطی به شبهه در مورد جریان اماره فراش نسبت به وطی به شبه نیز نیازی به احراز و اثبات نزدیکی نیست، یا از آن جا که نزدیکی به شبهه خلاف اصل است، باید احراز شود؟ یعنی آیا اجرای اماره فراش در وطی به شبهه (مثلًا) متوقّف بر اقرار و اعتراف واطی به نزدیکی است؟

جواب: در مورد وطی به شبهه احراز وطی لازم است.

سؤال ۷۵۲. خانمی اظهار می‌دارد که: «از مورّخه ۳۰/ ۶/ ۷۶ تا ۳۰/ ۶/ ۷۷ در عقد منقطع مردی بوده، و فرزندش در تاریخ ۸/ ۵/ ۷۷ به دنیا آمده است» مرد نفی ولد می‌کند، و می‌گوید: «عقد منقطع آنها از ۱۵/ ۱/ ۷۷ به مدّت شش ماه بوده، و چون فرزند مذکور در مدّت کمتر از شش ماه از تاریخ عقد به دنیا آمده، متعلّق به ایشان نیست» لطفاً بفرمایید:

الف) با توجّه به اختلاف طرفین در مبدأ عقد منقطع، و عدم ارائه دلیل معتبر یا بینه شرعی بر صحّت اظهاراتشان، قول کدام یک مقدّم است؟

ب) با توجّه به نفی ولد از سوی زوج، آیا امکان الحاق فرزند مذکور به زوج وجود دارد؟

ج) زوجه می‌گوید: سر دفتر ازدواج شماره فلان، صیغه عقد منقطع را جاری

احکام خانواده، ص: ۳۲۷

نموده، و سر دفتر مذکور نیز ادّعای زوجه را تأیید می‌نماید. ولی در دفاتر خود چیزی ثبت نکرده است. آیا با یک شاهد و قسم زوجه، ادّعای وی ثابت می‌شود؟

جواب: فرزند مذکور به زوج ملحق نیست.

سؤال ۷۵۳. درباره اماره فراش و نفی ولد به سؤال زیر پاسخ دهید:

آیا برای اجرای اماره فراش، احراز وقوع مطلق نزدیکی کافی است، یا نزدیکی بایـد به گونه‌ای باشد که احتمال حاملگی، هر چند به صورت ضـعیف، وجود داشـته باشـد؟ مثلا برخی از فقهای عظام وطی در دبر را، به ویژه در صورت عزل، یا عدم انزال، برای جریان اماره فراش کافی نمی دانند. نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: در تمام این موارد احتمال انعقاد فرزند هست، و اماره فراش محسوب می‌شود.

***

احکام خانواده، ص: ۳۲۹

۲

فرزند نامشروع

سؤال ۷۵۴. اگر پسر و دختری قبل از جاری شدن عقد بچه‌دار شوند آیا فرزند حلال‌زاده است؟

جواب: حلال‌زاده نیست مگر اینکه تصورشان این بوده باشد که به هنگام نامزدی نزدیکی کردن شرعاً جایز است.

سؤال ۷۵۵. اگر مرد مسـلمان بـا زن بودائی و امثـال آن که اهل کتاب نیسـتند ازدواج موقت نمایـد و فرزنـدی متولـد شود آیا فرزند حلال‌زاده است؟

جواب: عقد آنها باطل است و اگر بدانند عقد باطل است فرزند آنها حلال‌زاده نیست و اگر نمی‌دانسته‌اند حلال‌زاده است.

سؤال ۷۵۶. اگر از طرف قاضـی، زنی را جهت معـاینه و تشـخیص نطفه‌ای که وی در رحم دارد به نزد پزشـک قـانونی بفرسـتند، در صورتی که طبیب به طور قطع بتوانـد تشـخیص دهـد که نطفه متعلّق به شوهر این زن نبوده بلکه از مرد اجنبی می‌باشـد، در این حال اگر طبیب واقعیت را گزارش دهـد یقین دارد این زن را اقوام وی خواهنـد کشت و اگر خلاف گزارش کنـد بچّه ملحق به شوهر این زن می گردد و مسائل حقوقی و ارث و محرمیت و سایر مشکلات پیش خواهد آمد، بفرمایید وظیفه طبیب چیست؟

جواب: مهم این است که قول طبیب و یقین او برای قاضی در این گونه موارد

احکام خانواده، ص: ۳۳۰

حجّت نیست و حتّی یقین خود قاضـی هم که از این طریق حاصـل شود حجیت آن محـل اشـکال است بنـابراین لزومی نـدارد طبیب یقین خـود را در این گـونه مـوارد بـازگو نمایـد و در نـتیجه به حسب حکم ظـاهری بچه ملحـق به آن شوهر است و این گونه احکـام ظاهری مشکلی ایجاد نمی کند.

سؤال ۷۵۷. دختری از زنا حامله شده است. در صورت پی بردن خانواده، احتمال کشتن وی می باشد. آیا می‌تواند سقط جنین کند؟ حکم دیه آن چیست؟

جواب: در صورتی که واقعاً جان او در خطر باشـد، و جنین به چهار ماهگی نرسـیده باشد، مجاز است سـقط جنین کند، و دیه آن را به بیت‌المال بپردازد.

سؤال ۷۵۸. اگر مردی با زنی که تازه شوهرش را از دست داده و هنوز در عده است ازدواج کند و در اثر نزدیکی فرزندی از آن دو نفر به وجود آید فرزند متعلق به چه کسی خواهد بود و تکلیف شرعی چیست؟

جواب: چنـانچه یقین دارنـد که فرزنـد از این ازدواج حاصـل شـده فرزنـد متعلق به همین دو نفر است و تفاوتی با بقیه فرزنـدان نمی

کند.

***

احکام خانواده، ص: ۳۳۱

۳

فرزند خوانده

سؤال ۷۵۹. اگر فرزند خوانده دختر باشد چگونه میتوان به او محرم شد؟
جواب: اگر فرزند خوانده دختر باشد و پدر مرد در حیات است می‌توان عقد موقّت دختر را با اجازه حاکم شرع، برای پدر خواند و حکم زن پدر را پیدا کند و محرم شود و اگر خواهر، یا مادر، یا زن برادر، یا برادرزاده‌ها، یا خواهرزاده‌های مرد شیر داشته باشند و بچّه شیرخوار باشد و از شیر آنها (با شرایط لازم) بخورد، حکم خواهرزاده، یا خواهر یا برادرزاده رضاعی پیدا کرده محرم می‌شود.
سؤال ۷۶۰. اگر فرزند خوانده پسر باشد چگونه میتوان به او محرم شد؟
جواب: اگر فرزند خوانده پسر باشد راه محرمیت آن است که از شیر خواهر، یا مادر، یا زنِ برادر، یا خواهرزاده ها، یا برادرزاده های آن زنِ فاقد فرزند بخورد تا آن زن، خاله یا خواهر و یا عمه رضایی آن پسر شود و محرم گردد. و اگر دوران شیرخوارگی پسربچّه گذشته باشد راهی برای محرمیت او نیست.
سؤال ۷۶۱. آیا می‌توان به خانواده‌هایی که فرزند ندارند، فرزندان بی سرپرست (مانند کودکان سر راهی) را تحویل داد، و در مقابل پولی از آنها گرفت؟ اگر مبلغ اخذ شده بر اساس جنس طفل، یا ویژگی‌های ظاهری او، متفاوت باشد، چه حکمی دارد؟
جواب: فروختن فرزند به هیچ عنوان جایز نیست.
احکام خانواده، ص: ۳۳۳

۴

ختنه

سؤال ۷۶۲. چرا کودکان را بعد از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله ختنه کردند؟ آیا در عصر پیامبران قبلی هم ختنه می‌کرده اند؟ مگر در چیزی که خداوند آفریده ایرادی هست که ختنه می‌کنند؟
جواب: اولًا در شرایع سابق نیز ختنه بوده است و ثانیاً خداوند این عضو را آفریده که در دوران جنینی آن قسمت از جنین را حفظ کند و پس از تولد عضو زایدی محسوب می‌شود مانند بند ناف بچه که پس از تولد بریده می‌شود.
سؤال ۷۶۳. آیا ختنه کردن مردان فی نفسه واجب است؟
جواب: آری واجب است.
سؤال ۷۶۴. عباداتی مانند نماز، روزه، حج و امثال آن که مرد ختنه نکرده انجام می‌دهد چه حکمی دارد؟

جواب: عبادات او غیر از طواف صحیح است.

سؤال ۷۶۵. غیر مسلمانی که مسلمان می‌شود و یا کودکی که بالغ می‌شود اگر ختنه نکرده باشد، چه زمانی باید ختنه کند؟

جواب: هنگام بلوغ باید ختنه شده باشد و اگر قبل از آن باشد بهتر است.

سؤال ۷۶۶. اگر کسی ختنه کند ولی غلاف از حشفه کاملًا جدا نشود تکلیف چیست؟

احکام خانواده، ص: ۳۳۴

جواب: باید مجدداً به‌طور کامل ختنه کند و در زمان ما کار مشکلی نیست.

سؤال ۷۶۷. حکم اسلام در مورد ختنه دختران چیست؟ و مراد از ختنه دختران چه می‌باشد؟

جواب: آنچه از منابع فقه و حدیث شیعه و اهل سنّت در مورد ختنه دختران و زنان استفاده می‌شود، این امور است:

الف) ختنه کردن دختران و زنان نزد علمای شیعه به اجماع و اتّفاق واجب نیست؛ ولی حکم به استحباب آن کرده‌اند.[۱۷]

ب) مشهور نزد علمای اهل سنّت نیز عدم وجوب است، و «ابن قدامه» در «مغنی» تصریح کرده که نظر اکثر اهل علم عدم وجوب است.[۱۸]

ج) در روایات شیعه تصریح به عدم وجوب شده است، مرحوم صاحب وسائل احادیث متعدّدی در این زمینه دارد؛ از جمله در حدیث ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

«امّا السنهٔ فالختان علی الرجال و لیس علی النساء

» و در همان باب روایات دیگری نیز نقل می‌کند[۱۹]؛ در کتب حدیث عامّه، در مُسند احمد حنبل، نیز عدم وجوب آن در مورد زنان، از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است.[۲۰]

د) در مورد طریقه آن در روایات تصریح شده که آن عضو مخصوص از ریشه برداشته نشود؛ بلکه تنها قسمت بالای آن برداشته شود؛ توضیح این که در بالای فرج قطعه گوشت کوچکی وجود دارد که ختنه مربوط به آن است.

احکام خانواده، ص: ۳۳۵

۵

عقیقه

سؤال ۷۶۸. منظور از عقیقه چیست؟ آیا عقیقه واجب است؟

جواب: عقیقه برای فرزند، بر کسی که قادر بر آن باشد، سنّت مؤکد است.

و منظور از آن قربانی کردن گوسفند و مانند آن برای فرزند می‌باشد.

سؤال ۷۶۹. زمان عقیقه چه وقت است؟

جواب: بهتر آن است که در روز هفتم واقع شود، و اگر تأخیر افتاد، تا زمان بلوغ فرزند، بر پدر سنّت است؛ ولی بعد از بلوغ تا آخر عمر بر خودش سنّت است که عقیقه اش را انجام دهد.

سؤال ۷۷۰. آیا عقیقه دعای خاصی دارد؟

جواب: مرحوم «علّامه مجلسی» دعایی به شرح زیر برای عقیقه نقل کرده است: «از امام صادق علیه السلام فرمود: که در وقت کشتن گوسفند عقیقه این دعا را بخوان»:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللّهُمَّ عَقیقَه عَنْ فُلان لَحْمُها بِلَحْمِهِ، وَدَمُها بِدَمِهِ، وَ عَظْمُها بِعَظْمِهِ، اللّهُمَّ اجْعَلْها وِقاءً لِالِ مُحَمَّد عَلَیهِ وَ آلِهِ السَّلامُ.[۲۱]

احکام خانواده، ص: ۳۳۶

و در حدیث دیگری فرمود که این دعا را بخواند:

یا قَوْمِ انّی بَریٌ مِمّاتُشْرِکونَ، انّی وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذی فَطَرَ السَّمواتِ وَالْارْضَ، حَنیفاً مُسْلِماً وَما انَا مِنَ الْمُشْرِکینَ، انَّ صَلاتی وَنُسُکی وَمَحْیایَ وَمَماتی للَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ، لا شَریک لَهُ، وَبِذلِک امِرْتُ، وَانَا مِنَ الْمُسْلِمینَ، اللّهُمَّ مِنْکَ وَلَک، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَاللَّهُ اکبَرُ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّد وآلِ مُحَمَّد، وَتَقَبَّلْ مِنْ فُلانِ بْنِ فُلان.[۲۲]

سؤال ۷۷۱. آیا خواهر و برادر می‌توانند از عقیقه همدیگر بخورند؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۷۷۲. لطفاً در مورد نحوه استفاده از گوشت عقیقه به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) آیا می‌توان گوشت عقیقه را به صورت خام تقسیم نمود؟

جواب: اشکالی ندارد.

ب) آیا می‌توان گوشت عقیقه را به صورت کباب کوبیده درآورد و بین مردم تقسیم نمود.

جواب: مانعی ندارد هرچند در برخی روایات از آبگوشت نام برده شده است.

سؤال ۷۷۳. آیا عقیقه برای میت نیز واجب است؟ آیا بچّه خردسال می‌تواند از گوشت عقیقه تناول نماید؟

جواب: عقیقه مطلقاً واجب نیست، ولی استحباب دارد. و در مورد میت باید به قصد رجا انجام شود. و بهتر آن است که بچه خردسالی که عقیقه برای او می‌شود از آن نخورد.

احکام خانواده، ص: ۳۳۷

سؤال ۷۷۴. آیا استخوانهای عقیقه را نباید شکست و به آن نباید دندان زد و آن را نباید دفن کرد؟! و آیا پدر و مادر می‌توانند از گوشت آن استفاده کنند؟

جواب: بهتر است پدر و مادر از گوشت آن نخورند و امّا دفن استخوانها دلیل روشنی ندارد.

***

احکام خانواده، ص: ۳۳۹

۶

حضانت

سؤال ۷۷۵. زن بیوه‌ای، که یک پسر پنج ساله از شوهر مرحوم خود دارد، چند سال پس از فوت شوهرش ازدواج کرده است، پدر بزرگ این پسر می‌گوید: «من به عنوان ولیّ نمی‌گذارم نوه‌ام در خانه مرد بیگانه‌ای تربیت شود». و مادر پسر می‌گوید: «من به عنوان مادر، خود او را پرورش می‌دهم». حقّ حضانت این پسر بچّه با کیست؟

جواب: در مورد نگهداری بچّه و پرورش او تا زمان بلوغ، مادر بچّه بر جدّ او مقدّم است؛ حتّی در صورتی که شوهر کند، ولی در مسأله ولایت بر اموال، حقّ با جدّ است و مادر ولایتی بر اموال کودک ندارد.

سؤال ۷۷۶. در مواردی که بین زوجین مفارقت حاصل می‌شود و فرزند مشترکی دارند، فتوای مشهور فقهای شیعه این است که مادر در مورد دختر تا هفت سالگی و در مورد پسر تا دو سالگی اولویت در حضانت دارد، و پس از آن، فرزند در حضانت پدر قرار می گیرد. از آنجا که مادّه ۱۱۶۹ قانون مدنی با الهام از این فتوا تنظیم شده، محاکم دادگستری نیز در موارد مطروحه در پرونده های جاری بر این اساس عمل می‌نمایند؛ ولی این امر چند مشکل اجرایی در بر دارد:

الف) تعلّق عاطفی فرزندان، اعمّ از پسر و دختر، در سنین پایین به مادر بیشتر است، و گرفتن پسر بچّه های دو تا هفت ساله از مادر، در موارد زیادی موجب

احکام خانواده، ص: ۳۴۰

اخلال در مسائل تربیتی و عاطفی آنان می‌شود.

ب) غالباً پدرهای ازدواج نکرده در نگهداری این گونه کودکان دچار مشکلات مهمّی می‌شوند، و بیشتر به خاطر لجاجت، اصرار در گرفتن کودک دارند. و معمولًا بعد از تحویل، کودک را به عمّه، یا مادر بزرگ، یا یکی دیگر از اقوام می‌سپارند، و خود مباشرت در حضانت ندارند.

ج) به دلیل تعلّق عاطفی شدید بین مادر و فرزند، در اغلب موارد گرفتن پسر بچّه سه یا چهار ساله از مادر، موجب عُسر و حرج بر مادر است؛ در صورتی که با حضانت مادر، پدر نیز از طریق اعمال ولایت و نظارت کلّی، با بچّه های خود ارتباط دارد، و فشاری بر وی وارد نمی‌شود.

د) نگران کننده‌ترین نکته این که در خانواده‌ای که بیش از یک فرزند وجود دارد، بچّه ها با هم مأنوس و وابسته به هم می‌باشند، و جدا کردن بچّه‌های خردسال از یکدیگر، و سپردن بعضی به پدر و بعضی به مادر، فشار شدیدی بر آنان وارد می‌آورد.

از طرفی بر طبق فتاوای برخی از فقهاء، از جمله مرحوم آیت اللَّه العظمی خویی رحمه الله اولویت در حضانت تا سنّ هفت سالگی، هم در دختر و هم در پسر، با مادر است. و احادیثی، از جمله روایت ایوب بن نوح ۲۳]، نیز دلالت بر این مسأله دارد. با توجّه به مطالب فوق نظر حضر تعالی در این مسأله چیست؟

جواب: در صورتی که مصالح فرزندان واقعاً به خطر بیفتد، و گرفتار ضرر عاطفی شدیدی شوند، می‌توان حضانت را به مادر سپرد.

سؤال ۷۷۷. همسرم چند سال قبل، بنا به عللی، مرا طلاق داد، و حضانت تنها فرزندمان، که دختری خردسال بود، نیز به من سپرده شد. با تمام مشکلات اقتصادی، که جهت تأمین مخارج زندگی دخترم وجود داشت، او را بزرگ

احکام خانواده، ص: ۳۴۱

نمودم، حال که دخترم به سنّ ازدواج رسیده، شوهر سابقم اصرار دارد که دختر را از من بگیرد. قابل ذکر است که:

اوّلًا) در طول مدّتی که از هم جدا شده‌ایم، هیچ گونه کمکی از جانب شوهر سابقم به دخترمان نشده است.

ثانیاً) چون دخترم در طول این مدّت پدر را اصلًا ندیده، شدیداً در برابر تقاضای او امتناع می کند، با توجّه به مطالب فوق به دو سؤال زیر پاسخ فرمائید:

الف) آیا شوهرم حق دارد دختر را از من بگیرد؟

جواب: هرگاه دختر به سنّ بلوغ رسیده، نه پدر می‌تواند او را اجبار کند و نه مادر؛ بلکه نزد هر کدام دوست داشته باشد، می‌تواند زندگی کند.

ب) نفقه دخترم بر عهده کیست؟ آیا می‌توانم حقوق و نفقه او را از شوهر سابقم مطالبه کنم؟

جواب: در صورتی که به میل خود نفقه او را داده‌اید، نمی‌توانید از پدر او چیزی بگیرید؛ ولی اگر پدر نفقه او را نمی‌داده، و شما به این قصد نفقه او را داده‌اید که از او بگیرید، حقّ مطالبه دارید.

سؤال ۷۷۸. شوهر خانمی بر اثر تصادف از بین رفته، و پنج فرزند از او باقی مانده است، که بعضی کبیر و بعضی صغیرند. این زن با میل و رضایت خود حقّ حضانت اولادش را به جدّ پدری بچّه ها واگذار کرده، و کلًّا حقّ حضانت را از خود اسقاط نموده است؛ بعد از یک سال و اندی ادّعای رجوع به حقّ حضانت می کند، آیا حقّ رجوع دارد؟

جواب: بعد از واگذاری حقّ حضانت، حقّ بازگشت ندارد.

سؤال ۷۷۹. زوجه علاوه بر بذل تمام یا مقداری از مهریه، سرپرستی بدون نفقه و یا با نفقه فرزندان دختر بالاتر از هفت سال خود را بر عهده می گیرد؛ ولی بعد از طلاق از نگهداری اطفال امتناع می‌ورزد. آیا دادگاه می‌تواند زوجه را الزام به

احکام خانواده، ص: ۳۴۲

حضانت از فرزندان دختر کند، یا این که حضانت به زوج منتقل می‌شود؟

جواب: چنانچه شرعاً (از طریق مصالحه، یا شرط ضمن العقد) موظّف شده باشد، دادگاه می‌تواند زوجه را به نگهداری اطفال اجبار کند.

سؤال ۷۸۰. لطفاً فتوای خود را با عنایت به شرایط فعلی زنان در جامعه، و با توجّه به مهر و علاقه‌ای که خداوند در ضمیر آنان نهاده، در مورد اصلاح مدّت حضانت فرزندان در نزد مادران بفرمایید، تا با ارائه آن به مجلس و قانون‌گذاران بتوانیم این ماده قانونی را اصلاح نماییم.

جواب: مشهور در میان فقهای ما این است که حضانت دختر تا هفت سال، و پسر تا دو سال، در اختیار مادر است؛ مگر این که عسر و حرج شدیدی برای مادر پیدا شود، که برای پدر نباشد، و بیش از این مقدار را ایجاب کند. ضمناً به این نکته توجّه داشته باشید که قوانین اسلام بلکه هر قانونی ناظر به حال اکثریت است، و موارد نادر و اتّفاقی معیار نیست. بی‌شک مصلحت فرزندان غالباً ایجاب می کند که زیر نظر پدران باشند، و به خاطر همین بوده که اسلام چنین قانونی وضع کرده است، ولی چون شما تنها به موارد خاصّی توجّه کرده‌اید، تعجّب نموده‌اید. البتّه مسأله صلاحیت پدر، یا مادر در مورد حضانت شرط است، و اگر یکی از آن دو فاقد صلاحیت باشد، حقّ آنها سلب می‌شود.

سؤال ۷۸۱. می‌دانیم که مادر، ۹ ماه فرزند را در شکم دارد، و مقدار زیادی از قوّت و نیروی او به این طریق از دست می‌رود، و به خاطر زایمان، نیز دچار بیماری‌هایی می‌شود. چرا با تمام این مشکلات، که یک زن در بزرگ کردن طفل خود و حتّی شیر دادن او دارد، به هنگام جدایی زن و شوهر از یکدیگر، (جز در موارد معدودی) فرزند به پدر سپرده می‌شود؟

جواب: شکی نیست که مرد برای حمایت از فرزند خود قدرت بیشتری دارد، و موارد استثنایی نمی‌تواند حکم کلّی را تغییر دهد.

احکام خانواده، ص: ۳۴۳

سؤال ۷۸۲. اگر کسی همسر منحرف خود را (که رابطه نا مشروع داشته و محکوم به حدّ شرعی شده) طلاق دهد، و دختر سه ساله‌ای داشته باشد، آیا از نظر شرع مقدّس، این زن مطلّقه منحرف می‌تواند حضانت آن دختر بچّه را بر عهده گیرد؟

جواب: اگر خوف انحراف بچّه باشد، نباید بچّه را به چنان مادری سپرد.

سؤال ۷۸۳. ولایت و حضانت زنازاده با چه کسی است؟

جواب: ولایت و نفقه بر عهده زانی و حضانت طبق موازین فقهی با زانی و زانیه است.

سؤال ۷۸۴. چندی پیش راجع به یک نزاع خانوادگی چند سؤال از محضرتان نمودیم که فرمودید: «در صورت احراز حرج واقعی و عدم رضایت زوج به طلاق، حاکم شرع می‌تواند ولایتاً طلاق را اجرا کند» حال پس از مذاکره مجدّد با زوج، ایشان قبول کرده که همسرش را طلاق شرعی بدهد مشروط بر این که همسرش در محکمه مدنی کشور سوئد به صورت رسمی کلًّا از حضانت فرزندان صرف نظر کند و امر نگهداری فرزندان را به شوهر بسپارد، همسرش اظهار می‌دارد که جدایی از فرزندانم برایم بسیار مشکل و غیر

قابل تحمّل است؛ لکن شوهر اصرار دارد که یا بچّه‌ها را بطور کامل در اختیار او بگذارد که بتواند آنها را به هر کشوری که بخواهد ببرد و زن هیچ حقّی نداشته باشد و یا این که حاضر به طلاق نیستم، آیا شوهر می‌تواند امر طلاق را منوط به انصراف قانونی همسرش از حضانت فرزندان نماید؟

جواب: در صورتی که شوهرش حقّ شرعی خود را در مورد حضانت مطالبه کند و حاضر به طلاق باشد، نمی‌توان اجباراً صیغه طلاق را جاری کرد؛ ولی می‌توان مرد را وادار کرد که به مقدار متعارف به زن، حقّ دیدن بچه‌ها را بدهد و مرد باید از این امر امتناع نکند و مسأله حضانت غیر از مسأله حقّ دیدار است.

احکام خانواده، ص: ۳۴۴

سؤال ۷۸۵. پسر بچّه‌ای دو سال دوران حضانت خود را نزد مادر سپری نموده است. اکنون با انقضای مدّت حضانت مادر، پدر قصد استرداد طفل را دارد. امّا طفل و مادر آن چنان به یکدیگر وابسته و علاقه‌مند هستند، که جدا کردن آنها حتّی هفته‌ای یک روز، با مشقّت صورت می‌گیرد. با توجّه به این مطلب، در صورتی که متخصّصین روانشناسی نظر دهند که جدا کردن طفل از مادر، به سلامت روحی و روانی و جسمانی کودک صدمه وارد می‌کند، و موجب مشقّت و فشار شدید روحی و روانی به مادر خواهد بود، تکلیف چیست؟ اگر پدر به دلیل اشتغال خارج از منزل، بلکه خارج از شهرِ محلِّ سکونت، بخواهد طفل را به دیگری بسپارد، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که طبق گواهی کارشناسان خبره و متدین ثابت شود که جدا کردن پسر بچّه دو ساله از مادرش خطرات شدیدی برای مادر یا آن بچّه به همراه دارد، نباید او را از مادرش جدا کرد.

سؤال ۷۸۶. حضانت طفل خنثای مشکل پس از اتمام مدّت شیرخوارگی با کدام یک از والدین خواهد بود؟ و ملاک آن چیست؟

جواب: در صورتی که بتوانند با هم توافق کنند مشکل نیست؛ در غیر این صورت قرعه می‌زنند.

سؤال ۷۸۷. آیا کفر مانع حقّ حضانت به شمار می‌آید؟

جواب: در صورتی که خطر مادّی و معنوی بچّه را تهدید نکند اشکالی ندارد؛ هر چند (بنابر احتیاط) در زمان حیات پدر مسلمان، حضانت آنها در اختیار اوست.

سؤال ۷۸۸. آیا مباشرت در حضانت ضروری است، و با عدم امکان آن، حقّ حضانت ساقط می‌شود، یا استنابت نیز جایز است؟

جواب: استفاده از کمک خادم، یا کمک کار با نظارت خودش مانعی ندارد،

احکام خانواده، ص: ۳۴۵

ولی سپردن به دیگری به طور کامل اشکال دارد.

سؤال ۷۸۹. در فرض سؤال بالا، در صورتی که استنابت در حضانت جایز باشد، آیا جواز مشروط بر عدم قدرت بر مباشرت می‌باشد، یا بطور مطلق جایز است؟

جواب: مشروط نیست.

سؤال ۷۹۰. در حکم دادگاه آمده: «چون برای نگهداری و حضانت طفل از محکمه اذن نگرفته، حقّ حضانت ندارد» این مسأله چه صورت دارد؟

جواب: در مدّتی که حضانت وظیفه زن است، اجازه دادگاه شرط نیست.

سؤال ۷۹۱. طبق مادّه ۱۱۶۷ قانون مدنی، ولد زنا ملحق به زانی نیست، آیا می‌توان با درنظر گرفتن وضعیت این اطفال و آینده آنان، ولایت قهری پدرشان را بر آنان مقرّر نموده، و از این باب آنان را ملزم به حضانت طفل و پرداخت نفقه و نگهداری از آنان نمود؟ و در صورت نبودن پدر، جدّ پدری، و در صورت فقدان وی، دیگر اقوام پدری را، با رعایت قاعده الأقرب فالأقرب، ملزم به این کار

کرد؟

جواب: عدم الحاق ولد الزنا به زانی در مورد ارث است؛ ولی در نفقه و حضانت، زانی موظّف است آن را بر عهده بگیرد. به تعبیر دیگر، ولد الزّنا احکام ولد را دارد، الّا ما خرج بالدلیل.

سؤال ۷۹۲. آیا در سقوط حقّ حضانت (حقّ سرپرستی و نگهداری کودک) به وسیله ازدواج مجدّد فرقی بین ازدواج موقّت و دائم هست؟ و در صورتی که زن از شوهر دوم طلاق بگیرد آیا حقّ حضانت که به خاطر شوهر کردنش ساقط شده بود دوباره باز می گردد؟

جواب: در صورت ازدواج حقّ حضانت زن ساقط می‌شود خواه ازدواج دائم باشد یا موقّت، مگر این که مدّت ازدواج موقّت کم و کوتاه باشد که در این

احکام خانواده، ص: ۳۴۶

صورت ساقط نمی‌شود و هرگاه از شوهر دوم طلاق بگیرد حقّ حضانت باز نمی گردد هر چند احتیاط مستحب آن است که زوج و زوجه در این مورد تراضی و تصالح کنند.

سؤال ۷۹۳. اگر بچّه ولدالزّنا به دست زانیه داده شود باعث فساد می‌شود و موجب لطمه به آبروی یک عدّه مومن آن روستا می‌شود امّا اگر شرع مقدّس یا قانون دولت، این بچه را به اداره بهزیستی تحویل نماید، هم فساد کم می‌شود و هم آبروی چندین مؤمن حفظ می‌شود، در این صورت وظیفه چیست؟

جواب: باید حاکم شرع در این گونه موارد تصمیم بگیرد و اگر فسادی هست جلوی آن را بگیرد.

سؤال ۷۹۴. اگر صغیر، جدّ پدری نداشته باشد آیا مادر می‌تواند بااجازه حاکم شرع قیم او بشود؟

جواب: با اجازه حاکم شرع مانعی ندارد.

سؤال ۷۹۵. اگر مردی با زن نامحرمی تفخیذ کند و انزال شود و فرزندی منعقد گردد بی آن‌که دخول صورت گرفته باشد حکم فرزند و زوال بکارت که بر اثر تولد فرزند حاصل می‌شود چیست؟

جواب: هرگاه یقین داشته باشد که انزال نمی‌شود، بعید نیست فرزند آنها همچون فرزند شبهه باشد و اگر احتمال می‌داده است، خالی از اشکال نیست و در مورد مهرالمثل اگر زن با میل و رضایت خود حاضر شده و احتمال این امر را می‌داده مهرالمثل ندارد و اگر احتمال نمی‌داده و رضایت به غیر تفخیذ نداشته، احتیاط واجب دادن مهرالمثل است.

سؤال ۷۹۶. همسر شهیدی که یک پسر دارد پس از گذشتن چند سالی ازدواج کرده است، پدر شهید می گوید: من به عنوان ولیّ نمی گذارم نوه‌ام در خانه بیگانه بماند چون من وظیفه دارم او را پرورش دهم و فعلًا این پسر بچه ۵ ساله است،

احکام خانواده، ص: ۳۴۷

مادرش می گوید: من به عنوان مادر، او را پرورش می‌دهم، از نظر اسلام کدام یک مقدّم هستند؟

جواب: در مورد نگهداری بچه و پرورش او تا زمان بلوغ، مادر بچه بر جدّ او مقدّم است حتّی در صورتی که شوهر کند، ولی در مسأله ولایت بر اموال حق با جدّ است و مادر ولایتی بر اموال کودک ندارد.

***

احکام خانواده، ص: ۳۴۹

بخش پانزدهم:

اشاره

رضاع (شیر دادن)

احکام خانواده، ص: ۳۵۱

۱

شرایط شیر دادنی که سبب محرم شدن است

سؤال ۷۹۷. شیر دادن با چه شرایطی سبب محرمیّت می‌شود؟

جواب: هرگاه زنی کودکی را شیر دهد با نُه شرط سبب محرم شدن خواهد بود:

الف) شیر از ولادت باشد، بنابراین اگر پستان بدون تولّد فرزندی شیر پیدا کند و کودکی از آن بنوشد سبب محرمیت نمی‌شود.

ب) بچّه از زن زنده شیر بخورد، پس اگر پستان زن مرده‌ای را به دهان بگیرد و شیر بخورد اثری ندارد.

ج) شیر آن زن از حرام نباشد، بنابراین اگر شیر بچّه‌ای را که از زنا به دنیا آمده به بچّه‌ای بدهند به کسی محرم نمی‌شود.

د) شیر را از پستان بمکد، ولی احتیاط واجب آن است اگر شیر را در گلوی بچّه بریزند با آن زن و محارم او ازدواج نکند.

ه) شیر را با چیز دیگر مخلوط نکنند.

و) شیر مربوط به یک شوهر باشد، بنابراین اگر زنی را که دارای شیر است طلاق دهد بعد شوهر دیگری کند و از او باردار شود و تا موقع وضع حمل شیری که مربوط به شوهر اوّل داشته باقی بماند و مثلًا کودکی را هشت دفعه از شیر مربوط به شوهر اوّل و هفت دفعه از شیر مربوط به شوهر دوم شیر دهد آن کودک

احکام خانواده، ص: ۳۵۲

به کسی محرم نمی‌شود، همچنین اگر زنی از شیر مربوط به شوهر اوّل کودکی را بطور کامل شیر دهد و بعد از شیر مربوط به شوهر دوم کودک دیگری را شیر دهد آن‌دو به یکدیگر محرم نمی‌شود.

ز) کودک به واسطه بیماری شیر را قی نکند، ولی احتیاط واجب آن است در این صورت کسانی که به واسطه شیر دادن به آن بچّه محرم می‌شوند با او ازدواج نکنند و نگاه محرمانه هم به او ننمایند.

ح) کودک پانزده مرتبه، یا یک شبانه روز بطوری که در مسأله بعد خواهد آمد شیر کامل بخورد، یا آن مقدار شیر به او بدهند که بگویند از آن شیر استخوانش محکم شده و گوشت در بدنش روییده است و احتیاط مستحب آن است که اگر ده مرتبه شیر بخورد کسانی که به واسطه شیر خوردن با او محرم می‌شوند با او ازدواج نکنند و نگاه محرمانه نیز به او ننمایند.

ط) دو سال کودک تمام نشده باشد، بنابراین بعد از تمام شدن دو سال اگر به او شیر دهند به کسی محرم نمی‌شود، حتّی اگر پیش از تمام شدن دو سال چهارده مرتبه و بعد از آن یک مرتبه شیر بخورد با کسی محرم نمی‌شود، ولی اگر از موقع زاییدن زن بیش از دو سال گذشته باشد و شیر او باقی باشد و بچّه‌ای را شیر دهد احتیاط واجب آن است که با زنانی که به واسطه شیر خوردن با او محرم می‌شوند ازدواج نکند و نگاه محرمانه هم ننماید.

سؤال ۷۹۸. آیا میتوان در طول یک شبانه روزی که کودک شیر می‌خورد از غذا و شیر زن دیگر هم استفاده کند؟

جواب: نباید در بین یک شبانه روز غذا یا شیر زن دیگری را بخورد، مگر این‌که غذا بقدری کم باشد که به حساب نیاید، همچنین در بین پانزده مرتبه شیر خوردن باید شیر زن دیگری را نخورد، و در هر مرتبه باید بقدری بخورد که سیر شود و بنابر احتیاط دو دفعه بطور ناقص، نه دو دفعه حساب می‌شود و نه یک دفعه.

احکام خانواده، ص: ۳۵۳

سؤال ۷۹۹. اگر زنی از شیر مربوط به یک شوهر چندین بچّه را شیر دهد حکم محرمیت آنان چگونه است؟

جواب: هرگاه زنی از شیر مربوط به یک شوهر چندین بچّه را شیر دهد همه آنان به یکدیگر و به شوهر و زنی که آنان را شیر داده محرم می‌شوند

سؤال ۸۰۰. هرگاه کسی دارای چند همسر است، هر کدام از آنان بچّه‌ای را شیر کامل دهد؛ حکم محرمیت آنان چگونه می‌شود؟

جواب: آن بچّه‌ها به یکدیگر و به آن مرد و به همه آن زنان محرم می‌شوند.

سؤال ۸۰۱. هرگاه زنی از شیر مربوط به یک شوهر پسر و دختری را شیر کامل دهد؛ حکم محرمیت آنان چگونه می‌شود؟

جواب: آنها به هم محرم می‌شوند، ولی خواهر و برادر آنها به یکدیگر محرم نمی‌شوند.

سؤال ۸۰۲. اگر زنی برادر کسی را شیر دهد به او محرم می‌شود؟

جواب: محرم نمی شود، اگر چه احتیاط مستحب آن است که با او ازدواج نکند.

سؤال ۸۰۳. هرگاه زنی دختر عمّه یا دختر خاله کسی را شیر دهد به او محرم می‌شود؟

جواب: محرم نمی شود، ولی احتیاط مستحب آن است که با او ازدواج نکند.

سؤال ۸۰۴. مردی که دو همسر دارد اگر یکی از آن دو همسر، فرزند عموی زن دیگر را شیر دهد زنی که فرزند عموی او شیر خورده به شوهر خود حرام می‌شود؟

جواب: خیر، حرام نمی‌شود.

سؤال ۸۰۵. دختری از سنّ هفت ماهگی به بعد، به مدّت سه ماه و بطور متفرّقه، روزی یک بار یا دو بار، از زنی شیر خورده و در همین روزها از شیر مادر، یا از

احکام خانواده، ص: ۳۵۴

شیر خشک، یا آب قند، نیز استفاده کرده است و بعضی مواقع در طول این سه ماه، ۷ الی ۱۰ روز اصلًا از شیر آن زن استفاده نکرده است، آیا این دختر فرزند رضاعی آن زن محسوب می‌شود؟

جواب: در فرض مسأله، با توجّه به این که گوشت و استخوان آن کودک تا حدّی به وسیله شیر آن زن روییده است، فرزند رضاعی او محسوب می‌شود.

سؤال ۸۰۶. اگر زن و شوهری، کودکی را که سنّ او کمتر از ۲ سال است به فرزند خواندگی بپذیرند، و زن با کمک و مشارکت شوهر، و با استفاده از روش خاصّی، پستان خود را شیردار سازد، و کودک را با چنین شیری به طور مستقیم (از پستان) در حدّ نصاب تعیین شده (۱۵ مرتبه کامل، یا به دفعات در طیّ یک شبانه روز به صورت تغذیه انحصاری) شیر دهد، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا به این طریق رابطه خویشاوندی رضاعی میان کودک و زوجین مورد اشاره محقّق می گردد؟

ب) در صورتی که پاسخ سؤال اوّل منفی باشد، آیا رابطه مادر و فرزندی رضاعی به صورت انحصاری میان مرضعه و مرتضع برقرار می‌شود؟

جواب: حکم رضاع در این مورد جاری نیست، و این مسأله از مسائلی است که در میان فقها کاملًا مشهور است، و مدارک معتبری

دارد که شیر بدون ولادت، تأثیری در تحریم ندارد.

***

احکام خانواده، ص: ۳۵۵

۲

کسانی که به‌واسطه شیرخوردن محرم می‌شوند

سؤال ۸۰۷. اگر کودکی را با رعایت شرایط شیر دهند به چه کسانی محرم می‌شود؟

جواب: الف) خود آن زن و او را «مادر رضاعی» می گویند.

ب) شوهر آن زن که شیر مربوط به اوست و او را «پدر رضاعی» گویند.

ج) پدر و مادر آن زن هر چه بالا روند، اگر چه پدر و مادر رضاعی او باشند.

د) بچّه‌هایی که از آن زن به دنیا آمده‌اند یا به دنیا می‌آیند.

ه) بچّه‌های اولاد آن زن هر چه پایین روند چه از اولاد او به دنیا آمده، یا اولاد او آنها را شیر داده باشند.

و) خواهر و برادر آن زن اگر چه رضاعی باشند.

ز) عمو و عمّه آن زن اگر چه رضاعی باشند.

ح) دایی و خاله آن زن اگر چه رضاعی باشند.

ط) اولاد شوهر آن زن که شیر مربوط به اوست هر چه پایین روند، اگر چه اولاد رضاعی او باشند.

ی) پدر و مادر شوهر آن زن که شیر مربوط به آن شوهر است هر چه بالا روند.

ک) خواهر و برادر شوهری که شیر مربوط به اوست اگر چه خواهر و برادر

احکام خانواده، ص: ۳۵۶

رضاعی او باشند.

ل) عمو و عمّه و دایی وخاله شوهری که شیر مربوط به اوست هر چه بالا روند اگر چه رضاعی باشند، همچنین عدّه دیگری که در مسائل بعد گفته می‌شود به واسطه شیر دادن محرم می‌شوند.

سؤال ۸۰۸. دختری را که زن شیر داده بر شوهر او حرام است؟

جواب: دختری را که زن شیر داده بر شوهر او حرام است؛ به شرط این‌که با آن زن نزدیکی کرده باشد.

سؤال ۸۰۹. آیا انسان می‌تواند با مادر رضاعی زن خود ازدواج کند؟

جواب: خیر، نمی‌تواند با مادر رضاعی زن خود ازدواج کند زیرا به حکم مادر زن اوست.

سؤال ۸۱۰. اگر خواهری بچّه‌های خواهر خود را شیر دهد، آیا این خواهر به شوهر خواهرش محرم می‌شود؟

در ضمن حکم فرزندان او چه خواهد بود؟

جواب: خواهری که شیر داده به پدر بچه شیرخوار محرم نمی شود، ولی فرزندان این خواهر با پدر بچه شیرخوار محرمند.

سؤال ۸۱۱. آیا نوه های مادر رضاعی بر شیرخوار محرم می‌باشند؟

جواب: آری، نوه ها بر شیرخوار محرم می‌باشند.

سؤال ۸۱۲. شخصی از خانمی، طبق شرایطی که در رساله‌های عملیه آمده، شیر خورده است. این زن پس از فوت همسرش، شوهر دیگری انتخاب نموده، و از هر دو شوهر دارای فرزندانی است. لطفاً در این مورد به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا فرزندانی که این خانم از هر دوشوهر دارد بر آن شخص محرم هستند؟

جواب: آری محرمند.

احکام خانواده، ص: ۳۵۷

ب) آیا فرزندانی که از شوهر دوم دارد، می‌توانند با فرزندان این شخص که از خانم مذکور شیر خورده، ازدواج نمایند؟

جواب: نمی‌توانند ازدواج کنند.

سؤال ۸۱۳. انسان با دختری که خواهر انسان یا زن برادر او از شیر مربوط به برادرش او را شیر کامل داده باشد محرم است؟

جواب: آری محرم است و نمی‌تواند با او ازدواج کند.

سؤال ۸۱۴. اگر خواهرزاده یا برادرزاده یا نوه خواهر یا نوه برادر شخصی به دختری شیر داده باشد؛ آن دختر به این شخص محرم است؟

جواب: آری محرم است و نمی‌تواند با او ازدواج کند.

***

احکام خانواده، ص: ۳۵۹

۳

احکام شیر دادن

سؤال ۸۱۵. هرگاه زنی بچه شیرخواری را با رعایت شرایط شیر دهد؛ آیا محدودیتی در ازدواج پدر آن بچه با اقوام زن ایجاد می‌شود؟

جواب: آری، پدر آن بچّه نمی‌تواند با دخترهایی که از آن زن به دنیا آمده‌اند ازدواج کند و نیز بنابر احتیاط واجب نمی‌تواند دختر شوهری را که شیر مربوط به اوست به ازدواج خود درآورد، بلکه احتیاط واجب آن است که با دخترهای رضاعی او نیز ازدواج نکند، ولی ازدواج با دخترهای رضاعی آن زن از شوهر دیگر مانعی ندارد.

سؤال ۸۱۶. هرگاه زنی بچّه‌ای را با رعایت شرایط شیر دهد شوهر آن زن که شیر مربوط به اوست به خواهرهای آن بچّه محرم می‌شود؟

جواب: شوهر آن زن که شیر مربوط به اوست به خواهرهای آن بچّه محرم نمی‌شود، ولی احتیاط مستحب آن است که با آنان ازدواج نکند.

سؤال ۸۱۷. هرگاه زنی بچّه‌ای را با رعایت شرایط شیر دهد، خویشان شوهر با خواهر و برادر آن بچّه محرم می‌شوند؟

جواب: خیر، محرم نمی‌شوند.

سؤال ۸۱۸. هرگاه زنی کودکی را شیر دهد به برادرهای آن بچّه محرم می‌شود؟

جواب: هر گاه زنی کودکی را شیر دهد به برادرهای آن بچّه محرم نمی‌شود.

احکام خانواده، ص: ۳۶۰

سؤال ۸۱۹. هرگاه زنی کودکی را شیر دهد خویشان آن زن به برادر و خواهرهای بچّه‌ای که شیر خورده محرم می‌شوند؟

جواب: خیر، محرم نمی‌شوند.

سؤال ۸۲۰. پسر می‌تواند با دختری که مادر یا مادر بزرگ او آن دختر را شیر کامل داده ازدواج کند؟

جواب: نمی‌تواند ازدواج کند.

سؤال ۸۲۱. اگر زن پدر انسان از شیر مربوط به پدر او دختری را شیر داده باشد پسر می‌تواند با آن دختر ازدواج نماید؟

جواب: نمی‌تواند با آن دختر ازدواج نماید.

سؤال ۸۲۲. زن می‌تواند بچّه دختر خود را شیر دهد؟

جواب: احتیاط مستحب آن است که به او شیر کامل ندهد.

سؤال ۸۲۳. زن می‌تواند بچّه‌ای را که شوهر دخترش از زن دیگر دارد شیر دهد؟

جواب: احتیاط مستحب آن است که به او شیر کامل ندهد.

سؤال ۸۲۴. مانعی دارد که زن نوه پسری خود را شیر دهد؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۸۲۵. اگر خانمی دختر برادر شوهر خود را شیر دهد آیا غیر از آن دختر، فرزندان دیگر دو برادر می‌توانند با هم ازدواج کنند؟

جواب: آن دختری که شیر زن برادر را خورده نسبت به تمام فرزندان آن زن محرم است ولی سایر فرزندان آن دو برادر می‌توانند با هم ازدواج کنند.

سؤال ۸۲۶. زن و شوهری به مسافرت رفته، و فرزند شیرخوار خود را به مادر آن زن می‌سپارند. او از شیر خود یک ماه تمام به آن بچّه شیر می‌دهد. با توجّه به این که تمام شرایط نشر حرمت حاصل شده، طبق فتاوای موجود، دامادش بر

احکام خانواده، ص: ۳۶۱

دخترش، نامحرم است، و باید از یکدیگر جدا شوند. لطفاً بفرمایید:

اوّلًا: اگر مادر زن به کلّی نسبت به این حکم جاهل بوده، چه صورتی دارد؟

ثانیاً: در فرض ایجاد حرمت، اگر دختر با شوهرش همبستر شود و فرزندی منعقد گردد، چه حکمی دارد؟

جواب: طبق فتوای اخیر ما این زن به شوهرش حرام نمی‌شود؛ هر چند خالی از کراهت نیست.

سؤال ۸۲۷. دختر بچه شیرخواری، شیر خاله خود را می‌نوشد؛ ولی نه به اندازه‌ای که باعث حرمت شود. آیا می‌تواند با پسر خاله اش ازدواج کند؟

جواب: اگر به اندازه‌ای که باعث تحریم می‌شود، نخورده است، ازدواج آنها مانعی ندارد.

سؤال ۸۲۸. مرد می‌تواند بدون اذن همسر خود با خواهرزاده یا برادرزاده رضاعی زن خود ازدواج کند؟

جواب: خیر، نمی‌تواند.

سؤال ۸۲۹. اگر شخصی با پسری (العیاذ باللّه) لواط کرده می‌تواند با دختر و خواهر مادر رضاعی آن پسر ازدواج کند؟

جواب: احتیاط واجب آن است که ازدواج نکند.

سؤال ۸۳۰. مرد می‌تواند با دو خواهر اگرچه رضاعی باشند ازدواج کند؟

جواب: نمی‌تواند ازدواج کند.

سؤال ۸۳۱. اگر دو زن را عقد کند بعد بفهمد خواهر بوده‌اند، این عقدها چه حکمی دارد؟

جواب: عقد اوّلی صحیح و دومی باطل است و اگر عقد در یک وقت بوده هر دو باطل است.

سؤال ۸۳۲. اگر زن از شیر مربوط به شوهر خود کسانی را که در زیر گفته

احکام خانواده، ص: ۳۶۲

می‌شود شیر دهد شوهرش بر او حرام می‌شود؟

الف) برادر و خواهر خودش را.

ب) عمو و عمّه و دایی و خاله خودش را.

ج) عمو زاده و دایی زاده خود را.

د) برادر زاده خود را.

ه) برادر شوهر یا خواهر شوهر خود را.

و) خواهر زاده خود، یا خواهر زاده شوهرش را.

ز) عمو و عمّه و دایی و خاله شوهرش را.

ح) نوه زن دیگر شوهر را.

جواب: شوهرش بر او حرام نمی‌شود، ولی بهتر است این کار را نکند.

***

احکام خانواده، ص: ۳۶۳

۴

آداب شیر دادن

سؤال ۸۳۳. بهترین فرد برای شیر دادن به کودک کیست؟

جواب: هیچ کس برای شیر دادن فرزند بهتر از مادر و سزاوارتر از او نیست.

سؤال ۸۳۴. مادر می‌تواند برای شیر دادن به کودک خود از شوهرش مزد بگیرد؟

جواب: بهتر است مزدی از شوهر خود نگیرد، ولی حق دارد بگیرد.

سؤال ۸۳۵. اگر مادر بخواهد بیشتر از دایه مزد بگیرد شوهر می‌تواند بچّه را از او گرفته به دایه دهد؟

جواب: می‌تواند بچّه را از او گرفته به دایه دهد.

سؤال ۸۳۶. آیا دایه باید شرایط خاصّی داشته باشد؟

جواب: در روایات آمده است دایه‌ای را باید برای طفل انتخاب کرد که دارای عقل و ایمان و عفّت و صورت نیکو باشد و از گرفتن دایه کم‌عقل یا غیرمؤمنه یا بدصورت و کج خلق یا زنازاده خودداری شود و همچنین از انتخاب دایه‌ای که بچّه او از زنا به دنیا آمده و شیرش شیر زنازاده است پرهیز شود.

سؤال ۸۳۷. آیا در مورد مدّت شیر دادن به کودک دستوری وجود دارد؟

جواب: مستحبّ است درصورتیکه ممکن باشدبچّه رادوسال تمام‌شیر بدهند.

احکام خانواده، ص: ۳۶۴

سؤال ۸۳۸. با توجّه به این که هر طفل باید دو سال کامل از شیر مادر استفاده نماید، آیا شیر دادن بعد از دو سال شرعاً اشکال دارد؟

جواب: حرام نیست.

***

احکام خانواده، ص: ۳۶۵

۵

مسائل متفرّقه شیر دادن

سؤال ۸۳۹. آیا اشکالی دارد زن‌ها هر بچّه‌ای را شیر دهند؟

جواب: خوب است از این کار بپرهیزنـد، زیرا ممکن است فراموش کننـد به چه کسانی شـیر داده‌انـد و بعـداً دو نفر محرم با یکدیگر ازدواج کنند، مخصوصاً در این ایام که با وجود امکان اسـتفاده از شیر خشک و امثال آن، کمتر ضرورتی برای شیر دادن به بچّه‌های دیگر وجود دارد.

سؤال ۸۴۰. آیا کسانی که به واسطه شیر خوردن با یکدیگر خویشاوند می‌شوند نسبت به یکدیگر از حقوقی برخوردار می‌شوند؟

جواب: مستحبّ است یکدیگر را احترام کنند، ولی حقوق خویشاوندی ندارند.

سؤال ۸۴۱. آیا کسانی که به واسطه شیر خوردن با یکدیگر خویشاوند می‌شوند از یکدیگر ارث می‌برند؟

جواب: خیر، از یکدیگر ارث نمی‌برند.

سؤال ۸۴۲. زن می‌تواند بدون اجازه شوهر بچه دیگری را شیر دهد؟

جواب: آری می‌توانـد، به شـرط آن‌که حقّ شوهر از بین نرود، ولی جایز نیست بچّه‌ای را شـیر دهـد که به واسـطه شـیر دادن آن بچّه نسبت به شوهر خود حرام شود.

سؤال ۸۴۳. در مسأله ۲۱۳۲ توضیح‌المسائل حضرتعالی آمده است: «هرگاه

احکام خانواده، ص: ۳۶۶

مردی بخواهد زن برادرش به او محرم شود می‌تواند دختر شـیرخواری را با اجازه ولیّ او به عقد موقّت خود درآورد و در همان حال زن برادرش آن دختر را شـیر کامل دهد، بعد از آن که شیر دادن تمام شد می‌تواند مدّت عقد موقّت را به او ببخشد» به نظر می‌رسد احتیـاجی به قسـمت اخیر مسأله نباشـد؛ زیرا معقوده به عقـد موقّت بـا خوردن شـیر کامل بر برادر حرام می‌شود و نیازی به بخشـیدن مدّت ندارد. آیا این مطلب درست است؟

جواب: درست است؛ قسمت اخیر مسأله زیاد است، و در چاپ‌های اخیر حذف شده است.

سؤال ۸۴۴. شیر دادنی که علّت محرم شدن است چگونه ثابت می‌شود؟

جواب: به دو چیز ثابت می‌شود:

اوّل: خبر دادن عدّه‌ای که انسان از گفته آنها یقین پیدا کند.

دوم: شهادت دو مرد عادل یا چهار زن عادل، بلکه احتیاط واجب آن است که به شهادت یک مرد با یک زن هم اکتفا کند، ولی شاهد ها باید شرایط شیر دادن را هم بگویند، مثلًا بگویند ما دیده‌ایم که فلان بچّه پانزده بار از پستان فلان زن با شرایطی که در مسأله ۲۱۱۶ رساله گفته شده شیر کامل خورده است و اگر بدانیم همه آنها شرایط را می‌دانند و در آن توافق دارند، شرح دادن آن لازم نیست.

سؤال ۸۴۵. هرگاه ندانند آیا کودک به مقداری که سبب محرم شدن است شیر خورده یا نه‌محرم بودن او چه حکمی پیدا می کند؟

احکام خانواده ؛ ص۳۶۶

جواب: اگر ندانند، محرم بودن ثابت نمی‌شود و برای محرمیت باید یقین حاصل شود.

سؤال ۸۴۶. خوردن شیر همسر توسّط شوهر چه حکمی دارد؟ اگر خوردن شیر از روی شهوت باشد حکمش چیست؟

جواب: در هر حال اشکال ندارد.

احکام خانواده، ص: ۳۶۷

بخش شانزدهم:

اشاره

مسائل متفرّقه ازدواج

احکام خانواده، ص: ۳۶۹

۱

معاشرت زن و شوهر

سؤال ۸۴۷. دروغ گفتن به زن برای جلب محبّت او چه حکمی دارد مثلًا بگوید: «امروز از صبح تا به حال یک لحظه از فکر تو بیرون نرفتم» و حال آن که چنین نباشد؟

جواب: دروغ جایز نیست؛ مگر در موارد ضرورت.

سؤال ۸۴۸. حکم توهین کردن زن به شوهر و بالعکس چیست؟

جواب: هیچ کس حقّ توهین به دیگری را ندارد حتّی زن و شوهر.

سؤال ۸۴۹. آیا ادای وعده به زن واجب است؟

جواب: بهتر این است که مسلمان همیشه به وعده خود وفا کند مگر در جایی که توانایی ندارد.

سؤال ۸۵۰. منظور از عدالت میان همسران چیست؟

جواب: منظور از عدالت آن است که بر طبق شئون آنها هرکدام متناسب حالش رفتار کند و عدالت همیشه به معنای مساوات نیست

و در مورد حقّ‌القسم عدالت آن است که برای هرکدام یکی از چهار شب را قرار دهد.

سؤال ۸۵۱. اگر مردی همسرش را به حجاب شرعی ملتزم نکند، آیا فاسق محسوب می‌شود؟

جواب: اگر نهی از منکر را ترک کند فاسق است.

احکام خانواده، ص: ۳۷۰

سؤال ۸۵۲. آیا شوهر می‌تواند در مقابل دیگران عیوب زنش را بگوید و او را تحقیر کند اگر چه به شوخی باشد؟

الف) در صورتی که زن ناراحت شود؟

جواب: جایز نیست.

ب) در صورتی که زن ناراحت نشود؟

جواب: بهتر ترک است.

سؤال ۸۵۳. اگر مردی به زنش تهمت ارتباط نامشروع بزند و نتواند ادّعای خویش را در دادگاه صالحه اثبات نماید:

الف) آیا برای مرد جایز است دوباره با زن خویش ادامه زندگی دهد؟

جواب: اگر ادّعای رویت نکند می‌تواند بدون هیچ تشریفاتی‌با او ادامه زندگی دهد ولی به خاطر تهمتی که به او زده است زوجه می‌تواند از حاکم شرع تقاضای حدّ قذف کند (حدّ آن ۸۰ تازیانه‌است) مگر این‌که زوجه او را ببخشد.

ب) آیا برای زن از لحاظ شرعی واجب است با همسرش ادامه زندگی دهد؟

جواب: آری لازم است ادامه زندگی دهد.

ج) آیا در این خصوص زن می‌تواند تقاضای طلاق نماید و به حقّ و حقوق خویش اعمّ از مهریه و جهیزیه و دارایی‌های زندگی برسد؟

جواب: اگر شوهر راضی به طلاق شود اشکالی ندارد.

سؤال ۸۵۴. با توجّه به این که زن و مرد شریک زندگی یکدیگرند آیا مرد می‌تواند بدون اذن زن خود وجهی به دیگران بذل و یا کمک کند، همچنین آیا زن می‌تواند بدون اذن مرد از درآمد شوهر، ولو به صورت صدقه، به کسی بذل و بخشش کند؟

جواب: مرد و زن هر کدام اختیاردار مال خویش هستند؛ و بدون رضایت دیگری حق تصرّف در مال او ندارند.

احکام خانواده، ص: ۳۷۱

۲

محدوده پذیرش ادعای زن

سؤال ۸۵۵. اگر زن بگوید شوهر ندارم می‌توان حرف او را قبول کرد؟

جواب: می‌توان حرف او را قبول کرد به شرط آن‌که متّهم نباشد.

سؤال ۸۵۶. اگر زن بگوید یائسه‌ام می‌توان حرف او را قبول کرد؟

جواب: قبول ادّعای او اشکال دارد.

سؤال ۸۵۷. هرگاه با زنی ازدواج کند و کسی بگوید آن زن شوهر داشته ولی خود زن بگوید نداشته‌ام، می‌توان ادعای زن را قبول کرد؟

جواب: هرگاه با زنی ازدواج کند و کسی بگوید آن زن شوهر داشته ولی خود زن بگوید نداشته‌ام و شرعاً هم ثابت نشود باید حرف زن را قبول کرد، ولی اگر فرد مورد اعتمادی تصدیق کند که شوهر داشته احتیاط واجب آن است که او را طلاق دهد.

***

احکام خانواده، ص: ۳۷۳

۳

مفقود الاثر

سؤال ۸۵۸. اگر زنی یقین پیدا کند که شوهرش در سفر فوت کرده و عدّه وفات نگه دارد سپس شوهر کند، بعد شوهرش از سفر برگردد، تکلیف او چیست؟

جواب: هرگاه زنی یقین پیدا کند که شوهرش در سفر فوت کرده و عدّه وفات (به مقداری که در احکام طلاق گفته خواهد شد) نگه دارد سپس شوهر کند، بعد شوهرش از سفر برگردد باید از شوهر دوم جدا شود و به شوهر اوّل حلال است، ولی اگر شوهر دوم با او نزدیکی کرده باشد زن باید عدّه نگه دارد و احتیاط واجب آن است که شوهر دوم مهر او را مطابق آنچه با او قرار داده بپردازد و اگر مهرالمثل بیشتر است آن را بپردازد.

سؤال ۸۵۹. اگر زنی شوهرش به جبهه رفته و بگویند شهید شده، زن به همین واسطه خلاف میل باطنی با دیگری ازدواج کند و پس از سال‌ها شوهر برگردد حکم چیست؟

جواب: زن به شوهر اول باز می‌گردد و اگر فرزندی از شوهر دوم پیدا کرده حلال زاده است

سؤال ۸۶۰. اگر شوهر زنی به مسافرت برود و برنگردد و مردم بگویند که مرده و بعد از ۷ سال ازدواج کند وبعد از مدتی شوهرسابقش برگردد، تکلیف چیست؟

جواب: اگر صیغه طلاق خوانده نشده، متعلق به شوهر اول است و عده وطی به شبهه دارد.

احکام خانواده، ص: ۳۷۵

۴

دیگر مسائل مربوط به زن و شوهر

سؤال ۸۶۱. آیا زوج می‌تواند طلاهایی را که برای زوجه‌اش در زمان عقد یا عروسی یا پس از آن خریده و تحویل او داده است و معلوم نیست که قصد تملیک داشته یا نه؟ و نیز وضعیت هبه آن نامعلوم است، هرچند احتمال هبه در قبال اعمال مشروع غیر از استمتاعات زیاد است، استرداد نماید؟

جواب: ظاهر کار این است که آنها را به او بخشیده شده است؛ ولی بازپس گرفتن آن مادامی که اصل آن موجود باشد جایز است؛ امّا اگر آن را تبدیل کرده شوهر نمی‌تواند آن را بازپس بگیرد.

سؤال ۸۶۲. من در قم مشغول دروس حُوزوی می‌باشم، زن و فرزندانم در افغانستان تحت سرپرستی پدر و مادرم می‌باشند. می‌خواهم آنها را نزد خودم بیاورم؛ امّا پدر و مادرم از شدّت علاقه‌ای که به نوه‌هایشان دارند اجازه این کار را نمی‌دهند، وظیفه من و پدر و مادرم چیست؟

جواب: شما شرعاً می‌توانید آنها را نزد خود بیاورید؛ ولی بهتر این است که سعی کنید پدر و مادر را نیز راضی کنید.

سؤال ۸۶۳. اگر شخصی دختری را به عقد شرعی خود درآورد، و به دلایلی ازدواج به فسخ یا طلاق منجر شود، آیا مرد شرعاً مکلّف است این مطلب را به اطّلاع خانم دیگری که می‌خواهد با او ازدواج کند برساند؟

احکام خانواده، ص: ۳۷۶

جواب: ضرورتی ندارد.

سؤال ۸۶۴. اینجانب در نظر دارم موسّسه‌ای «فرهنگی، اجتماعی» در خصوص همسر یابی جوانانی که به سنّ ازدواج رسیده‌اند، تأسیس نمایم. و با توجّه به شرایط، موقعیت و سنّ و سال متقاضیان ازدواج، همسر مورد علاقه و مطلوبشان را به آنها معرّفی نموده، و به این وسیله به جامعه و مردم خدمت کنم. همان طور که مستحضرید اخیراً آمارهای صادره از مراجع ذی صلاح، بیانگر افزایش طلاق در سنوات اوّل ازدواج است. و بدون هیچ گونه شک و تردیدی، عدم شناخت زوجهای جوان از یکدیگر، و تن دادن به ازدواجهای ناآگاهانه و ناخواسته، سبب شکست و ناکامی جوانان گردیده، و ادامه این روند سبب ورود ضرر و زیان‌های جبران ناپذیری به بنیانهای فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی خواهد شد. آیا تأسیس چنین موسّساتی از نظر شرع انور اسلام جایز است؟

جواب: تا آن جا که اطّلاع داریم تاکنون افراد یا گروههای متعدّدی اقدام به این کار کرده‌اند. بعضی موفّق بوده، و بعضی با مشکلات مواجه شده‌اند، ولی به هر حال اگر این کار زیر نظر افراد مطمئن، و با رعایت تمام شؤونات اسلامی، و اخذ مجوّز از مقامات ذی صلاح صورت گیرد، کار خوبی است، و ممکن است جلوی بسیاری از مشکلات ازدواجها را بگیرد. امّا با توجّه به ظرافت و حساسیت‌های مسأله، نیاز به برنامه ریزی دقیق دارد.

سؤال ۸۶۵. من با جعل مدارک خود را سید معرفی و به خواستگاری دختری که سیده بود رفتم و با او ازدواج کردم. فرزندی هم داریم الان، چون خانواده آنها به غیرسید زن نمی دادند من این کار راکردم حالا پشیمانم و تکلیف من چیست؟

جواب: از گناه خود جدا توبه نموده و دیگر نام سید بر خود نگذارید ولی ازدواج شما فعلا مانعی ندارد.

سؤال ۸۶۶. آیا شوهر دائمی در رابطه با قیمومت زوجه خود که دچار جنون

احکام خانواده، ص: ۳۷۷

ادواری، یا دائم شده، نسبت به پدر، جدّ پدری، مادر، و سایر اقارب زوجه، اولویت دارد؟

جواب: اولویتی ندارد.

***

احکام خانواده، ص: ۳۷۹

۵

اختلافات زوجین

سؤال ۸۶۷. در صورت اختلاف زن و شوهر در وقوع و عدم وقوع طلاق، قول کدام یک مقدّم است؟

جواب: در صورتی که بینه شرعیه بر طلاق نباشد، قول منکر طلاق مقدّم است.

سؤال ۸۶۸. در صورت اختلاف زن و مرد در وقوع عقد نکاح، قول کدام یک مقدّم است؟

جواب: در صورت نبودن بینه شرعیه یا قرائن قطعیه، قول منکر نکاح مقدّم است.

سؤال ۸۶۹. در صورت اختلاف زوجین در دائم یا منقطع بودن عقد نکاح، قول کدام یک مقدّم است؟

جواب: قول مدّعی عقد موقّت مقدّم است؛ ولی احتیاط آن است که در پایان مدّت، صیغه طلاق نیز جاری گردد.

سؤال ۸۷۰. در صورت اختلاف زوجین در مورد وقوع و عدم وقوع نزدیکی، قول کدام یک مقدّم است؟ توضیح این که زوجین بعد از عقد نکاح، قصد جدایی از هم را دارند، و زوجه مدّعی است که به واسطه نزدیکی، مستحقّ کل مهریه است، و زوج با ادّعای عدم نزدیکی، زوجه را مستحقّ نصف مهریه می‌داند. حق با کیست؟

احکام خانواده، ص: ۳۸۰

جواب: قول عدم نزدیکی مقدّم است (البتّه با قَسم)، مگر این که مدّتی بدون مانع با هم خلوت داشته باشند، که ظاهر حال مواقعه باشد.

سؤال ۸۷۱. در صورت اختلاف زوجین، در این که رجوع صورت گرفته یا خیر، قول کدام یک مقدّم است؟

جواب: قول منکرِ رجوع، مقدّم است.

سؤال ۸۷۲. در صورت اختلاف زوجین در این که رجوع در زمان عدّه صورت گرفته یا بعد از آن، قول کدام یک مقدّم است؟

جواب: قول زوجه مقدّم است.

سؤال ۸۷۳. در صورت اختلاف بین زن و مرد در مورد این که عقد نکاح سابق به قوّت خود باقی است، یا به علل شرعی مانند طلاق و فسخ، زوجیت خاتمه یافته، قول کدام یک مقدّم است؟

جواب: قول مدّعی بقای زوجیت، مقدّم است.

سؤال ۸۷۴. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) اگر بخشی از مهریه زنی سه دانگ خانه بوده که به مبلغ صد میلیون ریال تقویم شده باشد، و مرد زمینی به همین مبلغ، یا بیشتر، بخرد و خانه‌ای در آن بنا کند، آیا در خصوص این بخش از مهریه زن برائت حاصل کرده است؟

ب) اگر بین زن و مرد اختلاف شود، و مرد مدّعی باشد که زمین ساختمان را بابت مهریه زوجه تسلیم نموده، و زن مدّعی شود که تحت عنوان هبه دریافت کرده، قول کدام یک مقدّم می‌شود؟

ج) در فرض بالا کدام یک باید دلیل و بینه ارائه دهد؟

د) اصولًا کسی که مالی به دیگری می‌دهد، ظهور در تبرّع دارد یا عدم تبرّع؟

ه) اگر ثابت شود خانه‌ای که زوج ساخته، و به زن تسلیم کرده، و سند را هم به نام زوجه نموده، حداقل سه برابر مبلغی است که مرد موقع اجرای صیغه عقد

احکام خانواده، ص: ۳۸۱

نکاح به عنوان بخشی از مهریه متعهد شده، آیا مرد مجاز است با بخش دیگری از مهریه زوجه، مثلًا وجه رایج، یا طلا و سکه مقدار اضافی را تهاتر نماید؟ یعنی آیا تعهّدات دیگر زوج راجع به سایر اقلام مهریه در حدّ ارزش اضافی خانه ساقط می‌شود؟

و) و اگر تهاتر نمی‌شود، آیا زوج حق دارد به اعتبار این که به زوجه بدهکار نبوده، از مالی که به زوجه داده و تصوّر می کرده بابت دین خود داده، رجوع و آن را مطالبه و مسترد کند؟

جواب: در صورتی که خانه را با مشخّصاتی که در مهریه اشاره شده تهیه، و به عنوان مهریه به زن تحویل دهد برائت ذمّه از این نظر حاصل شده است. و ادّعای زن در مورد هبه بودن قبول نیست؛ مگر این که اقامه بینه شرعیه کند. از این گذشته، در فرض هبه بودن، مرد حقّ رجوع در هبه را دارد (مگر این که زن و شوهر خویشاوند همدیگر باشند.) و در صورتی که قیمت خانه زائد بر مقدار توافق در مهریه باشد، اضافه را می‌تواند (در صورت موافقت زوجه) بابت بقیه حساب کند. و در صورت عدم موافقت زوجه می‌تواند اضافه را باز پس بگیرد؛ (مشروط بر این که مصالحه‌ای بر کلّ خانه انجام نشده باشد.)

سؤال ۸۷۵. شوهر زنی سه سال و نیم قبل فوت کرده، و از آن تاریخ تاکنون ادّعایی در مورد دائمی بودن عقد ازدواج نداشته، بلکه قرائنی هم بر موقّت بودن ازدواج ایشان وجود دارد. اخیراً مدّعی دائمی بودن ازدواج خود با آن مرحوم شده است، ولی همسر اوّل و دائمی مرحوم منکر دائمی بودن رابطه زوجیت مدّعی است. اگر قرار باشد که صحّت و سقم موضوع با سوگند شرعی اثبات شود، قسم را باید همسر موقّت که مدّعی دائمی بودن است یاد کند، یا قسم متوجّه همسر دائمی است که منکر ادّعای مدّعی است؟

جواب: همسر مدعیه باید برای اثبات ادّعای خود بینه شرعیه اقامه کند، و قسم

احکام خانواده، ص: ۳۸۲

کافی نیست، و منکر باید سوگند یاد کند که او همسر دائمی نیست.

سؤال ۸۷۶. مردی همسرش را با میل خودش به سفر حجّ تمتّع برده و بعداً به علّت عدم سازش او را طلاق داده است، بعد از مدّتی با پیشنهاد زوجه و با مهریه «مسافرت مکه معظّمه و سفر کربلا در صورت امکان» ازدواج کردند که این ازدواج نیز به طلاق منجر شد و در مورد مهر بین آنها اختلاف شده است، در این مورد سؤالاتی مطرح می‌باشد:

الف) چون زوج قبلًا همسرش را به سفر حجّ تمتّع برده لذا در موقع عقد مجدّد نیت او از مسافرت مکه معظّمه، سفر عمره بوده است، اکنون زوجه ادّعای حجّ تمتّع دارد؛ از آن جا که در عقدنامه چیزی جز کلمه مسافرت مکه قید نگردیده وظیفه او چیست؟

جواب: می‌تواند او را به حجّ تمتع یا عمره ببرد.

ب) هزینه سفر مکه بر چه اساس و معیاری تعیین می‌گردد؟

جواب: بر اساس قیمت سازمان حج و زیارت می‌باشد.

ج) آیا شرط امکان در این جمله: «مسافرت مکه معظّمه و سفر کربلا- در صورت امکان» شامل مکه و کربلا هر دو می‌شود؟ آیا مهریه مذکور، فقط در دوران زناشویی لازم الاجرا می‌باشد یا بعد از آن هم معتبر است؟

جواب: شرط امکان در هر دو مورد است و منظور این است که موانعی بر سر این راه نباشد، و زوج در هر صورت باید به آن عمل کند، و اگر از هم جدا شدند وسایل این سفر را برای زوجه فراهم کند.

سؤال ۸۷۷. شوهرم بدون اجازه من پول مرا به دخترش که از زن اوّل اوست، جهت تهیه جهیزیه داده است. استفاده کردن از این جهیزیه برای آن دختر و شوهرش چه حکمی دارد؟ لازم به تذکر است که آن دختر و شوهرش از راضی نبودن من اطّلاع ندارند. البتّه قبلًا خودم جهیزیه برای این دختر جمع‌آوری کرده

احکام خانواده، ص: ۳۸۳

بودم، ولی الان راضی نیستم؛ امّا شوهرم می‌گوید: «همان اجازه قبلی را عمل کرده‌ام و جهیزیه را به دخترم داده‌ام».

جواب: تصرّف آن زن و شوهر در جهیزیه‌ای که بدون رضایت شما تهیه شده جایز نیست. و اگر قبلًا نمی‌دانسته‌اند باید بعد از اطّلاع و آگاهی تصرّف نکنند و اگر جهیزیه‌ای با میل خودتان قبلًا داده‌اید و هنوز موجود است می‌توانید بازپس بگیرید.

سؤال ۸۷۸. مردی با زنی ازدواج می‌نماید، در حالی که زن، در کرمان و مرد در یزد شاغل بوده است و هر دو با علم و اطّلاع از شغل و محلّ کار همدیگر ازدواج نموده‌اند، حال مرد می‌گوید: «چون اختیار مسکن با من است باید به یزد بیایی» و زن می‌گوید:

«اگر بخواهم به یزد بیایم شغل و سابقه ده ساله خدمتم از دست می‌رود، تو زمانی که با من ازدواج کردی می‌دانستی که من در کرمان شاغل هستم، لذا بنای ازدواج بر کار کردن در کرمان بوده است، پس من با تو نمی آیم».

آیا حق با مرد است یا با زن؟

جواب: اگر طرفین از وضع یکدیگر آگاه بوده‌اند و عرف و عادت محل بر پیروی زن در چنین موردی از مرد نباشد، راهی جز توافق و تراضی طرفین بر محلّ سکونت نیست.

سؤال ۸۷۹. شوهرم پس از بیست سال زندگی مشترک و با داشتن دو فرزند، بدون اجازه این جانب، همسر دوّمی اختیار نموده که باعث پاشیدگی زندگی مشترکمان شده، و از آن تاریخ اصلًا رعایت عدالت را در هیچ زمینه‌ای ننموده است. یک بار که شوهرم در منزل همسر دوّمش بود به آن جا رفتم که مشاجره لفظی کوتاهی بین من و همسر دوم او اتّفاق افتاد، بدین جهت شوهرم مرا نزد همسر دوّمش به شدّت کتک زد که منجر به خونریزی بینی گردید و از آن روز به بعد به ناچار در منزل پدرم به سر می‌برم، زیرا در منزل خودم احساس امنیت

احکام خانواده، ص: ۳۸۴

نمی کردم. اکنون همسرم شرط بازگشت به زندگی و شروع مجدّد آن را منوط به عذرخواهی از همسر دوم می‌داند و می گوید: «باید از آن کتککاری نیز بگذری».

این امر موجب از بین رفتن غرور من نزد فامیل و فرزندانم می‌باشد، وظیفه من چیست؟

جواب: چنانچه شما به همسر دوم اهانت کرده‌اید وظیفه شما این است که حلّیت بطلبید؛ ولی شوهر شما نمی‌تواند بازگشت به زندگی را مشروط به این کار کند و اگر شوهر شما، شما را زده و مجروح کرده، باید دیه بدهد یا از شما حلّیت بطلبد و محیط امن و امانی را برای زندگی شما فراهم سازد و بدانید این گونه مشکلات جز با مدارا کردن طرفین و عفو و گذشت و رعایت اصول عدالت، حل نخواهد شد.

***

احکام خانواده، ص: ۳۸۵

۶

حکمین

سؤال ۸۸۰. در صورتی که به علل ذیل بین زوجین اختلاف باشد، آیا تعیین حکمین لازم است؟

الف) مدّت مدیدی زوج نفقه همسر خود را پرداخت نمی کند و اخذ نفقه از طریق دادگاه نیز ممکن نمی‌باشد.

ب) عسر و حرج زندگی زوجه با همسر خود از نظر دادگاه ثابت شده است.

ج) طلاق از ناحیه زوجه مطالبه شده؛ ولی زوج موافقت نمی کند.

د) زوج مفقودالاثر است و مدّت مقرّر از طرف دادگاه منقضی شده است.

جواب: در مسأله حکمیت ظاهر آیه شریفه وجوب است و بسیاری از فقها نیز از آن همین را فهمیده‌اند و دلیل بر خلاف آن نیست، بنابراین در موردی که امید اصلاح هست حدّاقل احتیاط واجب عدم ترک آن است.

سؤال ۸۸۱. در مورد حکمین لطفاً به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

الف) در اختلاف شدید بین زوجین، آیا جایز است از غیر بستگان خود داوری برگزینند؟

جواب: اشکال ندارد.

ب) اگر داور منتخب (که غیر از بستگان است) نسبت به زندگی زن و شوهر ناشناس، بی‌اطّلاع و حتّی بی‌ارتباط باشد انتخاب او چه حکمی دارد؟

احکام خانواده، ص: ۳۸۶

جواب: باید او را مطّلع کنند.

ج) بر فرض که داور از غیر بستگان زوجین باشد، و زن یا شوهر نسبت به رفتارهای خلاف شرع یکدیگر اعتراض داشته باشند، آیا می‌توانند با چنین داوری مطرح کنند؟

جواب: به هر حال داور باید از آنچه دخالت در داوری دارد آگاه شود.

د) آیا داور غیر فامیل موجب مخدوش شدن حرمت خانواده‌ها نمی‌گردد؟

جواب: اگر داور فرد امینی باشد اشکال ندارد.

ه) آیا این اقدام، منطبق با اخلاق اسلامی است؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۸۸۲. این جانبه فرزانه، مدّت پنج سال است به عقد شخصی به نام اسماعیل درآمده‌ام. ایشان در این مدّت هیچ گونه سازشی با من نداشته، بلکه مرا بازیچه دست خود قرار داده است، به همین جهت در این مدّت فقط چند ماه در خانه ایشان بودم و بقیه مدّت را در منزل پدرم، بدون هیچ گونه خرج و مخارجی، بلاتکلیف مانده‌ام. ایشان نه حاضر است با من زندگی کند و نه حاضر است مرا طلاق بدهد و مرا از حقّ شرعی‌ام محروم نموده است. شکایت هم کرده‌ام و مدّت دو سال است که کارمان به دادگاه کشیده است؛ ولی به دلیل حیله‌بازی ایشان هنوز تکلیفم را مشخّص نکرده‌اند. ایشان یا در دادگاه حاضر نمی‌شود و یا وقتی که حاضر می‌شود به خاطر این که مهریه‌ام را نپردازد، می‌گوید: «من همسرم را می‌خواهم» و به محض این که از دادگاه خارج می‌شویم، همه چیز را زیر پا می‌گذارد و می‌گوید: «به هیچ وجه حاضر به زندگی با تو نیستم و تنها در صورتی که از مهریه‌ات بگذری و جهیزیه‌ات را نیز به من ببخشی، حاضرم تو را طلاق بدهم» لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:

الف) تکلیف من چیست؟

احکام خانواده، ص: ۳۸۷

جواب: طبق دستور قرآن یک نفر از طرف شما و یک نفر از طرف شوهرتان حَکم می‌شود، تا درباره کار شما تصمیم بگیرند، هرگاه شوهر نه راضی به زندگی شود و نه راضی به طلاق، حاکم شرع می‌تواند شما را در مقابل بذل مختصری، طلاق خُلع بدهد و مهریه را از شوهرتان بگیرد.

ب) او نه حاضر به سازش و نه حاضر به طلاق بوده و با این وجود من بارها به منزل ایشان مراجعت کردم و سعی نمودم نگذارم زندگی‌ام از هم بپاشد و موجب آبروریزی شود، ولی او هیچ‌گونه اعتنایی نمی‌کند. آیا بنده در این صورت مستحقّ نفقه خواهم بود؟

جواب: در فرض مسأله بالا، شما مستحقّ نفقه خواهید بود.

سؤال ۸۸۳. در موضوع اختلاف زن و شوهری که حضرت امام قدس سره احتیاط داشتند در تعیین حکمین، که نظر مبارک حضرت‌عالی هم همین است، اگر زن از شوهر خود تقاضای طلاق کند با این‌که شرعاً و قانوناً اختیار طلاق با مرد است (مگر موارد

استثنایی) آیا در چنین موردی نیز احتیاج به تعیین حکمین است؟
چون اگر زوج راضی به طلاق نباشد حَکم نمی‌تواند کاری بکند و نتیجه ندارد و در موارد استثنایی مانند ترک نفقه و عدم امکان اخذ نفقه زوجه از زوج، که دادگاه می‌تواند اقدام به طلاق کند آیا در چنین موردی تعیین داور لازم است یا خیر؟
جواب: حکمیت طبق ظاهر قرآن مجید مربوط به مواردی است که اختلاف شدید میان زن ومرد پیدا شده و ممکن است منجر به جدایی یا مطالب ناگوار دیگر شود در این جا حاکم شرع دو حَکم برای رسیدگی به کار آنها تعیین می‌کند و حکمین در صورتی می‌توانند حُکم به جدایی دهند که این امر از سوی زوجین به آنها محوّل شده باشد که هر چه را صلاح دیدند عمل کنند حتّی طلاق.

***

احکام خانواده، ص: ۳۸۹

بخش هفدهم:

اشاره

شرایط احکام طلاق

احکام خانواده، ص: ۳۹۱

۱

بلوغ و عقل و اختیار

سؤال ۸۸۴. آیا مردی که زن خود را طلاق می‌دهد باید عاقل و بالغ باشد؟
جواب: مردی که همسر خود را طلاق می‌دهد باید عاقل و بنابر احتیاط واجب بالغ باشد.
سؤال ۸۸۵. اگر مردی از روی اجبار زن خود را طلاق دهد، طلاق صحیح است؟
جواب: مرد باید به اختیار خود طلاق دهد بنابراین طلاق از روی اجبار باطل است.
سؤال ۸۸۶. اگر مردی به شوخی صیغه طلاق را بگوید، عقد باطل می‌شود؟
جواب: برای طلاق باید قصد جدّی داشته باشد، بنابراین اگر صیغه طلاق را به شوخی بگوید صحیح نیست.
سؤال ۸۸۷. اگر زنی شرط کرده باشد که در صورتی که شوهرش همسر دیگری اختیار کند وکالت در طلاق داشته باشد آیا در صورتی که شوهر به خاطر ناسازگاری زن، همسر دوّمی اختیار کند باز هم همسر اوّل وکیل در طلاق است؟
جواب: ظاهر این است که این شرط از چنین صورتی منصرف است، زیرا هدف از این شرط، این بوده که به همسر اوّل قناعت کند حال اگر همسر اوّل با پشت پا زدن به زندگی زناشویی مرد را در بلاتکلیفی گذاشته، جایی برای تأمین

احکام خانواده، ص: ۳۹۲

آن شرط باقی نمی‌ماند یعنی زن وکالت در طلاق نخواهد داشت.

سؤال ۸۸۸. آیا طلاق به مجرّد ادعای شوهر و این‌که بگوید: من او را مطلقه نموده‌ام ثابت می‌شود؟ به گونه‌ای که زن حقّ ازدواج داشته باشد و نفقه ساقط شود، یا این‌که باید با شهادت دو عادل باشد؟

جواب: فقها در این مورد اختلاف دارند، مرحوم محقّق قمی در جامع‌الشّتات و محقّق یزدی در ملحقات عروه مشروحاً بحث کرده‌اند و از مجموع ادلّه ظاهر می‌شود که طلاق به مجرّد ادّعای زوج خالی از اشکال نیست، بلکه باید بینه‌ای بر آن قائم شود.

سؤال ۸۸۹. زن و مردی ازدواج کرده‌اند و مرد معترف به ازدواج هست ولی ادّعا می‌کند در حضور عدّه‌ای، که آنها را عادل می‌دانسته‌ام ولی امکان اثبات عدالت آنها ممکن نیست صیغه طلاق را جاری کرده‌ام و معلوم نیست که خود صیغه طلاق صحیح بوده‌یا خیر، چون زوج روحانی نیست امّا سواد فارسی دارد و می‌گوید از روی رساله صیغه طلاق را جاری کرده‌ام، آیا چنین طلاقی که اصل آن محرز است ولی از نظر صحّت معلوم نیست، صحیح است؟

جواب: ادّعای طلاق مزبور ظاهراً مسموع است.

***

احکام خانواده، ص: ۳۹۳

۲

عدالت شهود و صیغه عربی

سؤال ۸۹۰. آیا می‌توان صیغه طلاق را به فارسی خواند؟

جواب: بنابر احتیاط واجب باید صیغه طلاق به عربی صحیح خوانده شود.

سؤال ۸۹۱. آیا لازم است افرادی به عنوان شاهد هنگام خواندن صیغه طلاق حاضر باشند؟

جواب: آری، واجب است دو مرد عادل آن را بشنوند.

سؤال ۸۹۲. صیغه طلاق به عربی چگونه است؟

جواب: اگر خود شوهر بخواهد صیغه طلاق را بخواند و اسم زن او مثلًا فاطمه است می‌گوید:

«زَوْجَتِی فاطِمَه طالِقٌ

» (یعنی همسرم فاطمه از همسری رهاست) و اگر دیگری را وکیل کند آن وکیل باید بگوید:

«زَوْجَه مُوَکلِی فاطِمَه طالِقٌ

» (یعنی همسر موکل من رهاست).

سؤال ۸۹۳. آیا در طلاق، عدالت دو شاهد در نظر زوج کافی است؟

جواب: بله، عدالت دو شاهد در نظر زوج مادام که یقین برخلاف آن نباشد کافی است.

سؤال ۸۹۴. شخصی می‌خواهد زن خود یا زن دیگری را طلاق دهد، در شهری که ساکن است، عادل به آن معنایی که فقها عظام فرموده‌اند نیست مگر بعضی از اشخاصی که شخص مطلّق نه به چشم خود از آنها معصیتی دیده و نه از دیگران

احکام خانواده، ص: ۳۹۴

شنیده که تا حال معصیتی کرده باشند و در شهرهای مجاور هم اشخاص عادلی را نمی‌شناسد و از طرفی هم به ناچار باید این طلاق واقع شود بفرمایید آیا نزد همان اشخاص فوق الذکر که مورد وثوق و حسن ظنّ هستند می تواند اجرای طلاق کند؟

جواب: همین گونه افراد برای شهود طلاق کافی هستند و عادل محسوب می‌شوند.

سؤال ۸۹۵. آیا پسران زن و شوهر می‌توانند به عنوان شهود طلاق والدین خود باشند؟

جواب: اگر پسران او بالغ و عادل باشند، می‌توانند شهود طلاق شوند.

سؤال ۸۹۶. در مورد طلاق اهل تسنّن شنیده شده است که آنها، مخصوصاً شافعی‌ها، صیغه طلاق جاری نمی کنند؛ بلکه به صرف اراده جدایی و لفظ «تو مطلّقه‌ای» اکتفا می کنند، آیا صحّت دارد؟ آیا حضور شاهدین عدلین را لازم نمی‌دانند؟

جواب: طلاق اهل تسنّن اگر واجد شرایط شرعیه، مانند شاهدین عدلین، نباشد در مورد شیعیان کفایت نمی کند؛ ولی درباره خودشان اگر چنین طلاقی دارند از باب قاعده الزام طلاقشان مقبول است و مشهور در میان آنان عدم اعتبار شاهدین است؛ بلکه شیخ در «خلاف» اجماع فقهای اهل سنّت را بر عدم اعتبار شاهدین ادّعا می کند.

سؤال ۸۹۷. زن و شوهری ایرانی و شیعه پس از چند سال زندگی مشترک، در ایران از یکدیگر طلاق گرفته. سپس هردو به استرالیا هجرت کرده و پس از ۵ سال مجدّداً با یکدیگر ازدواج می کنند. مُجری این ازدواج یک نفر سنّی بوده که در عرف ایرانیان مقیم «سیدنی» به عنوان وکیل ازدواج شرعی معروف بوده و هست. پس از ازدواج دوباره از یکدیگر طلاق می گیرند، لیکن این بار طلاق

احکام خانواده، ص: ۳۹۵

مدنی بوده (مطابق قوانین استرالیا) و طلاق شرعی انجام نشده است. بعد از دو سال توسّط همان عاقد با مرد دیگری ازدواج نموده و اکنون باردار است. زن اخیراً مطّلع شده که طلاق استرالیایی او از شوهر اوّلش از نظر شرعی معتبر نیست و لذا ازدواج با شوهر دوم نیز دچار اشکال است. ایشان اظهار می‌دارد مطلقاً تصوّر نمی‌کرده که طلاق دادگاه استرالیایی بدون اعتبار باشد؛ خصوصاً که وکیل فوق‌الذّکر، ازدواج مجدّد ایشان را با همسر دوم اجرا کرده است. اکنون زن و همسر دوّمش بسیار نگرانند، حلّ مشکل آنها چگونه است؟

جواب: با توجّه به این که طلاق فاقد شرایط شرعیه، یعنی حضور دو شاهد عادل بوده، باطل است و زن در عقد شوهر اوّل است و حتّی اگر از شوهر اوّل طلاق شرعی بگیرد، ازدواج او با شوهر دوم مشکل است؛ مگر این که ثابت شود ازدواج دوم زن با شوهر اوّل باطل بوده است، در این صورت مشکلی با شوهر دوم ندارد.

سؤال ۸۹۸. در مورد عدالت دو شاهد هنگام اجرای صیغه طلاق، هرگاه مجری صیغه، اعتقاد به عدالت ودیگران علم به فسق شهود داشته باشند، آیا طلاق صحیح است؟

جواب: برای آنها که علم به فسق شهود ندارند کافیست.

سؤال ۸۹۹. آیا عدم علم شاهد به فسق خودش در شهادت بر طلاق معتبر می‌باشد؟

جواب: خالی از اشکال نیست.

سؤال ۹۰۰. آیا عدالت، که در شهود طلاق شرط است، شرط واقعی است یا شرط علمی و ظاهری؟ به تعبیر دیگر، هرگاه پس از اجرای صیغه طلاق، علم به فسق شاهدین پیدا کنیم، در حالی که به هنگام طلاق آنها را عادل می‌پنداشتیم، طلاق واقع شده چه حکمی دارد؟

احکام خانواده، ص: ۳۹۶

جواب: طلاق مزبور صحیح است.

سؤال ۹۰۱. هرگاه کسی دو نفر را عادل بداند و زن خود را پیش آنها طلاق دهد، دیگری که آنان را عادل نمی‌داند، میتواند آن زن را برای خود یا دیگری عقد کند؟

جواب: بنابر احتیاط واجب نباید آن زن را برای خود یا دیگری عقد کند، ولی اگر شک در عدالت آنها داشته مانعی ندارد.

***

احکام خانواده، ص: ۳۹۷

۳

پاکی از حیض و نفاس و عدم آمیزش

سؤال ۹۰۲. آیا پاک بودن زن از حیض و نفاس در طلاق شرط است؟

جواب: زن بایـد هنگام طلاق از خون حیض و نفاس پاک باشـد و نیز شوهرش در آن پاکی با او نزدیکی نکرده باشـد و اگر درحال حیض و نفـاس که پیش از این پـاک بوده با او نزدیکی نموده باشـد بنابراحتیاط، طلاق کافی نیست، بلکه بایـد دوباره عادت شود و پاک گردد.

سؤال ۹۰۳. هرگـاه زن را از خون حیض پاک می‌دانسـته و طلاقش داده، بعـد معلوم شود که هنگام طلاق در حال حیض بوده طلاق او صحیح است؟

جواب: طلاق او باطل است.

سؤال ۹۰۴. اگر زن را در حال حیض بداند و طلاق دهد، بعد معلوم شود پاک بوده، آیا طلاق او صحیح است؟

جواب: آری، طلاق او صحیح است.

سؤال ۹۰۵. هرگاه کسی می‌دانـد همسـرش در حال حیض یا نفاس بوده اگر غایب شود، مثلًا مسافرت کنـد و نتواند از حالش باخبر شود، چگونه او را طلاق دهد؟

جواب: باید تا مدّتی که معمولًا از حیض یا نفاس پاک می‌شود صبر کند.

سؤال ۹۰۶. هرگاه با همسرش نزدیکی کرده، چگونه می‌تواند او را طلاق بدهد؟

احکام خانواده، ص: ۳۹۸

جواب: بایـد صبر کنـد حیض ببینـد و پـاک شود، ولی اگر باردار باشـد می‌توانـد بعـد از نزدیکی کردن بلافاصـله او را طلاق دهـد، همچنین اگر یائسه باشد.

سؤال ۹۰۷. هرگـاه با همسـرش که از حیض و نفاس پاک بوده نزدیکی کنـد سپس مسافرت نمایـد و راهی برای تحقیق از حال زن نباشد، چگونه او را طلاق دهد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که حدّاقل یک ماه صبر کند و بعد طلاق دهد.

سؤال ۹۰۸. زنی که به واسطه بیماری یا غیر آن عادت ماهانه نمی‌بیند چگونه او را طلاق دهد؟

جواب: باید از زمانی که با او نزدیکی کرده تا سه ماه از نزدیکی خودداری کند و بعد او را طلاق دهد.

سؤال ۹۰۹. آیا ازدواج موقّت طلاق دارد؟

جواب: ازدواج موقّت طلاق نـدارد، هر زمان مـدّتش تمام شود یا مرد مـدّت را به او ببخشـد از قیـد همسـری او رها می‌شود و پاک بودن از عادت ماهانه و همچنین شاهد گرفتن لازم نیست.

سؤال ۹۱۰. این که طلاق باید در طُهر واقع شود، آیا باید زن غسل هم کرد ه باشد، یا پاک شدن از حیض کافی است؟

جواب: غسل لازم نیست.

***

احکام خانواده، ص: ۳۹۹

۴

استثنائات

سؤال ۹۱۱. طلاق دادن در حال حیض یا نفاس در چه صورت صحیح است؟

جواب: طلاق دادن در حال حیض یا نفاس در سه صورت صحیح است:

الف) شوهر بعد از ازدواج مطلقاً با او نزدیکی نکرده باشد.

ب) باردار باشد.

ج) زن غایب باشد و مرد نتواند یا برایش مشکل باشد که پاک بودن زن را بفهمد.

سؤال ۹۱۲. شخصی می‌خواهد همسر خود را که دوشیزه و غیر مدخوله می‌باشد، طلاق بدهد؛ آیا در این طلاق شرط است که زوجه از حیض پاک باشد؟

جواب: در زوجه غیر مدخوله، خالی بودن از حیض شرط نیست.

سؤال ۹۱۳. هر گاه زنی به خاطر شیر دادن بچّه، عادت ماهانه نبیند، تکلیف او برای طلاق چیست؟

جواب: بعد از آخرین نزدیکی سه ماه صبر می کند، سپس صیغه طلاق جاری می‌شود، و پس از آن عدّه سه ماه نگه می‌دارد.

سؤال ۹۱۴. اگر همسر مردی باردار باشد و با او نزدیکی کند، می‌تواند بلافاصله او را طلاق بدهد؟

جواب: آری؛ اگر باردار باشد می‌تواند بعد از نزدیکی کردن بلافاصله او را طلاق دهد.

احکام خانواده، ص: ۴۰۰

سؤال ۹۱۵. اگر همسر مردی یائسه باشد و با او نزدیکی کند، میتواند بلافاصله او را طلاق بدهد؟

جواب: آری؛ اگر یائسه باشد می‌تواند بعد از نزدیکی کردن بلافاصله او را طلاق دهد.

***

احکام خانواده، ص: ۴۰۱

بخش هجدهم:

اشاره

طلاق بائن و رجعی

احکام خانواده، ص: ۴۰۳

طلاق بائن و رجعی

سؤال ۹۱۶. طلاق بر چند قسم است؟

جواب: طلاق بر دو قسم است: «طلاق بائن» و «طلاق رجعی» و طلاق بائن بر پنج قسم است:

الف) طلاق زنی که نُه سالش تمام نشده.

ب) طلاق زن یائسه، یعنی زنی که بیشتر از ۵۰ سال دارد.

ج) طلاق زنی که شوهرش بعد از عقد، با او نزدیکی نکرده باشد.

د) طلاق سوم زنی که او را سه بار طلاق داده‌اند.

ه) طلاق خلع و مبارات که شرح آن بعداً خواهد آمد.

سؤال ۹۱۷. طلاق بائن و رجعی چه تفاوتی دارد؟

جواب: طلاق بائن آن است که مرد در آن حقّ رجوع به زن خود را ندارد، ولی در طلاق رجعی تا وقتی زن در عدّه است مرد می‌تواند به او رجوع کند.

سؤال ۹۱۸. منظور از رجوع که در سؤال بالا مطرح شد چیست؟

جواب: منظور از رجوع آن است که مرد بدون عقد با زن آشتی کند و او را مجدّداً به همسری بپذیرد.

سؤال ۹۱۹. رجوع شرایط خاصی دارد؟

جواب: لازم نیست مرد هنگام رجوع کردن شاهد بگیرد، یا به زن خبر دهد،

احکام خانواده، ص: ۴۰۴

حتّی اگر بدون این‌که کسی بفهمد بگوید: به همسرم رجوع کردم صحیح است.

سؤال ۹۲۰. آیا مرد می‌توان با دریافت پول از زن یا به واسطه مصالحه با او حق رجوع را منتفی کند؟

جواب: خیر، حقّ رجوع از بین نمی‌رود.

سؤال ۹۲۱. آیا در عدّه طلاق سوم هم حق رجوع باقی است؟

جواب: هرگاه همسرش را دوبار طلاق دهد بعد عقدش کند و یا به او رجوع کند (و بنابر احتیاط واجب در هر بار نزدیکی نماید و بعد از دیدن حیض و پاک شدن او را طلاق دهد) در مرتبه سوم که او را طلاق داد آن زن بر او حرام می‌شود و تنها در صورتی بر او حلال خواهد شد که بعد از گذشتن عدّه به عقد دائم شوهر دیگری درآید و با او نزدیکی کند، سپس او را طلاق دهد، بعد از عدّه؛ شوهر اوّل می‌تواند با او ازدواج کند.

سؤال ۹۲۲. رجوع بر چند قسم است؟

جواب: رجوع کردن بر دو قسم است:

الف) سخنی بگوید که معنایش این باشد که آن زن را دوباره به همسری خود پذیرفته است.

ب) کاری انجام دهد که همین معنی را برساند.

سؤال ۹۲۳. هرگاه مرد همسرش را طلاق رجعی دهد می‌تواند او را از منزل بیرون کند؟

جواب: نمی‌تواند او را از خانه‌ای که موقع طلاق در آن بوده بیرون کند (مگر در بعضی از موارد خاص).

سؤال ۹۲۴. هرگاه مرد همسرش را طلاق رجعی دهد زن می‌تواند از منزل خارج شود؟

جواب: بر زن حرام است که برای کارهای غیر لازم از آن خانه بیرون رود.

احکام خانواده، ص: ۴۰۵

سؤال ۹۲۵. زوجه‌ای در طلاق خلعی، مهریه خویش را به زوج می‌بخشد و پس از طلاق در ایام عدّه به بذل خود رجوع می کند، در این صورت زوج حق رجوع به زوجیت دارد، امّا اگر زوج به زوجه رجوع نکرد، آیا مهریه متعلّق به زوجه است؟ حکم سایر احکام طلاق رجعی، از قبیل نفقه زوجه و توارث و غیره، چیست؟

جواب: با رجوع زوجه به بذل در ایام عدّه، طلاق رجعی می‌شود و احکام آن را دارد، و مهر را باید به او بدهد.

سؤال ۹۲۶. آیا زن در زمان عدّه طلاق رجعی، به جزء مسأله تمکین، تمام احکام زوجه را دارد؟ یعنی حقّ نفقه، لباس، منزل، مهریه دارد و باید از شوهر اطاعت کند و از منزل خارج نشود؟

جواب: آری تمام احکام و حقوق زوجیت، که در بالا ذکر شد، را دارد.

سؤال ۹۲۷. در طلاق رجعی که نباید زوجه مطلّقه از منزلی که با همسر خود در آن زندگی می کرده خارج شود و زوج حق ندارد تا زمانی که عدّه باقی است او را از منزل بیرون کند، آیا این نهی، وظیفه کیست؟ زوجین یا محضر که صرفاً طلاق را ثبت می کند یا مجری صیغه طلاق یا دادگاه که اجازه طلاق را صادر می کند.

و اگر در موقع اجرای صیغه طلاق زوجین جدا از هم زندگی کنند، یا طلاق در شهر غربت واقع شود و زوجین اهل یک محل نباشند، تکلیف چیست؟

جواب: به مقتضای آیه شریفه قرآن و سایر ادلّه، این نهی وظیفه زوجین است ولی دادگاه یا محضر به مقتضای مسأله ارشاد جاهل وامر به معروف، آنها را واقف بر این حکم می کنند و در صورت جدا بودن مسکن آن دو چنانچه مطابق رضایت طرفین انجام شده باشد و جدایی آنها به معنای قهر کردن از یکدیگر نباشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۹۲۸. زید همسر خود را طلاق رجعی می‌دهد و از هم جدا می‌شوند، مرد

احکام خانواده، ص: ۴۰۶

در یک شهر و زن در شهر دیگر به سر می‌برد و قبل از انقضای عدّه، مرد رجوع می کند ولی زن مطّلع نمی‌شود و پس از انقضای عدّه، زن ازدواج می کند وظیفه چیست؟ یا مرد رجوع کرده و زن هم تمایل نشان می‌دهد ولی پدر و برادران زن اجازه نمی‌دهند برگردد و الان چند سالی گذشته و زن ازدواج نکرده آیا زوجیت اوّل برقرار است؟

جواب: اگر رجوع مسلّم باشد عقد دوم باطل است و گذشتن زمان طولانی اثری ندارد و نیز عقد زوجیت با اعراض از بین نمی‌رود و طلاق لازم است تا از یکدیگر جدا شوند.

سؤال ۹۲۹. کسی که در عدّه رجعی به زن رجوع کند و فوراً پشیمان شود و بگوید همان جدایی و طلاق برقرار باشد، آیا صرف پشیمانی از رجوع کافی است و یا این که طلاق مجدّد لازم است اگر طلاق لازم است چه زمانی باید انجام گیرد؟

جواب: پشیمانی فایده ندارد و با رجوع کردن، آن زن همسر او می‌باشد و اگر بخواهد جدا شود باید مجدّداً طلاق دهد.

سؤال ۹۳۰. اگر مردی زن خود را طلاق دهد امّا ورثه زن به آن مرد بگویند که فلان مقدار پول بگیر و طلاق مده، آیا شوهر می‌تواند رجوع کند؟

جواب: مردی که همسرش را طلاق داده می‌تواند پولی بگیرد و رجوع کند و اگر غیر طلاق رجعی است احتیاج به عقد مجدّد دارد.

سؤال ۹۳۱. هرگاه طبق ادّعای زوج، زوجه مرتکب عمل منافی عفّت شده، و زوج نسبت به وی ظنین باشد، و نگه داری وی تا پایان عدّه در منزل مشترک، احتمال تشنّج و درگیری ما بین طرفین را به همراه داشته باشد، و زوج برای جلوگیری از این مشکل، متقبّل هزینه مسکن جداگانه و اسکان همسرش در آن منزل شود. آیا در صورت صدور حکم طلاق رجعی توسّط دادگاه صالحه،

احکام خانواده، ص: ۴۰۷

و اسکان زوجه در ایام عدّه در منزل جداگانه به هزینه زوج، اجرای صیغه طلاق و ثبت آن از نظر شرع انور اسلام مانع شرعی دارد؟

جواب: در فرض مسأله، چون احتمال خطر، یا ضرر، یا مفسده‌ای وجود دارد، عمل کردن به ترتیب فوق مانعی ندارد.

سؤال ۹۳۲. زوج و زوجه‌ای در اصل رجوع و انقضای مدّت عدّه طلاق رجعی اتّفاق نظر دارند، ولی در این که کدام زودتر واقع شده، اختلاف دارند. قول کدام یک مقدّم است؟

جواب: در صورتی که تاریخ طلاق معلوم باشد، و تاریخ رجوع مجهول؛ رجوع بی اثر خواهد بود. و اگر بالعکس بوده باشد، رجوع مؤثّر است. و اگر تاریخ هر دو مجهول باشد، رجوع فایده‌ای ندارد.

سؤال ۹۳۳. مردی زوجه‌اش را طلاق رجعی داده است. زوج مدّعی رجوع به طلاق، و زوجه منکر آن است. حکم شرعی در دو فرض بالا در اثنای عدّه و پس از آن چیست؟

جواب: اگر در اثنای عدّه باشد، این کار خود رجوع محسوب می‌شود. و اگر بعد از عدّه باشد، بدون دلیل پذیرفته نمی‌شود.

سؤال ۹۳۴. مرتد فطری که توبه کند حق رجوع را دارد؟

جواب: بعد از توبه میتواند در عده با همان زن ازدواج کند.

سؤال ۹۳۵. شخصی زوجه مدخولٌ‌به خود را طلاق می‌دهد و تمام مهر المسمّی را به زوجه پرداخت می‌کند، زوجه فقط نفقه ایام عدّه را به زوجش بذل و گذشت می‌نماید، در قبال بذل نفقه ایام عدّه، آیا طلاق خلعی می‌باشد یا رجعی؟ (در صورتی که مهریه را خود دریافت می‌نماید).

جواب: بذل نفقه ایام عدّه کافی نیست؛ زیرا هنوز نفقه‌ای واجب نشده است؛ به‌علاوه زوجه مختلعه نفقه ندارد، نفقه مخصوص مطلّقه رجعیه است، بنابراین

احکام خانواده، ص: ۴۰۸

طلاق مذکور رجعی است.

سؤال ۹۳۶. چنانچه برابر مقرّرات شرع و قانون برای غایب مفقودالاثر، حکم طلاق صادر گردد، زوجه باید به میزان عدّه وفات عدّه نگهدارد و هرگاه زوج قبل از انقضای عدّه بازگردد، حقّ رجوع دارد. حال اگر زوجه مطلّقه غایب مفقودالاثر، یائسه یا غیر مدخوله باشد و زوج در حین عدّه مراجعت نماید، آیا باز هم زوج حقّ رجوع دارد، و یا چون یائسه، یا غیر مدخولٌ‌به است، دیگر حقّ رجوع برای زوج نمی‌باشد؟ به عبارت دیگر طلاق غایب مفقودالاثر مطلقاً رجعی است ولو در زن یائسه و غیر مدخولٌ‌به، یا چنین نیست؟

جواب: این حکم ظاهراً شامل یائسه و غیر مدخوله نمی‌شود و حقّ رجوع ثابت نیست.

***

احکام خانواده، ص: ۴۰۹

بخش نوزدهم:

اشاره

طلاق خُلْع و مبارات

احکام خانواده، ص: ۴۱۱

۱

مسائل مشترک خُلْع و مبارات

سؤال ۹۳۷. می‌توان صیغه طلاق خلع و مبارات را به فارسی خواند؟
جواب: احتیاط واجب آن است که صیغه طلاق خلع و مبارات به عربی صحیح خوانده شود، ولی اگر زن برای بخشیدن مال خود به شوهر به فارسی بگوید: فلان مال را به تو بخشیدم تا مرا طلاق دهی مانعی ندارد.
سؤال ۹۳۸. زن می‌تواند در بین عدّه طلاق خلع یا مبارات از بخشش خود برگردد؟
جواب: زن می‌تواند در بین عدّه طلاق خلع یا مبارات از بخشش خود برگردد.
سؤال ۹۳۹. اگر زن در بین عدّه طلاق خلع یا مبارات از بخشش خود برگردد، شوهر حق رجوع دارد؟
جواب: شوهر می‌تواند رجوع کند و بدون عقد دوباره او را همسر خود قرار دهد.
***

احکام خانواده، ص: ۴۱۳

۲

طلاق خُلْع

سؤال ۹۴۰. چه طلاقی را طلاق خلع گویند؟
جواب: زنی که مایل نیست با شوهرش زندگی کند، و بیم آن می‌رود که ادامه همسری آنها باعث گناه شود می‌تواند مهر خود یا مال دیگری را به او ببخشد که طلاقش دهد، این را طلاق خلع گویند.
سؤال ۹۴۱. صیغه طلاق خلع به چه صورت است؟
جواب: احتیاط واجب آن است که صیغه طلاق خلع به صورت زیر باشد: اگر خود شوهر می‌خواهد صیغه طلاق را بخواند و اسم زن مثلًا «فاطمه» است می‌گوید:
«زَوْجَتِی فاطِمَه خَلَعْتُها عَلی ما بَذَلَتْ هِیَ طالِقٌ

» یعنی زنم فاطمه را در برابر چیزی که بخشیده است طلاق دادم، او رهاست و اگر وکیل او بخواهد صیغه را بخواند احتیاط واجب آن است که یک نفر از طرف زن وکیل شود و دیگری از طرف مرد، چنانچه مثلًا اسم شوهر «محمد» و اسم زن «فاطمه» است، وکیل زن می گوید:

«عَنْ مُوَکلَتِی فاطِمَه بَذَلْتُ مَهْرَها لِمُوَکلِکَ مُحَمَّدٍ لِیخْلَعَها عَلَیهِ

» پس از آن وکیل مرد بدون فاصله می گوید:

«زَوْجَه مُوَکلِی خَلَعْتُها عَلی ما بَذَلَتْ هِیَ طالِقٌ

» (و اگر زن چیز دیگری غیر از مهر را به شوهر ببخشد باید نام همان را در موقع خواندن صیغه ببرد).

سؤال ۹۴۲. شوهر می‌تواند برای طلاق خلع مالی بیش از مهریه بگیرد؟

احکام خانواده، ص: ۴۱۴

جواب: در طلاق خلع هر مقدار باشد اشکال ندارد.

سؤال ۹۴۳. آیا طلاق خلع (با توجّه به بذل مال) عقد است، یا ایقاع؟ اگر عقد است، الفاظ ایجاب و قبول آن چیست؟

جواب: نوعی عقد است، که الفاظ آن را در توضیح المسائل در بحث خود نوشته‌ایم.

سؤال ۹۴۴. آیا در تقاضای طلاق خلع، که از ناحیه زوجه مطرح می‌شود، کراهت و نفرت، باید کراهت ذاتی باشد، یا کراهت عرضی نیز موجب جواز طلاق خلع است؟

جواب: هر گونه کراهتی سبب طلاق خلع می‌شود.

سؤال ۹۴۵. با عنایت به این که زن در عدّه طلاق خلع نفقه ندارد، آیا بذل نفقه ایام عدّه از سوی زوج به عنوان قسمتی از بذل، وجاهت شرعی دارد؟ و آیا اساساً چیزی که هنوز واجب نشده، می‌تواند مورد بذل واقع شود؟

جواب: با توجّه به این که در ایام عدّه در طلاق خلع نفقه وجود ندارد، چیزی برای بخشیدن محسوب نمی‌شود.

سؤال ۹۴۶. قسمتی از مهریه نیز قبلًا توسّط زوجه مطالبه و وصول شده است، حال زوجه مدّعی بذل کلّ مهریه است، حکم شرع نسبت به مبلغ دریافتی زوجه چیست؟ آیا باید آن را بازگرداند؟

جواب: مال البذل در طلاق خلع تابع توافق طرفین است؛ بر هر چیزی توافق کنند همان کفایت می کند.

سؤال ۹۴۷. آیا اعلام قبول ما بذل از ناحیه زوج، شرط صحّت طلاق خلع است؟ به عبارت دیگر، آیا اعلام قبول ما بذل از ناحیه زوج شرعاً ضرورت دارد؟

چنانچه زوج قبول ما بذل را اعلام ننماید، آیا می‌توان طلاق خلع را به صرف بذل از ناحیه زوجه انجام داد؟

احکام خانواده، ص: ۴۱۵

جواب: در طلاق خلع شرط است که زوج ما بذل را در برابر اجرای طلاق بپذیرد.

سؤال ۹۴۸. آیا شرط حقّ رجوع به بذل در عدّه، یا شرط رجوع به نکاح در عدّه، بر فرض رجوع زن به بذل در زمان عدّه، مبطل خلع است؟

جواب: این دو موضوع احتیاج به شرط ندارد. و اگر هم شرط شود، تولید اشکال نمی کند.

سؤال ۹۴۹. درباره تعلیق در خلع، آیا تعلیق بر امر محتمل، یا امر مقارن محقّق معلوم، ضرر دارد؟

جواب: تعلیق در انشا، در هر صورت خالی از اشکال نیست.

سؤال ۹۵۰. آیا در خلع، رجوع به بذل صحیح و نافذ است؟ در هر حال، اگر رجوع به بذل حاصل شود، آیا احکام مطلّقه رجعیه جاری می‌شود، یا احکام دیگری دارد؟

جواب: پاسخ این سؤال روشن است؛ رجوع به بذل جایز است. و بعد از رجوع به بذل، احکام مطلّقه رجعیه جاری می‌شود.

سؤال ۹۵۱. اگر در طلاق خلع، شخصی اجنبی به ادّعای وکالت از زوجه چیزی بذل نماید، سپس روشن شود که دروغ گفته، آیا طلاق خلع صحیح است؟ در صورت عدم صحّت، آیا طلاق رجعی می‌شود؟ اگر زن بعداً راضی به آن بذل شود، و آن را اجازه نماید، آیا خلع محقّق می‌شود؟

جواب: چنین طلاقی اشکال دارد؛ و باید از نو خوانده شود.

سؤال ۹۵۲. اگر زوجه در مرض موت، در حالی که شعور کافی دارد برای طلاق خلع چیزی بذل نماید، آیا خلع صحیح است؟ در صورتی که بذل زاید بر ثلث مال او باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: در هر حال اشکال ندارد.

احکام خانواده، ص: ۴۱۶

سؤال ۹۵۳. همسر این جانب نسبت به احکام اسلامی بی اعتناست و تمکین نمی‌کند و هنوز غیر مدخوله است، آیا می‌توانم او را طلاق دهم؟ طلاق او از چه نوعی است و حکم مهریه او چیست؟

جواب: سزاوار است مدّتی با او مدارا کنید و او را نصیحت کرده و به او محبّت نمایید شاید تدریجاً عوض شود و کار به طلاق نکشد و در غیر واجبات و محرّمات زیاد سختگیری ننمایید، اگر نتیجه نگرفتید می‌توانید از او جدا شوید، ولی چون مطابق آنچه نوشته‌اید این زن ناشزه و غیر مدخوله است حقّ نفقه ندارد و اگر او بخواهد طلاق بگیرد، طلاق او طلاق خلع است و جز از طریق بذل مهریه یا مانند آن و رضایت زوج امکان پذیر نیست.

سؤال ۹۵۴. در رساله حضرت امام قدّس سرّه؛ آمده است: در صورت رجوع زن بمابذل، مرد می‌تواند دوباره بدون عقد او را زن خود قرار دهد، حال سؤال این است که اگر زن تقاضای استرداد مهریه بخشیده شده خود را کرد و مرد هم پرداخت، ولی دیگر نمی‌خواهد با او زندگی کند و از او متنفّر است، با این وصف آیا زن پس از انقضای ایام عدّه می‌تواند شوهر کند؟ یا اگر مرد مُرد ارث به او تعلّق می‌گیرد یا طلاق به قوّت خود باقی است؟ در ضمن آیا مسأله مذکور صرفاً مربوط به طلاق خلع است یا در مبارات هم همین طور است؟

جواب: مرد اگر بخواهد می‌تواند رجوع کند و اگر نخواهد می‌تواند رجوع نکند. در مبارات نیز اگر مایل نباشد رجوع نمی‌کند و در مواردی که طلاق رجعی است در زمان عدّه از یکدیگر ارث می‌برند.

سؤال ۹۵۵. طلاق خلعی واقع شده است ولی شوهر مدّعی است که قبل از طلاق با همسرم آمیزش کرده‌ام و دیگر این که شاهدین عدلین حضور نداشته‌اند بلکه طلاق در حضور عدّه‌ای از مؤمنین ظاهر الصّلاح واقع شده است، آیا چنین طلاقی صحیح است؟

احکام خانواده، ص: ۴۱۷

جواب: طلاق مزبور در هر حال محکوم به صحّت است زیرا ادّعای شوهر در مورد مواقعه قبل از طلاق در فرض مسأله پذیرفته نیست و به اعتراف خود او ظاهر حال شهود، عدالت بوده و ما مأمور به باطن نیستیم، بنابر این طلاق اشکالی ندارد مگر این که با دلیل شرعی ادّعای خود را ثابت کند.

سؤال ۹۵۶. اگر مردی زنی را به طلاق خلعی دوم مطلّقه کند، لیکن قبل از انقضای عدّه، زن به بذلش رجوع کند امّا زوج می‌گوید: من رجوع می‌کنم به شرط آن‌که اکنون که به قرء دوم رسیدی تو را صیغه می‌کنم و به عقد انقطاعی در می‌آورم و همین عمل هم انجام شد، امّا باز اختلاف شروع شد و آنها بر بذل مدّت توافق کردند و احتیاطاً طلاق نیز جاری شد. اکنون بیان فرمایید:

الف) آیا این زن باید سه ماه عدّه طلاق نگهدارد و یا عدّه ۴۵ روزه عقد انقطاعی نگهدارد؟

جواب: احتیاط این است که عدّه طلاق نگهدارد.

ب) آیا بذل مدّت صحیح است یا طلاق سوم؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

ج) چنانچه بذل مدّت صحیح باشد آیا مجدّدا می‌تواند صیغه کند و یا محلّل لازم است؟

جواب: احتیاط آن است که بدون محلّل ازدواج نکند.

سؤال ۹۵۷. آیا طلاق خلع بدون گرفتن مال از زن صحیح است؟

جواب: صحیح نیست.

سؤال ۹۵۸. زنی برای شوهرش چنین می‌نویسد: «مهرم را می‌بخشم و آنچه از شما گرفته‌ام پس می‌دهم و هرآنچه داده‌ام را می‌بخشم، به شرط این که مرا طلاق دهی» شوهر در جواب گفته است: «به این درخواست با شرایط فوق موافقت می‌کنم» حال سؤال این است که:

الف) آیا این ورقه موافقت بدوی، طلاق به حساب می‌آید؟

ب) آیا این نوشته دلالت بر وکالت ضمنی می‌کند؟

ج) اگر شخص ثالث با استناد به این ورقه صیغه طلاق را جاری کند، آیا طلاق صحیح است؟

جواب: طرفین باید به شخص ثالثی وکالت بدهند که در مقابل بذل اموال مزبور صیغه طلاق خلع را با حضور عدلین جاری کند.

سؤال ۹۵۹. بر مبنای توافق زوجین قرار شد زوجه علاوه بر مهریه، مبلغی را نیز جهت طلاق خلع به شوهر بپردازد؛ ولی بعد از اجرای طلاق خلع، زوجه، یا وکیل او از دادن مال مورد توافق امتناع می‌ورزند. زوج نیز به مجرّد امتناع زوجه از بذل مال در همان زمان، رجوع خویش را به همسر و خانواده‌اش اطّلاع می‌دهد، آیا در این فرض بعد از رجوع و احراز آن، طلاق بر هم می‌خورد؟

جواب: هرگاه عدم پرداخت به عنوان رجوع به بذل باشد زوج حق دارد رجوع کند و امّا اگر صرفاً تعلّلی در پرداخت بوده باشد زوج حقّ رجوع ندارد و ازدواج زن بعد از عدّه جایز است، و زوج می‌تواند طلب خود را از زوجه بگیرد.

سؤال ۹۶۰. مردی در قبال بذل مهریه زوجه، او را طلاق داد، و در ضمن آن حضانت فرزند خردسال خود را برای همیشه به زوجه داده است، آیا بعد از گذشت ایام عدّه و یا چند سالی که طفل هنوز صغیر است، مرد می‌تواند تقاضای استرداد طفل را بنماید؟ و اگر بتواند، آیا زن هم می‌تواند به مهر خود رجوع و آن را مطالبه نماید؟

جواب: با موافقت طرفین قرارداد به هم می‌خورد.

سؤال ۹۶۱. زوجه در طلاق خلع، که قبل از دخول صورت گرفته، تمام مهر خود را به زوج بذل نموده است؛ آیا زوج حق دارد نصف مهر را بعد از طلاق

مطالبه نماید؟

جواب: حق ندارد.

سؤال ۹۶۲. خانم مطلّقه به طلاق خلعی با رجوع شوهرش موافقت کرده است؛ مدّت زیادی عمل زناشویی انجام داده‌اند؛ ولی زوجه رجوع به بذل نکرده است.

با توجّه به این مقدّمه به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا عمل آنها صحیح است؟

جواب: تا زن رجوع به بذل نکند زوج حق رجوع ندارد؛ ولی می‌تواند با توافق طرفین او را عقد جدید بنماید.

ب) آیا کار آنان زناست، یا وطی به شبهه محسوب می‌شود، و یا رجوع قهری حساب می‌شود؟

جواب: چون جاهل به مسأله بوده‌اند وطی به شبهه است و رجوع قهری محسوب نمی‌شود و زنا هم نیست.

ج) چنانچه بچّه‌دار شوند، کیفیت ارث چگونه است؟ تکلیف فعلی آنان چیست؟ آیا باید از هم جدا شوند، یا نیاز به طلاق مجدّد دارند؟

جواب: اولاد ایشان ملحق به ایشان است و در جمیع احکام مانند بچّه حلال‌زاده است؛ ولی اگر از این به بعد بدون عقد جدید با هم آمیزش کنند زنا محسوب می‌شود.

د) در صورتی که بدون طلاق جدا شوند علی القاعده باید عدّه نگه دارد. آیا از وقتی که از شوهر جدا می‌شود عدّه شروع می‌شود یا بعد از توجّه؟ در صورتی که رجوع قهری حساب شود، آیا زن مالك مهریه مبذوله می‌شود یا نه؟ در صورت امکان تمام شقوق محتمله در این موضوع را بیان فرمایید.

جواب: به واسطه دخول مستحقّ مهرالمثل می‌باشد و احتیاط واجب آن است که زن عدّه نگه دارد و اگر عدّه طلاق خلع تمام نشده بنابراحتیاط واجب باید بقیه

احکام خانواده، ص: ۴۲۰

عدّه را بگیرد و بعداً عدّه‌ای هم برای وطی به شبهه نگه دارد.

سؤال ۹۶۳. در طلاق خلع زوجه با بذل مهریه، یا عنداللّزوم مازاد بر آن، طلاق خود را از زوج تقاضا می‌نماید. سؤال این است که:

الف) آیا بذل مهریه و مازاد بر آن در قالب عقد هبه ضمن طلاق خلع صورت می گیرد؟ اصولًا تملیك زوجه نسبت به زوج در طلاق خلع از لحاظ فقهی تحت چه عنوانی از عناوین فقهیه است؟

جواب: بذل زوجه نوعی هبه معوّضه است؛ ولی احکامی مخصوص به خود دارد.

ب) در صورتی که زوجه در طلاق خلع و در زمان عدّه به مبذول خود رجوع نماید آیا محض رجوع وی، مهریه یا مال دیگری که توسّط زوجه بذل شده، قهراً به ملکیت زوجه برمی گردد و یا برگشت مال به ملکیت زوجه مستلزم رجوع زوج است و تا زمانی که زوج رجوع نکرده مال مبذول در ملکیت زوج باقی است و تنها اثر رجوع زوجه به بذل این است که طلاق خلع که بائن است تبدیل به طلاق رجعی می‌شود؟

جواب: صحیح همان تعبیر اوّل است؛ یعنی به محض رجوع زوجه به بذل، مالکیت او بازمی گردد.

سؤال ۹۶۴. چهار سال قبل از همسرم به طلاق خلع جدا شدم؛ خانم در زمان عدّه تلفن کردند و بنده را همراه تنها فرزندمان دعوت کردند، رجوع و نزدیکی انجام گرفت. بعد نشستیم و صحبت کردیم و مطالب زیر مطرح شد:

الف) ما شرعاً رجوع کردیم، ولی من محضر نمی‌آیم، برای این که اگر اداره باخبر شود بنده را اخراج می کند.

ب) حقوق خود را دیگر به شما نمی‌دهم. گفتم چه بهتر، شما هرطور بخواهی می‌توانی انجام دهید.

احکام خانواده، ص: ۴۲۱

ج) مهریه را که بخشیده بود طلب کرد، جواب دادم جای خود باقی است.

د) از من خواست با برادرش صحبت کنم، که صحبت کردم و او را در جریان گذاشتم. حال تقاضامندم به سؤالات زیر جواب دهید:

الف) آیا رجوع مزبور درست است؟ اگر درست نباشد من مرتکب گناه شده‌ام؟

ب) اگر رجوع درست باشد، آیا این خانم می‌تواند بدون جاری شدن صیغه طلاق با مرد دیگری ازدواج نماید؟ اگر با مرد دیگری ازدواج کرده باشد، آیا این زن نسبت به من حرام است؟

ج) اگر زن بعد از رجوع مهر خود را ببخشد، آیا رجوع درست نیست؟

جواب: اگر قبل از اتمام عدّه، زن از مهریه‌ای که بخشیده برگردد و مرد پس از آن رجوع کند رجوع صحیح است و بدون طلاق مجدّد از هم جدا نمی‌شوند و اگر زن بدون طلاق شوهر کند به شوهر اوّل حرام نمی‌شود؛ امّا اگر بعد از تمام شدن عدّه رجوع کنند، رجوع باطل است.

سؤال ۹۶۵. این جانب با دختری ازدواج نمودم و بعد از ازدواج از او نفرت پیدا کردم؛ ولی از دادگاه تقاضای طلاق نکردم، امّا دختر تقاضای طلاق کرد. من به دلایل عاطفی که دختر مذکور بدبخت نشود با طلاق مخالفت کردم. با توجّه به این که قلباً هم به این امر راضی هستم و می‌خواهم او را طلاق دهم و با توجّه به این که دختر باکره است و فقط قسمت‌هایی از آلت مرد به مهبل دختر داخل شده است او را باید چه نوع طلاقی داد؟ اگر او را طلاق خلع بائن داده باشند آیا طلاق صورت گرفته است؟ آیا ایشان باید عدّه نگه دارد؟ در ضمن دختر مهریه خود را بخشیده است.

جواب: اگر تمام حشفه داخل شده باشد عدّه لازم است، در غیر این صورت عدّه واجب نیست و دخول و عدم دخول تأثیری در نوع طلاق ندارد و امّا نوع

احکام خانواده، ص: ۴۲۲

طلاق در صورتی که زوج مایل به طلاق نباشد، ولو به خاطر جهات عاطفی، و تنها زوجه مایل باشد طلاق خلع است و الّا طلاق مبارات است.

سؤال ۹۶۶. اگر در ایام طلاق خلع، زن به مهر خود رجوع کند و زوج نتواند در یک قسط تمام مهر زوجه را پرداخت کند، یا از پرداخت مهر معسر باشد، یا بطور کلّی از پرداخت مهر امتناع کند، آیا با این اوصاف طلاق به قوّت خود باقی است، یا این که به صرف رجوع زن به مهر بدون رضایت زوج، طلاق باطل و ازدواج برقرار و مرد مکلّف به ادامه زندگی زناشویی با زوجه است؟ یا این که طلاق برقرار و زوجه بایستی جهت وصول مهر خود، به مراجع صالحه مراجعه و اقامه دعوا نماید؟

جواب: در مدّت عدّه، زن می‌تواند بذل خود را بازپس گیرد و شوهر حق ندارد امتناع کند و بعد از بازپس گرفتن طلاق رجعی می‌شود.

سؤال ۹۶۷. طلاقی که به درخواست زوجه و بدون موافقت زوج واقع می‌شود چه نوع طلاقی است؟ آیا قاضی دادگاه می‌تواند بدون رضایت زوج قبول بذل نماید و رأی به طلاق خلع دهد؟

جواب: در مواردی که دادگاه به خاطر تخلّفاتی از سوی زوج حقّ طلاق دارد و بازگشت و رجوع سبب تجدید مشکل می‌شود، می‌تواند طلاق خلع دهد و بذل را از طرف زوج بپذیرد.

سؤال ۹۶۸. شخصی خانم خود را در حضور سه نفر عامی طلاق داده، ولی صیغه را به صورت «بذلتُ» و بدون «علی «خوانده است و خانم پس از اتمام عدّه، ازدواج کرده است. حکم این طلاق چیست؟

جواب: چنانچه بقیه صیغه را مطابق آنچه در رساله ما آمده است خوانده باشد، اشکالی ندارد؛ زیرا طلاق به هر صورت واقع شده است.

سؤال ۹۶۹. شخصی سنّی مذهب در کشور هند با دختری شیعه مذهب ازدواج

احکام خانواده، ص: ۴۲۳

می‌کند، پس از مدّتی در جایی دیگر با خواهر کوچک‌تر همسر خود ازدواج می‌کند. حکم ازدواج این مرد با خواهر همسرش چگونه است؟ در صورتی که این کار حرام بوده، آیا می‌تواند پس از طلاق همسر خود، دوباره آن خواهر را به عقد دائم خود درآورد؟ همسر وی پس از این جریان از شوهر خود تقاضای طلاق خلعی دارد و چند سال است که این تقاضا را تکرار می‌نماید؛ ولی شوهرش در موعد مقرّر برای طلاق حاضر نمی‌شود، این در حالی است که در صورت تمایل زن دادگاه‌های هند برای وی

حکم طلاق صادر خواهند کرد؛ ولی ایشان می‌خواهد حکم شرعی خود را بداند. لطفاً بیان نمایید که در صورت عدم حضور شوهر، طلاق خلعی چگونه صادر خواهد شد و تکلیف این زن چیست؟

در ضمن شوهر او طلاق و نفقه نمی‌دهد.

جواب: الف) ازدواج او با خواهر دوم حرام و باطل بوده و اگر مسأله را می‌دانسته حدّ شرعی دارد؛ ولی اگر خواهر اوّل را طلاق شرعی بدهد، بعد از پایان عدّه او، می‌تواند با خواهر دوم ازدواج کند.

ب) در مورد طلاق خواهر اوّل، اگر آن مرد بدون عذر شرعی نفقه او را قطع کرده و با او زندگی نمی‌کند، حاکم شرع یا کسی که از طرف او مجاز است به او اتمام حجّت می‌کند، اگر به وظیفه خود عمل نکرد می‌تواند زن را طلاق خلعی بدهد و نفقه آن مدّت را از او بگیرد، یا به جای مال خلع حساب کند.

سؤال ۹۷۰. لطفاً به سؤالات چهارگانه زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا برای مردی که همسرش را طلاق رجعی یا خلعی داده، جایز است که همسر مطلّقه‌اش را در زمان عدّه، عقد موقّت کند؟

جواب: در طلاق خلع جایز است، و در طلاق رجعی در واقع رجوع به نکاح سابق است و نکاح جدیدی محسوب نمی‌شود.

ب) اگر شخص مزبور در زمان عدّه، صیغه عقد موقّت را بخواند و در زمان

احکام خانواده، ص: ۴۲۴

عدّه آمیزش کند، آیا این عقد موقّت، رجوع محسوب می‌شود؟ در حالی که در طلاق رجعی، قصد رجوع ندارد و در طلاق خلع بدون رجوع به بذل، رجوع صحیح نیست.

جواب: در مواردی که رجوع جایز است، عقد مزبور، مصداق رجوع است و در طلاق خلع، عقد جدید محسوب می‌شود.

ج) در فرض مزبور، اگر عقد موقّت رجوع محسوب نشود، عدّه طلاق پس از انتهای مدّت عقد موقّت چه مقدار است؟

جواب: احتیاط آن است که عدّه خلع تکمیل شود، سپس عدّه عقد جدید را شروع کند.

د) اگر شوهر در فرض مسأله بالا در اثنای عدّه و حتّی بعد از تمام شدن عدّه، چندین بار آمیزش کند و زن اکنون قصد دارد با مرد دیگری ازدواج کند، عدّه‌ای که زن برای ازدواج با شوهر جدید باید عدّه نگهدارد، چه مدّت است؟

جواب: احتیاط آن است که عدّه طلاق خلع را بعد از پایان عقد موقّت تکمیل کند، سپس عدّه عقد موقّت را شروع کند.

سؤال ۹۷۱. چندی قبل به سفارش برادر و پدرم، که روحانی هستند، و در کهولت سن به سر می‌برند، با خانواده دختری به قصد ازدواج آشنا شدم. قبلًا صحبت‌های لازم صورت گرفت، و حتّی قبل از عقد، در جلسه‌ای که خودِ دختر و مادرش حضور داشتند، برای اتمام حجّت، آن قدر راجع به ویژگی‌های خود، که گمان بود منفی به نظر برسد، صحبت کردم که هیچ چیز ناگفته نماند. با این حال، دختر هیچ‌گونه اعتراض یا سؤالی نکرد، و عقد ازدواج با رضایت کامل طرفین صورت گرفت، و دختر حاضر شد با همه شرایط مطرح شده اینجانب بسازد. امّا هنوز یک ماه نگذشته بود که اختلافات شروع شد، ولی ما به خاطر حفظ شؤونات خانوادگی در همان دوران عقد، می‌سوختیم و می‌ساختیم، تا این

احکام خانواده، ص: ۴۲۵

که شش ماه بعد از عقد، پدر و مادرش را در جریان این اختلافات گذاشتم. ابتدا پدر، نظر دخترش را پرسید. دختر گفت: من حاضر به ادامه این زندگی نیستم.

سپس پدر و مادر دختر با خوشرویی گفتند: مانعی ندارد، شما بروید مراحل قانونی طلاق را انجام داده، کارها را آماده کنید، تا ما هم امضا کنیم. بنده با اعتماد به این قول، به قم آمدم و مراحل قانونی را انجام دادم، امّا موقعی که باید آنها درخواست توافق طلاق را امضا می‌کردند، استنکاف ورزیدند! البتّه بنده هم می‌توانستم قضیه را آن قدر مسکوت بگذارم که آنها هم مجبور به اقدام قانونی

شونـد. امّا با توجّه به شؤونات زنـدگیِ خانوادگی، و حفظ حرمت پـدرم، نمی‌خواسـتم بیش از این خاطر ایشان آزرده شود. و تقریباً مجبور شدم در خواستِ طلاق را برخلاف میلم شخصاً پیگیری نمایم. لطفاً در این مورد به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) با توجّه به شرایط فوق الذکر، مبنی بر رضایت طرفین به طلاق، این، چه طلاقی محسوب می‌شود؟

جواب: اگر دختر حاضـر به پرداخت وجهی در برابر طلاق باشـد، هر چنـد مقـدار کمی از حقوقش بوده باشد، طلاق خلعی می‌شود. در غیر این صورت، طلاق رجعی است.

ب) با توجّه به این که هنوز عروسی واقع نشده، و دختر به خانه شوهر نرفته، آیا نفقه به او تعلّق می گیرد؟

جواب: زوجه حقّ نفقه ندارد؛ ولی اگر از مهر خود صرفنظر نکند، می‌تواند نیمی از آن را با طلاق بگیرد.

***

احکام خانواده، ص: ۴۲۷

۳

طلاق مبارات

سؤال ۹۷۲. چه طلاقی را طلاق خلع گویند؟

جواب: هرگـاه زن و شوهر یکـدیگر را نخواهنـد و زن مهر خود یـا مـال دیگری را به مرد ببخشـد که او را طلاـق دهـد آن را طلاق مبارات گویند.

سؤال ۹۷۳. صیغه طلاق خلع به چه صورت است؟

جواب: احتیـاط واجب آن است که صـیغه طلاق مبارات را به طریق زیر بخواننـد، اگر خود شوهر صـیغه را می‌خوانـد و مثلًا اسم زن «فاطمه» است می گوید:

«بارَأْتُ زَوْجَتی فاطَمه عَلی ما بَذَلَتْ فَهِیَ طالِقٌ

» یعنی مبـارات کردم زنم فـاطمه را در مقابـل مهر او، پس او رهـا است (و اگر چیزی غیر مهر را می‌دهـد بایـد آن را نـام ببرد) و در صورتی که وکیل مرد بخواهد صیغه را بخواند می گوید:

«بارَأْتُ زَوْجَه مُوَکلی فاطِمَه عَلی ما بَذَلَتْ فَهِیَ طالِقٌ

» البته قبلًا باید زن مهر خود بلکه چیزی کمتر از آن را به شوهر در برابر طلاق مبارات بخشیده باشد.

سؤال ۹۷۴. شوهر می‌تواند برای طلاق مبارات مالی بیش از مهریه بگیرد؟

جواب: مالی را که شوهر برای طلاق مبارات می گیرد باید بیشتر از مهر نباشد بلکه احتیاط واجب آن است که کمتر باشد.

***

احکام خانواده، ص: ۴۲۹

بخش بیستم:

اشاره

طلاق غیابی

احکام خانواده، ص: ۴۳۱

طلاق غیابی

سؤال ۹۷۵. در صورتی که شوهر خانمی غایب و مفقود الاثر باشد، و رفع امر به حاکم کرده باشد، و حاکم به مدّت چهار سال با شرایط معتبر فحص کرده و خبری از وی نیافته باشد، ولی زن پس از چهار سال بقای بر زوجیت را برگزینند، امّا پس از مدّتی (مثلًا دو سال) تصمیم به طلاق بگیرد، آیا ضرب الاجل و فحص چهار ساله، دوباره باید تجدید گردد، یا همان فحص نخست کافی است؟

جواب: فحص سابق کافی است.

سؤال ۹۷۶. مردی، که دارای دو عیال است، مفقود می‌گردد. یکی از همسرانش به دادگاه مراجعه و تقاضای طلاق می‌کند. دادگاه مدّت چهار سال، از تاریخ رفع مراجعه به حاکم، صبر می‌کند، و چون اثری از شوهر زن پیدا نمی‌شود، حکم بر طلاق، با نگه داشتن عدّه وفات می‌دهد. دو سال بعد، زن دیگر آن مرد به دادگاه مراجعه و تقاضای طلاق می‌دهد. آیا این زن هم، از تاریخ رفع مراجعه به حاکم باید چهار سال دیگر صبر کند، یا چون زن اوّل اقدام کرده، و مفقود الاثر بودن شوهر بر حاکم محرز شده، نیاز به این کار نیست؟

جواب: تحقیق و تفحّص اوّل برای هر دو زوجه کافی است؛ مگر این که در این اثنا، آثاری بر وجود او آشکار شده باشد.

سؤال ۹۷۷. در مورد درخواست طلاق از سوی زوجه به خاطر عدم تأدیه نفقه

احکام خانواده، ص: ۴۳۲

از سوی زوج به مدّت شش ماه، و عدم امکان الزام او به دادن نفقه، یا مواردی که دوام زوجیت به تشخیص دادگاه موجب عسر و حرج باشد، و زوج نیز با طلاق موافق نباشد، لطفاً بفرمایید:

الف) طلاق مذکور چه حکمی دارد؟ و آیا زوجه در این صورت موظّف به بذل کلیه حقوق خود در قبال طلاق است، یا حقّ مطالبه کلّ مهریه را دارد؟ یا در صورتی که آن را طلاق خلع بدانیم، برای تحقّق آن می‌توان مثلًا ده درصد از مهریه را بذل نمود؟

جواب: در صورتی که حاکم شرع مطمئن باشد زوج از حقّ رجوع استفاده نمی‌کند، می‌تواند طلاق رجعی دهد. در غیر این صورت می‌تواند طلاق خلعی به مبلغ مختصری دهد؛ آن مقدار که حقّ و عدالت ایجاب می‌کند.

ب) در صورتی که قاضی بخواهد صیغه طلاق را اجرا نماید، مستدعی است نحوه اجرای آن را به عبارت صحیح بیان فرمایید؛ زیرا قضات غیر روحانی در اجرا مشکل دارند.

جواب: بذلت عن قبل موکلتی کذا لزوجتها لیخلعها علیه ویطلقها به (به جای کذا ذکر بذل شود) سپس بگوید:

«قبلت عن قبل زوجها فلان، فهی علی ما بذلت طالق

». سؤال ۹۷۸. فردی که از جانب چند نفر وکیل در خواندن صیغه طلاق بوده، پس از اجرای صیغه‌های طلاق، (که برخی از آن‌ها

رجعی، و برخی بائن بوده) یقین حاصل می‌کند که یکی از طلاق‌ها باطل بوده است. اگر نام آن زن و شوهرها را نداند، و آن‌ها را نشناسد، چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: باید احتیاط کند، و دوباره آنها را طلاق دهد. و اگر اسم آنها را نمی‌داند با اشاره آنها را مشخّص کند. مثلًا بگوید: «اوّلین نفری را که قبلًا طلاق داده‌ام، الان به عنوان احتیاط طلاق می‌دهم؛ او از زوجیت خود یله و رهاست، فهی طالق» و اگر در نوع رجعی و خلعی شکّ دارد، برای هر کدام احتیاطاً دو

احکام خانواده، ص: ۴۳۳

طلاق، یکی رجعی و یکی خلعی بخواند.

سؤال ۹۷۹. اگر دادگاه حکم تمکین زوجه را صادر کند، و او تمکین نکند، با عنایت به آیات شریفه ۲۲۸ و ۲۲۹ سوره بقره، و اثبات موارد فوق، حکم طلاق خلع چیست؟ آیا مرد می‌تواند به ناچار از دادگاه در خواست صدور طلاق و استرداد مهریه نماید؟

جواب: چنانچه ثابت شود زوجه به وظایف خود پایبند نیست، و تنها می‌خواهد امتیازات و حقوق خود را بگیرد. حاکم شرع می‌تواند او را تحت فشارهای شدید تعزیراتی قرار دهد (تعزیرات جسمانی و مالی کلان) تا زوجه یا به وظایف خود عمل کند، یا تقاضای طلاق خلع نماید.

سؤال ۹۸۰. حکم مردی که به تعهّدات خویش در رابطه با همسرش عمل نمی‌کند و حاضر به طلاق اونیز نمی‌باشد چیست؟

جواب: آن مرد باید به تعهّد خود عمل کند و اگر زوجه را معلّقه گذارده و حاضر نیست به وظایف شرعی خود درباره آن زن عمل کند، حاکم شرع او را ملزم به طلاق و در صورتی که طلاق ندهد حاکم شرع می‌تواند به درخواست زن او را مطلّقه سازد.

سؤال ۹۸۱. پدری دختر نابالغش را به عقد نکاح یک پسر بچه درآورده است، الان دختر ۱۷ ساله است در حالی که پسر ۱۳ ساله است و از نظر جسمانی خیلی کوچک به نظر می‌رسد، دختر پدر را از دست داده و یتیم شده و حاضر نیست با آن بچه ازدواج کند، زیرا نمی‌تواند منتظر بزرگ شدن او باشد. با توجّه به مطالب فوق از حضرت عالی تقاضا داریم اگر شرع مقدّس اسلام اجازه دهد حکم فرمایید دختر مذکور با برادر بزرگ آن پسر بچه ازدواج کند که خود دختر هم راضی است.

جواب: هرگاه اجرای عقد مذبور از اوّل به مصلحت دختر صغیر نبوده، اصل

احکام خانواده، ص: ۴۳۴

عقد باطل است و اگر فرضاً مصلحت بوده ولی الان در انتظار ماندن آن دختر بیش از این موجب عسر و حرج شدید است ولیّ پسر می‌تواند صیغه طلاق آن دختر را اجرا کند و بعد با هر کس خواست ازدواج کند.

سؤال ۹۸۲. زنی که شوهرش مفقودالاثر شده و نمی‌داند زنده است یا نه، چگونه می‌تواند طلاق بگیرد؟

جواب: اگر بخواهد طلاق بگیرد و شوهر کند باید نزد مجتهد عادل برود و مطابق دستور مخصوصی که در شرع وارد شده عمل نماید.

سؤال ۹۸۳. زنی که معلوم نیست همسرش در فلان حادثه کشته یا مفقود شده است و مدّت چهارسال است که خبری از او نیست، آیا می‌تواند با شخص دیگری ازدواج کند؟

جواب: نمی‌تواند با مرد دیگری ازدواج کند، مگر این که یقین به فوت او پیدا کند یا مراجعه به حاکم شرع کرده تا او دستور تحقیق درباره شخص مورد نظر را صادر نماید و پس از طیّ مراحل شرعی او را طلاق دهد.

سؤال ۹۸۴. وظیفه زنی که شوهرش مفقود شده چیست و در این مدّت نفقه او از کجا تأمین می‌شود؟

جواب: زنی که شوهرش مفقود شده است چند حالت دارد:

الف) اگر صبر کند تا خبری آید مانعی ندارد و باید نفقه او را از مال شوهرش داد.

ب) اگر انفاق کننده‌ای از ولی یا غیر او باشد باید صبر کند، مگر این که عسر و حرج شدید و ضرر مهمّی حاصل شود که حاکم شرع می‌تواند او را طلاق دهد.

ج) در غیر این دو صورت، رفع امر به حاکم شرع می‌کند و او به مدّت ۴ سال از اطراف محلّ فقدان وی تحقیق می‌کند، اگر خبری نشد نخست به ولیّ او پیشنهاد طلاق می‌کند و اگر او طلاق نداد خودش طلاق می‌دهد سپس عدّه وفات

احکام خانواده، ص: ۴۳۵

نگه می‌دارد (هر چند کفایت عدّه طلاق رجعی نیز قوی است امّا احتیاط مهماامکن ترک نشود) و بعد شوهر می‌کند. اگر شوهر اوّل مادام که در عدّه است مراجعه کرد اولی است و اگر بعد از عدّه حتی قبل از ازدواج مجدّد شوهر اوّل بیاید طلاق نافذ است و تنها با رضایت طرفین و عقد جدید امکان بازگشت است.

سؤال ۹۸۵. هرگاه مردی زندگی را بر همسرش سخت بگیرد و حاضر به طلاق او هم نباشد قاضی در چه صورتی می‌تواند این زن را طلاق دهد؟

جواب: طلاق در صورتی برای قاضی جایز است که عدم امکان سازش در حدی باشد که منجر به عسر شدید و حرج‌اکید گردد زوج شخصاً حاضر به طلاق نباشد و طلاق قاضی طلاق رجعی است، ولی اگر رجوع واقع شود و باز موضوع عدم سازش باقی باشد مجدّداً طلاق‌دهد تا سوّمین مرتبه که طلاق بائن بشود.

سؤال ۹۸۶. طلاق زنی که همسرش تریاکی است و مدّتی است که مفقودالاثر شده و محکوم به اعدام است، چگونه است؟

جواب: چنانچه فرار کرده و امید به بازگشت او نیست و زن در عسر و حرج شدید می‌باشد و زندگی کردن با چنین مردی برای او مقدور نیست حاکم شرع می‌تواند او را طلاق دهد، ولی اگر می‌تواند صبر کند و احتمال بازگشت و امکان زندگی با او وجود دارد، حکم او عدم طلاق است.

سؤال ۹۸۷. خانمی ۲۱ سال پیش با مردی به صورت لفظی و غیر معلوم از نظر دائمی و موقّتی ازدواج نموده، بعد از چهارسال زندگی و تولد اوّلین فرزندشان، آن مرد این خانم و بچّه را رها کرده و مفقود شده و جستجو نیز بی‌فایده بوده آیا این خانم می‌تواند ازدواج بنماید یا نه؟

جواب: باید به حاکم شرع مراجعه کند هرگاه مأیوس از اطّلاع بر احوال او شد می‌تواند او را طلاق دهد و بعد از چهار ماه و ده روز ازدواج کند و احتیاطاً حاکم

احکام خانواده، ص: ۴۳۶

شرع مدّت باقیمانده را (به فرض موقّت بودن عقد) نیز می‌بخشد واگر احتمال پیدا شدن شوهر وجود دارد حاکم شرع چهار سال برای جستجو تعیین می‌کند هرگاه اثری پیدا نشد اقدام به طلاق می‌کند.

سؤال ۹۸۸. هرگاه زوج بدون عذر شرعی از دادن نفقه خودداری کند آیا طلاق زوجه جایز است؟

جواب: حاکم شرع باید از مال زوج نفقه را بپردازد و اگر میسّر نشود به او تکلیف طلاق کند و اگر طلاق ندهد شخصاً او را طلاق می‌دهد.

سؤال ۹۸۹. اگر زنی پس از طلاق از شوهر اوّل با مرد دیگری ازدواج کند و به علّتی ازدواج دوم باطل باشد آیا این زن می‌تواند پیش شوهر دوم بماند چون اگر شوهر دوم آن زن را طلاق بدهد و از هم جدا شوند مایه آبروریزی آن مرد یا آن زن است؟

جواب: می‌تواند بماند، امّا نامحرم است و روابط زن و شوهری نباید میان آن دو باشد.

سؤال ۹۹۰. این جانب مدّت شانزده سال قبل با مردی ازدواج نمودم و مدّت هشت ماه زندگی مشترک داشتیم که شوهرم به جمهوری اسلامی ایران مسافرت نموده و مدّت شانزده سال این جانب را ترک نمود. در این مدّت هیچ گونه خرجی و نفقه برایم

نفرستاد، به ناچار همراه پدر شوهرم جهت ردیابی از همسرم به ایران آمدیم، متأسفانه ایشان به جرم موادّ مخدر در یکی از زندانها محبوس بود، بعد از یکسال انتظار همسرم آزاد شد و دوباره زندگی مشترک را آغاز نمودیم و از او حامله شدم، شوهرم باز هم فرار کرد بعد از مدّتی با زن دیگری که تبعه ایرانی است با تعدادی از فرزندانش پیدا شد، و از آن جا که نه حقیر از همسر دوّمش اطّلاع داشتم و نه همسر دوّمش از من اطّلاع داشت، همسر ایرانیش بنای ناسازگاری گذاشت، بعد از مدّتی با همسر دوّمش به جای

احکام خانواده، ص: ۴۳۷

نامعلومی رفت و فرزند ما بعد از این به دنیا آمد و اکنون مدّت دو سال است که در عالم هجرت بدون سرپرست و خرجی و نفقه زندگی می‌کنم، در ضمن این دفعه پدر پیرش را نیز همراه خود برده است به مراجع قضایی شاکی شده‌ام خبری از همسرم معلوم نیست، حال تکلیف من چیست و چه کار کنم؟

جواب: در صورتی که مرد حاضر به دادن نفقه و زندگی کردن با این همسر نیست و طلاق هم نمی‌دهد حاکم شرع می‌تواند صیغه طلاق او را اجرا کند.

سؤال ۹۹۱. من همراه شوهر و فرزندانم در سال ۱۳۶۶ به نروژ آمدیم و الان سه سال است که شوهرم من و بچّه‌هایم را رها کرده و رفته و مرا بلاتکلیف گذاشته است ولی طلاق دولتی را در نروژ انجام داده‌ایم در نروژ مرکز توحید اسلامی برای شیعیان و مسلمین وجود دارد، از جنابعالی درخواست می‌کنیم که به روحانی این مرکز وکالت و اجازه برای جاری کردن صیغه طلاق شرعی بدهید تا مرا طلاق دهد؟

جواب: چنانچه همسر شما نه حاضر است با شما زندگی کند و نه طلاق شرعی می‌دهد به روحانی محترم محلّ وکالت دادیم که شما را بعد از ثبوت این موضوع مطلّقه سازد و همچنین در مورد سایر مسلمانانی که در شرایطی همانند شرایط شما زندگی می‌کنند.

سؤال ۹۹۲. میان من و شوهرم سه سال پیش نزاع و اختلاف به وجود آمد که کار به دادگاه کشیده شد، بعد از آن که شوهرم فهمید که محکوم می‌شود فرار کرد و به افغانستان رفت و شنیدم که در آن جا زن گرفته و من در این جا سرگردان و بی‌سرپست در خانه خواهر خود به سر می‌برم، آیا شرعاً حاکم شرع می‌تواند با ولایت خود مرا طلاق دهد؟

جواب: اگر عمداً همسر خود را رها کرده و رفته و رسیدگی به حقوق شرعی او نمی‌کند و همسر در عسر و حرج گرفتار است حاکم شرع می‌تواند او را طلاق

احکام خانواده، ص: ۴۳۸

دهد ولی اگر دسترسی به او هست قبلًا اتمام حجّت شود.

سؤال ۹۹۳. این جانبه با شخصی ازدواج کردم و مدّت یکسال و نیم با هم بودیم ولی اکنون ایشان سه سال است که مفقودالاثر شده و خبری از ایشان ندارم، من از مهاجرین خارجی هستم و با یک فرزند خود در شهر مقدّس مشهد بی‌سرپرست و آواره زندگی می‌کنم و بسیار پریشان می‌باشم، من در زمان جاری شدن عقد به شوهرم گفتم که اگر به مدّت شش ماه نفقه به من نرسید اختیار طلاق به دست خودم باشد ولی آنها در عقدنامه ازدواج این مورد را ننوشتند، من هم سواد نداشتم که بخوانم، حال وظیفه من چیست؟

جواب: اگر او عمداً شما را رها کرده و رفته و در عسر و حرج شدید قرار دارید می‌توانید به روحانی سرشناس و آگاه به مسائل مراجعه کنید تا شما را طلاق دهد.

سؤال ۹۹۴. همسران مفقودالاثرهای جنگ تحمیلی که چندین سال از شوهرانشان خبری ندارند در چه صورتی می‌توانند ازدواج کنند؟

جواب: در صورتی که یقین به فوت همسرشان پیدا کنند، ازدواج جایز است و در غیر این صورت اگرماندن در آن حال، مایه عسر

و حرج شود، حاکم شرع می‌تواند آنها را طلاق دهد و در غیر این صورت باید طبق دستور حاکم شرع چهار سال درباره آنها تحقیق شود اگر اثری پیدا نشد حاکم شرع آنها را طلاق می‌دهد.

سؤال ۹۹۵. شخصی قسم می‌خورد که دیگر با زوجه‌اش همبستر نشود و حاضر به شکستن قسم هم نمی‌باشد، آیا حاکم شرع می‌تواند زوجه او را طلاق دهد؟

جواب: تا چهار ماه مهلت دارد از قسم خود برگردد و کفّاره بدهد، بعد از چهار ماه حاکم شرع او را مخیر می‌کند که یا از قسم خود برگردد و یا طلاق دهد،

احکام خانواده، ص: ۴۳۹

اگر هیچ‌کدام را قبول نکرد او را به زندان می‌افکند و کار را بر او سخت می‌گیرد که یکی از آن دو برنامه بالا را انجام دهد و اگر این امور ممکن نباشد و زوجه به عسر و حرج بیفتد حاکم شرع می‌تواند او را طلاق دهد.

سؤال ۹۹۶. شخصی، زنی را عقد شرعی کرده است؛ ولی الان می‌گوید: «من با این خانم نه عروسی می‌کنم و نه او را طلاق می‌دهم» تمام مردم، دوستان و نزدیکان با تمام وسایل ممکنه بر وی فشار آورده‌اند تا شاید از این تصمیم منصرف شود، ولی او از این تصمیم منصرف نمی‌شود، وظیفه چیست؟

جواب: حاکم شرع با او اتمام حجّت می‌کند، اگر گوش نداد می‌تواند آن زن را مطلّقه کند تا بعد از عدّه بتواند شوهر دیگری انتخاب کند.

سؤال ۹۹۷. این جانبه به عنوان همسر شرعی و قانونی با آقایی ازدواج کردم و حاصل این ازدواج سه فرزند می‌باشد. در ابتدای ازدواج از این که همسرم پیرو مذهب تشیع نبوده مطّلع نبودم، تا این که در خلال زندگی متوجّه شدم که نامبرده پیرو فرقه اسماعیلیه می‌باشد و به مقدّسات اسلام و محترمات شیعه بی‌احترامی می‌نماید، در حالی که کلاهبرداری وی در این مورد کاملًا محرز می‌باشد. در طول زندگی از سوی شوهرم مورد شکنجه‌های فراوانی قرار گرفته‌ام که هنوز آثار شکنجه مشخّص می‌باشد، علاوه بر این وی معتاد به موادّ مخدّر است و حتّی حدود یک سال با شکنجه فراوان مرا وادار به استفاده از این موادّ افیونی می‌کرد و حتّی بچّه‌های کوچک را تحت شکنجه زیاد قرار می‌داد. به همین جهت تقاضای طلاق کردم و بر اساس رأی دادگاه، که در غیاب نامبرده صادر شد، رأی بر حکم طلاق غیابی صادر شد و طلاق صورت گرفت؛ ولی بر اثر اعتراض وی حکم طلاق غیابی مردود اعلام شده و وی حاضر به طلاق نمی‌باشد، در حالی که وی در طول این مدّت ازدواج کرده است. این جانب به مرحوم آیت اللّه محمد حسین نابغ آیتی مراجعه کردم، ایشان حکم کردند که نامبرده از طایفه ملاحده

احکام خانواده، ص: ۴۴۰

است و این طایفه هرچند اظهار اسلام می‌کنند و لکن نماز و روزه و حج را به هیچ وجه قبول ندارند و پیش خودم بعضی از آنها منکر نماز (به صورتی که مسلمین انجام می‌دهند) می‌باشند، و همچنین در ماه مبارک رمضان روزه نمی‌گیرند و برای خود احکام خاصّی دارند و حج و بسیاری از واجبات دیگر را انجام نمی‌دهند، لهذا از نظر حقیر مرتد و ماندن زن در خانه آنان حرام است، با توجّه به این که قدرت تحمّل مردی خارج از دین اسلام و شکنجه او را ندارم، از محضر مبارک استدعای صدور حکم خدایی را دارم.

جواب: در دو صورت شما می‌توانید از او جدا شوید:

اوّل این که به یقین بدانید او نماز و روزه و سایر احکام اسلام را قبول نداشته و از اصل انکار می‌کرده است که در این صورت بدون طلاق جدا می‌شوید.

دوم این که ثابت شود شکنجه‌های طاقت‌فرسایی به شما می‌دهد و زندگی با او عسر و حرج شدید داشته باشد، در این صورت

حاکم شرع یا کسانی که از طرف او مأذون هستند می‌توانند شما را طلاق دهند.

***

احکام خانواده، ص: ۴۴۱

بخش بیست و یکم:

اشاره

عدّه طلاق

احکام خانواده، ص: ۴۴۳

۱

فلسفه عدّه

سؤال ۹۹۸. آیا زن، در صورت یقین به عدم انعقاد نطفه، می‌تواند قبل از سپری شدن ایام عادت اقدام به ازدواج کند؟
جواب: عـدّه در واقع حریم زوجیت است، و فلسـفه و حکمت آن منحصـر به انعقاد نطفه نیست؛ به همین دلیل اگر مرد سال‌ها از زن خود جدا زندگی کند، یا در مسافرت باشد، بعد از طلاق عدّه بر زن مدخوله غیر یائسه واجب است.
سؤال ۹۹۹. امروزه از نظر پزشـکی امکانـات آزمایشـگاهی و تجهیزاتی نظیر سونوگرافی وجود دارد که در کوتاهترین زمان می‌توان بطور قطع، یقین حاصل نمود که زنی در اثر همبستری و نزدیکی باردارشده، یا خیر؟ حال با چنین فرضی، آیا مدّت عدّه طلاق همان است که قبلًا در احکام آورده شده، یا قابل تغییر است؟
جواب: همان گونه که قبلًا اشاره شـد عـدّه تنها مربوط به مسأله بارداری نیست، بلکه در واقع حریم زوجیت است؛ لـذا اگر زنی چند سال از شوهرش دور باشد سپس او را طلاق دهد، باید عدّه نگه دارد.
سؤال ۱۰۰۰. امروزه با اسـتفاده از دارو (خوراکی تزریقی)، یا به کار بردن وسایل پیشـگیری پزشـکی، بطور قطع می‌توان از بارداری زن جلوگیری کرد، با چنین فرضی آیا بر زنانی که از امکانات فوق استفاده می‌کنند، لازم است عدّه نگه دارند؟
جواب: از جواب بالا معلوم شد.
احکام خانواده، ص: ۴۴۵

۲

عدّه عقد دائم

سؤال ۱۰۰۱. ابتدای شروع عدّه طلاق از چه زمانی است؟

جواب: ابتدای شروع عدّه طلاق از آن موقعی است که صیغه طلاق خوانده می‌شود، خواه زن بداند یا نداند.

سؤال ۱۰۰۲. اگر زن بعد از تمام شدن مدّت عدّه بفهمد او را طلاق داده‌اند لازم است دوباره عدّه نگه دارد؟

جواب: خیر، لازم نیست دوباره عدّه نگه دارد.

سؤال ۱۰۰۳. مقدار عدّه در مورد زنانی که عادت می‌شوند چقدر است؟

جواب: احتیاط آن است که بقدری صبر کند که دوبار حیض ببیند و پاك شود هنگامی که حیض سوم را دید عدّه او تمام است.

سؤال ۱۰۰۴. در صورتی که زوج پس از عقد دخول نکرده باشد، ولی انزال صورت گرفته و نطفه به رحم زن منتقل شده باشد، و سپس طلاق واقع گردد. آیا زوجه باید عدّه نگه دارد؟ حکم مسأله در صورت حامله شدن، و حامله نشدن زوجه چیست؟

جواب: آری زوجه باید عدّه نگه دارد.

سؤال ۱۰۰۵. دوشیزه‌ای برای جوانی در نظر گرفته، و جهت حفظ جهات شرعی عقدشان خوانده می‌شود، و آنها گاه از پشت آمیزش می‌کردند. متأسّفانه پس از

احکام خانواده، ص: ۴۴۶

مدّتی از هم جدا می‌شوند، دختر بر اثر جهل به مسأله، بدون رعایت عدّه به عقد دائم شخص دیگری در می‌آید، حال پس از چند سال زندگی و با داشتن چند فرزند، مسأله را فهمیده است، حکم شرعی او چیست؟

جواب: احتیاط واجب آن است که در فرض مسأله، بعد از عدّه مجدّداً صیغه عقد بخوانند، و حرام ابدی نیست.

سؤال ۱۰۰۶. دو سال است اسلام را پذیرفته، و شش ماه است که از شوهر زردشتی‌ام جدا شده‌ام، عدّه اینجانبه چگونه خواهد بود؟

جواب: چنانچه مدّت دو سال است اسلام را پذیرفته‌اید از همان زمان قبول اسلام، عدّه شما شروع شده است. و اگر شوهر شما از این امر باخبر بوده، و در مدّت عدّه شما اسلام نیاورده، عدّه شما پایان یافته و از آن شوهر جدا شده‌اید.

و نیازی هم به طلاق نیست.

***

احکام خانواده، ص: ۴۴۷

۳

عدّه عقد موقّت

سؤال ۱۰۰۷. عده ازدواج موقت چقدر است؟

جواب: عدّه ازدواج موقّت بعد از تمام شدن مدّت، در صورتی که عادت ماهانه می‌بیند، به مقدار دوحیض کامل است و اگر عادت نمی‌بیند چهل‌وپنج‌روز تمام است.

سؤال ۱۰۰۸. زن مطلّقه‌ای پس از انقضاء عدّه متعه می‌شود، و پس از چندی با وساطت بزرگان فامیل قرار می‌شود با شوهر اوّل ازدواج کند، جریان را به همسر دوم می‌گوید، او بقیه مدّت عقد موقّت را می‌بخشد، سپس زن را به عقد دائم خویش در می‌آورد،

و قبل از دخول او را طلاق می‌دهد، و زن با این استدلال که طلاقِ قبل از دخول عدّه ندارد، بلافاصله به عقد شوهر اوّل در می‌آید. آیا این کار صحیح است؟

جواب: عدّه عقد سابق با این امور از بین نمی‌رود، و تا عدّه پایان نیابد ازدواج مجدّد او صحیح نمی‌باشد، و نمی‌تواند بدون عدّه به عقد کسی در آید.

***

احکام خانواده، ص: ۴۴۹

۴

عدّه زن باردار

سؤال ۱۰۰۹. پایان عده زن باردار چه زمانی است؟

جواب: متولّد شدن فرزند یا ساقط شدن آن است، حتّی اگر یک ساعت بعد از طلاق بچّه به دنیا آید، عدّه او تمام می‌شود و می‌تواند شوهر کند.

***

احکام خانواده، ص: ۴۵۱

۵

عدّه وطی به شبهه

سؤال ۱۰۱۰. ابتدای عدّه وطی به شُبهه چه زمانی است؟

جواب: مبدأ عدّه وطی به شُبهه زمان حصول علم به وطی به شُبهه است.

سؤال ۱۰۱۱. لطفاً به دو سؤال زیر پیرامون عدّه پاسخ فرمایید:

الف) خانمی در عدّه طلاق یا وفات بوده، که با او وطی به شبهه می‌شود. آیا لازم است دو عدّه نگه دارد، یا تکمیل همان عدّه اوّل کافی است؟ و اگر دو عدّه لازم باشد، عدّه دوم (وطی به شبهه) از چه زمانی آغاز می‌شود؟

احکام خانواده ؛ ص ۴۵۱

جواب: احتیاط واجب آن است که دو عدّه نگه دارد. و عدّه دوم پس از انقضای عدّه اوّل شروع می‌شود.

ب) در فرض فوق، اگر از زوج اوّل، یا از واطی به شبهه حامله شود، آیا عدّه حمل مقدّم بر عدّه دیگری است؟

جواب: عدّه حمل مقدّم است، و بعد عدّه دوم را آغاز می‌کند.

سؤال ۱۰۱۲. در صورتی که زمان فهمیدن اشتباه در وطی به شُبهه مدّتی پس از وطی باشد، آیا در این صورت نیز نگاه داشتن عدّه لازم است؟

جواب: احتیاط نگه داشتن عدّه است.

***

احکام خانواده، ص: ۴۵۳

۶

استثنائات

سؤال ۱۰۱۳. در چه صورت زن برای ازدواج مجدد احتیاجی به گذراندن مدت عده ندارد؟

جواب: زنی که از شوهرش طلاق گرفته باید عدّه نگه دارد، مگر این که شوهر با او اصلًا نزدیکی نکرده باشد، یا قبل از نُه سال طلاقش دهد، یا زن یائسه باشد، در این سه صورت بعد از طلاق می‌تواند بلافاصله شوهر کند.

سؤال ۱۰۱۴. اگر زنی که در یائسه نباشد (در سنّی باشد که باید عادت ماهانه شود) ولی عادت نشود؛ مدت عده او چقدر است؟

جواب: چنانچه شوهرش بعد از نزدیکی کردن او را طلاق دهد باید بعد از طلاق سه ماه عدّه نگه دارد و منظور از سه ماه آن است که اگر اوّل ماه است سه ماه تمام هلالی و اگر روز دیگری از ماه است مانند پنجم یا دهم هنگامی که پنجم یا دهم ماه چهارم شود عدّه او تمام است، مثلًا اگر پنجم ماه رجب او را طلاق گفته، پنجم ماه شوّال عدّه او تمام است.

سؤال ۱۰۱۵. اگر شخصی زنی را برای خود عقد دائم یا موقّت نماید، و تمام تمتّعات (غیر از دخول) را ببرد، و بعداً او را طلاق بدهد، یا مدّتش تمام شود، یا مدّتش را ببخشد، آیا در این صورت می‌تواند بدون رعایت عدّه طلاق، خواهر یا دختر آن زن را عقد کند؟

احکام خانواده، ص: ۴۵۴

جواب: چنین زنی عدّه ندارد، و ازدواج با خواهر یا دختر او بلامانع است.

سؤال ۱۰۱۶. مردی، زن غیر یائسه‌ای را به عقد موقّت خویش در می‌آورد، و قبل از اتمام مدّت، باقیمانده مدّت را می‌بخشد، و سپس او را به عقد دائم خویش در می‌آورد، لطفاً بفرمائید:

الف) آیا عدّه لازم است؟

جواب: عدّه لازم نیست؛ هر چند دخول حاصل شده باشد.

ب) در فرض بالا، چنانچه بعد از عقد دائم و قبل از دخول زن را طلاق دهد، آیا در اینجا عدّه لازم است؟ یا زن می‌تواند بدون رعایت عدّه بلافاصله با مرد دیگری ازدواج کند؟

جواب: چنانچه زن بخواهد با دیگری ازدواج کند، باید باقیمانده عدّه عقد موقّت را نگه دارد.

سؤال ۱۰۱۷. زوجه‌ای العیاذ باللّه از زنا حامله شده، و طلاق داده شده است. آیا عدّه او وضع حمل است، یا عدّه غیر حامله دارد؟ حکم مسأله در صورتی که حاملگی از طریق وطی به شبهه باشد، چیست؟

جواب: در صورتی که مسلّم باشد حمل از زناست، و احتمال الحاق به زوج شرعی نباشد، عدّه‌ای برای حمل نیست، تنها عدّه طلاق

دارد. و وطی به شبهه عدّه دارد، و در صورت حمل، عدّه آن وضع حمل است.

سؤال ۱۰۱۸. هرگاه زنی که از زنا باردار شده با زانی یا غیر او ازدواج کند، آیا احتیاج به عدّه دارد؟ اگر شوهرش او را بعد از ازدواج طلاق دهد، آیا عدّه دارد؟

و در صورتی که عدّه دارد، آیا عدّه او أبعد الأجلین است، یا عدّه اقراء؟

جواب: زنی که حامل از زناست عدّه ندارد، و جایز است به عقد زانی یا غیر او در آید، و اگر او را طلاق داد عدّه او به اقراء یا سه ماه است، و وضع حمل معیار نیست. و امّا در مورد طُهر غیر مواقعه چون این شرط در حامل ساقط است

احکام خانواده، ص: ۴۵۵

می‌تواند او را طلاق دهد، بنابراین اگر عادت ماهانه نمی‌بیند سه ماه صبر می‌کند و ازدواج می‌نماید.

سؤال ۱۰۱۹. زنی به عقد ازدواج مردی در می‌آید و سپس عروسی می‌کنند و به خانه شوهر می‌رود، مرد توان نزدیکی ندارد؛ ولی استمتاعات دیگر غیر از نزدیکی صورت گرفته است، متأسّفانه زندگی مشترک آنها منجر به طلاق می‌شود، آیا زن باید عدّه طلاق نگهدارد؟ و در صورت طلاق، آیا مهریه زن نصف می‌شود؟ آیا زن برای ازدواج بعدی باز احتیاج به اذن پدر یا جدّ دارد؟ آیا این دختر می‌تواند خود را به عقد موقّت دیگری درآورد؟

جواب: در فرض مسأله زن عدّه ندارد و مهر او با طلاق نصف می‌شود و هنوز حکم باکره را دارد.

***

احکام خانواده، ص: ۴۵۷

بخش بیست و دوم:

اشاره

عدّه وفات و ترک زینت در ایام‌عدّه وفات

احکام خانواده، ص: ۴۵۹

۱

عدّه وفات

سؤال ۱۰۲۰. در صورت فوت شوهر عدّه زن چقدر است؟

جواب: بایـد چهارمـاه و ده روز عـدّه نگه دارد، خواه ازدواج دائم باشـد یـا موقّت، شوهرش با او نزدیکی کرده باشـد یا نه، حتّی زن یائسه نیز بایـد عـدّه وفات نگه دارد و اگر باردار است بایـد تا هنگام وضع حمل عدّه نگه دارد، ولی اگر پیش از گذشـتن چهارماه و ده روز فرزندش به دنیا آید باید تا چهارماه و ده روز از مرگ شوهر عدّه را ادامه دهد.

سؤال ۱۰۲۱. هرگاه زن یقین کنـد همسـرش از دنیا رفته و عـدّه وفات نگه دارد و بعـداً شوهر کنـد، چنانچه معلوم شود شوهر او بعد مرده است؛ حکم ازدواج دوم او چه می‌شود؟

جواب: چنـانچه معلوم شود شوهر او بعـد مرده است، بایـد از شوهر دوم جـدا شود و احتیـاط واجب آن است که اگر بـاردار است به مقـداری که در عدّه طلاق گفته شد برای شوهر دوم عدّه طلاق نگه دارد و بعد از آن برای شوهر اوّل چهار ماه و ده روز عدّه وفات نگه دارد و اگر باردار نیست برای شوهر اوّل عدّه وفات نگه دارد و بعد برای شوهر دوم عدّه طلاق.

سؤال ۱۰۲۲. ابتدای عدّه وفات در صورتی که شوهر غایب باشد و فوت کند از چه موقعی است؟

احکام خانواده، ص: ۴۶۰

جواب: از موقعی است که زن از مرگ شوهر باخبر می‌شود.

سؤال ۱۰۲۳. هرگاه زن بگوید عدّه من تمام شده از او قبول می‌شود؟

جواب: از او قبول می‌شود، به شرط آن‌که مورد اتّهام نباشد، بلکه احتیاط واجب آن است که مورد وثوق باشد.

سؤال ۱۰۲۴. مردی زوجه‌اش را طلاق می‌دهد، و پیش از تمام شدن مدّت عدّه، فوت می‌کند. آیا زوجه باید عدّه وفات نگه دارد، یا همان عدّه طلاق را تمام کند؟

آیا در این مسأله فرقی میان طلاق رجعی و بائن، یا طلاق حامله وغیر حامله وجود دارد؟

جواب: اگر عدّه رجعی بوده، نگه داشتن عدّه وفات لازم است. ولی در عدّه بائن، تکمیل همان عدّه کافی است.

سؤال ۱۰۲۵. شخصـی زنی را در عدّه وفات عقد نموده، و پس از پایان عدّه عروسـی می‌کنند، در حالی که زوجین جاهل به حرمتِ ازدواجِ در عدّه بوده‌اند، لطفاً بفرمائید:

الف) آیا حرمت ابدی برای آنها ثابت است، یا فقط عقد باطل می‌باشد؟

ب) در صورتی که حرمت ابدی نباشد و بخواهند عقد جدید بخوانند، آیا برای همسر دوم عدّه لازم است؟

ج) آیا باید عدّه وفات را برای همسر اوّل به انجام برساند؟

جواب: عقـد ازدواج باطل است، ولی حرمت ابـدی نمی آورد، و آن مرد می‌توانـد مجـدّداً با آن زن صـیغه عقد را جاری کند، ولی اگر زن بخواهد با شخص سومی ازدواج کند، باید عدّه وطی به شبهه تمام شود.

سؤال ۱۰۲۶. حدود ۱۵ سال پیش از شوهر اوّلم طلاق گرفتم، و پس از حدود یک سال با مرد دیگری مجدّداً ازدواج کردم. پنج ماه پس از ازدواج دوم، شوهر سابقم فوت نمود. اکنون بعد از گذشت حدود ۱۴ سال متوجّه شدم که طلاق اوّلم

احکام خانواده، ص: ۴۶۱

باطل بوده، و به همین دلیل از شوهر دوّمم جدا شدم. آیا بنده، که یائسه نیز می‌باشم، باید بعد از ۱۴ سال برای شوهر اوّلم عدّه وفات نگه دارم؟

جواب: هرگاه تازه از فوت او آگاه شـده باشـید بایـد عـدّه نگه دارید، ولی اگر قبلًا از فوت او با خبر شده‌اید، و مدّت چهار ماه و ده روز گذشته، عدّه منقضی شده است.

***

احکام خانواده، ص: ۴۶۳

۲

ترک زینت در ایام عدّه وفات

سؤال ۱۰۲۷. آیا زن در عده وفات محدودیتی از نظر پوشش و زینت دارد؟
جواب: آری؛ زن بایـد در مـدّت عدّه وفات از پوشـیدن لباسـهای زینتی، کشـیدن سـرمه در چشم و کارهای دیگر، که زینت حساب می‌شود، خودداری کند.
سؤال ۱۰۲۸. زنی جوان (حدود ۳۰ ساله) همسرش را از دست داده است، بخاطر فوت شوهر بیشتر از متعارف ترک زینت می‌کند، و حتّی بانـدازه معمول نظافت هم نمی‌کند، و اگر کسـی به خواستگاری اش برود جواب منفی می‌دهد، و می‌گوید: «با شوهر مرحومم عهد کرده‌ام که دیگر ازدواج نکنم، و بین ما شرط شده که هر کس زودتر مُرد، دیگری ازدواج نکند». آیا این کارها صحیح، و این شرط واجب الوفا می‌باشد؟
جواب: حِداد، به معنای ترک زینت در ایام وفات، لازم است؛ ولی ترک زینت، به معنای ترک نظافت نیست، و شرط مزبور اعتباری ندارد، و سزاوار است زن بعد از گذشتن عدّه ازدواج کند.
سؤال ۱۰۲۹. امروزه بعضی از امور زینتی بسیار مرسوم و متداول گشته است، آیا انجام این‌گونه امور هم در عدّه وفات اشکال دارد؟
جواب: آری هرگونه زینت در این مدّت اشکال دارد.
***

احکام خانواده، ص: ۴۶۵

بخش بیست و سوم:

اشاره

احکام محلّل

احکام خانواده، ص: ۴۶۷

احکام محلّل

سؤال ۱۰۳۰. در بحث محلّل، صرف دخول کفایت می‌کند یا هر دو باید ارضا شوند؟
جواب: دخول کافی است.
سؤال ۱۰۳۱. آیـا نکـاح محلّـل، هـادم یک طلاق و دو طلاق نیز می‌باشـد؟ یعنی پس از ازدواج محلّل، زوج اوّل می‌توانـد سه طلاق دیگر بدهد؟
جواب: آری هادم می‌شود.

سؤال ۱۰۳۲. در صورتی که محلّل بعد از وطی مرتد شود، آیا تحلیل حاصل می‌شود؟ ارتداد پیش از وطی چطور؟ حکم مسأله در صورت ارتداد و اسلام مجدّد زوجه، پیش از وطی و پس از آن چه می‌باشد؟

جواب: ارتداد بعد از وطی اثری ندارد، ولی قبل از وطی زوجیت را باطل می‌کند؛ بنابراین دخول اثری ندارد.

سؤال ۱۰۳۳. آیا در وطی معتبر در ازدواج محلّل، وطی و دخول حلال شرط است، یا اگر دخول حرام واقع شده باشد (مانند وطی در ایام حیض، یا وطی در حال احرام) آن هم در تحقق حلّیّت کافی است؟

جواب: کفایت می‌کند.

سؤال ۱۰۳۴. یکی از برادران اهل سنّت زوجه خویش را در یک جلسه و در

احکام خانواده، ص: ۴۶۸

حالت عصبانیت سه طلاق کرده است، علمای اهل سنّت گفته‌اند: «طلاق بائن واقع شده و زوجه‌اش بر او حرام شده است و باید محلّل بگیرد». اگر آن مرد سنّی شیعه شود چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که نسبت به آنچه در گذشته واقع شده معامله مذهب سابق را کند، یعنی احتیاطاً محلّل بگیرد.

***

احکام خانواده، ص: ۴۶۹

بخش بیست و چهارم:

اشاره

احکام متفرّقه طلاق

احکام خانواده، ص: ۴۷۱

احکام متفرّقه طلاق

سؤال ۱۰۳۵. آیا زن می‌تواند در موقع عقد شرط کند که هرگاه شوهر مثلًا مسافرت نماید، یا معتاد به مواد مخدر گردد، یا خرجی او را ندهد اختیار طلاق با او باشد؟

جواب: این شرط باطل است، ولی هرگاه شرط کند که او از طرف شوهرش وکیل باشد که هرگاه این کارها را انجام دهد خود را مطلّقه کند این وکالت صحیح است و در چنین صورتی حق دارد خود را طلاق دهد.

سؤال ۱۰۳۶. پدر و جدّ پدری دیوانه می‌توانند زن او را طلاق دهند؟

جواب: در صورت مصلحت می‌توانند او را طلاق دهند.

سؤال ۱۰۳۷. ولیّ صغیر اگر همسر دائمی برای او عقد کرده، می‌توانند زن او را طلاق دهند؟

جواب: بنابر احتیاط واجب نمی‌تواند او را طلاق دهد، امّا اگر همسر موقّت برای او عقد کرده می‌تواند باقیمانده مدّت را در صورت

مصلحت ببخشد.

سؤال ۱۰۳۸. بیش از ده سال است که به دلایل زیر قصد طلاق زوجه‌ام رادارم:

الف) عدم تمکین. ب) خروج بدون اذن از منزل و حتّی از شهر در موارد غیر ضروری. ج) اقدام به آبرویزی و هتک حرمت بنده در جامعه. د) تهمت‌های ناروا. ه) تهدید به مسموم نمودن. و) نامشروع قلمداد کردن صیغه ازدواج.

احکام خانواده، ص: ۴۷۲

و قانون نیز توجّهی به من نکرده آیا می‌توانم خود صیغه طلاق را بخوانم و آیا گرفتن حکم طلاق در مقابل پرداخت پول امکان‌پذیراست و چنین حکمی اعتبار شرعی دارد؟

جواب: عدم تمکین به تنهایی می‌تواند دلیلی بر اقدام به طلاق باشد، ولی تا می‌توانید از طلاق بپرهیزید مگر این که ناچار شوید.

سؤال ۱۰۳۹. آیا برای تبدیل ازدواج دائم به موقّت غیر از طلاق و انجام عقد موقّت راهی وجود دارد؟ و اگر ندارد آیا عدّه نگهداشتن لازم است یا شوهر سابق در عدّه می‌تواند زن را متعه کند؟

جواب: راه آن فقط طلاق است و در عدّه می‌تواند با او ازدواج نماید به شرط این که طلاق رجعی نباشد و اگر طلاق رجعی است باید بعد از تمام شدن عدّه او را به عقد موقّت درآورد.

سؤال ۱۰۴۰. این جانب مدّت ۲۴ سال است که با خانمم زندگی می‌کنم و دارای شش فرزند می‌باشیم، در این مدّت با دخالت مستقیم پدر و مادر و برادر خانمم روبه‌رو بوده‌ام و زندگی تلخی را گذرانده‌ام تا این که مدّتی قبل دیگر کارد به استخوانم رسید و تصمیم به جدایی از همسرم گرفتم و چون در تصمیم خود جدّی بودم در چند جلسه (البتّه به فارسی) گفتم: همسرم مانند خواهر و مادرم برای من می‌باشد، حال همسرم از گذشته خود پشیمان شده و تعهّد داده که دیگر مثل گذشته به تحریکات بستگان خود گوش نکند و من هم می‌خواهم مدّتی دیگر به ایشان فرصت بدهم و با ایشان زندگی کنم با توجّه به گفته بالا آیا می‌توانم با ایشان به عنوان زن و شوهر زندگی کنم؟

جواب: چنانچه این سخن را در حالی گفته‌اید که دو شاهد عادل حضور داشته‌اند و آن زن هم در حال عادت نبوده بعد از پاک شدن با او نزدیکی نکرده باشید باید کفّاره بدهید و کفّاره آن دوماه روزه است که باید سی و یک روز آن

احکام خانواده، ص: ۴۷۳

پشت سر هم باشد و اگر توانایی روزه نداشته باشید ۶۰ مسکین را طعام دهید امّا اگر دو شاهد عادل حضور نداشته، کفّاره‌ای هم ندارد و این سخن بی‌اثر است، در ضمن توجّه داشته باشید در آن جا که کفّاره لازم باشد تا کفّاره ندهید حلال نمی‌شود.

سؤال ۱۰۴۱. خانم شوهرداری با افرادی حدود دو سال رابطه داشته است و حتّی مدّت ۲۰ روز بدون اجازه شوهرش معلوم نیست که در کجا به سر برده است آیا لازم است این خانم مشهور به فساد را طلاق داد؟

جواب: طلاق دادن او واجب نیست ولی لازم است او را از کار خلاف بازدارد.

سؤال ۱۰۴۲. لطفاً در مورد اجرت‌المثل زحمات زن در منزل شوهر به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) اگر طلاق به درخواست زوجه باشد، آیا استحقاق دریافت حقّ‌الزّحمه کارهایی که شرعاً به عهده وی نبوده و قصد تبرّع هم نداشته، دارد؟

جواب: زوجه در صورتی می‌تواند اجرت کارهای خود را مطالبه کند که بگوید قصد تبرّع ندارد و زوج این کارها را از او بخواهد.

ب) اگر طلاق به درخواست زوجه نباشد، آیا استحقاق دریافت حقّ‌الزّحمه کارهایی که شرعاً به عهده وی نبوده و قصد تبرّع هم نداشته، دارد؟

جواب: مسأله طلاق چه از طرف زوج باشد و چه به خواست زوجه، هیچ ارتباطی با مسأله فوق ندارد؛ حتّی بدون طلاق نیز در

فرضی که ذکر شد می‌تواند مطالبه اجرت کند.

سؤال ۱۰۴۳. یکی از شروطی که بر اساس تصویب شورای عالی قضایی در سند عقد ازدواج گنجانده شده این است که زوج بعد از عقد ازدواج در کلّیه دارایی خود با زوجه شریک خواهد بود و در صورت قبول زوج، زوجه حق خواهد

داشت در صورت طلاق نصف اموال شوهر را دریافت نماید، آیا زوجه با گرفتن نصف اموال باز هم استحقاق دریافت حقّ‌الزّحمه کارهایی را که بدون قصد تبرّع در خانه شوهر انجام داده و شرعاً به عهده وی نبوده دارد؟

جواب: ظاهر این شرط این است که جبران خدمات دوران ازدواج باشد؛ ولی شرط مزبور چون آمیخته به ابهام فراوان است، شرعاً اشکال دارد.

سؤال ۱۰۴۴. زوجه از خانواده مذهبی بوده و تا قبل از ازدواج چادری و با حجاب کامل بوده است، زوج بعد از ازدواج وی را وادار کرده که با مانتو و روسری، حجاب خود را حفظ کند و از چادر استفاده نکند و زوجه این موضوع را مغایر با شئونات خانوادگی خود دانسته و به این علّت تقاضای طلاق نموده است و به هیچ وجه حاضر نیست که چادر را کنار بگذارد. آیا تقاضای وی برای طلاق به این جهت برای دادگاه قابل قبول می‌باشد؟ چنانچه پاسخ منفی باشد، آیا زوجه موظّف به اجرای دستور زوج در این مورد می‌باشد؟

جواب: این امر مجوّز تقاضای طلاق نیست؛ ولی زوجه می‌تواند نظر زوج را در این مورد رعایت نکند، و زوج حقّ اجبار او را ندارد.

سؤال ۱۰۴۵. زوجه به علّت این که شوهرش وی را مجبور می‌نماید که حجاب اسلامی را رعایت ننماید و بعضاً در جلوی مهمانان نامحرم، بدون حجاب حاضر شود و یا در خارج از منزل با آرایش و بدون رعایت کامل حجاب اسلامی بیرون رود، از دادگاه تقاضای طلاق نموده است. آیا عسر و حرج زوجه در این مورد قابل قبول است؟

جواب: اگر این کار از طرف شوهر به صورت وسیع تکرار شود و زوجه را در تنگنای شدید روحی قرار دهد، عسر و حرج ثابت است و حاکم شرع می‌تواند او را طلاق دهد.

سؤال ۱۰۴۶. من همسر دوم شوهرم می‌باشم. پس از این که زن اوّل ایشان فوت

کرد من با ایشان ازدواج کردم، ایشان از زن اوّل چهار پسر و دو دختر و از من یک پسر دارد، من از داشتن شش بچّه ایشان باخبر بودم. لذا تمام اقوام با ازدواج ما مخالف بودند و مرا تحقیر می‌کردند. الان هفت سال است که من از شوهرم دور هستم و با اجازه او در یک بیمارستان عربستان سعودی مشغول پرستاری هستم.

در طول هفت سال که من زحمت کشیدم و پول به دست آورده‌ام شوهرم آن را بدون اجازه من صرف جهیزیه دخترش کرد. این بار که به هندوستان رفته بودم بر سر قضیه پول دعوا شد و من مطالبه طلاق کردم، ولی ایشان طلاق نمی‌دهد در حالی که سنّ من با ایشان تفاوت زیاد دارد و من نمی‌توانم با ایشان زندگی کنم.

آیا من حقّ طلاق یک جانبه را دارم؟

جواب: هرگاه شوهر حاضر باشد به وظایف خود طبق عقدنامه‌ای که با شما داشته عمل کند حقّ طلاق یک جانبه را ندارید، ولی اموالی را که از شما بدون اجازه برده باید بطور کامل برگرداند.

سؤال ۱۰۴۷. پسری، دختری را به عقد نکاح دائم خویش درمی‌آورد، بعد از یک ماه با همدیگر اختلاف پیدا می‌کنند و در نتیجه اختلاف، مدّت ۶ سال در حال عقد می‌مانند و پس از آن پسر با دختر دیگری ازدواج می‌کند. در ضمن جلسه‌ای در حضور

ریش‌سفیدان و با تصویب آنها پسر علاوه بر اخذ مهر حاضر، با گرفتن مبلغ ۰۰۰ /۳۰۰ تومان (که مجموعاً ۰۰۰ /۷۰۰ تومان می‌شود) راضی به طلاق می‌شود، امّا در برگه صورت جلسه طلاق این شرط قید می‌شود که دختر مزبور پس از طلاق نمی‌تواند با فلان شخص ازدواج کند و دختر که صورت جلسه را امضا کرده است در آن زمان به این شرط توجّه نداشته است. این شرط از نظر شرعی چگونه است؟

جواب: شرط مزبور باطل است و دختر می‌تواند بعد از طلاق و مراسم آن، با هر کس که می‌خواهد ازدواج کند.

احکام خانواده، ص: ۴۷۶

سؤال ۱۰۴۸. زوجه به علّت عدم قدرت باروری زوج و نیاز شدید به داشتن فرزند، خود را در حال عسر و حرج می‌داند، آیا با وجود این موضوع می‌توان حکم به طلاق زوجه صادر کرد؟

جواب: جایز نیست؛ مگر این که واقعاً خطر بیماری روانی زوجه را تهدید کند.

سؤال ۱۰۴۹. زن شیعه‌ای در عقد مردی سنّی بوده است، پس از چند سال زندگی مشترک مرد سنّی طبق معتقدات خود، که طلاق در حضور عدلین و سایر شرایطی که در طلاق شیعه است را معتبر نمی‌داند، زن خود را طلاق گفته است؛

الف) آیا زن وظیفه دارد طبق قاعده الزام، از آن لحظه عدّه نگه‌دارد؟

جواب: قاعده الزام شامل حال زن شیعه نمی‌شود و باید از شوهر وکالت بگیرد و مجدّداً طلاق را با شرایط آن جاری کند و اگر شوهر راضی به این کار نشود، حاکم شرع می‌تواند اجازه طلاق او را صادر کند.

ب) در صورتی که طلاق از جانب مرد سنّی طبق معتقدات خود واقع شده، آیا نفقه دوران عدّه به عهده اوست؟

جواب: زن حقّ نفقه دارد، خواه به عنوان عدّه طلاق باشد یا بقای زوجیت.

ج) چون طلاق از ناحیه مرد است، آیا لازم است تمام مهریه را پرداخت نماید؟

جواب: مهریه در هر صورت بر عهده زوج می‌باشد، خواه طلاق بدهد یا ندهد.

د) چون به عقیده خودش سه طلاقه نموده، آیا بدون محلّل بنا بر عقیده خودش حقّ رجوع دارد؟

جواب: از نظر وظیفه شرعی زن، رجوع مانعی ندارد.

سؤال ۱۰۵۰. زید دختر بالغه و باکره خود را نامزد شخصی کرده و پیش از عقد

احکام خانواده، ص: ۴۷۷

گفته است: «اگر زن دیگری بگیری، یا به شهر دیگری بروی خود من، که پدر دختر می‌باشم، دخترم را طلاق می‌دهم، یا ابرای مدّت می‌کنم، تو مرا وکیل کن» نامزد، پدر دختر را وکیل می‌کند و سپس عقد جاری می‌شود، ولی در ضمن عقد او را دوباره وکیل نکرده، و سپس عروسی می‌کنند، تقریباً یک سال پس از عروسی، پدر به خاطر تخلّف شوهر، دخترش را ابرای مدّت می کند یا طلاق می‌دهد، شوهر ادّعا می‌کند: «من او را وکیل کرده بودم، ولی بعداً او را عزل نموده‌ام» در این صورت آیا این طلاق یا ابرای مدّت صحیح است؟

جواب: وکالت به قوّت خود باقی است و اگر مرد از شرایط تخلّف کند پدر زوجه می‌تواند طلاق دهد.

سؤال ۱۰۵۱. اگر زنی در ضمن عقد با شوهر شرط کند که اگر مرد قصد طلاق او را داشت باید مبلغی به زن بپردازد، آیا عمل به این شرط لازم است؟ آیا طلاق متوقّف بر پرداختن این مبلغ است؟

جواب: این شرط اشکالی ندارد و عمل به آن واجب است.

سؤال ۱۰۵۲. اگر مرتد از طلاق دادن زوجه امتناع کند، حاکم شرع می‌تواند او را طلاق دهد؟

جواب: احتیاج به طلاق نیست، بعد از ارتداد از هم جدا می‌شوند.

سؤال ۱۰۵۳. اگر مردی شک داشته باشد که فلان خانم همسر اوست یا نه لطفاً بفرمایید:

الف) آیا می‌تواند بطور قطعی و جزمی او را طلاق دهد و اگر صحیح نیست برای فرار از این شک چگونه احتیاط کند؟

ب) بر فرض عدم جواز طلاق قطعی در سؤال قبل، آیا این مسأله را می‌توان به کسی که شک در زوجیت زنی دارد بعد از آن که عقد بر آن زن تمام شده است ولی زن ادّعاهایی می‌کند که باعث شک زوج در همسری او شده است و با همین

احکام خانواده، ص: ۴۷۸

شک او را طلاق قطعی داده است و به شک خود اعتنایی نکرده است، مقایسه کرد.

لازم به ذکر است که آنچه باعث این سؤال شد کلام شیخ انصاری رحمه الله در مکاسب است که می‌فرماید: «اگر در امور مقوّمه شک شود امر مشکل می‌شود».

و سپس از شهید اوّل نقل کرده که ظاهراً ایشان جزم به بطلان چنین طلاقی پیدا کرده است، نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: این طلاق اگر به صورت قطعی و عَنْ جَزْمٍ انجام شده است صحیح است و اگر در زوجیت شک دارد طلاق را به قصد احتیاط جاری کند؛ و امّا کلام علّامه انصاری رحمه الله و بعضی دیگر از فقهای عظام برای اثبات بطلان این طلاق کافی نیست.

سؤال ۱۰۵۴. زوج شیعه جعفری، و زوجه سُنّی شافعی است. زوج مدّعی است که مطابق مذهب شافعی زوجه را سه طلاقه کرده، ولی زوجه منکر آن است. لطفاً بفرمایید:

الف) در فرض اثبات، آیا طلاق مورد ادّعا صحیح است؟ به عبارت دیگر، آیا زوج شیعه مذهب می‌تواند زوجه خود را بر طبق مذهب شافعی سه طلاقه کند، یا رعایت شرایط طلاق از نظر فقه شیعه برای زوج شیعه مذهب در هر حال الزامی است؟

جواب: زوج شیعه موظّف است طبق مذهب خود همسرش را طلاق دهد.

ب) آیا آثار طلاق یاد شده را می‌توان بر اساس قاعده الزام نسبت به زوجه مترتّب ساخت؟

جواب: آری زوجه می‌تواند آثار طلاق مزبور را نسبت به خودش جاری سازد.

ج) آیا مجرای قاعده الزام تنها در فرضی است که زوج سنّی مذهب باشد، یا

احکام خانواده، ص: ۴۷۹

در فرض شیعه بودن زوج و سنّی بودن زوجه نیز قاعده الزام جاری می‌شود؟

جواب: قاعده الزام در هر دو صورت جاری می‌شود؛ هر چند رعایت احتیاط خوب است.

د) به طور کلّی در موارد ادّعای وقوع طلاق، قول زوج مقدّم است، یا زوجه؟

اثبات آن بر عهده کیست؟

جواب: هر کدام ادّعای طلاق کنند، باید طبق موازین شرع ثابت نمایند.

سؤال ۱۰۵۵. مرد و زنی در اثر اختلاف، کارشان به طلاق منتهی شده است. زن در ازای طلاق، مهریه‌اش را بخشیده، و جهیزیه خود را برده، و صیغه شرعی طلاق جاری شده است. حال دو سؤال پیش آمده، مستدعی است پاسخ فرمایید:

الف) در طول مدّت ۹ سال زندگی مشترک، کادوهایی از خانواده‌های طرفین به این زن و شوهر داده شده است. حال که این دو نفر از هم جدا شده‌اند، این کادوها، که بعضی توسّط بستگان مرد، و بعضی توسّط اقوام زن داده شده، شرعاً به کدام یک تعلّق دارد؟

جواب: کادوهایی که زنانه است به زن تعلّق دارد، و آنها که مردانه است به مرد. و اگر به درد هر دو می‌خورد چنانچه از خانواده و دوستان مرد آورده‌اند به مرد تعلّق دارد، و اگر از خانواده و دوستان زن آورده‌اند به زن تعلّق دارد.

ب) در طول این مدّت این زن و شوهر نیز کادوهایی به اقوام همدیگر داده‌اند (البتّه پول این کادوها را مرد پرداخت نموده است.)

تکلیف این کادوها چیست؟

آیا زن بایـد این کادوها را از فامیل خود گرفته، و تحویل مرد دهـد؟ یا چون این کادوها در آن زمان داده شده، متعلّق به گیرنده آن می‌باشد؟

جواب: در صورتی که کادوها موجود باشـد مرد می‌توانـد باز پس بگیرد، (به شـرط این که با مرد خویشاونـد نباشـد؛) ولی این کار مکروه و ناپسند است.

سؤال ۱۰۵۶. اگر زوج، زوجه را تهدید به استفاده از حقّ طلاق کند، مثلًا به

احکام خانواده، ص: ۴۸۰

زوجه‌اش بگویـد: «یـا منزل شخصـی‌ات را ملک من کن، یا تو را طلاق می‌دهم» و زن برای جلوگیری از طلاق ملک را به نام شوهر بزند، آیا اکراه صدق می‌کند؟

حکم این انتقال چیست؟

جواب: آری عرفاً مصداق اکراه است.

سؤال ۱۰۵۷. بـا توجّه به اطلاـق مادّه ۱۱۳۳ قانون مـدنی که می‌گویـد: «مرد هر وقت بخواهـد، می‌توانـد همسـر خود را طلاق دهد.» بعضـی از محـاکم همان طور که طلاق بی‌دلیل زوجه را رد می‌کننـد، در مورد درخواست زوج نیز همین حکم را صادر می‌نماینـد. آیا این مطلب با اختیارات مطلق زوج طبق روایت مشهور نبوی

«الطَّلاقُ بِیدِ مَنْ اخَذَ بِالسّاقِ»[۲۴]

منافات ندارد؟

جـواب: مطـابق عنوان اوّلی اختیـار طلاـق به دست زوج است؛ هر زمـان که بخواهـد. ولی بـا توجّه به عنـاوین ثـانویه، که برگرفته از شرایط خاصّ اجتماعی امروز است، حاکم شرع می‌تواند اجازه طلاق مرد را به مواردی موکول کند که عذر موجّهی داشته باشد.

سؤال ۱۰۵۸. اگر مردی زنی را فریب دهد که از شوهرش طلاق بگیرد و همسر او شود طلاق و عقد آن زن صحیح است؟

جواب: صحیح است، ولی هر دو معصیت بزرگی انجام داده‌اند.

احکام خانواده، ص: ۴۸۱

بخش بیست و پنجم:

اشاره

ارث زن و شوهر

احکام خانواده، ص: ۴۸۳

۱

ارث شوهر

سؤال ۱۰۵۹. هرگاه زن دائمی‌از دنیا برود چه مقدار ارث به شوهر او می‌رسد؟

جواب: اگر فرزندی نداشته باشد نصف تمام مال او به شوهر می‌رسد و بقیه را ورثه دیگر می‌برند و اگر از آن شوهر یا از شوهر دیگری فرزندی داشته باشد یک چهارم تمام مال او به شوهرش می‌رسد و بقیه به وارثان دیگر.

سؤال ۱۰۶۰. هرگاه زن در حال بیماری، شوهر کند و با همان بیماری از دنیا برود شوهرش از او ارث می‌برد؟

جواب: ارث می‌برد، خواه نزدیکی کرده باشد یا نه.

سؤال ۱۰۶۱. هرگاه زن را به ترتیبی که در احکام طلاق گفته شد، طلاق رجعی دهد و در بین عدّه بمیرد شوهر از او ارث می‌برد؟

جواب: آری ارث می‌برد.

سؤال ۱۰۶۲. اگر شوهر زن را طلاق رجعی دهد و در بین عدّه بمیرد، زن از او ارث می‌برد؟

جواب: آری ارث می‌برد.

سؤال ۱۰۶۳. اگر زن و شوهر طلاق بائن بگیرند و در بین عدّه یکی از آنها بمیرد، طرف مقابل از او ارث می‌برد؟

جواب: خیر، در عدّه طلاق بائن هرگاه یکی از آنان بمیرد دیگری از او ارث نمی‌برد.

احکام خانواده، ص: ۴۸۴

سؤال ۱۰۶۴. آیا مهریه زن جزء ترکه اوست و اگر جزء ترکه اوست آیا شوهر می‌تواند به نسبت سهم‌الارث خود از آن، کسر و مانده مهریه را به سایر ورثه زن (زوجه خود) پرداخت نماید؟

جواب: آری جزء ترکه اوست و مانند سایر اموال تقسیم می‌شود.

سؤال ۱۰۶۵. هر گاه زن از دنیا برود و به غیر از شوهر وارث دیگری نداشته باشد اموال او به چه کسی می‌رسد؟

جواب: اگر زوجه از دنیا برود و وارثی نداشته باشد تمام اموال او به شوهرش می‌رسد.

سؤال ۱۰۶۶. شوهر در ضمن عقد تعهّد می‌دهد که پس از عروسی و آمدن زوجه به خانه او، چند یا چندین قلم کالا و چیز دیگری به عنوان جهیزیه، برای همسرش خریداری نماید. بعد از عروسی و قبل از این که شوهر به تعهّد خود عمل نماید همسرش فوت می‌کند. اگر سایر ورثه این زن از طریق دادگاه زوج را ملزم به انجام تعهّد نمایند، آیا خود شوهر نیز جزء ورّاث زنش می‌باشد و از جهیزیه‌ای که می‌خرد، ارث می‌برد؟

جواب: سهم الارث دارد.

سؤال ۱۰۶۷. فردی که نظامی بوده، بر اثر جدال و نزاع خانوادگی، با پدر زنش درگیر شده است. پدر زن به طرف اسلحه داماد دست دراز کرده و قصد استفاده از اسلحه را داشته است؛ او برای این که پدر زنش دست از جدال و نزاع بردارد، ابتدا دو تیر هوایی شلیک می‌کند، سپس به علّت این که پدرزن دور نشده، بلکه با چوبدستی به طرف او و اسلحه‌اش نزدیک می‌شود، به طرف دست پدرزنش شلیک می‌کند که ناگهان همسرش به حمایت از پدرش درمی‌آید و در این میان اشتباهاً کشته می‌شود. قاتل از این همسر، دارای پسری دو ساله است و متوفّیه پدر و مادر هم دارد. در این مورد سهم همسر، پسر، پدر و مادر متوفّیه را بطور

احکام خانواده، ص: ۴۸۵

دقیق مشخّص نمایید.

جواب: یک ششم دیه کامله به پدر و یک ششم دیه کامله به مادر و بقیه به فرزند می‌رسد و چیزی از دیه به شوهر نمی‌رسد؛ خواه دیه قتل خطا باشد یا دیه قتل عمد، که گاه به جای قصاص توافق بر آن می‌شود.

سؤال ۱۰۶۸. چنانچه مهریه خانمی سفر حجّ بوده، و آن خانم قبل از تشرّف به حجّ، فوت نمایـد، آیا ورثه وی می‌توانند مهریه را

مطالبه کنند؟ نحوه تقسیم یک سفر حجّ، بین چند وارث چگونه خواهد بود؟

جواب: آری می‌توانند مطالبه کنند، و هزینه یک حجّ به هنگام فوت آن مرحومه را از شوهر او می گیرند، و مانند سایر اموال زن بین همه ورثه تقسیم می کنند

سؤال ۱۰۶۹. اگر زنی که در حالت حیات مهریه‌اش را مطالبه نکرده فوت کند، آیا ورثه این زن می‌توانند مهریه او را از شوهر مطالبه کنند، اگر شوهر هم مرده باشد حکم مسأله چیست؟

جواب: همانطور که در بالا اشاره شد مهریه مانند سایر دیون است و به ارث منتقل می‌شود، و ورثه می‌توانند آن را مطالبه کنند.

سؤال ۱۰۷۰. چرا اسلام سهم الارث مردان را دو برابر سهم زنان قرار داده است؟

جواب: دلیل آن روشن است؛ زنان هنگامی که شوهر می‌کنند هزینه‌ای برای زندگی نمی‌پردازند، و تمام هزینه آنها در اسلام بر دوش مردان است. به تعبیر دیگر، مردان هم باید هزینه زندگی خود را بپردازند و هم هزینه زندگی فرزندان و زنانشان را، و با این حال طبیعی است که سهم ارث آنها بیشتر باشد. ممکن است گفته شود بعضی از زنان شوهر نمی‌کنند، و بعضی از مردان زن نمی‌گیرند، درباره آنها چطور؟ پاسخ آن نیز با توجّه به یک نکته معلوم می‌شود، و آن این که:

قوانین الهی، (بلکه تمام قانونها) هماهنگ با نوع افراد جامعه است، و افراد استثنایی معیار قوانین نیستند.

احکام خانواده، ص: ۴۸۷

۲

ارث زن

سؤال ۱۰۷۱. هرگاه مردی از دنیا برود چه مقدار ارث به همسر دائمی او می‌رسد؟

جواب: هرگاه فرزند نداشته باشد، یک چهارم مال او را همسر دائمی او می‌برد و بقیه را ورثه دیگر و هرگاه از آن زن یا از زن دیگر فرزند داشته باشد، یک هشتم مال به زن او می‌رسد و بقیه به وارثان دیگر.

سؤال ۱۰۷۲. زن از کدام اموال شوهر ارث می‌برد؟

جواب: زن از تمام اموال منقول شوهر ارث می‌برد، ولی از زمین و قیمت آن ارث نمی‌برد، خواه زمین خانه باشد یا باغ، یا زمین زراعتی و مانند آن و نیز از خود هوایی ساختمان ارث نمی‌برد، مثل بنا و درخت، امّا باید هوایی را قیمت کنند و از قیمت آن سهم ارث او را بدهند.

سؤال ۱۰۷۳. زن می‌تواند در چیزی که از شوهرش ارث نمی‌برد (مانند زمین و بنای خانه) تصرّف کند؟

جواب: برای تصرّف باید از ورثه دیگر اجازه بگیرد.

سؤال ۱۰۷۴. اگر ورثه دیگر سهم زن را از قیمت هوایی ندهند (مانندبنای‌خانه) می‌توانند بدون اجازه زن در آن تصرّف کنند؟

جواب: تا سهم زن را از قیمت هوایی نداده‌اند (مانندبنای‌خانه) نباید بدون

احکام خانواده، ص: ۴۸۸

اجازه او در آن تصرّف کنند.

سؤال ۱۰۷۵. چنانچه پیش از دادن سهم زن از قیمت هوایی بنای خانه و امثال آن، آن را بفروشند معامله صحیح است؟

جواب: در صورتی که زن معامله را اجازه دهد صحیح و گرنه نسبت به سهم او باطل است.

سؤال ۱۰۷۶. چگونه قیمت بنا و درخت و مانند آن را حساب کنند؟

جواب: بایـد چنین حسـاب کننـد که اگر آنها با دادن مال الاجاره در آن زمین باقی بمانـد چقـدر ارزش دارد، سـپس سـهم زن را از قیمت آن بدهند.

سؤال ۱۰۷۷. مجرای آب قنات و آجر و چیزهایی که در آن بکار رفته چه حکمی دارد؟

جواب: مجرای آب قنات و مانند آن حکم زمین را دارد و آجر و چیزهایی که در آن بکار رفته در حکم ساختمان است.

سؤال ۱۰۷۸. اگر میت بیش از یک زن دائم داشته باشد؛ به هر کدام چه مقدار ارث می‌رسد؟

جواب: اگر میت بیش از یک زن داشته باشـد در صورت نـداشن فرزند چهار یک اموال او و در صورت داشـتن فرزند، هشت یک آن به شرحی که در سوالات بالا گفته شد بطور مساوی میان زنان او تقسیم می‌شود، خواه شوهر با آنها نزدیکی کرده باشد یا نه، امّا اگر در مرضی که به آن مرض از دنیا رفته زنی را عقدکرده، در صورتی از او ارث می‌برد که با او نزدیکی کرده باشد.

سؤال ۱۰۷۹. هرگاه شوهر در حال بیماری، همسرش را طلاق دهـد و پیش از گذشـتن یک سال (قمری) از دنیا برود، زن از او ارث می‌برد؟

جواب: زن با سه شرط از او ارث می‌برد:

الف) این که شوهر در همان مرض از دنیا برود.

احکام خانواده، ص: ۴۸۹

ب) این که زن بعد از طلاق و گذشتن عدّه، شوهر نکند.

ج) آن که طلاق به رضایت زن نباشد و اگر با رضایت او باشد، ارث بردنش مشکل است.

سؤال ۱۰۸۰. لباس و زینت آلات و مانند آنها که مرد برای همسرش می‌گیرد متعلق به کیست؟

جواب: لباس و زینت آلات و ماننـد آنها که مرد برای همسـرش می‌گیرد مال همسـر اوست، مگر این‌که ثابت شود که قصـد تملیک نکرده بلکه جنبه عاریتی داشته باشد.

سؤال ۱۰۸۱. شخصـی بـا کـامیون خـود به جبهه رفته، و خودش شـهید شـده و کـامیونش نـابود گردیـده است، سـپس دولت عوض کامیون را به خانواده شهید داده است، آیا همسر شهید می‌تواند سهم‌الارث خود را از آن ادعا کند؟

جواب: اگر آوردن کـامیون به جبهه به امر دولت بوده یـابه ضـمانت او (هرچنـد ضـمانت جنبه عـام داشـته باشـد نه در خصوص این شخص) همسـر شـهید یک‌هشـتم از کامیون را به ارث می‌برد و اگر شـخص مزبوربا میل خود و بـدون امر و ضـمانت دولت اقدام به چنین کاری کرده، بایـد از مسؤولین ذی ربط پرسـید که هـدف آنها تنها کمک کردن به فرزند شـهید بوده یا همسـر او را هم شامل می‌شود و نیز باید سؤال کرد که آیا این هدیه به نسبت سهم‌الارث است یا بیشتر و کمتر؟

سؤال ۱۰۸۲. چگونگی ارث زن از شوهر ش در صورتی که وارث دیگری نباشد، بیان فرمایید.

جواب: اگر زوج از دنیـا برود یـک چهـارم مـال از آن زوجه و بقیه به امـام علیه السـلام تعلّق می‌گیرد. و در زمـان ما به دست حاکم شرع می‌رسد و چنانچه آن زن واقعاً نیازمند باشد، حاکم شرع می‌تواند همه یا قسمتی از آن را به او باز گرداند.

سؤال ۱۰۸۳. آیا در ازدواج دائم، مرد می‌تواند ضمن عقد با همسرش شرط کند

احکام خانواده، ص: ۴۹۰

که اگر زن وارث مرد شد، ارث خودش را به فرزند آن مرد که از زوجه مرحومه او باقی مانده است ببخشد و هبه کند؟

جواب: با توجّه به این‌که این شرط کاملًا مبهم است خالی از اشکال نیست.

سؤال ۱۰۸۴. شوهر این جانب، در سال ۶۳ فوت کرده است، بـا توجّه به این‌که من زن دوم ایشان بودم و عقـد این جانب به صورت

دائم بوده، فرزندانش دو سال بعد از فوت ایشان اموال وی را تقسیم کرده‌اند و به هیچ وجه حقّ مرا نداده‌اند، اموال آن مرحوم به شرح زیر می‌باشد:

الف) باغات پسته. ب) سه واحد منزل مسکونی که سند آنها به نام آن مرحوم است. ج) تراکتور با تمام وسایل. د) چاه و پمپ و ساختمان موتورخانه و امتیاز آب و برق و پروانه چاه. ه) اموال منقول و وسایل خانه. با توجّه به مطالب فوق‌الذّکر لطفاً به سؤالات زیر جواب دهید:

الف) آیا بنده از این اعیانی حقّی دارم و اگر دارم به چه صورت می‌باشد؟

جواب: یک هشتم از قیمت اعیانی و یک هشتم اموال منقول به هر دو زن می‌رسد که به‌طور مساوی میانشان تقسیم می گردد.

ب) با توجّه به این‌که در طول ۱۳ سال ارثیه مرا نداده‌اند، آیا درآمد این چند سال به من تعلّق می گیرد؟

جواب: نسبت به درآمد اموال منقول باید منافع این مدّت را بپردازند و احتیاط آن است که نسبت به اعیانی نیز همین کار را بکنند.

ج) آیا در دادن ارثیه، قیمت روز پرداخت ملاک می‌باشد یا قیمت روز مرگ میت و اگر قیمت روز مرگ میت ملاک است، آیا تورّم این چند سال محاسبه می‌شود؟

جواب: قیمت یوم‌الادا ملاک است.

سؤال ۱۰۸۵. اگر شوهر قسمتی از ثلث اموالش را به همسرش هبه کند؛ مشروط

احکام خانواده، ص: ۴۹۱

بر این که بعد از مرگ شوهر از هشت یک خود صرف‌نظر کند، آیا زوجه می‌تواند بعد از مرگ زوج درخواست هشت یک کند؟

جواب: زوجه باید به شرطی که با او شده عمل نماید و اگر به شرط عمل ننماید هبه از سوی ورثه قابل فسخ است.

سؤال ۱۰۸۶. آیا زن علاوه بر جهیزیه خود، مالک زیورآلات و طلاجاتی که شوهر مرحومش برای او خریده نیز می‌باشد؟

جواب: زیورآلات معمولًا ملک زن است؛ مگر این که شوهر تصریح کرده باشد که به عنوان امانت نزد اوست.

سؤال ۱۰۸۷. آیا بدهی متوفّی از کلّ ماترک، منقول و غیر منقول، پرداخت می‌شود یا فقط از منقول داده می‌شود؟

جواب: بدهی از کلّ ماترک پرداخت می‌شود.

سؤال ۱۰۸۸. آیا وسایل خانه، که از طرف بستگان اهدا می‌شود، مال شخص زن می‌شود، یا جزء ماترک است؟

جواب: وسایلی را که برای زن آورده‌اند مال زن می‌باشد، و وسایلی که برای مرد آورده‌اند مال اوست و اگر کسانی قصد هر دو کرده‌اند مال هر دوست.

سؤال ۱۰۸۹. شخصی در زمان حیات خود، صاحب قطعه باغی بوده است. ده سال پس از فوت نامبرده قطعه باغ مزبور در طرح ساخت و ساز شهری و در مسیر خیابان قرار گرفته است و شهرداری معادل آن، زمینی داده است، حال زمین مزبور به فروش رفته است، با توجّه به برگ حصر وراثت که یک هشتم اموال منقول و بهای اعیانی غیر منقول سهم زن قید گردیده و سند مالکیت زوجه نیز بر این اساس تنظیم شده، آیا زوجه آن مرحوم در ثُمن (یک هشتم) زمین که به جای درخت باغ داده‌اند ذی‌حق می‌باشد، یا ثُمن بهای اعیانی زمان بعد از فوت شوهرش ملاک می‌باشد و او ذی‌حق نیست؟

احکام خانواده، ص: ۴۹۲

جواب: آن زن مالک ثُمن بهای اعیانی در زمان فوت است و اگر با گذشت زمان قیمت اعیانی بالا رفته و زمین مزبور به عنوان قیمت آن پرداخت شده است، زن در آن زمین سهیم است.

سؤال ۱۰۹۰. شخصی از دنیا رفته است. وارث او همسر و دو برادرزاده و یک خواهرزاده‌اش می‌باشند. ترکه او عبارت است از آب، ملک و رودخانه؛ لطفاً نحوه تقسیم ارث را بیان فرمایید.

جواب: همسر او از زمین چیزی نمی‌برد؛ ولی اگر ساختمان و مانند آن دارد از قیمت آنها ارث می‌برد (به مقدار یک چهارم مال)، بقیه در میان برادرزاده‌ها و خواهرزاده تقسیم می‌شود. برادرزاده‌ها دو سهم و خواهرزاده یک سهم می‌برند، این در صورتی است که همه از یک پدر و مادر باشند، به‌علاوه زن از آب رودخانه هم سهم می‌برد.

سؤال ۱۰۹۱. آیا زوجه از سرقفلی املاک موقوفه ارث می‌برد؟

جواب: زوجه از سرقفلی ارث می‌برد، چه در املاک موقوفه و چه در غیر موقوفه.

سؤال ۱۰۹۲. هرگاه مردی از دنیا برود و ورّاث وی عبارت باشند از یک زوجه و چند فرزند صغیر و کبیر، و از متوفّی یک واحد مسکونی به عنوان ماترک باقی مانده باشد، با عنایت به این که زوجه حقّی نسبت به عین بناها نداشته و فقط در قیمت آن سهیم می‌باشد، آیا قبل و بعد از پرداخت حقّ زوجه، نامبرده می‌تواند به سکونت در آن منزل ادامه دهد، یا منوط به اذن سایر ورّاث می‌باشد؟

جواب: باید سایر ورثه اجازه دهند.

سؤال ۱۰۹۳. با توجّه به این که در کتب تفسیر، آیه ۱۲ سوره نساء را به طور مطلق تفسیر کرده‌اند، دلیل فقهی ارث بردن زوجه از قیمت هوایی بناها و درختان چیست؟

احکام خانواده، ص: ۴۹۳

جواب: دلیل این مسأله روایاتی است که از معصومین علیهم السلام رسیده، که آیات را تخصیص می‌زنند، و تخصیص آیات ارث منحصر به این مورد نیست، بلکه این مطلب در موارد متعدّد در فقه شیعه و اهل سنّت دیده می‌شود. برای آگاهی بیشتر به جواهر الکلام جلد ۳۹ مراجعه کنید.

سؤال ۱۰۹۴. میان زوجه مطلّقه‌ای، که همسرش فوت کرده، و ورثه شوهر وی در اصل طلاق اتّفاق نظر، و در زمان آن اختلاف وجود دارد. زوجه مطلّقه مدّعی وقوع طلاق در مرض منتهی به مرگ زوج می‌باشد، و ورثه مدّعی وقوع طلاق در زمان صحّت وی می‌باشند. قول کدام یک مقدّم است؟

جواب: زوجه باید اثبات کند که طلاق در مرض موت واقع شده، وگرنه حق ندارد، ولی بهتر این است که با ورثه بر مبلغی مصالحه کنند.

سؤال ۱۰۹۵. همسر اوّل شخصی به هنگام وضع حمل فوت می‌کند، سپس فرزندش فوت می‌نماید، شوهر یک سال پس از فوت تنها فرزندش با دختری ازدواج می‌کند، و بیست سال با هم زندگی می‌کنند، ولی صاحب فرزندی نمی‌شوند. اکنون شوهر فوت کرده است، ارث زن چگونه است؟

جواب: هر گاه شوهر در زمان مرگ هیچ فرزندی نداشته، یک چهارم اموال او (غیر از زمین) به همسرش می‌رسد، و بقیه متعلّق به ورثه دیگر است.

سؤال ۱۰۹۶. آیا سرقفلی قابل فروش است؟ آیا زوجه از آن ارث می‌برد؟

جواب: سرقفلی زمین و مغازه حکم زمین را ندارد، و همسر از آن ارث می‌برد، و با موافقت مالک، یا متولّی موقوفه، قابل فروش است.

سؤال ۱۰۹۷. آیا زن از آب قنات، یا چاه، ارث می‌برد؟

جواب: فقط از مقدار آبی که در حال مرگ شوهر در قنات یا چاه موجود است ارث می‌برد.

سؤال ۱۰۹۸. آیا همسر از چاه عمیق، قنات، آب جاری ارث می‌برد؟

احکام خانواده، ص: ۴۹۴

جواب: در صورتی که آب در زمین مباح جریان دارد، مانند آب نهرهای بزرگ، زن از عین آن ارث می‌برد، و اگر فرضاً شوهر وی در هفته دو ساعت آب را مالک بوده، باید یک چهارم یا یک هشتم آن را به زن بدهند. و اگر در زمینِ ملکیِ آن مرد، قنات یا چاه آب وجود دارد، زن از عین آن ارث نمی‌برد، ولی باید چاه و وسائل آن قنات را قیمت کنند، و سهم زن را از قیمت آن بپردازند.

سؤال ۱۰۹۹. آیا زوجه از پولی که عوض دیه خون شوهر گرفته‌اند، ارث می‌برد؟

جواب: آری از آن، مانند سایر اموال، ارث می‌برد.

سؤال ۱۱۰۰. زنی در زمان حیات شوهر مهریه‌اش را مطالبه نکرده است، آیا پس از فوت شوهر می‌تواند مطالبه کند؟ در صورتی که قابل مطالبه باشد، آیا در ردیف سایر بدهکاری‌های میت است، یا مقدّم بر آنها می‌باشد؟

جواب: مهریه مانند سایر دیون است، و باید از اصل ترکه پرداخته شود.

***

احکام خانواده، ص: ۴۹۵

واژه‌ها و اصطلاحات فقهی

الف

احتِلام: خارج شدن منی از انسان در حالت خواب.

احتیاط: رعایت تمام جوانب نمودن که در این صورت موجب اطمینان انسان به رسیدن به واقع می شود.

احتیاط لازم: احتیاط لازم آن است که قبل یا بعد از آن فتوایی از فقیه صادر نشده باشد.

احتیاط مستحب: احتیاط مستحب آن است که قبل یا بعد از آن فتوایی از فقیه در مورد آن صادر شده باشد.

احتیاط واجب: به معنای احتیاط لازم است که گذشت. در چنین مواردی مقلد می‌تواند به فتوای مجتهد دیگری که در رتبه بعد قرار دارد عمل نماید.

احتیاط را ترک نکند: اشاره به احتیاط واجب است.

ادِعا: چیزی را به نفع خود یا دیگری اظهار داشتن.

اذن: اجازه.

ارتِماس: فرو رفتن در آب برای غسل- فرو کردن دست و صورت در آب برای وضوء.

ارث: ماترک متوفی که برای ورثه باقی می‌ماند.

استِبراء: سعی در برائت و پاکی از آلودگی و نجاست. در سه مورد بکار رفته است:

احکام خانواده، ص: ۴۹۶

الف) استبراء از بول.

ب) استبراء از منی یعنی ادرار کردن پس از خروج منی به قصد اطمینان از اینکه ذرات منی در مجرای بول نمانده باشد.

ج) استبراء حیوان نجاستخوار یعنی باز داشتن آن از خوردن نجاست انسان تا وقتی که به خوراک طبیعی خود عادت کند.

استِحاضه: بطور کلّی تمام خونهایی که غیر از حیض و نفاس و زخم و دمل است و از رحم زن خارج می‌شود خون استحاضه است.

استِفتاء: مطالبه فتوا، سؤال کردن و کسب نظر مجتهد درباره حکم شرعی یک مسئله.

استِطاعَت: توانایی انجام فریضه حج از حیث بدن، مال و راه.

استِمتاع از همسر: لذت بردن از همسر.

استِمناء: انجام کاری با خود که موجب انزال منی می‌شود.

اشکال دارد: به معنای احتیاط واجب است که معنی آن گذشت.

اضطرار: ناگزیری، ناچاری.

اعلَم: عالم‌تر.

افضاء: باز شدن- یکی شدن و تداخل مجاری بول و حیض یا مجاری حیض و غائط یا هر سه مجری.

افطار: باز کردن روزه.

اقامه معروف: بپاداشتن کارهای واجب یا مستحب است.

اکتفا به رفع ضرورت کند: به اندازه ناچاری اکتفا کند و بیشتر از آن انجام ندهد.

الزام کردن: اجبار نمودن.

امرار معاش: گذراندن زندگی.

احکام خانواده، ص: ۴۹۷

امر به معروف: واداشتن افراد به انجام احکام و سنتی که از نظر شارع پسندیده است.

اموال محترمه: اموالی که بنابر ضوابط اسلامی دارای احترام است.

انتقال: جابجایی، جابجا شدن چیز نجس به نحوی که دیگر شیء اول محسوب نشود مانند انتقال خون انسان به پشه.

انزال: بیرون ریختن منی.

اورع: پرهیزکارتر. کسی که تقوای او بیشتر است.

اولی: سزاوارتر، بهتر.

اهل کتاب: غیر مسلمانی که خود را پیرو یکی از پیامبران صاحب کتاب می‌داند مانند یهودی و مسیحی.

ب

بالغ: فردی که به سن بلوغ رسیده باشد.

بَدل از وضوء: به جای وضوء. در جایی که آب نباشد وظیفه مکلف تیمم است و این تیمم جایگزین غسل یا وضو خواهد شد.

برائت ذمّه: در موارد شک، مکلف بایستی عمل را بگونه ای انجام دهد که یقین پیدا کند تکلیف خود را انجام داده است.

بعید نیست: فتوا این است (مگر قرینه‌ای بر خلاف آن در کلام باشد).

بُلوغ: رسیدن به حد تکلیف.

ت

تصدیق: گواهی نمودن، تأکید کردن.

تفریط: کوتاهی کردن، مسامحه نمودن.

احکام خانواده، ص: ۴۹۸

تقاص: قصاص کردن- تهاتر- مال مدیون را بابت طلب خودبرداشتن.

تقلید: تبعیت از فتاوی مجتهد و عمل نمودن به دستور وی.

تلقیح مصنوعی: نطفه مرد را با وسیله‌ای نظیر سرنگ به رحم زن رساندن.

تَمَکن: دارایی.

تَمکین: تن دادن (تبعیت از درخواست حلال همسر در مسائل جنسی).

تَیمُّم: در موارد عدم دسترسی به آب به جای وضوء و غسل در هفت مورد باید تیمم کرد.

تیمم بدل از غسل: در جایی که غسل، ممکن نباشد و یا آبی برای غسل موجود نباشد، تیمم جایگزین غسل خواهد شد.

تیمم جبیره‌ای: تیمم کسی که بر اعضاء تیمم او مرهم یا پوشش است.

تُوکیل: وکیل یا نماینده قرار دادن.

تُوریه: سخنی دو پهلو است که شنونده از آن چیزی می‌فهمد ولی مقصود گوینده چیز دیگری است.

تُهمت: افترا بستن، نسبت ناروا دادن.

ج

جاهل به مسئله: ناآشنا به مسئله. کسی که مسئله شرعی خود را نمی‌داند.

جاهل قاصر: جاهلی که در شرایط عدم امکان دسترسی به حکم خدا قرار دارد.

جاهل مقصر: جاهلی که امکان آموختن مسائل را داشته ولی در فراگیری آن کوتاهی کرده است.

جبیره: مرهم، پارچه و پوششی که زخم یا شکستگی را با آن ببندند.

جرح- جروح: جراحت، زخم.

احکام خانواده، ص: ۴۹۹

جُنُب: کسی که منی از او خارج شده یا با دیگری آمیزش کرده است.

جِماع: مقاربت، آمیزش جنسی.

ح

حائض: زنی که در عادت ماهیانه باشد.

حاکم شرع: مجتهدی که بر اساس موازین شرعی دارای قدرت بر فتوا است.

حج: زیارت خانه خدا وانجام اعمالی مخصوص در زمانی خاص.

حج نیابتی: زیارت خانه خدا به نیابت از طرف شخص دیگر.

حدث اصغر: هر امری که باعث ابطال وضو شود.

حدث اکبر: هر کاری که غسل برای نماز را سبب شود.

حرام: هر عملی که از نظر شرعی ترکش لازم باشد.

حَرَج: مشقت، سختی، دشواری.

حصه: سهم.

حیض: قاعدگی، عادت ماهیانه زنان.

خ

خالی از قوت نیست: فتوا این است.

خبره: کارشناس.

خبیث: پلید، زشت.

خسارت: زیان، ضرر.

خوف: ترس، هراس، واهمه.

خون جهنده: یعنی حیوانی که وقتی رگ گردن آن را ببرند خون از آن جستن می کند.

احکام خانواده، ص: ۵۰۰

د

دائمه: زنی که طی عقد دائم به همسری مردی در آمده باشد.

دُبُر: پشت، مقعد.

دعوی: دادخواهی.

دفاع: دفع دشمن، مقاومت در برابر دشمن.

دیه: مالی که بنابر تقویم شرعی به جبران خون مسلمان یا نقص بدنی او پرداخت شود.

ذ

ذِمّه: تعهد به ادای چیزی یا انجام عملی.

ذِمّی: کافران اهل کتاب مانند یهود و نصاری در مقابل تعهدشان نسبت به رعایت قوانین اجتماعی اسلامی از حمایت و امنیت حکومت اسلامی بر خوردار می‌شوند و در بلاد مسلمین زندگی خواهند کرد.

ر

رُجوع: باز گشتن، باز گشت.

رضاعی: همشیر، پسر و دختری که از یک زن شیر خورده باشند.

رفع ضرورت: بر طرف شدن حال اضطرار.

ریبه: خوف وقوع در گناه (نظر به ریبه).

ز

زینت: زیور، آرایش.

احکام خانواده، ص: ۵۰۱

س

سال شمسـی: مدت یک بار حرکت انتقالی زمین به دور خورشـید که ۳۶۵ روز و چنـد ساعت که برابر ۱۲ برج از فروردین تا اسفند می‌باشد.

سال قمری: مدت ۱۲ بار گردش ماه به دور زمین که ۳۵۴ روز و چند ساعت برابر ۱۲ ماه قمری از محرم تا ذی‌حجه می‌باشد.

سفیه: کم عقل، کسی که قدرت نگهداری مال خودش را ندارد و سرمایه‌اش را در کارهای بیهوده مصرف می کند.

سقط شده: افتاده، جنین نارس که قبل از موعد تولد از رحم خارج شده باشد.

ش

شاهد: گواه.

شهادت: گواهی دادن.

شهادتین: شهادت به یگانگی خداوند و رسالت رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله.

شیوع: شایع شدن، همگانی شدن.

شُهرت: مشهور شدن، آشکار شدن برای همه افراد.

شیر کامـل: منظور انجـام یافتن تمام شـرایط نه گانه‌ای است که در رساله برای مساله شـیرخوارگی گفته شـده و موجب محرم شـدن است.

ص

صحّت: درستی.

صغیره: دختری که به سن بلوغ نرسیده است.

صلح: سازش طرفین- اینکه کسی مال یا حق خود ر ابرای توافق و سازش به

احکام خانواده، ص: ۵۰۲

دیگری واگذار کند.

صیغه: خواندن کلماتی که وسیله تحقق عقد است.

ض

ضامن: عهده‌دار- متعهد.

ضرورت: وجوب، حتمیّت.

ضروری دین: آنچه بدون تردید جزء دین است مانند وجوب نماز و روزه. که اگر انکار آن باعث انکار نبوت شود چنین شخصی از اسلام خارج می‌شود.

ط

طلاق: رهایی، گسستن پیمان زناشویی.

طلاق بائن: طلاقی است که پس از آن مرد حق رجوع به همسرش را ندارد.

طلاق خلع: طلاق زنی که به شوهرش مایل نیست و مهر یا مال دیگرش را در قبال این کراهت به او می‌بخشد تا طلاق بگیرد.

طلاق رجعی: طلاقی است که مرد در عده زن می‌تواند به او رجوع نماید.

طلاق مبارات: طلاقی است که در نتیجه عدم سازش زن و مرد با یکدیگر و دادن مقداری مال از طرف زن به شوهر واقع می‌شود.

طواف نساء: آخرین طواف حج و عمره مفرده است که ترک آن موجب استمرار حرمت همبستری و سایر مناسبات همسری برای طواف کننده با همسرش می‌شود.

طهارت: پاکی- حالتی معنوی که در نتیجه وضوء و غسل یا تیمم حاصل شود.

طهارت ظاهری: چیزی که بر اساس نظر شارع مقدس محکوم به پاکی است هر چند در واقع نجس باشد مثل اینکه شخصی وارد خانه مسلمانی شود مادام که او نجاست چیزی را مطرح ننماید تمام اشیاء آن خانه محکوم به پاکی است.

احکام خانواده، ص: ۵۰۳

ظ

ظاهر این است: فتوا این است (مگر اینکه در کلام قرینه‌ای برای مقصود دیگر باشد)

ع

عادت ماهیانه: قاعدگی، حیض.

عادت وقتیه و عددیه: زن‌هایی که عادت ماهیانه آنها دارای وقت مشخص و مقدار زمان معین باشد، عادتشان «وقتیه و عددیه» است.

عادل: شخصی که دارای ملکه عدالت است.

عاریه: دادن مال خود به دیگری برای استفاده موقت و بلا عوض از آن.

عاقله: مردان خویشاوند نسبی از طرف پدر.

عاصی: عصیان کننده، کسی که نسبت به احکام الهی نا فرمان است.

عرف: فرهنگ عموم مردم.

عرق جنب از حرام: عرقی که پس از آمیزش نامشروع یا استمناء از بدن خارج گردد.

عزل: کنار گذاشتن چیزی. الف) انزال نمودن در خارج از رحم برای جلوگیری از آبستنی زن. ب) برکنار کردن وکیل یا مأمور خود از کار مانند بر کناری وصی یا متولی خائن توسط حاکم شرع.

عُسر و حَرَج: مشقت وسختی.

عُسرَت: سختی، تنگدستی.

عقد: گره، پیمان زناشویی، پیوند.

عقد بیع: قرارداد خرید و فروش.

عقد دائم: ازدواج دائم.

احکام خانواده، ص: ۵۰۴

عقد غیر دائم: ازدواج موقت، متعه، صیغه.

عمل به احتیاط: ملکف تکلیف خود را بگونه‌ای عمل نماید که یقین پیدا کند تکلیف شرعیش را انجام داده است. طریقه احتیاط در کتاب‌های فقهی مطرح شده است.

عنین: مردی که قادر به انجام آمیزش جنسی نیست.

عورت: اعضاء تناسلی.

عهد: پیمان، تعهد انسان در برابر خداوند برای انجام کار پسندیده یا ترک ناپسند که با صیغه مخصوص اداء می‌شود.

عیال: زن، همسر، نان خور.

غ

غایب شدن: پنهان شدن، غایب شدن شوهر برای مدتی معین که موجب در خواست طلاق زوجه از حاکم شرع می‌شود.

غائط: مدفوع.

غَرَض عقلایی: هدفی که از نظر عقلا قابل قبول و پسندیده باشد.

غُساله: آبی که معمولًا پس از شستن چیزی خود به خود یا با فشار از آن خارج می‌شود.

غسل: شستن، شستشو، شستشوی بدن با کیفیت مخصوصی که بر دو نوع است:

۱. ترتیبی. ۲. ارتماسی.

غسل واجب: غسلی که انجام دادن آن الزامی است.

غسل مستحب: غسلی که به مناسبت ایام و لیالی خاص یا عبادات و زیارات مخصوص یا افعال خاص مستحب است، مانند غسل جمعه و غسل زیارت

احکام خانواده، ص: ۵۰۵

وغیره.

غسل ارتماسی: به نیت غسل یک مرتبه در آب فرو رفتن.

غسل ترتیبی: به نیت غسل، اول سر و گردن، بعد طرف راست و سپس طرف چپ را شستن.

غسل جبیره: غسلی که با وجود جبیره بر اعضای بدن انجام می گیرد.

غُلات: گروهی از مسلمانان هستند که درباره امیرالمومنین علی علیه السلام یا سایر ائمه علیهم السلام غلو می‌کنند و آن حضرت را خدا می‌شمارند یا صفات مخصوص خداوند برای آنها قائل می‌شوند.

ف

فتوا: رأی مجتهد در مسائل شرعیه.

فجر: سپیده صبح.

فجر اول و دوم: نزدیک اذان صبح از طرف مشرق سپیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند که آن را فجر اول یا صبح کاذب می گویند. موقعی که آن سپیده گسترده شد، فجر دوم یا صبح صادق و اول وقت نماز صبح است.

فَرج: معمولا به عورت زن گفته می‌شود.

فرض: امر الزامی، امری که انجام یا ادای آن واجب است.

فُقاع: آب جو.

فقیر: محتاج، کسی که نیازمند تأمین مخارج سال خود و عیالاتش است. و چیزی هم ندارد که به طور روزانه قادر به تأمین هزینه زندگیش باشد.

فی سبیل اللَّه: به کارهایی که جنبه دینی داشته باشد و نفع آن عام باشد، گفته می‌شود.

احکام خانواده، ص: ۵۰۶

ق

قُبُل: پیش (کنایه از عضو جنسی که در جلو بدن زن یا مرد قرار دارد).

قتل: کشتن.

قتل نفس محترمه: کشتن کسی که خونش از نظر شرعی محترم است و نباید کشته شود.

قروح: دملها، زخم‌های چرکین.

قریب: نزدیک به واقع و حقیقت.

قرینه: نشانه، علامت، همانند.

قسامه: قسم یاد کردن شهود در مورد جنایات در دادگاه که شرایط خاص دارد.

قصاص: کیفر، نوعی از مجازات است که مشابه با جنایت انجام شده می‌باشد مثل اینکه شخصی کسی را عمداً بکشد که اولیای دم حق دارند او را زیر نظر حاکم شرع بکشند.

قصد انشاء: تصمیم به ایجاد معامله یا مانند آن همراه با صیغه معینی.

قصد قربت: یعنی عمل خود را برای خدا بجا آورد.

قضاء: ۱. بجا آوردن عملی که در وقت فوت شده است. ۲. قضاوت کردن.

قَیِّم: سرپرست، کسی که بر اساس وصیت یا حکم حاکم شرع مسئول امور صغیر یا مجنون یا بیماری می‌شود.

ک

کافر: کسی که اعتقاد به توحید و نبوت یا هر دوی آنها ندارد، یعنی:

۱. کسی که وجود خدا را انکار می‌کند.

۲. کسی که برای خدا شریک می‌تراشد.

احکام خانواده، ص: ۵۰۷

۳. کسی که پیغمبری پیغمبر اسلام را قبول ندارد.

۴. کسی که در امور فوق شک دارد.

۵. کسی که منکر ضروری دین است و انکار اوبه انکار خدا و رسول صلی الله علیه و آله می‌انجامد.

کافر حربی: کافری که با مسلمین در حال جنگ می‌باشد.

کافر ذمی: اهل کتابی که در بلاد اسلامی با شرایط مخصوص اهل ذمه در پناه حکومت اسلامی قرار گرفته و زندگی مسالمت آمیزی دارند.

کفالت: ضمانت.

کفیل: ضامن.

کیفیت: چگونگی.

ل

لازم: واجب.

لازم الوفاء: باید به آن عمل شود.

لغو: بی‌فایده، بی‌معنا، بیهوده.

م

ما به التفاوت: مقدار تفاوت بین دو شیء.

مال المصالحه: مالی که مورد صلح میان دو یا چند نفر قرار گرفته است.

مالیت شرعی: چیزهایی که از نظر شارع مقدس مال محسوب می‌شود.

مالیت عرفی: چیزهایی که از نظر فرهنگ عموم مردم (عرف) مال محسوب می‌شود. هر چند از نظر دین اسلام مالیت نداشته باشد، مثل مشروب.

ماه هلالی: ماه قمری، مدت ۲۹ یا ۳۰ روز از رویت هلال ماه تا هلال دیگر که

احکام خانواده، ص: ۵۰۸

یک ماه (یا «شهر» در زبان عرب) است و تکرار ۱۲ بار آن، سال قمری است از محرم تا ذی الحجه.

مؤونه: مخارج یا هزینه زندگی.

مباح: هر فعلی که از نظر شرعی انجام آن جایز است.

مبتدئه: زنی که برای اولین بار عادت شود.

مبطلات: اموری که باطل کننده عبادت می‌باشد.

متعه: زنی که با عقد موقت به همسری مردی در آمده است.

متولی: سرپرست اوقاف.

مجتهد: کوشا، کسی که در فهم احکام الهی به درجه اجتهاد رسیده، یعنی دارای قدرت علمی مناسبی است که می‌تواند احکام اسلام را از روی کتاب و سنت و عقل و اجماع استنباط نماید.

مجتهد جامع‌الشرائط: مجتهدی است که شرایط مرجعیت تقلید را دارا می‌باشد.

مجرای طبیعی: مسیر طبیعی هر چیز.

مجزی است: کافی است، ساقط کننده تکلیف است

محتلم: کسی که در خواب از او منی خارج شده باشد.

محذور: مانع.

مُحَرَّم (مُحَرَّمات): چیزی که حرام است، اولین ماه از سال قمری.

مَحرَم: فامیل های نزدیک نسبی و بعضی از فامیلهای سببی، کسانی که ازدواج با آنها حرام ابدی است مانند: خواهر، مادر، دختر و دختر دختر، عمه و عمات، خاله و خالات، ربائب، مادر زن و مادر او، دختر و خواهر رضاعی.

مُحرِم: کسی که در حال احرام حج یا عمره باشد.

محجور: کسی که از تصرف در اموال ممنوع شود.

احکام خانواده، ص: ۵۰۹

محظور: ممنوع.

محل اشکال است: باید احتیاط کرد.

مخیر است: یعنی مقلد می‌تواند یک طرف را انتخاب کند.

مخرج بول و غائط: مجرای طبیعی خروج ادرار و مدفوع.

مدعی: خواهان، کسی که برای خودش حقی قائل است.

مَذی: رطوبتی که پس از ملاعبه از انسان خارج می گردد.

مُرتد: مسلمانی که منکر خدا و رسول یا حکمی از ضروریات دین شده که انکارش به انکار خدا و رسول باز می گردد.

مرتد فطری: کسی که از پدر یا مادر مسلمان متولد شده و خودش نیز مسلمان بوده و سپس از دین خارج شده است.

مرتد ملی: کافری که از پدر و مادر غیر مسلمان متولد شده ولی پس از قبول اسلام مجدداً کافر گردیده است.

مرجوح (مرجوح شرعی): چیزی که کراهت شرعی داشته باشد.

مس: لمس کردن.

مستحب: پسندیده، مطلوب، چیزی که مطلوب شارع است ولی واجب نیست.

مصالحه: سازش، آشتی؛ معمولا در امور مالی بکار می‌رود.

مُضطَربه: زنی که عادت ماهیانه اش بی نظم است.

احکام خانواده ؛ ص۵۰۹

مُفلس: کسی که دارائیش کمتر از بدهکاریش می‌باشد.

مقررات شرعیه: آنچه از طرف خداوند به عنوان تکلیف شرعی معین گردیده است.

مکروه: ناپسند، نامطلوب، آنچه انجام آن حرام نیست ولی ترکش بهتر است.

مکلف: هر انسانی که بالغ و عاقل است.

احکام خانواده، ص: ۵۱۰

مُلاعبه: بازی کردن، معاشقه کردن.

مُمَیِّز: خردسالی که خوب و بد را تمیز می‌دهد.

ن

ناسیه: زنی که وقت عادت ماهیانه خود را از یاد برده است.

نظر به ریبه: نگاهی که موجب فتنه و فساد شود.

نجس: پلید، ناپاک.

نفاس: خونی که پس از زایمان از رحم زن خارج می گردد.

نفساء: زنی که خون نفاس ببیند.

نکاح: ازدواج کردن، زناشویی.

نماز مستحب: هر نمازی که بجا آوردن آن پسندیده است ولی واجب نیست.

نهی از منکر: باز داشتن دیگران از هر عملی که به حکم شارع ناپسند است.

نیت: قصد، تصمیم انجام عمل دینی با هدف تقرب به خداوند.

و

واجب: هر امری که انجام آن از نظر شرع الزامی و اجباری است.

واجب تخییری: واجب بودن یکی از دو یا چند چیز.

واجب عینی: واجبی که برهر فردی با قطع نظر از دیگران واجب است مانند نماز و روزه.

واجب کفایی: واجبی که اگر به حد کافی کسانی نسبت به آن اقدام نمایند از دیگران ساقط شود مانند غسل و سایر تجهیزات میت که بر همه واجب است ولی وقتی که یک نفر یا عده ای اقدام کنند، از دیگران ساقط می‌شود.

واجب مُوَسَّع: واجبی است که وقت انجام آن وسیع است مانند نماز ظهر و

احکام خانواده، ص: ۵۱۱

عصر که از ظهر تا غروب وقت دارد.

واجب مُضَیَّق: واجبی است که دارای وقت مشخص و محدود است مانند روزه گرفتن در ماه رمضان.

وُرّاث: کسانی که ارث می‌برند.

واقف: وقف کننده.

وثیقه: سپرده، گرویی.

وَدی: رطوبتی که گاهی پس از خروج بول مشاهده می‌شود.

وَذی: رطوبتی که گاهی پس از خروج منی مشاهده می‌شود.

وصی: کسی که مسئول انجام وصیتی شود.

وصیت: سفارش، توصیه هایی که انسان برای کارهای پس از مرگش به دیگری می کند.

وطی: پایمال کردن و گاه کنایه از عمل جنسی است.

وکیل: نماینده، کسی که از طرف شخصی اختیار انجام کاری را داشته باشد.

ولی (یا قیم): کسی که به دستور شارع مقدس، سرپرست دیگری است مانند پدر و پدر بزرگ و مجتهد جامع‌الشرایط.

ه

هبه: بخشش

هدیه: تحفه، ارمغان.

ی

یائسه: زنی که سنش به حدی رسیده که دیگر عادت ماهیانه نمی‌شود.

هو ولّی التوفیق

«ما توفیقی إلا باللّه علیه توکلت و الیه انیب»

---

[۱] (۱). من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۷۰

[۲] (۱). سوره نور، آیه ۳۱

[۳] (۲). سوره نور، آیه ۳۱

[۴] (۱). وسائل الشیعهٔ، ج ۱۴، ابواب مقدمات النکاح، باب ۸۰، ص ۱۱۳

[۵] (۱). احادیثی به این مضمون در کتاب وسائل الشیعه، ج ۱۵، ابواب مهور، باب ۵ آمده از جمله حدیث ۸

[۶] (۱). احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۳۶۷

[۷] (۲). مهرالسنه در تیرماه ۱۳۸۸ حدوداً معادل پانصد و بیست و نه هزار تومان بوده است

[۸] (۱). وسائل الشیعهٔ، ج ۱۴، ابواب مقدمات النکاح، باب ۸۹، ح ۱

[۹] (۲). سوره روم، آیه ۲۱

[۱۰] (۱). مهرالسنه در تیرماه ۱۳۸۸ حدوداً معادل پانصد و بیست و نه هزار تومان بوده است

[۱۱] (۱). کافی، ج ۵، ص ۵۰۰، ح ۱.

[۱۲] (۱). کافی، ج ۵، ص ۵۰۰، ح ۲

[۱۳] (۱). کفّاره آن، در ثلث اوّل روزهای حیض، یک مثقال طلای سکّه دار، یا قیمت آن است(مثقال شرعی ۱۸ نخود می‌باشد) و اگر در ثلث دوم باشد نیم مثقال و اگر در ثلث سوم باشد یک چهارم مثقال است

[۱۴] (۱).« وسیله داخل رحمی جهت جلوگیری از بارداری و مخفف جمله»« است

[۱۵] (۱).« مخفف جمله»«

[۱۶] (۱). شرح بیشتر را در کتاب« حیله‌های شرعی و چاره‌جویی‌های صحیح» مطالعه فرمایید

[۱۷] (۱). جواهرالکلام، ج ۳۱، ص ۲۶۲

[۱۸] (۲). مغنی ابن قدامه، ج ۱، ص ۱۰۰ و ۱۰۱

[۱۹] (۳). وسائل الشیعهٔ، ج ۱۵، ابواب الاولاد، باب ۵۶، ص ۱۶۶

[۲۰] (۴). مسند احمد، ج ۵، ص ۷۵

[۲۱] (۱). حلیهٔ المتقین، ص ۱۵۳ و ۱۵۴:« به نام خدا و به یاری خدا، خدایا این عقیقه از طرف فلانی است(نام آن فرزند را بگوید) گوشتش به جای گوشت او و خونش به خون او و استخوانش به استخوان او. خدایا قرارش ده نگهدار آل محمد علیهم السلام»

[۲۲] (۱). حلیهٔ المتقین، ص ۱۵۳ و ۱۵۴:« ای مردم من بیزارم از آنچه شما شریک خدا سازید من رو کنم به سوی کسی که آفرید آسمانها و زمین را یک دل در حال تسلیم و نیستم من از مشرکان همانا نماز و عبادتم و زندگی و مرگم از آن خدا پروردگار جهانیان است که شریک ندارد و به همین دستور دارم و از مسلمانانم خدایا از تو و برای توست به نام خدا و به یاری خدا و خدا بزرگ‌تر است خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و بپذیر از فلانی پسر فلانی و به جای فلان بن فلان نام فرزند و پدرش را

ببرد، آنگاه آن را ذبح کند»

[۲۳] (۱). وسائل الشیعهٔ، ج ۱۵، ابواب احکام الاولاد، باب ۸۱، ح ۶ و ۷

[۲۴] (۱). سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۷۲، ح ۲۰۸۱؛ المعجم الکبیر للطبرانی، ج ۱۱، ص ۳۰۰، ح ۱۸۰۰؛ الدارقطنی، ج ۴، ص ۲۴، ح ۳۹۴۷؛ سنن بیهقی، ج ۷، ص ۳۶۰؛ کنزالعمال، ج ۹، ص ۶۴۰، ح ۲۷۷۷۰

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹